



انتشارات دانشگاه شیراز

۱۳۰

واژه نامه

شایسته شایسته

تألیف

دکتر محمود طاهری

A GLOSSARY OF
ŠĀYIST NĒ ŠĀYIST

A pahlavi - persian Glossary
and Six indexes

By

Mahmood Tavoossi



★ 2 2 2 7 7 6 0 ★

تقديم به استاد جناب آقای دکتر ماهیار نوایی

م. طاووسی

شیراز

نام کتاب . واژه نامه شایست نشایست

مؤلف دکتر محمود طاووسی

حروف چینی و صفحه آرای . هما

چاپ اول ، تابستان ۱۳۶۵

تعداد یک هزار جلد

چاپ و صحافی . سازمان چاپ دانشگاه شیراز

بها ۹۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب کتاب

یک	پیشگفتار
ده	نشانه‌ها
یازده	کوتاه نوشت های فارسی
دوازده	کوتاه نوشت های خارجی
پانزده	منابع و مآخذ به زبان فارسی
هیجده تا بیست و چهار	منابع و مآخذ به زبانهای خارجی

متن واژه نامه

۳۴۲	از ص ۱ تا	
۹۵	تا	۱
۱۱۳	تا	۹۶
۱۴۴	تا	۱۱۴
۱۵۴	تا	۱۴۵
۱۶۱	تا	۱۵۵
۱۷۱	تا	۱۶۲
۱۹۴	تا	۱۷۲
۲۰۶	تا	۱۹۵
—	تا	۲۰۷
۲۲۰	تا	۲۰۸
۲۳۵	تا	۲۲۱
۲۵۵	تا	۲۳۶
۲۹۱	تا	۲۵۶
۳۴۲	تا	۲۹۲
۳۷۵	فهرست واژگان فارسی ۲۴۳ تا	

Index

2-44

45-52

53-65

66-68

69-74

فهرست واژه های پهلوی کتاب

فهرست واژه های فارسی میانه ترفانی

فهرست واژه های اوستایی

فهرست واژه های فارسی باستان

فهرست واژه های سنسکریت

بنام ایزد بختایشگر

پیشگفتار

کتاب فارسی میانه که امروز با نام "شایست نه شایست" معروف شده، در اصل و چنانکه در دستنویسهای موجود از آن دیده می شود دارای این نام نیست و تنها در دستنویسی که به نشان M (۱) معروف است کتاب چنین آغاز شده است:

rivāyat dar pahlavī az avistā ud zand.

یعنی: این کتاب روایت در پهلوی از اوستا و زند [است]. و نیز در آغاز فصل یازدهم همان دستنویس (که گروهی آن را جزو اصل کتاب نمی دانند و شرح آن در دنبال گفته خواهد شد) پارسی خوانیم:

ēn rivāyat ast az avistā ud zand

و به سبب نقل قول ها و روایت هایی که از طرف موبدان بزرگ زردشتی در این کتاب شده، گروهی از دانشمندان اروپائی آن را "روایت پهلوی" می خوانند. (۲) لکن دستوران پارسی آورده پیش، این متن را شایست لا شایست، یا شایست نا شایست نامیده اند (۳) که این نام

1. The MS. 51 of the Iranian collection in the State Library at Munich.
2. M. Hauge E. West: *Essays on the Sacred Language. Writings and Religion of the Parsis*. Bombay 1878. p. 106.
3. *The Sacred Books of the East*. V. India 1965, p. 17.

با توجه به محتویات کتاب که معمولاً "در پاسخ سوالات گفته می شود که این کار شاید و آن یک نشاید می تواند نامی گویا برای آن باشد

کتاب دیگر که مشابه این متن است و به نام "صدر در نشر" نامیده می شود (۱) و به زبان فارسی است این چنین آغاز می شود "این کتاب صد در شایست و نه شایست که از دین به مزدیستان بیرون آورده شده است" و Dhabhar ناشر کتاب، در مقدمه آن عقیده دارد (اگرچه نه بایقین) که این اشاره به همین متن (شایست نه شایست) و ترجمه کوتاهی است به فارسی از آن. در هر صورت چون از صد سال پیش تا کنون این کتاب راجعی از ایران شناسان و پژوهشگران زبان پهلوی و دین زردشتی، "شایست نا شایست" نامیده اند و به همین نام هم معرفی شده باید آن را پذیرفت.

در کتاب "زبان و ادبیات پهلوی، فارسی میانه (۲) تاوادی نوشته است. این کتاب که به روایت معروف است... از نظر زبان بسیار عالی است و از نظر موضوع هم بسیار مهم است. متنی که اساس کار ما برای فراهم آوردن این واژه نامه قرار گرفته کتابی است که M.B. Davar با نام : Šāyast la Šāyast در سال ۱۹۱۲ در بمبئی از روی چند دستنویس موجود در کتابخانه های زرتشتیان هند فراهم آورده که کلاً "دارای ۲۳ فصل می باشد. لکن گروهی از محققین معتقدند که اصل کتاب فقط ۱۰ فصل است و ۱۳ فصل دنبال آن، متمم یا مکمل این کتاب بوده است. ۱۰ فصل اول کتاب رانخت پروفیسوروست در مجموعه کتابهای مقدس شرق (۳) به عنوان اصل کتاب ترجمه و آوانویسی و چاپ کرده است و بعد از وی، تاوادی (J.C. Tavādia) همان کار را به نحو کاملتری انجام داده است و سپس ۱۳ فصل بعدی را هم کوتوال (Firoz M.P. Kotwal) به چاپ رسانیده است (شرح هر یک بعداً می آید). ما در تنظیم این واژه نامه هر دو قسمت کتاب یعنی تمام ۲۳ فصل را که "داور" به چاپ رسانیده اساس کار قرار داده ایم

1. B.N. Dhabhar, *Sad dar Naar, Sad dar Bundaheesh*, Bombay 1909.

۲- تاوادی ج، زبان و ادبیات پهلوی، ترجمه س. نجم آبادی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸، تهران ص ۲۵-۱۸

3. *The Sacred Books of the East* Vol. V.

مطالب کتاب

این کتاب بیشتر درباره گناهان و کیفرهای هم ارز آن ها. نساورین (مردارو ناپاکی) روش برداشتن مردگان از زمین و دستورهای ویژه در این باره. پایه های گناه (براساس و با توجه به مطالب ویدوات) سگ دید و مراسم آن، انواع سگ ها و پرندگانی که از آن ها در این آیین می توان استفاده کرد، ریمنی که از نسا باقی می ماند و روش پاک سازی و تطهیر آن (بخش ۲ کتاب) مراسم نشوه یا نه شبه. پاک نگاهداشتن آتش و جامه و آب و زمین از نسا. انواع آلودگیهایی که در اثر تماس مستقیم یا غیر مستقیم با نسا حاصل می شود. گناه کسانی که بر خلاف شریعت، مرده را یک تنه حمل می کنند از نظر دستوران بزرگ زردشتی. زن دشتان و برهیدار او و تکلیف وی در زمان دشتان (حیض) بودن. پاک شدن وی. همبستری با او و گناه و کیفر این کار و سرانجام آیین برشوم و مراسم پییگ. ناپاک شدن حیوان لاشه خوار. تطهیر انواع فلزات و جامدات. رفع آلودگی آب، برسم، و گیاه و زمین. روش قربانی کردن و اینکه هر یک از حیوان قربانی باید به نام و یاد چه ایزدی داده شود. تقسیم بندی گاهان و آغاز و انجام هر یک. مختصری در باره گاه شناسی و نجوم و بسیاری از باورهای غیر دینی و دینی نیاکان زردشتی ما است که کم و بیش مقداری از آنها هم اکنون در فرهنگ عامه و اعتقادات دینی جای جای این سرزمین دیده می شود. که چنانکه فهرست مطالب کتاب دقیقاً نوشته شود خود چندین صفحه خواهد شد (امید است که در چاپ متن و ترجمه کتاب این کار انجام گیرد)

نویسنده کتاب و تاریخ نگارش آن

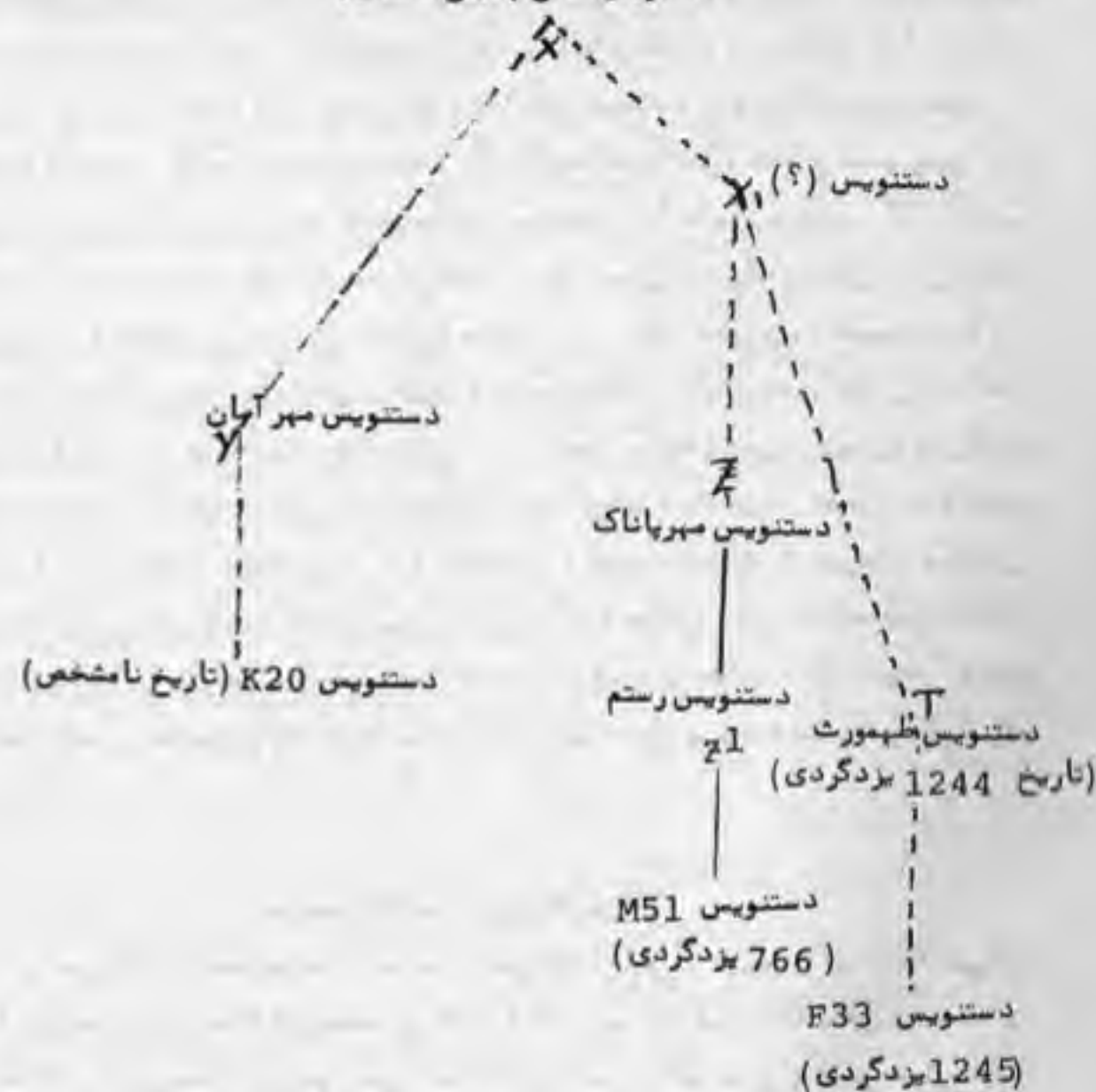
در هیچ یک از دستنویس های باقیمانده این کتاب نامی از نویسنده آن دیده نمی شود و تنها در بخش دوم بند ۴۴ نویسنده از خود با نام دهر یاد می کند که نشان دهند این است که کاتب (یا نویسنده) نیز خود کسی است که می تواند در امور شرعی و فقهی اظهار نظر کند و دیگر به صراحت نام خود را نمی برد.

تاریخ نگارش آن نیز روشن نیست. گنستانتین اینوسترانستف نویسنده کتاب "تحقیقاتی در باره ساسانیان" تاریخ نگارش این کتاب را بین قرن هفتم تا نهم میلادی میداند. (۱)

۱- گنستانتین اینوسترانستف، تحقیقاتی در باره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم زاده -

گوتوال قدیمترین دستنویس این کتاب را که ظاهراً "از روی نسخه‌اصلی با چهار دستنویس فاصله نوشته شده و تاریخ دارد دستنویس M51 (۱) می‌داند که تاریخ ۷۶۶ یزدگردی را دارد بدین شرح:

دستنویس اصلی (تاریخ نامعین)



و از آنجا که در متن کتاب نه به صراحت و نه به اشاره هیچ گفتگویی از اسلام نمی‌شود می‌توان احتمال داد که متن در دوران متاخر ساسانیان (پیش از اسلام) فراهم آمده باشد.

ایران‌شهر، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱ تهران.

۱- نک. زیرنویس شماره ۱ ص ۱، این گفتار.

چاپ های کتاب

این متن با توجه به اهمیتی که از نظر باورهای کهن دارد، همواره مورد توجه دانشمندان و روشنی و ایران‌شناسان و پژوهشگران غیرزردشتی بوده است. چه افزون بر ارزش وازگانی کتاب که نوشته‌اند بین ده تا سیزده هزار و هشتصد واژه (۱) است در بردارنده باورها و آئین‌ها و مراسم مذهبی گوناگونی است که پیش از ظهور دین مبین اسلام پدران ما به آن ایمان داشته‌اند و بدان رفتار می‌کرده‌اند که هم از نظر مطالعه در روحیات و اعتقادات مردم ایران زمین یک هزار و چند صد سال پیش شایان توجه است و هم برای پژوهشگران در فرهنگ عامه و تاریخ فرهنگ ایران.

چاپهای کتاب به ترتیب تاریخ چاپ عبارتست از:

۱- چاپ پروفیسور وست در سال ۱۸۸۱ با نام: E.W. West: *Šāyast lā Šāyast: The Proper and Improper. An Old Pahlavi Rivayat.* که در بخش دوم کتاب پنجم از مجموعه کتابهای مقدس شرق: (Sacred books of the East. Vol. V) نخست در سال ۱۸۸۱ و سپس در دلهی به سال ۱۹۶۲ چاپ شده است.

پروفیسور وست آن را با توجه به ۷ دستنویس به انگلیسی ترجمه کرده است (نک. ص ۲۳۸ همان کتاب) لکن وی، متن با آوانویسی از آن را به دست نداده و چنانچه بخواهیم بحثی انتقادی درباره آن در اینجا بکنیم به درازا می‌کشد، لکن جای مواردی از اشتباهات او را در این واژه نامه یاد کرده‌ایم.

۲- در سال ۱۹۱۲ داور متن پهلوی کتاب را با نام:

M.B. Davar: *ŠĀYAST LA ŠĀYAST*. Bombay 1912.

با توجه به دستنویس‌های موجود در هند و اروپا فراهم آورده و موارد اختلاف آن‌ها را در پانویس کتاب نشان داده، که اساس کار ما نیز کلاً "همین متن بوده است". کتاب مقدمه ندارد و نگارنده عکسی از این کتاب را از اروپا بوسیله استاد بزرگوارم آقای دکتر ماهیارنوبی دریافت داشتیم.

1. M. Hauge. *Essays on the Sacred language Writing & Religion of the Parsis.*

و تفکیک صداها از یکدیگر در هنگام نوشتن واژه ها درواژه نامه بعداً "برای مراجعه کننده به کتاب تولید اشکال فراوان می کند و نیز چنانکه بین اغلب دانشمندان پهلوی دان رسم است روش کار دنبال هم آوردن واژگان تنها با شکل ظاهری هر نشانه (حرف) بدون توجه به صدای آنها می باشد، یعنی مثلاً " این واژه: 𐭠𐭣𐭥𐭥 = خ + ش + ت. xīšt : خشت، پیش از این واژه 𐭠𐭣𐭥𐭥 : ه + ش + ت. hāšt = هشت (۸) نوشته شده که در این صورت تنها با توجه به شکل واژه، مراجعه کننده به کتاب به آسانی (تنها با توجه به شکل) می تواند واژه مورد نیاز را پیدا کند.

۳- پژوهشگران و آشنایان به خط و زبان پهلوی می‌دانند که این خط دارای دو نوع واژه‌هاست: یکی واژه‌های اصلی (ایرانی) که آنچه نوشته می‌شود خوانده می‌شود مانند $me + e = me$ یا $ab : \bar{a}b$: آب یا مره = $me + e + i$ زاید (که خوانده نمی‌شود) $\bar{a}z$: آز، طمع و دیگر واژه‌هایی که عاریتی به زبان پهلوی آمده و آنچه خوانده می‌شود جز آن است که نوشته شده مانند $me + (l + k) = me$ که لا خوانده نمی‌شود بلکه ne : نه، خوانده می‌شود که این قبیل واژه‌ها را هزارش می‌گویند. لذا برای مشخص شدن این قبیل واژگان (هزارش‌ها) حرف نویسی : (transliteration) آن را با حروف بزرگ جلو هر واژه نوشتیم (علاوه بر آنکه در جلوی این قبیل واژه‌ها نشانه "هز (هزارش) آورده شده تا مراجعه‌کننده به آسانی این نوع واژه‌ها را بشناسد در حالی که واژه‌های معمولی را تنها آوانویسی (transcription) کردیم مثلاً $hāduxt$: که چون اغلب هر حرف در آوانویسی، مقابل نشانهای که در واژه به کار رفته است قرار می‌گیرد از حرف نویسی برای این قبیل واژه‌ها اجتناب کردیم

۴- آنان که با خط پهلوی آشنایی دارند میدانند که گاهی دردنبال بعضی واژه‌ها یک (۱) زاید می‌آید و خوانده نمی‌شود مانند همان واژه بالا که گاهی ممکن است به شکل **𐭥𐭩𐭮𐭥𐭬** هم بیاید و این قبیل (۱) زاید، بویژه دردنبال هزاروارشها و مصدرهای افعال دیده می‌شود.

۵- از آنجاکه صورت ملفوظ واژه پهلوی در زمان نوشتن و کاربرد آن برای محققین امروز روشن نیست و زبان همواره در تحول بوده است و نوشتار واژه فقط صورت کتابت تاریخی آن را نشان می‌دهد نه صورت ملفوظ آن را ناچار در آوانویسی به متون فارسی میانهمانوی ترفانی توجه شده که در آن تقریباً "صورت ملفوظ واژه نوشته می‌شده و سپس صورت فارسی دری آن را (چنانچه امروز وجود داشته باشد) مقابلش نوشتیم و گرنه معنی کنونی آن قید شده است. مثلاً "برای مورد اول: x^vēškārīh: خوشکاری، وظیفه شناسی. یا

۳- تاوایا برای درجه دکتراى خود به راهنمایى پروفیسور ریشلت و شوپرینگ در سال ۱۹۲۸، فصل اول کتاب (یا اصل کتاب) را آوانویسى و ترجمه (به انگلیسى) کرده که همراه با زیر نویسها و توضیحات مفید و مقدمهای کامل در سال ۱۹۳۵ چاپ شده است این کتاب در تنظیم این واژه نامه همواره مورد نظر بوده است :

J.C. TAVADIA: *Šāyast-nē Šāyast. A Pahlavi Text on Religious Customs.* Hamburg 1930.

۴- دستور فیروز پشتون کوتوال نیز دنباله کار تاوادی را گرفته و ۱۳ فصل بقیه کتاب را همراه با مثنی انتقادی از این ۱۳ فصل آوانویسی : (transcription) و حرف نویسی (Transliteration) و به انگلیسی ترجمه کرده است و واژه نامه مختصری نیز به دنبال کتاب آورده و رو به مرسته کاری بسیار دقیق و علمی ارائه داده که در کار این واژه نامه بسیار سودمند و مفید افتاده است : Firoze M. P. Kotwal.

The Supplementary Texts on the ŚĀYAST NĒ-ŚĀYAST.
København 1969.

روش کار در تنظیم این فرهنگ

چون ارسالها پیش که با این کتاب ارزشمند و مهم سروکار داشته‌ام و تصحیح متن و آوانویسی و ترجمه فارسی آن راه عنوان رساله دکتری خود گزیده بودم و پس از آن نیز مدت‌ها بخش‌هایی از آن را تدریس کرده‌ام و اشکالات فراوان موجود را به مرور زمان با مطالعه مجدد و پژوهش و تحقیق‌های فراوان تا اندازه‌ای رفع کرده‌ام، اکنون می‌توانم امیدوار باشم که این واژه‌نامه تقریباً "می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران و متخصصین زبان پهلوی قرار گیرد".

در فراهم آوردن واژگان این کتاب روش چنین بوده است.

۱- واژگان به این ترتیب دنبال هم آمده است.

نہایت ترتیب ذیل ہم آمده است:

۲- چنانکه در بالا مشاهده می شود خط پهلوی تنها دارای ۱۴ نویسه (نشانه) است که از آنها (چنانکه در امروز هم) باید برای حدود سی صدا استفاده شود و به این جهت یک نشانه ممکن است نماینده چندین صدا باشد چنانکه مثلاً "د" براه راست با "ا" - "آ" - "ه" - "خ" و با ترکیبی باشد از نشانه های "د" + "د" یعنی: "د" + "ذ" یا "د" + "گ" یا "د" + "ی" و یا "ی" + "د"

xēm: خیم خوی، سرشت یا 𐬰𐬀𐬎𐬎: anbān: انبان.

و برای مورد دوم: 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎: hāmīn: تابستان. یا: 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬎𐬎: hūdāg: مفید سودمند.

۶- چنانچه واژه‌های در کتاب به صورتهای گوناگون آمده باشد تمام آن صورت‌ها در جای خود (در واژه نامه) آمده است.

۷- واژه‌هایی که یا به سبب دگرگونی به وسیله کاتب یا غلط نوشتن او و یا آب دیدگی متن و یا به هر صورت دیگر، دگرگون شده و به درست قابل خواندن نبوده و مشکوک بوده است عیناً به همان شکل نوشته شده و در جای آن و انویسی آن یک نشانه؟ قرار داده شده و توضیحات بعد از آن آمده است.

۸- چنانچه فعلی که در کتاب بکاررفته باشد مصدر آن نیز مورد استفاده مؤلف بوده باشد در آن صورت کلیه اشکال فعل در زیر آن مصدر آمده است و گرنه هر یک بصورت واژه‌ای مستقل نوشته شده است. و نیز چنانچه اسم یا صفتی هم به صورت مفرد و هم شکل جمع آن آمده باشد، جمع آن در زیر صورت مفرد آن آمده است.

۹- از آنجا که شماره و عدد در خط پهلوی مانند نویسه‌ها نوشته می‌شود، ناچار آنها نیز در ردیف واژه‌ها آمده است.

۱۰- کوشش شده است که با توجه به مهمترین کتابهایی که ریشه و صورت‌های تاریخی واژگان فارسی بررسی کرده‌اند شکل کهن واژه را از کهنترین زمان تا زبان فارسی میانه (پهلوی) و بعد از آن داده شود و ترتیب آوردن صورت‌های کهن از قدیم به جدید بدین شکل است که نخست صورت واژه پهلوی، پس آوانوشت، بعد معنی یا شکل تحول یافته آن در فارسی دری داده شود و بعد شکل سنسکریت (هندی کهن) و فارسی باستان، اوستا، مانوی، و گاهی یازند و ارمنی آن و با در بعضی موارد صورتهای ختنی و استی و آورده شود که مراجعه‌کننده در عین حال بتواند تحول تاریخی واژه را نیز دریابد. و یاد کردن این صورت‌ها همراه با ذکر مأخذ مستند هر یک از آنها می‌باشد.

۱۱- در مقابل هر واژه پس از یاد کردن صورتهای کهن آن و توضیحات لازم جای واژه در متن کتاب مشخص شده است و ترتیب این کار اینست که تنها به یاد کردن بخش و بندی از کتاب که واژه در آن بکاررفته اکتفا شده است و ک نشانه کرده (بخش، فصل) است که بلافاصله بعد از ک شماره فصل مورد نظر آمده و سپس، بعد از نشانه/شماره بندی که واژه در آن آمده است مشخص گردیده است مثلاً: 𐬀𐬢𐬀𐬱𐬀𐬰𐬀: artēštār: ارتشتار، جنگجو، نظامی،

ک. ۵۶/۲ ک. ۷/۱۳.

یعنی این واژه در کرده (فصل) دوم بند ۵۶ کتاب آمده است و همچنین در فصل سیزدهم بند ۱۷ عیناً سعی شده است که تعداد دفعاتی که هر واژه در کتاب آمده با ذکر جای هر بخش (الف) و بند (/) یاد شود. لکن تعدادی از واژه‌ها که به دفعات و بطور مکرر و به صورت فراوان بکار رفته است از این وضع مستثنی شده‌اند مانند، و، که، از، و مانند اینها که بار سعی شد آنگاه شود که مثلاً "واژه" از "هفتاد بار در کتاب آمده است.

۱۲- فهرست تمامی واژه‌های یاد شده در این واژه‌نامه در پایان کتاب به ترتیب الفبایی لاتین آمده است، که برای مراجعه‌کننده به کتاب سبب آسانی یافتن واژه‌های مورد نیاز خواهد شد و در کنار هر واژه شماره صفحه این واژه نامه و سطرهایی که واژه در آنها آمده داده شده است شماره سمت چپ (س/ص) نمایانگر صفحه و شماره سمت راست نمودار سطر است (س/ص).

ضمناً چنانکه ملاحظه مینمایید سطرهای هر صفحه تمام کتاب به ترتیب ۱-۵-۱۰

الخ شماره گذاری شده که یافتن واژه احتیاج به شمردن سطرها نداشته باشد.

۱۳- ویژگیهای نگارشی کتاب پهلوی شایسته ناشایست خود بحثی تمام می‌خواهد که از حوصله مقدمه این واژه نامه خارج است و امیدوارم که در جلد دوم این کتاب که آوانویسی و ترجمه و ارائه متن مصحح پهلوی آن است این کار انجام پذیرد.

با یاری یزدان - آیدون باد

شیراز اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

محمود طاووسی

نشانه‌ها

د	: الف	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی
دو	: ʔ	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی و هزوارشها
c	: ع	در حرف نویسی واژگان فارسی میانه ترفانی و هزوارشها
a	: ʾ	
ā	: ʾ̄	
ɑ	: ʾ̇	در واژه‌های پازند و قبل، از ن
u	: ʰ	ضمه
ū	: ʰ̄	واو معروف
ø	: ʰ̇	واو مجهول
i	: ɪ	کسره
ɪ	: ɪ̄	یاء معروف
ē	: ɪ̇	کسره کشیده، یاء مجهول
ə	: ɪ̇̄	کسره در واژه‌های پازند
ē	: ɪ̇̇	کسره کشیده در واژه‌های پازند
h	: ʰ	
č	: ʧ	
g	: ɣ	
ɣ	: ɣ̄	
ḥ	: ʰ̇	در برابر (هزوارشی)
j/ĵ	: ʝ	
n/n	: ɳ	در واژه‌های اوستایی
ɣ̄	: ɣ̄̇	در هزوارشها
ʃ	: ʃ̄	
ʃ̄	: ʃ̄̇	نوعی ت در پازند
θ	: θ̄	بیشتر در واژه‌های اوستایی و فارسی باستان
x	: x̄	

\bar{x} : \bar{x}
 \bar{x}^v : \bar{x}^v
 خ + واو مجهول

گونه نوشت‌های فارسی

پا	: پازند
پاتر	: پارتی ترفانی
رگ	: رجوع کنید
سا	: سانسکریت (هندی کهن)
ستا	: اوستایی
سج	: سنجید باء
فاتر	: فارسی میانه ترفانی
فب	: فارسی باستان
فن	: فارسی نو
نک	: نگاه کنید

Etymologie. Strassburg 1893 new ed., New-York 1974.

- Hymn.: M. Boyce, *The Manichaen Hymn Cycles in Parthian*, London Oriental Series Oxford 1954.
- JA.: *Journal Asiatique*.
- JRAS.: *Journal of the Royal Asiatic Society*.
- List.: W.B. Henning, "A List of Middle-Persian and Parthian Words", BSOS. 9-1937-39-79-92.
- Man. Stud.: C. Saleman, *Manichaäische Studien*, Saint-Petersburg 1908.
- Mir.Man.: Andreas-Henning, *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan*. 1-3. Berlin 1932-34.
- Mir. Mund.: (See: ZKMM.).
- MX.: F.C. Andreas, *The Books of the Mainyo-i Khard* Kiel. 1882. and: T.D. Anklesaria, *Danak-u Mainyo-i Khard*, Bombay 1913.
- Nyb. (Nyberg): H.S. Nyberg, *A Manual of Pahlavi* 2 parts, Wiesbaden, 1964.
- Pers. Stud.: H. Hübschmann, *Parsische Studien* Strassburg, 1895.
- Pahl. V.-Glos.: D.D. Kapadia, *Glossary of Pahlavi Vendidad*, Bombay 1953.
- Pahl. V.: Dastoor Hoshang Jamasp, *Pahlavi Vendidad. with. Glossarial Index*. Bombay, 1907
- Pahl. y. Vr.: B.N. Dhabhar, *Pahlavi Yasna and Visperad*. Bombay 1949. (vol. 1)

کوتاه نوشتهای خارجی

- AiWb.: C. Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg. 1904 new ed., Berlin 1961.
- Armen. Gram.: H. Hübschmann, *Armenische Grammatik*, Germany 1962.
- BBB.: W.B. Henning, *Ein Manichaisches Bet-und Beichtbuch*, APAW. 1937
- BSL.: *Bulletin de la Société de Linguistique du Paris*.
- BSOS.: *Bulletin of School of Oriental Studies, University of London* (1917-1939).
- DKM.: D.M. Madan, *The Complete text of the Pahlavi Dinkard*. Bombay 1911.
- Essays: M. Hauge & W. West, *Essays on the Sacred Language writings & Religion of the parsis* Bombay 1878.
- Essays: B.N. Dhabhar, *Essays on Iranian Subjects*, Bombay 1955 (2 vols).
- FrO.: H. Reichelt, *Der Frahang; Ōim*. Wien 1900.
- FrP.: H.F.J. Junker, *The Farhang i Pahlavik*, Heidelberg 1912. new ed., Leipzig, 1955.
- GMS.: I. Gershevitch, *A Grammar of Manichean Sogdian*, Publications of the Philological Society, Oxford 1954.
- GNPE.: P. Horn, *Grundriss der neu-persischen*

Paris 1960

ZDMG.: *Zeitschrift der Deutschen morgenländischen Gesellschaft.*

ZKMM.: C. Bartholomae, *Zur Kenntnis der Mittel-iranischen Mundarten I-VI* SHAW, Heidelberg 1916-25.

ZSR.: C. Bartholomae, *Zum Sasanidischen Recht.* Heidelberg 1918-1928.

Pahl. y. Vr. Glos.: *ibid.* (vol. 2)

PRivDd.: B.N. Dhabhar, *The Pahlavi Rivayat accompanying The Dadistan i Dinik.* Bombay 1913.

Ps.: F.C. Andreas and K. Barr., *Bruchstücke einer Pehlevi Übersetzung der Psalmen* SPAW 1933

P.V Gl.: (See: Pahl. y. Vr. Glos.)

SBE. V : E.W. West. *The Sacred Books of the East.* vol. V India 1965.

ŠGV : Dastoor Hoshang Jamaspji and E.W. West, *Shikand Gumanik Vigar.* Bombay 1887

ŠnŠ.: J.C. Tavadia. *Šāyat nē-Šāyast* edited, transliterated and translated with introduction and Notes. Hamburg 1930.

ŠnŠ.: F.M. Kotwal. *The Supplementary Texts of the Šāyast Nē-Šāyast* København 1969.

TD2.: *The Bundahishn*, being a Facsimile of the TD Manuscript No. 2, Bombay 1908.

TPS.: W.B. Henning, *Transactions of the Philological Society* 1944.

TRCCP.: J.J. Modi, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees.* Bombay 1937

Verbum.: See: VMT.

VMT.: W.B. Henning, *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragments.* Göttingen 1933

WZKM.: *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes.*

ZA.: J. Darmesteter, *Le Zend-Avesta* I, II, III,

منابع و مآخذ به زبان فارسی

- آندراج : محمد پادشاه متخلص به شاد ، فرهنگ آندراج ، کتابفروشی خیام ۱۳۳۵ تهران .
- اسدی طوسی : لغت فرس ، از روی چاپ پاول هرن به کوشش محمد دبیرسیاقی ، کتابفروشی طهوری ۱۳۳۶ تهران .
- انگلساریا : پهلوی و نندیداد نک . Pahl. V. Anklesaria
- ابوالقاسمی ، دکتر محسن : درباره زبان آسی ، بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۸ تهران .
- اینوسترانتسلف ، کنستانین : تحقیقاتی درباره ساسانیان ، ترجمه کاظم زاده ایرانشهر ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱ تهران .
- برهان : محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان ، برهان قاطع به تصحیح دکتر محمد معین ، ابن سینا ۱۳۴۲ تهران .
- بن ونیست : دین ایرانی بر پایه متن های کهن یونانی ، ترجمه بهمن سرکاراتی ، انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۵۵ تبریز .
- بویس ، مری : دیانت زردشتی (سه مقاله از . .) ترجمه فریدون وهمن ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ تهران .
- بهار ، دکتر مهرداد : واژه نامه بندهش ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵ تهران .
- بهار ، دکتر مهرداد : واژه نامه گزیده های زاداسپرم ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۱ تهران .
- پور داود : فرهنگ ایران باستان ، بخش نخست انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۶ تهران .
- پور داود : گاتها انجمن زرتشتیان بمبئی ۱۹۲۷ برلن .
- پور داود : یادداشتهای گاتها انجمن ایران شناسی ۱۳۳۶ تهران .
- پور داود : خرده اوستا ، نشریه انجمن زردشتیان ۱۳۴۲ یزدگردی ، بمبئی
- پور داود : یسناج ۱ چاپ سوم انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۶ ج ۲ .
- پور داود : یشتها ۲ جلد کتابخانه طهوری ۱۳۴۷ تهران .
- تاوادی ، جهانگیر : زبان و ادبیات پهلوی ، ترجمه س نجم آبادی ، انتشارات دانشگاه تهران .

۱۳۴۸ تهران .

- تفاهی ، دکتر احمد : واژه نامه مینوی خرد ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸ تهران .
- تفاهی ، ابوالعلا : عبدالمو من معروف به صفی کحال : فرهنگ مجموعه الفرس ، به کوشش عزیرالله جوینی ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶ تهران .
- تفاهی ، میر جمال الدین حسین فخرالدین حسن انجو شیرازی ، فرهنگ جهانگیری ، ویراسته دکتر رحیم عقیقی ، انتشارات دانشگاه مشهد ۱۳۴۹-۵۱ مشهد .
- تفاهی ، جلال : احساس اشتقاق فارسی (ترجمه و تلفیق دو اثر هرن و هوپشمان) ج ۱ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶ تهران .
- تفاهی : صد در نثر صد در بندهش ، چاپ بمبئی ۱۹۵۹
- تفاهی : واژه نامه یسنا پهلوی و ویسپرد (نک . Pahl. V Vr.)
- تفاهی ، و . س . دستور زبان فارسی میانه ، ترجمه دکتر ولی الله شادان ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۷ تهران .
- تفاهی ، دکتر احمد علی : پلی میان شعرهای و عروضی فارسی در قرن اول هجری ، ترجمه های آهنگین از دو جزو قرآن مجید ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۴ تهران .
- تفاهی ، اول : شاهنامه ۷-۱ پاریس ۱۸۳۸ و چاپ افست جیبی تهران انتشارات جیبی ۱۳۴۵ تهران .
- تفاهی ، حمید : فرهنگ بهدینان ، به کوشش منوچهر ستوده ۱۳۳۵ تهران .
- تفاهی ، ابوبکر عتیق : قصص قرآن برگرفته از تفسیر قرآن سورآبادی ، به کوشش دکتر بحیی مهدوی ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷ تهران .
- تفاهی ، محمود : نایک موزه راه رفتن و بی موزه راه رفتن ، پژوهشنامه مؤسسه آسیائی سال ۳ شماره ۳-۲ سال ۱۳۵۶ شیراز .
- تفاهی ، ولی : دکتر بهرام : فرهنگ پهلوی ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲ تهران .
- تفاهی ، فخرالدین مبارکشاه قواس غزنوی . فرهنگ قواس ، به اهتمام نذیر احمد بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۳ تهران .
- تفاهی : (نک . Kotwal. ŠnŠ.)
- تفاهی ، دکتر صادق : واژه های معرب در صراح ، فرهنگستان زبان ایران ۱۳۵۲ تهران .
- تفاهی ، دکتر جواد : فرهنگ هزوارش های پهلوی ، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶ تهران .
- تفاهی ، دکتر محمد : مزدیسنا و ادب فارسی ج ۱ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۸ تهران .

نسفی: ابوحفص نجم الدین عمر نسفی، تفسیر نسفی، تصحیح دکتر عزیرالله جوینی، بنیاد

فرهنگ ایران ۲ جلد، ۱۳۵۳ تهران.

نفیسی (ناظم‌الاطباء)، دکتر علی اکبر، فرهنگ نفیسی انتشارات خیام ۱۳۴۳ تهران.

نوابی، دکتر ماهیار: عماد شیر و شکر، مجموعه مقالات ج ۱ به کوشش محمود طاووسی

مؤسسه آسیائی دانشگاه تهران ۱۳۵۵ شیراز.

نوابی، دکتر ماهیار: منظومه درخت آسوریک، متن پهلوی، آوانوشت و ترجمه فارسی، بنیاد

فرهنگ ایران ۱۳۴۶ تهران.

نیبرگ : در حواشی برهان چاپ دکتر محمد معین (نک. برهان)

هوبشمان : اساس اشتقاق فارسی جلال خالقی مطلق.

هورن : اساس اشتقاق فارسی، جلال خالقی مطلق.

منابع و مآخذ به زبانهای اروپائی

Andreas, F.C.-Barr, K.: *Bruchstücke einer Pahlavi-Übersetzung der Psalmen*. SPAW 1913.

Andreas, F.C.-Henning, W.B.: *Mitteliranische Manichäica aus Chinesisch-Turkestan*. 1-3. Berlin 1932-34. (Mir. Man.)

Andreas, F.C.-Henning, W.B.: *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragmente* 211, 9, 1933

Anklesaria, B.T.: *Zand-ī Vohūman Yasn and two Pahlavi Fragments with text, transliteration and translation in English*, Bombay, 1957.

: *Pahlavi Vendidad*, Bombay 1949.

Anklesaria, T.D.: *Danak-u Mainyo-i Khard*, Bombay 1913.

Asana, D.J.M.: *A short treatise on the Navjote Ceremony. Compild in the English*. Bombay 1887.

: *The Pahlavi texts*, vols I, II Bombay 1898.

Bailey, H.W.: *Zoroastrian Problems in IX Century* Books, Oxford 1971.

BSOAS. VII, 1934.

BSOAS. X, 1940.

- : *Translation of Zand-i Khūrtak Anāstāk*. Bombay 1936.
- Gershevitch, i.: *A Grammar of Manichean Sogdian*, Publications of the Philological Society, Oxford 1954 (GMS).
- : *Unvala Memorial Volume*. Bombay, 1964
- Ghilain, A.: *Essai sur la langue Parthe*, Louvain 1939.
- Hauge, M.-West, E.: *Essays on the Sacred Language Writings & Religion of the Parsis*. Bombay, 1878.
- Henning, W.B.: *Das Verbum des Mittel Persischen der Turfanfragmente*. Göttingen 1933 (VMT)
- : *Ein Manichäisches Bat-und Beichtbuch*, APAW, 1937 (BBB.).
- :BSOS. IX, 1937.
- :BSOS. XI, 1943.
- :BSOS. XII, 1948.
- :JRAS. 1942.
- :*Jackson Mem. vol.* Bombay 1954
- :*Sir J.J Zarthoshti Madressa Centenary volume*. Bombay 1967
- :*"Sogdica, James G. Forlong Fund"* vol. XXI Royal Asiatic Society, London 1940.
- :TPS. 1944.
- Herzfeld, E.: *Khareghat Memorial volume*, Bombay, 1953.

- BSOAS XXIV,
- BSOAS. XXVI, 1963
- Opera Minora*, ed. by, Y.M. Nawabi. vol. 1. Froozangah Publishers. Shiraz-Iran 1982.
- TPS. 1956.
- Bartholomae, c.: *Altiranisches Worterbuch*, Strassburg 1904 new ed., Berlin 1961.
- : *Zum Sasanischen Recht*, Heidelberg 1918-28.
- : *Zur Kenntnis der Mitteliranischen Mundarten I-VI* SHAW, Heidelberg 1916-25. (Mir.Mund).
- Benveniste, E.: BSL, LII-1956.
- Boyce, M.: *The Manichaean Hymn Cycles in Parthian*, London Oriental Series Oxford 1954.
- : JRAS. 1966.
- Darmesteter, J : *Le Zend-Avesta I, II, III*, Paris 1892-93 new ed., 1960.
- Dhabhar, B.N.: *Essays on Iranian Subjects*, (2 vols) Bombay 1955.
- : *The Pahlavi Rivāyat accompanying the Dadistan i Dinik*. Bombay, 1913.
- : *Pahlavi Yasna and Visperad*, Bombay 1949.
- : *The Persian Rivāyats of Hormazyar Framarz and others, Their Version with Introduction and Notes*. Bombay 1932.

- Mirza, H.K.: *Jackson memorial volume*, Bombay, 1954.
- Modi, J.J.: *The Religious Ceremonies and Customs of the Persees*, 2nd. ed., Bombay 1937 (TRCCP.)
- Morgenstierne, G.: *An Etymological Vocabulary of Pashto*. Oslo 1927.
- Müller, F.M. (editor): *The Sacred Books of the East*. V new ed., India 1965.
- Nyberg, H.S.: *A Manual of Pahlavi*, Part II Germany, 1964 (Nyb. II Glos.)
- : *Texte Zum Mazdayasnischen Kalender*, Uppsala, 1934.
- : JA. 1929.
- Pagliaro, A.: *Prof Jackson Memorial Volume, in honour of the late Prof. A.V.W. Jackson*, Bombay, 1954.
- Reichelt, H.: *Der Frahang i Ōim*, Wien, 1900.
- Rückert, Fr.: ZDMG. 10 (1856) p. 152.
- Saleman, C.: *Manichaeische Studien*, Saint-Petersburg 1908.
- schwartz, M.: JRAS. 1966.
- Steingass, F.: *A Comprehensive Persian-English Dictionary*, London 1930.
- Tavadia, J.C.: "Sur Saxvan or a dinner Speech in Middle Persian" *Jurnal of the K.R. Cama Orien. Institute* 29, pp. 1-99.
- : *Šāyast nē Šāyast*, edited, translat

- Horn, p.: *Grundriss der neupersischen Etymologie*, Strassburg 1893. new ed., 1974 (GNPE).
- Hoshang, D.J.J : *Pahlavi Vendidad with Glossarial Index*. Bombay 1907 (Pahl. V.).
- Hoshang, D.J.J.-West, E.: *Shikand Gumanik Vijar*. Bombay 1887 (SGV).
- Hübschmann, H.: *Armenische Grammatik*, Leipzig, 1897 new ed., Germany 1962. (Arm. Gram).
- : *Persische Studien*. Strassburg, 1895.
- Jackson, A.V.W.: *An Avesta grammar in Comparison with Sanskrit*, Stuttgart 1892.
- Junker, H.F.J.: *The Frahang i Pahlavik*, Heidelberg 1912 new ed., Leipzig 1955.
- Kanga, M.F.: *Vioīdag Handarz ī Pōryōtkēšān*, Bombay, 1960.
- : K.R. Cama Oriental Institute. Golden Jubilee Volume. Bombay 1969.
- : *Bulletin of the Asia Institute of Shiraz University*, No. 2, 1978.
- Kapadia, D.D.: *A Glossary of Pahlavi Vīdēvdāt*. Bombay, 1953.
- Kent, R.G.: *Old Persian*. 2nd ed. American Oriental Society 1953.
- Kotwal, F.M.: *The Supplementary Texts to the Šāyast Nē-Šāyast*, København 1969. (ŠnŠ)
- Madan, D.M.: *The Denkart*, in 2 volumes, Bombay, 1911.

پازند، axtar (مینوی خرد). ک ۷/۱۲-۸.

سپهر *pas-iz, ²HR, yz* سپس، سرانجام، عاقبت. نک: سپهر
ک ۹۲/۲۵

سپهر *ahrāgīh/ahlāyīh/ahrāyīh*: اهرایی، پارسایی،
پاکی، تقدس.

فب: *arta-* سا: *rtā-* (Kent. 170) ستا: *aša-* / *arəta-*
(*AiWb.* 238) *ašahī* پ
این واژه به شکل سپهر آمده است. ک ۳/۱۱. ک ۳۲/۱۲. ک ۲۳/۱۳.
ک ۱۷-۱/۲۵

سپهر *ahrmōg* اهرموگ، بیدین، لامذهب، کافر، پیرو اهریمن، بدعت گزار.
(*ahramōg* یا)
ستا: *aša-maōya-* پ: *āšmōg*، فن: آشموغ (*Kapadia* 257)
در فرهنگهای فارسی، آشموغ. ک ۳/۹.

سپهر *ahramōgīh* اهرموگی، بیدینی، برخلاف رفتن، بدعت گزاری
در دین.
سپهر *ahrmōg* اهرموگ (نک. واژه بالا) *īh* فن: بی (نشانه اسم مصدر) پ: *āšmōī*
ک ۷/۱۷

سپهر *ahrmōg-ē*، یک آشموغ، یک بیدین، کافری. ک ۳/۹.

سپهر *ahriman, ahrman* اهرمن، اهریمن، روح خبیث.
معادل اوستایی. (*AiWb.* 105) *aprō-mainyava-* انگره مینو،
ارمنی: *arhmn* پ: *āharman* ک ۶/۱۵. ک ۴-۲-۱/۱۸.

سپهر *ahravān* اهروان، پارسایان ج. *ahrav* (نک. همین واژه) *-ān*

نشانه جمع در فارسی میانه. ک ۱۱/۹-۱۲ ک ۸/۱۳.

سپهر *ahrav/ahlav*: اهرو، پارسا، مقدس، اشو.
صفت است. بجای این واژه در متون پهلوی متاخر واژه *ašōg* یا *ašavay*
آمده (نامگیهای منوچهر، زاتسپرم).

ستا: *ašāvan-* فب: *artāvan* هندوایرانی: *rtavan* (M.F.
(*Mir.Man.* II, 45) *phlw* (Kent. 170-171), Kanga, 32)
ک ۲۳-۲۹/۳. ک ۱۶-۶-۴/۸. ک ۱۲-۱۱/۹. ک ۱۱/۱۵. ک ۲۲-۲۳/۱۲. ک ۳/۳-۳.
ک ۸-۱۴-۱۹. ک ۴۱-۵/۱۵. ک ۸-۷-۶/۲۵. ک ۱۴-۷-۶/۲۵. ک ۱۷/۲۲.

سپهر *ahravēn/ahlavēn*: پارسا [زن]

سپهر *ahrav*: (نک همین واژه) *+ēn* پسوند نسبت. (این واژه به تنهایی خود معنی
زن پارسا دارد. نک: *Kapadia*: 255) ک ۴۱/۱۳.

سپهر *ahravtar/ahlavtar*: اهروتار، پارساتر، مقدس تر.
-tar + ahrav پسوند صفت تفضیلی (نک. همین واژه) ک ۲۲/۱۲.

سپهر *ahravīh/ahlavīh*: اهروی، پارسایی، تقدس، پارسا بودن
برهیزگار بودن. *ahrav+īh* (نشانه اسم مصدر) ک ۲۳/۱۲.

سپهر *ahravdād-ahlavdād*: اهروداد، اشوداد.
ahrav: (اهرو) *+dād ← dā* (= دادن) کلا، "اهرو داد: دهش پارسا،
هدیه مؤمن، بخشش پارسا صدقه، احسان.
پ: *ašō-dāt* ک ۱۱/۱۵.

سپهر *ham, hām* هام، هم، همان.
در فارسی به هردو شکل آمده. هام یشت، هامراهان، هام راه، هام زانو (نک:)

قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری ص ۱۲-۱۳-۴۲-۱۷۵-۳۲۲-۳۲۹.

ستا، فب: ham- sa ham: (AīWb. 1773) پا: ham ک ۶۱-۶۲/۲.

هستمین: hām-bun-iz : حتی کمی، کمترین اندازه‌ای.

(نک. هریک از اجزاء سه گانه واژه) ک ۱۲/۲-۲۸-۳۱-۳۲-۳۴-۳۵-۷۰. ک ۲/۶-۱۳/۸ ک ۲۴-۵/۱۰.

درستن: āmōn : آمون، پر، ملو، لبالب (برهان) در فرهنگ جهانگیری آمده. "آمو (و آمون) به معنی پر کرده بود" و آمود و آموده نیز به همین معنی است. سنایی: هم زبان‌شان رفحش آموده. هم درویشان به خبث آلوده. همه با پایهای آلوده. همه با مغزهای آموده. و ترکیب: abr-āmōn یعنی: پرابر، ابری. ک ۱۰/۲.

همین: hāmīn : هامین، تابستان.

ستا: hami- , hamina- (AīWb. 1809) فاطر: h²myn (Mīr. Man. I. 39) پا: hāmīn (مینو خرد) ک ۱۰/۱۵.

ax^v/ah^v : هستی، حیات، زندگی. و نیز نام یکی از مینوهای تن است که باین پدید می‌آید و با هم او از بین می‌رود.

ستا: aphu-.ahu- (AīWb. 106.) ک ۴-۳/۶-۵. ک ۲۶/۱۰-۱۱/۱۵ ک ۴۳-۴/۱۳.

ax^v I astōmand : جهان مادی، وجود جسمانی: ax^v زندگی، حیات + astōmand : مادی (نک. همین واژه) ک ۴۳/۱۳.

ax^vān/ahvān : هستی‌ها، زندگی‌ها، جهان‌ها.

(هستی، جهان) + ān- (نشانه جمع) ک ۴-۳/۶-۲/۱۲. ک ۱۱/۱۵.

آهان: āhanjišn : (اسم مصدر) کشیدن، بیرون آوردن. آهان: āhanjīdan, āhanžā, āhanjīdan : آهان: āhēxt (Pers. Stud. 10) (نشانه اسم مصدر) ک ۱۷/۱۲. آهان: nē āhanjišn : نکشیدن، نباید کشیدن. ک ۱۷/۱۲.

هاویش: hāvišt : هاویش، مرید، شاگرد.

havišta- (AīWb. 1806) ک ۱۰/۸ ک ۵/۱۰.

هاویش: hāvištān : مریدان، شاگردان ک ۵/۱۰.

xānag : محل زندگی.

✓khan- (GNPE. 103.) ک ۱۰/۲-۱۸-۳۸-۴۱-۴۵-۵۰. ک ۳/۱۱-۱۲/۱۷-۶/۱۰ ک ۵-۳/۱۲. ک ۲/۱۷.

آهن: āhēn/āhan

ayagh- (AīWb. 156) فارسی میانه. مدعو: یا مدعو: ۱۴.

آهن: hesin, hāsīn (GīrPh. 14) ک ۱۷-۱۶/۱۵. آهن: āhandil : (+حز) آهن دل. (برای جزء دوم نک. همین واژه) که منظور سختی و تاثیر ناپذیری دل است. ک ۱۷-۱۶/۱۵.

ahunavar-ahuvar : آهور، آهونور.

آهور: ahunavar (که سرودی از گاهان است) ک ۲۶-۲۵/۱۰. ک ۱۹/۱۲-۲۱. ک ۵/۱۹.

hāvīnd/hāvand : شبیه، مانند.

ستا : hvan̄ta- (وندید/د ۱۵ بند ۱۴) و hvns- (وندید/د ۸ بند ۳۱) (نگ. ص ۲۵۱. Kapadīa) : ۴ (havan̄d / مینو خرد) ک ۹/۸
ک ۳۰/۱۲

ستا : hāvandīh : برابری، همانندی، شباهت، یکی و یکسان بودن. (نگ. واژه بالا) ک ۹/۸

ستا : ahunvad/ahuvēd-gāh : اهورنودگاه. نام نخستین بخش از گاهان است.
این گاه شامل ۷ ها (از های ۲۸ تا ۳۴) است، که روپهم این ۷ ها دارای ۱۰۰ بند است.

ستا : ahunavaitī-gāθa- (AīWb. 284) ک ۱۵/۳-۵۱

ستا : xānīg : خانی، چشمه، خان. (نگ. فرهنگ قواس و.)

ستا : xanya- از ریشه * xan : (AīWb. 532) : ۴ (khan : (مو'نت آن : khā-)غب : kan : کن (کندن) (Kent. 178) در فارسی قنات، خندق، کان، کندن از همین ریشه است. ک ۳/۲۰

ستا : xānīgān : خانی‌ها چشمه‌ها (نگ. واژه بالا) ک ۴۱/۱۳

ستا : xānīg ī rōšn : خانی روشن، چشمه درخشان، در فارسی رخشنده خانی. زتاب آب آن رخشنده خانی شده از غیوت آب زندگانی (خاقانی - فرهنگ قواس) ک ۳/۲۰

ستا : ax^vēškārān : ناخویشکاران، ناپارسیان، وظیفه شناسان.
(a نشانه نفی + x^vēškār : خویشکار، وظیفه شناس + ān نشانه جمع (نگ. هریک از این اجزاء) ک ۲۶-۹/۱۵

ستا : ax^vēškārīh : ناپرهیزکاری، وظیفه شناسی.
ک ۶۳/۲

ستا : ax^vēškārīhā : (قید) از روی وظیفه شناسی، به ناسپاسی، ناپرهیزکارانه. (īha - نشانه قید ساز در فارسی میانه) ک ۵۳/۲

ستا : āxēzēnēnd : برخیزانند، برانگیزانند.

ستا : از ریشه xāēzañuha-haēz (GNPE. 102) فاطر : xēz
ماده ماضی آن : xist (VMT. 178) : ۴ āxēz : ک ۱۳/۱۷

ستا : abāz-āxēzēnēnd : بازخیزانند، برانگیزانند.
ک ۱۳/۱۷

ستا : ahyān : اهیاس، اولین واژه یستا ی ۲۸.
ستا : ahyā yāsā- : ک ۴/۱۳

ستا : xāyaq : خایه، تخم مرغ. این واژه به شکل می‌دهد هم آمده است.
گروه ی : hēk, hī, hāik : افغانی : hā : سی : aik (GNPE. 103)
: ۴ xāea : ک ۸/۱۲ ک ۲/۱۷

ستا : ēy/ē : یعنی.
ک ۶۳-۳۴/۱

ستا : ēd/ē : این.
ک ۴/۱۴ ک ۱۱/۸

ستا : ē/hē : شناسه دوم شخص.

ستا : guft-ē : گفته، گفته‌است.
ک ۴/۶ ک ۱۰۷-۷۲/۱

۱۱-۹/۸ ک . ۶/۷ ک . ۲۴-۲۳/۳ ک

سر 3/si: : 3/هـ .

شکل هزارش آن م م م (نک: همین واژه)

پا : sā (مینو خرد) *shā* (Mir. Man. II, 62.) این شماره ۵۵ بار در جاهای گوناگون کتاب آمده است.

سورہ ۳ : 3 Ėvak : سہ یک، ثلث، ۸/۹.

سرف ۳ : 3 gānag : سه گانه. ی ۱۲/۹

سریوس: 3 yak-ē : سه یکی، یک سوم. ک ۸-۶/۲۱.

پنج : 5/panj: پنچ / ۵

شکل هزارش آن ۶۶۶۶۶۶ (نگ: همین) ، نوشتار غیر عددی آن ۶۱۷ است.

ستا : (Mir. Man. II, 65) panča- (Aiwā 844) قاتر :
ک ۲/۱۳-۱۱-۱۸-۱۹-۲۰-۲۹-۳۱-۳۴-۴۴-۵۱-۱/۱۶ ک ۵/۱۹ ک ۲/۲۱

سرمدی سرمدی قہ اسرمدی : 5567 پنجهزارو پانصدو شصت و هفت ،
۰۵۵۶۷ ک ۰۵۰/۱۳

سرسر 6/šaš: : شش/۶.

شکل هزارش آن $\frac{1}{10000}$ (نک. همین) و نوشتار غیر عددی آن $\frac{1}{10000}$ است.

1125 114-99-72/25. šaš : 4 (A2Wb 561)xšvaš-
 .A-5-2/215 .6/195 .22-29-22-17/125 .21

سرسره شدا و سررسیدا : 6 pāy ud 2 bahr: شش پا و دو بهر.

۱۱-۹/۸ ک . ۶/۷ ک . ۲۴-۲۳/۳ ک

سر 3/si: : 3/هـ .

شکل هزارش آن م م م (نک: همین واژه)

پا : sā (مینو خرد) *shā* (Mir. Man. II, 62.) این شماره ۵۵ بار در جاهای گوناگون کتاب آمده است.

سورہ ۳ : 3 Ėvak : سہ یک، ثلث، ۸/۹.

سرف ۳ : 3 gānag : سه گانه. ی ۱۲/۹

سریوس: 3 yak-ē : سه یکی، یک سوم. ک ۸-۶/۲۱.

پنج : 5/panj: پنچ / ۵

شکل هزارش آن ۶۶۶۶۶۶ (نگ: همین) ، نوشتار غیر عددی آن ۹۱۷ است.

ستا : (Mir. Man. II, 65) panča- (Aiwā 844) قاتر :
ک ۲/۱۳-۱۱-۱۸-۱۹-۲۰-۲۹-۳۱-۳۴-۴۴-۵۱-۱۶۵ ۱/۱۹۵ ۵/۱۹۵ ک ۲/۲۱۵

سرمدی سرمدی قہ اسرمدی : 5567 پنجهزارو پانصدو شصت و هفت ،
۰۵۵۶۷ ک ۰۵۰/۱۳

سرسر 6/šaš: شش/۶.

شکل هزارش آن $\frac{1}{10000}$ (نک. همین) و نوشتار غیر عددی آن $\frac{1}{10000}$ است.

1125 114-99-72/25. šaš : 4 (A2Wb 561)xšvaš-
 .A-5-2/215 .6/195 .22-29-22-17/125 .21

سرسره نه، سروریدلا : 6 pāy ud 2 bahr: شش پا و دو بهر.

۵ نه هزار و نه صد : 9999 : نه هزار و نه صد

د. ابراهيم: avr/abr

۱۸/۱۰ ک ۵/۷ ک ۱۰/۲ ک عم آمده است.

۱۰. abramōn : ابرامون ، برابر ، ابری .
(āmōn (۱۰/۲ ک

Junker. 96. pid: پدر شکل غیر هزاری آن: ۱۳۵۰
 پاپ جدید من ۱۵ ستا pitar: سا pilâr- فیه pitar-
 (Ken. 197) pit: (مینو خرد) ک ۱۰۶/۲ ک ۱/۵ ک ۱/۱۰
 ۱۵/۱۲ ک ۱۱

۱۵

pidner : پدر. (نک. واژه بالا)

پیتار ہندی کھن: pitār- (AiWb. 905-906) فاطر

شکل دیگر پہلوی آن در مصر (Mir. Man. II, 64) pydr

وزیر فرهنگ پهلوی یونگر جزو هزارشها آمده است

۲۵ Junker 96 چاپ جدید ص ۱۵ کی ۱/۵

س: az: از، حرف اضافه (در این کتاب به شکل ترکیب با و- ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت مفعولی آمده است. نک: و-)
 ستا: hača- فب: hačā- (AīWb. 1746.) در نوشته های پهلوی برای "از" شکل هزوارش آن به کم معمولاً بکار رفته است. (نک: همین واژه). ک ۳/۱۲. ک ۷/۲۰.

س: ā-iz: در آن صورت.
 ā: آنگاه (نک. همین واژه) + z: نیز، و. ک ۲۳/۱۰.

س: āp/āb: آب.
 ستا: āp- فب: āpi- (AīWb. 325-329) سا در حالت فاعلی āpas در حالت مفعولی apās (Kent. 168) فاعل: b (Mir. Man. II, 43) پ: aw: (مینو خرد). این واژه به شکل س: هم آمده است ک ۴/۱۱. ک ۴۱-۴۰/۱۳.

س: abāxtar: باختر، شمال.
 ستا: apāxtara, apāxtara- (AīWb. 79) از apa+ اxtara: در دیگر نوشته های پهلوی (بند هشت، مینو خرد و. از این واژه معنی سیاره، ستارگان غیر ثابت اراده شده) و در فارسی نو معنی اصلی آن. شمال، فراموش و باختر معنی مغرب پیدا کرده است. پ: awāxtar (مینو خرد). ک ۷/۱۰. ک ۱۸/۱۲. ک ۲/۱۴.

س: ābād: آباد.
 ستا: ā-pāta-: از ریشه: /pā (Hyb. II glos. 16): از واژه نامه پهلوی یستا و ویسپرد (دایارص ۸). پ: āwād: (مینو خرد). م ۲/۰. ک ۵/۱۳.

س: āwādānīh: آبادانی، (نک. واژه بالا) پ: āwādānī:

(مینو خرد). ک ۹/۱۳.

س: a-pādixšā: متزلزل، بی قدرت (نک. pādixšā)
 پ: awādaxšāh (مینو خرد). ک ۱۳/۱۳.

س: a-pādixšā-tar: متزلزل تر، بی قدرت تر، ناتوان تر،
 (نک. واژه بالا) ک ۱۳/۱۳.

س: ābād-tar: آباد تر، صفت تفضیلی (نک: ābād) ک ۵/۱۳.
 س: ābād-xīrīh/hārīh: آباد چیزی، ثروت، آبادانی، برپایی،
 معمولاً در دعا بکار میرود. (نک. هریک از این دو بخش) م ۲/۰.

س: ābādag: خوب، خوش، نیک، مساعد
 ک ۳۲-۱۰-۴/۱۱.

س: a-pādyāh: بی پاد یاب، نجس، تقدیس نشده.
 (نک. pādyāb: ک ۵۲/۲. ک ۱۱-۱۰/۳. ک ۱۱/۱۲.
 ک ۲/۱۴.

س: a-baxšīh: ندامت، پشیمانی، این واژه در متن مترادف پشیمانی
 است. پ: awāxš: پشیمان (مینو خرد) نک: C. Bartholomae.
 ZKMM, II, 1917 pp. 41-42. واژه نامه مینو خرد، تفضیلی.
 ک ۱۰/۸.

س: abāgīh: همراهی، کمک، یآوری کردن.
 س: abāgīh: فاعل: b²g با، همراه (Mir. Man. II, 43.)

۵

۵

۱۰

۱۴

۲۰

۱۰

۱۵

پا : awagi (مینو خرد) ک ۱/۱۹ ک ۱۲/۲۲

سلا : apār/appār : دزدیده، ربوده شده، از دست رفته.

از سلا : appar : دزدی. خاتر: ²pr (Mir. Man. II. 47)

و نیز نک : BSOAS. XII. 46 (از مینو خرد، دکتر تغضلی) و نیز (Zum

apar : Sasaniidischen Recht. Bartholomae 5.8)

شکل هزارشی در دیدن ۱۱۳۱۵۵ است. نک: همین واژه، ک ۸/۹.

سلا : appār bavēd : دزدیده بود/شود. ک ۸/۹.

سلا : avām : وام، قرض.

سلا : ap : بدست آوردن (Nyb. II. gls. 13) خاتر: ²b²myh

awām : (Henning. List, 80) واژه نامه مینو خرد تغضلی) پا : ۱۰

(مینو خرد) ک ۱۴/۸.

سلا : avāmihā : بوام، بطور وام، وام مانند (قید)

(نک. واژه بالا) ک ۱۴/۸

سلا : ābān : آبان، روز دهم هرماه و ماه هشتم هر سال و نیز ایزدنگهبان آب و موکل

آن است در پشت ها یشتی بنام این ایزد است.

خاتر: ²b²n (Mir. Man. I, 32) ک ۱۰/۲۲ ک ۲/۲۲ ۱۵

سلا : ābān-it : آبانت، آبان ترا، ایزد آبان تورا (نک. واژه بالا)

-t ضمیر دوم شخص مفرد (حالت مفعولی) نک: همان ک ۱۰/۲۲

سلا : ābān : آبها جمع آب (نک: سلا : آب)

ک ۴/۱۱ ک ۴۱-۴۰/۱۳ ۲۰

سلا : abārīg : دیگر، بعد.

سلا، سب، سا : apara- + ra- (Kent. 168)

خاتر : ²b²ryg (Mir. Man. I 32, II, 43) پا : awarā:

(مینو خرد).

ک ۱۲۳-۱۱۶-۹۹-۹۵-۷۴-۶۲-۳۷/۲ ک ۲۹-۲۰/۳ ک ۲/۴ ک ۷/۶ ک ۸/۸ ۵

ک ۱۹-۲ ک ۵/۹ ک ۱۰-۲/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۸-۳/۱۲ ک ۲۹-۴/۱۳ ک ۱۴/۱۴

ک ۲۶/۱۵

سلا : abārīg-iz : دیگر نیز و دیگر. ک ۲۰/۳ ک ۴/۱۳

ک ۲۶/۱۵

سلا : abāyēd : باید

خاتر : ²b²yd (Mir. Man. II, 43) پا : awāyat (مینو خرد).

ک ۵۰-۴۴-۴۱/۲ ک ۲۵/۳ ک ۲/۴ ک ۴/۶ ک ۱/۷ ک ۲۳-۲۱/۸ ک ۹/۹

ک ۱۲ ک ۳۰-۲۸-۱۵-۱۰/۱۰ ک ۳۰-۲۵-۱۴-۱۲-۱۰-۹-۷-۶/۱۵ ک ۲۵-۲۰-۱۴-۱۲-۱۰-۹-۷-۶/۱۵ ک ۳/۱۷

ک ۱۴/۲۰

سلا : bē abāyēd : ببايد، لازم است. ک ۲۱/۸ ک ۱۳/۹ ۱۵

سلا : ō abāyēd : ببايد، چنین بايد ک ۲/۴

سلا : andar abāyēd : اندر بايد، لازمست ..

ک ۴۱/۲ ک ۱۰/۱۰

سلا : nē abāyēd. : نبايد. ک ۴/۶ ک ۱۰/۱۵

ک ۱/۱۷ ۲۰

سلا : abāyēd šudan : بايد شدن، بايد رفتن (در معنی

مردن) ک ۱۳/۹

سلا : abāyēd dādan : بايد دادن. ک ۲۱/۸

سلا : abāyēd kardan : بايد کردن، بايد انجام دادن.

ک ۶-۳/۱۷ ۲۵

سلا : abāyist : بايست، بايسته است، لازم است.

پا: awāyast (مینو خرد) ک ۳۰/۱۵.

اباییشنیگ: abāyišnīg: بایسته، لازم، شایسته.

ک ۱۴/۱۲

ازابار: azabar: زیر، بالا.

پا: aṣwar: (مینو خرد). ک ۱۱/۲-۱۶-۳۹-۷۷. ک ۱۱/۳. ک ۸/۴. ک ۵/۶.

ک ۲۶/۱۲. ک ۲۷/۱۳.

هفت: haft: شکل عددی آن سترگ است.

ستا: hapta- هندی کهن: -saptá (Aiwb. 1765) فاطر: hpt

(Mir. Man. II, 56.) پاتر: hpt (Mir. Man. III, 55)

آسی: aud: پا: hapt (مینو خرد). ک ۱/۵. ک ۳/۵-۳۰. ک ۱۳/۲۲

هفت امشاسپند: haft amšāspand: هفت امشاسپند (نک

ک ۳۰-۳/۱۵)

هفت کشور، اقلیم سبعة: haft kišvar:

ستا: hafta būmī: هفت بوم، هفت اقلیم، برابر اعتقاد ایرانیان کهن، زمین

به هفت اقلیم یا کشور تقسیم شده بود. ارزه: arezah. سوه: savah.

fradadafš: فرد دفش. vīdadafš: وید دفش. vōuru-

jarašn: وروجرشن. vōuru-baršn: وروبرشن و xvaniraθ

خونبرث، که خونبرث در مرکز شش سرزمین دیگر قرار میگرفت و ایرانزمین یا ایرانویج

در آن قرار داشت. (نک: پورد/ود، یشتها ج ۱ ص ۳۳-۴۳۱. حاشیه) ک ۱۳/۲۲

ا-پاتوگ: a-patūg: ناتوان.

در مینوی خرد ۴۴/۱۰ به شکل ۳۱۳۳ آمده به معنی ناتوانی. و نیز در

۱۵/۵۲ آن ۱۳۳۳: pattūgīh/patūgīh: استقامت و توانایی.

قدرت (از: pattāy و pattaw نک: واژه نامه مینو خرد ص ۱۱ و ۹۳)

ک ۳۰/۱۰.

هفتورنگ: haftōyrang: هفتورنگ، هفت اورنگ، هفت ستاره‌ای که به عربی بنات-

النعلین خوانند و آن صورت دب اکبر است از جمله چهل و هشت صورت فلکی (برهان)

در اصل به معنی دارای هفت نشان (بهار: پژوهشی در اساطیر ص ۳۳ شماره ۲۷)

ستا: haptō-iringa- (Aiwb 1767) پا: haptōirang

(مینو خرد). ک ۴/۱۱.

ا-پاتتیه: a-patētīh: توبه ناکردن، پتیت نکردن. (نک: ۳۳۳۳)

ک ۲۲/۸.

افزار/ابزار: afzār/abzār: افزار، ابزار، اسباب کار.

ستا: api-čāra-? api-zāvar: (M.F. Kanga-57, 58)

پا: awazār (مینو خرد). ک ۹۱/۲.

افزایش: afzāyišn: (اسم مصدر)

پا: awazāišn: (مینو خرد). ک ۸/۲۱.

افزودن: abzūdan/afzūdan: (مصدر)

ستا: -sav- / aivi+ savayat- (هرن) و نیز: aiwizāvāyēiti

(هوشمان، برای هر دو وجه نک: اساس اشتقاق فارسی، جلال خالقی مطلق ص ۱۳۰)

پا: awzūdan (مینوی خرد). ک ۳/۱۴. ک ۹/۱۵-۱۲-۱۴-۲۰.

افزون: abzūn / afzūn: (بن مضارع).

فاطر: ʔbzwn (Mir. Man. II, 44). ک ۵/۲۱.

پا: pad afzūn bavēd: روبه فرونی باشد.

ک ۵/۲۱.

افزاید، بیافزاید، اضافه کند. afzāyēd:
سنج. فاطر: ²bz²y (Mir.Man. II, 44) پ: awazāet
(مینوی خرد). ک ۲۵/۱۵. ک ۶/۲۱

افزودن، سودبخشی، تقدس. afzōnīgihā:
سنج. پ: awazūnyan (مینوی خرد) ک ۴/۲۳

افزودن، کشته شود، (فعل، شکل و ساخت مجهولی دارد لکن در متن معنی: بکشد یا بمراند می دهد) (سنج: شیروازن)
ستا: aiwi / Jan "کشتن" پ: awazadan (GNPE. 31)
فاطر: ²wzn-, ²wzdn (Mir.Man. II. 45) پ: ²wjd
²wjn- (Hymn Cycles, 183) واژه نامه مینوی خرد، دگترتغلی ص ۵۶
(شکل هزارش کشتن و ۱۱۳۱۲ و ۱۱۳۱۴ است. نک: همین واژه)
ک ۸/۱۰

افزودن، ازدها، مار بزرگ، اینجا منظور ضحاک است.
ستا: ažišdahākō (AiWb. 266) ارمنی: azdahak (GNPE. 19)
ک ۱۸/۲۰

افزودن، بیداد، (داد، عدل، قانون، نک: همین واژه)
بیعدالتی، ستم
پ: dāt: سنج. فاطر: ²dyst²n (Mir.Man. II, 49) ک ۱۷/۲۲

افسان، فسان. "سنگی باشد که کار دو شمشیر و خنجر و امثال آن را به آن تیز کنند، حکیم خاقانی: خنجر فتنه جو گشت کند در ایام خنجر خصم تو گشت او را افسان جهانگیری، عقیقی"
سا: abhi + ḡāna- وخی و ساریگی pasān: "سنگ تیزکن"

(GNPE. 23) ک ۲۸/۱۰

افساید، ظاهر "بجای" و افساید: afsāyēnd: فسایند تیز کنند.
در مورد ناخن: ناخن چیدن، ناخن گرفتن. ک ۶/۱۲
افساید و ن: nē afsāyēnd: ناخن نگیرند ک ۶/۱۲

افساید و افساید: afsihēnīdārtar: نابود کننده تر، از بین برنده تر.
"بارتولومئوس از ریشا و ستایی: saēd و ماده: bisdyāt و سانسگریست:
گستن و شکستن میداند" (د ۱۳ بار) (P.V. GL. پ: awasihīnīdan
نابود کردن، تباہ کردن. (مینوی خرد). ک ۳۰/۱۲

افساید و افساید: abispārdan: سپردن، سپاردن.

ستا: ²spar- / vīspara- هندی کهن: sphurātī (GirPh. 155)
سپاردن: sphur-: سپاردن و سپاردن: be abispārdan: سپردن،
سپارش کردن. ک ۲/۸

افساید و افساید: abispārd: سپرد سپارد. ک ۵/۸

افساید و افساید: abispārēnd: سپارند، بسپارند.

پ: ²bysp²r: (Ghilain. 75) پ: awaspārēnd:
(مینوی خرد). ک ۸/۱۷
افساید و افساید: nē abispārēnd: سپارند. ک ۸/۱۷

افست، اوستا: avistāg/abistāg: اوستا (ستا اوستا و ستا) کتاب مقدس
بهامیر کهن ایران، زرتشت. پ: awastā:

ک ۱/۱ ک ۱۱۸-۹۷-۵۵/۲ ک ۱۰-۹/۹ ک ۱۰-۵/۱۰-۲۹-۲۵-۱۹-۵/۱۰ ک ۲/۱۴-
ک ۱/۱۵ ک ۹-۸/۱۷ ک ۱۴/۱۹
افست و اوستا: avistāg zand: زند اوستا ک ۲۵/۱۰

افست و اوستا: abistān/avistān: استان، استام، معتقد.

"اوستان بر وزن دوستان، مردم امین و معتد باشد" برهان.
پا: awastam (مینو خرد). ک ۱۳/۹

سرد: afsard: افسرد، افسرده شد، خاموش شد سرد شد (در مورد آتش)
معادل اوستایی آن: sarəta: پا sard: (Kapadīa. 278)
ک ۳/۱۲

سبزه: ābustan/ābistan: آبستن، حمله.
ستا: apu ra-, tanu-: [تن] بچمدار، زن حامله. (iWb. 85-86)
ک ۱۰۹-۱۰۵-۵/۲ ک ۱۸/۸ ک ۱۰-۴/۱۰-۲۰.
سبز: ābustanih: آبستنی، حاملگی.
فاتر: bystnyy (Mir. Man. II, 44) ک ۱۱۵-۵/۲ ک ۲۲/۲

سبز: ābgēnag: آبگینه، آینه. ک ۱۱۵-۵/۲

سبز: abē-gumān: بی گمان، بی شک.
ستا: *apaīy (هوشمان) + *vī-manah- هندی کهن: vīmanas-
(iWb. 1449) این واژه به شکل سبز سبز نیز آمده است. (نک: گمان،
اندرز پوریونگیستان ص ۵۵) ک ۸/۳ ک ۳/۱۱

سبز: u-š: pš: او را، آن را. u: او، آن + ید: š ضمیر متصل
سوم شخص مفرد فاطر: wš (Mir. Man. I, 33) پا: vaš: ک ۳۲/۲-
۸۹-۹۲-۱۰۰ (و در متجاوز از ۷۰ جای دیگر کتاب)
سبز: p-š'n: u-šān: آنها، ایشان. که: šān- ضمیر متصل سوم
شخص جمع است. پا: vašān (مینو خرد). ک ۶۵/۲ ک ۳۴/۳ ک ۱۱۳/۲۰
ک ۲۹-۲۲/۱۵-۳۰

سبز: az-iš: از او. az: از (حرف اضافه) + ید: š: ش
(ضمیر متصل سوم شخص مفرد) پا: azaš: زبور پهلوی: šy (PS. 35)
تفضلی، مینو خرد. ک ۴/۱ ک ۴/۴ ک ۱/۱۱ ک ۱۲/۳-۹-۱۴ ک ۳/۱۵
ک ۱۰-۹-۲/۲۰

سبز: afsēd/apsēd: پاشید، پاشیده (ظاهراً این شکل لازم فعل است و
صورت متعدی آن "افشاند" می باشد) ک ۱۱۹/۲
سبز: afsēd ēstēd: پاشیده (شده) است. ک ۱۱۹/۲

سبز: xafag/xapag: خفه (فشرده گلو) خبه، خبه، خبک، خبک. (فرهنگهای
فارسی). ک ۲۳/۲
سبز: xapagih: خفگی. ک ۲۳/۲

سبز: abar/apar: بر. شکل هزوارش آن کاپر بیشتر صورت هزوارشی آن
در نوشته های پهلوی بکار رفته است.
فاتر: br (Mir. Man. II, 44) ک ۳۴/۱۰
سبز: abar nē yazišn: نباید برپشتن، نباید تقدیس کردن
ک ۳۴/۱۰

سبز: PR: هز، یونگر: xāk, ²pRy: خاک (FrPh. 17)
نوشتار غیر هزوارشی آن سبز: پا: xaki (مینو خرد).
ک ۱۱۲-۱۱۲-۹۸-۹۲-۳۶/۲

سبز: a-zarmān: بی پیری، بدون پیری. پا: azarman (از) a
نقی + zarmān: پیری. نک: همین واژه) ک ۲۱/۲۲

سبز: afrōxtan: افروختن.

سول: afarg/aparg: اپری، افری، اسم خاص است و چنانکه از این متن و سایر نوشته های دینی پهلوی برمی آید، وی یکی از نویدان صاحب نظر بوده است. "نام یکی از مفسران اوستا است که گویا پیش از ساسانیان می زیسته است." فرهنگ فرهوشی.

بی، بدون + آب. ک ۸/۹.

ابوس: ābus/āpus: آبستن، زنی که بچه در شکم دارد. این واژه به شکل ābustān و ābistan و ābist هم آمده به معنی بچه دار. ست
apugra: tanu- (AīWb. 86) ک ۷/۱۰ ک ۱۸/۱۲
āpus bavēd: آبستن بود، آبستن شود. ک ۱۰/۱۰
۷. ک ۱۸/۱۲

آبستان/ābustān/āpustān: (نک: واژه بالا)
ک ۱۱/۱۲-۱۳ سنج فاطر: bystnyy^۲ آبستنی (Mir. Man. II, 44)

appurd: دزدیده، دزدیده شده.
pwrđ^۲ برد، دزدید. (Mir. Man. II, 47) ک ۱۲/۱۵
appurd ēstēd: دزدیده شده است. ک ۱۲/۱۵

appurdag: دزدیده شده. ک ۱۲/۱۵

aburnāy: برنا، نوزاد، بچه. (نک: سدر و) ک ۲/۱۳

aburnāyīg: برنا، بچه، نوزاد (نک: واژه بالا) ک ۸۵/۲-۱۰۵-۱۰۶
ک ۱/۵ ک ۱۲/۱۲

aburnāyīg: نک: واژه بالا. ک ۸/۲

āfrīn: آفرین، نیایش، ستایش، دعا. نک: سدر و ک ۲۲/۲۲

abē-: بی، پیشوند و نشانه نفی
sta: apa+id: *apay^۲ پا (Pers. Stud. 33) aw:

ک ۸/۳. ک ۱۲/۱۰-۱۷-۲۴-۳۱. ک ۳/۱۱. ک ۲۰/۱۲. ک ۱۷/۲۲

abēbīm: بی بیم، بی ترس، بی (نک: واژه بالا) + bīm ست bay-
صدی کهن: -bhāy: bhēman- bhāy: bhīma: bīm (GNPE. 59)

abēzag/avēzag: اویژه، ویژه، پاک. (صفت بهدین، آئین زردشتی)
bycg^۲ (Man. Stud. 44) پا awīza: (هر دو از مینو خرد)
تغلی. ک ۷-۱/۶. ک ۱۵-۱۶

avēzag dād: پاک آفریده، بهدین، زردشتی.
ک ۷-۱/۶

azēr: (۱) زیر، پائین. ست: aīw. 58)
azēr: ک ۱۱/۲-۱۱-۲۹-۸۹-۹۰-۹۵. ک ۱۱/۳. ک ۵/۶
(۲) نشیمنگاه. ک ۱۴/۱۰

abēr: بسیار، زیاد. فاطر: pyr^۲ پا awīr: (Nyberg.,
II, 18. ک ۵/۳. ک ۱۳/۸. ک ۲۲/۱۰-۲۳-۲۹. ک ۱۵/۱۲-۱۶-۱۹-
۲۶-۲۹. ک ۳۰/۱۳. ک ۸/۲۰)

abērtar: زیاده تر، بیشتر. پا: awīr-tar (مینو خرد).
ک ۲۹-۱۹/۱۲. ک ۳۰/۱۳. ک ۸/۲۰

abērāhīh: بیراهه، راه نا آشنا. ک ۱۴/۱۹

abēmōzag: بی موزه، بدون کفش، پابرهنه. abē + mōzag
موزه (نک: هر یک از دو جزء) ک ۱۲/۱۰

۶۴۷۷: abduṃ/afduṃ: اقدم، آخر، سرانجام.

ستا: *apatōma, apōma (Aiwb. 80-81) (ونیز نک: GNPB. 9-10 فاطر. (Mir.Man. II, 44) bdwm: awādum (مینو خرد) فارسی: اقدم (لغت فرس). ک ۸۹/۲. ک ۷/۸.

۵ ۶۴۷۸: abēvināh: بی گناه، abē + بی + vināh گناه (نک: هریک از

دو جز) ک ۱۷/۱۰

۶۴۷۹: abēvināhīh: بی گناهی. ک ۲۴/۱۰.

۶۴۸۰: HT: agar: اگر، فاطر: gr (Mir. Man. II, 44) پ:

agar (مینو خرد). ک ۱۸/۲-۳۱-۳۸-۴۵.

۶۴۸۱: agar-iz: اگر نیز، واگر. ک ۲۸/۲. ک ۱۱/۳. ک ۲/۵.

ک ۴/۱۲.

۶۴۸۲: agar-š: اگرش، اگر او را. agar + اگر + š (ضمیر متصل اول شخص

مفرد مفعولی) ک ۳۱/۲. ک ۷/۵. ک ۴/۱۶.

۶۴۸۳: agar-šan: اگرشان، اگر آنها را، agar + اگر + šan

(ضمیر متصل اول شخص جمع مفعولی) ک ۲۷-۸/۱۲.

۶۴۸۴: ātaxš/ataš: آتش. آتش، آفریده های هرمزدی است و بنا بر بندهای

۲ و ۳ پس از ۳۶ دآوری روز واپسین را عهده دار است و در اوستای متأخر نیایشی به نام

اوست. (توضیح بیشتر را، نک: مهرداد بهار. پژوهشی در اساطیر ایران ص ۴۶.

شماره ۱۳) ستا: ātar, ātarš (Aiwb. 312) پ: ātaš

۶۴۸۵: (شکل هزارش آن اول) یونگر: ۷۵ (ک ۳۸/۲ و متجاوز از ۳۰ جای

دیگر کتاب.

۶۴۸۶: ātašan: آتش ها، آتشان.

ک ۱۱۸-۴۶/۲. ک ۵/۹. ک ۴/۱۱. ک ۲/۱۳. ک ۱/۲۰-۸-۹.

۶۴۸۷: ātaš ī ōhrmazd: آتش هرمزد، آتش پسر هرمزد،

در ادبیات کهن زردشتی و اوستا آذر، آتش، پسر هرمزد شمرده شده و مقدس است

و باید پرهیز آن را داشت، در شریعت مانی نیز محترم است. (برای آگاهی رک:

پس ج ۲، پورداود. ص ۱۲۲ به بعد) ک ۱۱/۱۲. ک ۱۳-۱۲/۱۵

۶۴۸۸: ātaš ī vahrām: آتش بهرام، بزرگترین و مقدس-

ترین آتش ها نزد زردشتیان است (نک: اسد کج) ک ۹/۷.

۶۴۸۹: ātaš ī vāzišt: آتش واز پشت، یکی از آتش

هایی است که در اوستا بدان اشاره شده (نک: پس ج ۱۷ بند ۱۱) ظاهراً منظور

اصلی آتش برق یا آتش ناشی از ابرها است. (نک: پورداود، پس ج ۱ ص ۱۹۸

زیرنویس) ک ۲۶/۱۳.

۶۴۹۰: attāwaxšyā: انا و خشیاء، اولین واژه پس از ۳۰ می باشد

ک ۴/۱۳.

۶۴۹۱: a-tarsāgāh: ناپرهیزگار. a (نشانه نفی) + tars

توس + āgāh: آگاه. سنج: توس آگاه. پرهیزگار. نک. م. م. م. م.

ک ۲۲/۱۵.

۶۴۹۲: a-tavānīg ناتوان. a + tavān + īg (نک: هریک از اجرا)

ک ۹۱/۲. ک ۱/۶.

۶۴۹۳: ādur/atur: آذر، آتش. نک: ستا، ستا: ātar

۶۴۹۴: āθr (Aiwb. 312): ایرانی کهن: atr: فاطر: dwr (Mir. Man.

II, 43) ک ۲۶-۴/۱۳. ک ۹/۲۲. ک ۲۵/۲۵ و روز بیست و ششم و ماه نهم

هر سال و ایزد موکل آنها ک ۲/۲۳.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādur Ōhrmazd*: آذرهرمز، اسم خاص، یکی از مفسران و پیشوایان زردشتی ک ۳/۱.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādurbād ī Mārispandān*: آذرباد ماریسپندان/یا مهر سپندان، آذرباد پسر مهراسپند، بزرگ موبد دوران شاپورد دوم ساسانی (۳۱۰-۳۷۹ م) تدوین کننده اوستای متاخر و خرده اوستا ک ۲۳/۸ ک ۱۶/۱۵
𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādurbād ī Māraispad*: همو. ک ۲۳/۱۰-۴۰.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādurbād ī Zarduštān*: آذرباد زردشتان
آذرباد پسر زردشت یکی از موبدان و مفسرین عهد ساسانی. ک ۱۰/۸

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādur Farnbay Narsē*: آذر فرنبغ نرسه (نام خاص) یکی از موبدان و دانشمندان زردشتی و مفسران اوستا ک ۳/۱.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *āduristar*: خاکستر، *atur*: آذر، آتش (نک: همین واژه) + *star* از *star*: گسترده، پاشیدن. ک ۱۷/۲-۲۷.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *Ādur farnbay*: آذر فرنبغ (= آتش فره ایزد) یکی از آتشهای مقدس دوره ساسانیان است و ظاهراً "این آتش نگهبان پیشه آتوریانی بوده، مطابق با مندرجات بندهش این آتش در کوه *rōšn* در کابلستان قرار داشته. لکن این آتش در شمار ۵ آتش مقدسی که در گاهان (پسنا ۱۷ بند ۱۱) بدانها اشاره شده نیست. (نک: مزدیسنا و ادب فارسی، دکتر معین ص ۳۳۸).

استادپورد/ود نوشته: آذر فرنبغ نگهبان همه پیشوایان و دانایان و دبیران شمرده میشد و جای آن در گاریان بود، در لارستان کنونی در سرزمین فارس.

هنوز گاه فروریخته آن بنزدیکی لار نمودار است. (نک: پسنا پورد/ود ج ۲ ص ۱۷۴) ک ۲۶/۱۳.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *āz*: (دیو آژ)، در دیگر نوشته های پهلوی به شکل: *az* آمده است. (نک: مینو خرد ۷/۱۴ و) ستا: *āzi-* (*AiWb.* 383) *āzi-* *z*: *z* (نک: *Mir. Man.* II, 43) *āz*: *z* (نک: ۱۷/۲۲)

azān: *azd*: دخمه، این واژه به نظر پیرو سورهنینگ مرکب است از *ast/azd* به معنی استخوان + دان (پسوند اسم مکان، سنج: گلدان، نمکدان) در حالیکه سایرین ابراهیزوارش: *daxmag* دانسته اند نک:

Sir J. J. Zarthoshti Madressa Centenary Volume, *daxmag*: Bombay 1967 pp. 42-67. گوتوال نیز این واژه را: *daxmag* خوانده است. ک ۷۵۶/۲، ک ۷/۹، ک ۱۹/۱۳

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *HzWRY*: *xūk*: خوک، خنزیر، خوک ماده، گراز.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *hū*: *sūkara-* (*AiWb.* 1817) این هزوارش در فرهنگ پهلوی آمده است. (*Junker.* 17) ک ۵۸/۲.

*

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *may*: می، شراب، ستا: *mada-mada*: *madá*: از: *mad* (*AiWb.* 1113) *my*: (*Mir. Man.* II, 60) *maei* (مینو خرد). ک ۳۰/۲-۳۱-۳۲، ک ۷/۱۰.

𐬰𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀𐬭𐬀: *YŠ*: *kas*: کسی، ایرانی گهن: *kaš[čiy]*: ستا: *kas[čit]*: *kāś*: *kas*: *kasiča*, (*GNPE.* 190) ک ۷۶/۲، ک ۲۵-۱۳/۴، ک ۶/۵، ک ۱۱-۳/۸، ک ۷/۹، ک ۱۶/۱۰-۱۷-۳۹-۴۰، ک ۲/۱۱-۳-۴-۵-۲۵-۲۷-۲۸-۲۹-۳۲، ک ۳۰/۱۳، ک ۳/۱۵، ک ۵/۱۹.

سعودی: kasān, yš³n: کسان، اشخاص. پا: kasān (مینو خرد).

ک ۲۹/۱۳

سعودی: kas-iz: کسی نیز. ک ۲۸/۱۲

سعودی: avēšān/ē-šān: ایشان. در نوشته های پهلوی بیشتر به شکل

اوهشاهن (نک: همین) ک ۳۳/۱۰

سعودی: āsān: آسان، راحت. که ۴۰/۱۰. ک ۳/۱۱

سعودی: āsānīh: آسانی، راحتی، آسایش (اسم مصدر) پا: āsānī

(مینو خرد). ک ۳/۱۲. ک ۱۹/۱۳

سعودی: āsāntar: آسان تر (نک. واژه بالا tar, نشانه صفت تفضیلی).

ک ۴۰/۱۰. ک ۳/۱۱

سعودی: ? ? : این واژه را گوتوال تحصیلی از sarīh=s³lyh- (ار. سرو

برو برتری و بالا بودن) دانسته و احتمال داده که آغازی واژه، مربوط به واژه پیش

از آن mazdāsčā باشد و در واژه نامه خود هم آنرا نیاورده، لکن در ترجمه

ظاهرا "معنی فوق و بالای را از آن اراده کرده است. (نک: Kotwal, p. 16)

(No. 102) ک ۹/۱۳

سعودی: aspur: کامل، پر. این واژه در دیگر نوشته های پهلوی به شکل اسپور

آمده است. (نک: واژه نامه گزیده های زادسپرم ص ۴۸) فاطر: spwr

(Mir. Man. II, 63.) پاتر: spwr (Mir. Man. III, 51)

ک ۲۱/۲۲

۲۰ سعودی: ast-ōmand: استومند، مادی. ast: استه، هسته، جسم، استخوان

(نک: واژه زیر) + ōmand: پسوند دارندگی (نک. همو) ست: astvat,

astvant (AīWb. 215) ک ۴۲/۱۳

سعودی: astag: هسته، استه، استخوان. اسم است از ast: استخوان

ستا: ast-: هندی کهن: asthi, asthan: سی: stag (GNPE. 20)

۵ و (AīWb. 211) فاطر: st (Mir. Man. II, 47) پا: ast:

(مینو خرد) سنج فا: پیلسته. عاج (استخوان فیل، دندان فیل)

۳۳ بر روی ساعد تپه سر بخواب سمن راز پیلسته سارد ستون. ؟

ک ۱۲۲/۲

سعودی: ast: استخوان. نک: واژه بالا ک ۱۴/۱۷

۱۰ سعودی: āstvān: استوان، خستوان، خستو، معترف، معتقد.

√stav+ar: (پوریو تکیهان ۵۵). فاطر: stw³n: (Mir. Man. II, 43)

āstvan: (مینو خرد). ارمنی: xustuwān:

ک ۶/۵. ک ۷/۷. ک ۴-۳/۹. ک ۴-۲/۲۰

سعودی: āstvān būdan: استوان بودن، خستو بودن،

معترف بودن، مؤمن بودن. ک ۳/۹. ک ۴-۲/۲۰

۱۵

سعودی: āstvānīh: (اسم مصدر) خستو بودن، معترف بودن، مؤمن بودن.

ک ۶/۵. ک ۷/۷

سعودی: did: دید، ندیده. فاطر: dydn (Mir. Man. II, 50)

پاتر: dydn (Mir. Man. III, 54) پا: dit (مینو خرد).

ک ۱-۲/۱-۶۲-۶۵-۶۸-۶۹. ک ۱۰/۸. ک ۳۳/۱۰

سعودی: nē did: ندید، ندیده. ک ۶۸-۶۵-۶۲/۲

۲۰

سعدی: vënēm: HzyTWN'm: بنیم. ک ۳/۱۵.

سعدی: $\text{nē vënēm: L^2 HzyTWNm}$ بنیم. ک ۳/۱۵.

سعدی: $\text{vënīhēd: HzyTWN, yhyd:}$ دیده شود. (نک: واژه های بالا).

ک ۲/۲۰.

سعدی: vënēd: HzyTWNyt' بند. شکل غیر هزوارشی آن vënēd می باشد.

این هزوارش بدین سان نیز در نوشته های پهلوی دیده شده است.

ک ۳/۱۴: vīnēt: (مینو خرد). ک ۳-۵/۲. ک ۱۵-۱۰/۳. ک ۲۷-۲۲-۱۵-۱۰/۳. ک ۳۱/۱۰.

ک ۳/۱۴.

سعدی: nē vënēd: بنید. ک ۱۰/۳. ک ۲۷/۱۰.

سعدی: asrōšdār: نا فرمان. asrōšt: کسی که در امور دینی نا فرمانی

می کند (فره وشی) -ār+ پسوند صفت فاعلی ساز. یا از a نشانه نفی + srōš

ستا: sraōša: (کاپادیا، ص ۲۳۶). ک ۲/۱۲.

سعدی: āsrōg: آثرون، پیشوای دینی. شکل دیگر آن سعدی است. (نک: واژه

زیر). ک ۱/۹.

سعدی: āsarvan/āsrōn: آثرون، آذربان، آتوربان، مؤبد نگاهبان آتش،

پیشوای دینی زردشتی. ستا: āgravan: (Aiw. 323) āsrūn: (مینو خرد).

ک ۵۶/۲.

سعدی: $\text{āsarvanān/āsrōnān:}$ آتوربانان، پیشوایان دینی.

ک ۴/۱۱.

سعدی: bandiṣn: SLWNšn: بستن (اسم مصدر) نوشتار غیر هزوارشی آن

است. bnyšn, bnn: بند و بندش. بستن. Mīr. Man.

(II, 48. ک ۱۳/۱۰).

سعدی: frāz bandiṣn: فراز بستن. ک ۱۳/۱۰.

سعدی: SLWN: هر: band+ نشانه ای برای فعل دوم شخص (معمولا

جمع) نک: دستور زبان فارسی میانه د. س. راستارگویا ص ۱۳۹. bandēnd:

بندند. ک ۱۱-۸/۴.

سعدی: هر: bandēd (نک. واژه بالا) بندد.

ک ۱۱/۲. ک ۳/۲۰. bandāt: (مینو خرد).

سعدی: همان واژه بالاست. ک ۳/۴. ک ۱۳/۱۰.

سعدی: be bandēd: به بندد. ک ۱۳/۱۰.

سعدی: abāz bandēd: باز بندد. ک ۳/۴.

سعدی: navad: ستا: -navaiti: -navati: (Jackson. 190)

(106. ک ۱۰۶: navat: (مینو خرد).

سعدی: ēzm: هیزم، هیمه و نیز نک: سعدی. ک ۱۲/۱۵.

سعدی: āsmān: آسمان، نام روز ۲۷ هرماه و ایزد نگهبان آن روز. نک:

سعدی. ک ۴/۲۳.

سعدی: āsmām: آسمان، ایزد موکل و نگهبان سپهر و روز بیست و هفتم هرماه

شکل هزوارشی آن سعدی یا سعدی است. (کاپادیا ۲۳۶)

ستا: asman: هندی کهن: -ačman: (GNPE. 8) در اصل به

معنی سنگ است. āsmān: (مینو خرد). ک ۲۷/۲۲.

سعدی: asmānt: ایزد آسمان ترا، آسمانت. āsmān: آسمان +

t ضمیر متصل اول شخص مفعولی) ک ۲۷/۲۲.

سج: بجای: *ēzmdān*: هیمة دان، انبار هیزم.
سج: *ēzm*: (نک: همین واژه) + *-dān*: پسوند، مکان و جای
سج، نمکدان، گلدان و. ک ۷۳/۲.

۵ سج: *asēj*: بی رنج، بیدرد. a، نشانه نفی + *sēj*: درد، رنج (نک:
همین واژه) فارسی "سیج به کسر اول بمعنی رنج و محنت و مشقت" برهان.
ک ۵/۶.

سج: *asēm*: سیم، نقره.
ستا: *simā-* *simōiθrā-* (یشت ۱۰ بند ۱۲۵. *AiWb.* 1581.)
۱۰ سندی کهن: *čāmyā-* (GNPE. 168) فاطر: *sym* (*Mir. Man.*
II, 47) ک ۱۱۳/۲ ک ۱۸/۱۵.

سج: *āsnīt*: ذاتی، فطری. نوشتار دیگر این واژه در متنهای پهلوی و پهلوی
یستا سج است. ستا: *-ā-sna-* (*AiWb.* 341) ک ۸/۹.

سج: *āsnīt xrad*: آسین خرد، خرد فطری، خرد ذاتی.
۱۵ ستا: *-ā-snahe xraθwō-* (*AiWb.* 341-Y 22.25) *āsn-*:
xard (مینو خرد). ک ۸/۹.

سج: *āhan/āhēn*: آهن. در پهلوی یستا: *ahan* آمده است.
ستا: *-ayapha-* (*AiWb.* 156) ک ۱۱۴/۲ ک ۱۱۵-۱۴/۱۵-۱۵-۱۶

۲۰ سج: *āhēn ī dil*: آهن دل. ک ۱۵/۱۵
سج: *āhēn ī vidāxtag*: آهن گداخته.

(نک: هر یک از اجزاء) ک ۱۹-۱۶-۱۵-۱۴/۱۵.

سج: *āhēnēn*: آهنین. صفت نسبی: *āhēn + ēn* (*-ēn*).
نشانه صفت نسبی) ستا: *-ayaphaēna-* (*AiWb.* 156) ک ۲۴/۲.

سج: *ēzm/ēsm*: هیزم، هیمة. ستا: *aēsma-* (*AiWb.* 26-27)
۵ با: *hēzam*: شکل هزوارشی آن *هزوار* (نک: همین واژه) است. ک ۷۳/۲-
۱۱۸ ک ۱۸/۸.

*

سج: *a-š/ā-š*: آنگاهش، پس آن را، آنگاه او را (a: آنگاه، پس + *š*
ضمیر متصل اول شخص مفعولی. نک. هر یک از اینها) ک ۷۲-۶۷-۱/۲ و.

سج: *gy²n*: *gyān/jān* جان، فاطر: *gyy²n* (*Mir. Man.*
۱۰ II, 54) *gy²n*: فاطر: *gy²n* (*Mir. Man.* III, 55) *jan*: (مینو خرد).
ک ۵۱/۲-۵۶ ک ۱۲/۱۲.

سج: *aštād*: اشتاد. به معنی. راستی و درستی است. و نام روز ۲۶ هرماه
و نام فرشته یا ایزد ناظر بر راستی و عدالت است که همکار رشن می باشد و موکل
روز بیست و ششم هر ماه نیز می باشد.

۱۵ ستا: *-arštāt* (*AiWb.* 204) ک ۱۹/۱۲ ک ۲۶/۲۲ ک ۴/۲۳.
سج: *aštād, it*: اشتاد ترا، ایزد اشتاد ترا ک ۲۶/۲۲.

سج: *aštar/aštr*: آشتر، تازیانه، شلاق.

ستا: *-astrā* (*AiWb.* 263) ک ۲۹-۲/۱۳.

سج: *aštar burdan*: حدّ شرعی را تحمل کردن،

شلاق خوردن. ک ۲۹/۱۳.

سخت: *xišt*: آجر نپخته. ست: *(AiWb. ištakā: L ištya-)* 378. ک ۲۶/۲.

سردوسلو: *āškārag*: آشکار، آشکاره. ست: **aviškāra-: L* *(GNPE. 8.)* *āškārā*: (مینو خرد). ک ۸/۸.

سردوسلو: *āškāragihā*: به آشکاری، آشکارا. ک ۸/۸.

سردوسلو: *hškhwn, yh*: هر: *vindēh*: بایی (از: *vindādan* یافتن) نوشتار پهلوی آن *vaēd*: ست: *viñdenti* از ریشه: *vēd* (مینو خرد) *(GNPE. 300.)* و نیز نک: *vindāti*: هندی گهن: *(AiWb. 1449)* فاطر: *(Mīr. Man. II, 52) wndyh*: ک ۳۰/۲۲.

سردوسلو: *aškōb*: اشکوب، آشکوب، "آشکوب به معنی آسمانه و سقف خانه باشد." و هر مرتبه از پوشش خانه را نیز گویند "برهان". ک ۶۲/۲.

سردوسلو: *aškumb*: اشکم، اشکم، (سج: شکمه) این واژه در دیگر نوشته های پهلوی *asur* آمده است. (نک: مینو خرد ۳۲/۲۶ و ۱۱/۵۶) معادل اوستایی این واژه *uruθwasča* است. فاطر: **aškmb* *(Mīr. Man. II, 63)* *askum*: (مینو خرد). ک ۵۸/۲. ک ۱۸-۱۳ ک ۴/۱۱.

سخت: *ašem*: اشم [و هو] نک. واژه زیر: ک ۷/۵.

سخت: *ašemvohūg*: اشم و هو، نماز معروف زردشتیان. ست: *(AiWb. 257) ašemvohū* برای معنی و تفسیر این نماز نک *M.F. Kanga: A Pahlavi Commentary on the*

Ašamuohu. در پژوهشنامه مؤسسه سیائی شماره ۲ سال ۱۳۵۴ شیراز. ک ۵/۵.

سخت: *ašemvohūg*: اشم و هو، نک. واژه بالا ک ۷-۵/۵. ک ۲۵-۲۴/۱۰. ک ۲۲-۲۱/۱۲. ک ۱/۱۳.

سخت: *xšmaibya*: واژه آغازین یسنا ۲۹ می باشد. ک ۴/۱۳.

سخت: *ašavahišt*: اناوهیشت نوشتار پهلوی شکل اوستایی است برای اردیبهشت، نام دومین امشاسپند و نام دومین ماه سال و ایزد نگهبان آتش. ست: *ašavahišta-* نک: *asur* ک ۴/۱۱.

سخت: *xšvašmāngug*: شش ماه. واژه نخستین به شکل اوستایی آمده است. ست: *(AiWb. 562) xšvaš. māhya-* ک ۹۵/۲.

سخت: *xšvašmānghug*: همان واژه بالاست و سبب نوشته شدن آن بدین دو صورت (بجای: *asur* با *asur* که شکل هزوارش است و معمول بوده) روشن نیست. ک ۹۷/۲.

سخت: *ašnavēd*: اشنود، شنود. فاطر: **āšnw* *(Mīr. Man. II, 47)* فاطر: **āšnw* *(Mīr. Man. III, 51)* شکل هزوارشی آن: *asur* *(Junker 1.)* است. ک ۳۲/۱۲.

*

سخت: *ayryak*: دراز، طولانی، درازترین، طولانی ترین. (نک: *asur*، شایست نشایست ص ۱۲ شماره ۱۵) ست: *(AiWb. 50) ayrya-* هندی گهن: *ayriyā-* ک ۱/۹.

• 28/125

a + kāmāg + īha (نک: هریک از اجزاء) ک ۱۰/۲۰

سولہ: hagirz-ič/iz: هرگز هيچ، و هرگز. ک ۲۹/۱۲.

13/145

(13/14-5)

17/22 K 18/20 K . 26-18

شماره های بالا)

بہدینان) (AizWb. 48.) ک ۶/۶.

• A-D/145.2A

نشانی صفات تفصیلی کی ۲/۱۲

اسم مصدر. ك ۱۷/۶.

95-73-47-41-33/25

4/125

28/125

ارد: ard: نام روز ۲۵ هر ماه، در اصل ایزد توانگری و ثروت و حامی نیکوکاران و موکل روز بیست و پنجم هر ماه است. (نک: فرهنگ فره وشی). اصلاً به معنی سهم بخش و پاداش است. و بیست هفتم یشتها بنام اوست و او را دختر هرمزد و سپندارمذ دانسته اند (نک: بهار، پژوهشی در اساطیر ص ۵۱ شماره ۳۰)
 ستا: aša-, arəta-arəta- (AiWb. 237) ک ۴/۲۳

اردای: ardāy: مقدس، پارسا

ستا: ašay, arətay- (AiWb. 192) فاطر: ʔrdʔy (Mir. Man. II, 47.) ک ۲/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۴-۵-۶ ک ۸/۱۹

اردای فریو: ardāy fravard: اردای فرورد، فروهر مقدس یا پرهیزگار، فرشته نگهبان ارواح. در این متن به عنوان مخفف یا خلاصه چهارمین یا آخرین باج است که "جامه اشوداد" برای شادی روان مرده با آن تقدیس می گردد.
 ستا: aš frawaši/arəta frawarta- (Kapadīa: 268) ک ۲/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۴-۵-۶ ک ۸/۱۹

ارتشتار: artēštār: ارتشتار، نظامی، جنگجو.

ستا: raθōi-šta-, ragaē-štā-, ragaē-štar-: هندی کهن: ʔrdykr (Mir. Man. II, 47) فاطر: ratheštā- (AiWb. 1506) سنج. ک ۷/۱۳ ک ۵۶/۲
 ستا: artēštār (Mir. Man. II, 47) فاطر: artēštār (Mir. Man. II, 47) ک ۷/۱۳ ک ۵۶/۲
 ستا: artēštārān: (جمع) ارتشتاران. ک ۴/۱۱ ک ۹-۷/۱۳

آرد گندم یا سایر دانه های آسیاب شده. این واژه به شکل مدله و پشته و نیز در دیگر نوشته های پهلوی آمده است. نوشتار هزوارشی آن و پشته است. (نک: Junker. 27) واژه اوستایی برای آرد: pištra- است. (AiWb. 908) ک ۲۷/۲

آراید: ārāyēd: آراید، پدید آید، بوجود آید.

فب: rād-: ستا: rād-: مصدر: rāōaiti (AiWb. 1520) ک ۲۲/۱۲
 ستا: ārāet: (مینو خرد) ک ۲۲/۱۲
 ستا: šnōšag ārāyēd: عطسه آید ک ۲۲/۱۲

چهار: čahār: چهار، نوشتار پهلوی آن 𐭪𐭫𐭮𐭫 (نک: همین واژه)
 ستا: čaθwar-: هندی کهن: čatvārah, catūrah, cātasrah (AiWb. 577) فاطر: čihār: (مینو خرد) ک ۲/۱ ک ۱۱۴-۴۷-۲۴/۲
 ک ۱۲-۵/۴ ک ۹/۹ ک ۱۰/۱۰

خرفستر: xrafstar: خرفستر، خستر، جانوران موزی، حشرات موزی.
 ستا: xrafstra- (AiWb. 538) فاطر: frystr (Mir. Man. I, 45) ک ۱۹/۸ ک ۲۱/۳
 ستا: xarwastar: (مینو خرد) ک ۱۹/۸ ک ۲۱/۳
 ک ۱۸-۵/۲۰

خرفستاران: xrafstarān: خرفستاران (نک: واژه بالا) ک ۱۹/۱۳
 ستا: xrafstar I ābīg: خرفستر آبی، جانور زیانکار آبی (چون قورباغه) ک ۱۹/۸

خرد: xrad: خرد، عقل.

ستا: xratu-: هندی کهن: krátav-: ارمنی کهن: xrat (AiWb. 535) فاطر: xrd: (Mir. Man. II, 59) ک ۲۹/۱۰ ک ۳-۲/۲۰ ک ۲/۲۲
 ستا: xard: (مینو خرد) (و نیز نک: Bailey, BSOAS, X. 901) ک ۲۹/۱۰ ک ۳-۲/۲۰ ک ۲/۲۲
 ستا: xradgōhr: گوهر خرد ک ۲/۲۰

ارز: arz: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ستا: arəjah- (AiWb. 192) نوشتار هزوارش آن و معنی با و معنی است. (Junker. 27) ک ۲/۱.

ارزمنده: arzōmandtar: ارزمنده، ارجمندتر. پا: arzmañdtar: (مینو خرد). ک ۴/۲۳.

ارزمنده: arzōmandih: ارزمنده، ارجمندی. پا: arzmañdī: (مینو خرد). ک ۲۱/۱۳.

ارزان: arzānīgān: ارزانیان، مستمندان، مستحقان. جمع arzānīg (نک: مد) (پا: arzanyan: (مینو خرد). سنج. فاطر: Mir. ʔrzʔn: Man. II, 47.). گوتوال آنرا از haghāna می داند. (نک: Kotwal. 125) ک ۲۳/۱۰ ک ۱۶/۱۲.

ارزو: ārzōg: آرزو.

فاطر: ʔwrzwy (Mir. Man. II, 45) ک ۲/۲۳.

ارزو: ārzōg-ōmand tar: آرزومندتر. ک ۲/۲۳.

دوست: dōsad: 200: دوست، ۲۰۰.

ستا: dūye saite: (Jackson. 106) ک ۲۱/۳.

دوست و سرسبز: dōsad ud haftād ud hašt: 278: ۲۷۸. ک ۵۱-۵۰/۱۳.

ارزور: arzūr: ارزور، در اینجا نام کوهی است بر در دوزخ. نک: وندیداد پهلوی ۳ بند ۷) ستا: arəzūra: (AiWb. 202) پا: ārzūr: و معنا "در اطاق بر"

ایرانی نام دیوی است که کیومرث را کشت. ک ۱۹/۱۳.

ارشونگ: aršišvang: ارشونگ [ایزد] فرشته بانویی است که نگهبان روز بیت و پنجم هر ماه است و نیز ایزد مال و دارایی است.

"بهار. نام ایزد حامی زمین؟ واژه نامه بندهش".

ستا: ašay-/ašī vaṇuhī: ک ۲۵/۲۲.

ارشونگ زیبا: aršišvang [i] hučih: منظور همان ایزد بانوی موکل مال و ثروت و حامی روز ۲۵ هر ماه است. (در بندهش TD2 بالقب vēh آمده: aršišvang i wēh) ک ۱۴/۱۴ ک ۲۵/۲۲.

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

ارژ: ar: ارز، ارزش، بها قیمت. (ارج: درارجمند)

arm: بازو، دست، از آرنج تا شانه (اشتگاس. ۲۸) ک ۴/۱۱.
 arm ī dašn: بازوی راست. dašn + arm
 راست (نک: همین واژه) ک ۴/۱۱.

مز: x^vābēnd, HLMWN, nd: خوابند (تغضلی، مینو خرد).

x^vafseñd: (Junker. 16) : خسبند. نوشتار پهلوی آن 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥
 است. sta: x^vafseñd, x^vap: (GNPE. 107) پا : x^vafseñd
 (مینو خرد) ک ۱۲/۴-۱۳/۴

frōd x^vafseñd: فرو خسبند ک ۱۴/۴
 be x^vafseñd: بخسبند، بخوابند. ک ۱۳/۴

مز: x^vafseñd, HLMWN yt: خسبند (نک: واژه بالا)
 ک ۲۴/۱۰-۲۸/۱۰
 be x^vafseñd: بخسبند، بخوابد. ک ۲۸/۱۰

armišt: ارمشت، علیل، ناتوان، بی حرکت. غیر فعال. مردی که
 توانایی جنسی ندارد. sta: armaē-štā-آب ساکن. (AīWb. 197)
 پا: armāšt (مینو خرد) ک ۹۸/۲. ک ۱/۶

xrafstarān: خرافستران، جانوران مودی. ک ۹/۱۹

xrōs: خروس، خروس پرندۀ خانگی که در گذشته مورد احترام فراوان نیاکان
 ما بوده و یکی از همکاران سروش دانسته میشد. (برای آگاهی کامل نک: پورداود،
 فرهنگ ایران باستان، ص ۲۱۵ و نیز همو، یشتها ج ۱ ص ۲۴ و ۵۱۶)
 sta: xraosya- (AīWb. 533) از همین است خروش، به معنی فریاد و آواز

و خدا ک ۳۰-۹/۱۰

harvisp: همه.

har: هر. sta: haurva-: غیب haruva-: (AīWb. sarva-: ۱۷۹۰)
 visp / vist + : همه. sta: vaēsaēpan-

hrwysp: (AīWb. 1328) ناتر: (Mir. Man. II, 56)

harvisp (مینو خرد) ک ۲۹/۱۰. ک ۱۴/۱۹

harvisp āgāh: آگاه به همه چیز، صفت هرمزد

harvisp همه، هر، + āgāh آگاه (نک: همین واژه)

ک ۲۹/۱۰

harvist: همه، (نک: واژه بالا) دکتر تغضلی این واژه را همان
 می داند که و ۱ در آخر واژه بهم چسبیده و به شکل 𐭮𐭥𐭥𐭥
 آمده (نک: واژه نامه مینو خرد، ص ۲۵۲) ک ۲۵/۱۰

HLLWN, nd: مز: (نک: همین واژه) sōyēnd: شویند. ک ۷/۷. ک ۲۷/۱۲

harvēn: همگی. نک: 𐭮𐭥𐭥𐭥

harvēn-: همگی ترا، همه ترا ک ۳۱/۲۲

arduš: اردوش، نام طبقه چهارم از گناهان است بنا بر تقسیم بندی نویسنده
 آتات، که کفاره آن برابر با ۳۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می باشد (ظاهرا "این
 آیه صدمه وار کردن به اشخاص است با ضرب و جرح) sta: arduš
 (AīWb. 194) ک ۲-۱/۱. ک ۲-۱/۱۱. ک ۵-۴/۱۶

xargōš: خرگوش.

از *xar*: خور. ستا: *xara-*: *gōš + (AiWb. 532) khara-*
 گوش. ستا: *gaoš*: هندی کهن: *ghōṣati*: شنیدن، دریافت.
(AiWb. 485) سنج: بنوش و نیغوش، نیوشیدن، پا: *xargōš* (مینو خرد)
 ک ۹/۱۰

۵ *ardvišūr*: اردویسور. اردویسور ایزد، اردویسور اناهید، ایزدبانوی
 آبها و نیز نام رودی اساطیری است. آبان یشت، یکی از بلندترین یشت ها (یشت
 پنجم) که دارای ۱۳۳ بند است و نیز یسنای ۶۵ بنام این ایزد می باشد. شکل دیگر
 نوشتار این واژه *ardvišura* است.
 ستا: *arədvī sūra-* (*AiWb. 194*) ک ۴/۱۱

۱۰ *am*: من، ظاهراً "بجای" *an*: ²NH: *man=L*: من. پا *6*: *an*:
 من (حالت فاعلی) بکار رفته. (نک: راستارگویو، ص ۷۴، و واژه نامه مینو خرد،
 ص ۷۰) فاطر: *n*: (*Mir. Man. II, 46*) پاتر *z*: من.
 (*Mir. Man. III, 50*) ک ۶/۵

۱۰ *ham*: هم. پیشوندی است که معنی مجاورت و همکاری را میرساند
 (راستارگویو ص ۴۰) ستا و غیب: *ham-*: *san-* (*Kent. 213*)
 در فارسی میانه و نو: *hēm/hān/hām/ham* (*AiWb 1772*) فاطر *hm*.
 (*Mir. Man. II, 55*) پا: *ham* (مینو خرد). ک ۶۲-۶۱/۲
 ک ۴/۳-۱۵-۳۱. ک ۴/۵. ک ۲۲-۱۹-۱۰/۱۰. ک ۲۶-۱۵/۱۲. ک ۹/۱۳-
 ۳۰. ک ۳/۱۴.
 ۲۰ *ān ham*: همان. ک ۱۵/۳. ک ۲۶/۱۲.
 ترکیبات آن خواهد آمد.

۲۰ *ham*: همان. (نک. واژه بالا) ک ۱۴/۱۹-۱۸-۱۲/۳. ک ۴/۱۶. ک ۱۴/۱۹
 ک *ham giyāg*: همانجا ک ۱۴/۱۹

۱۰ *ham*: همچنان، مانند. ک ۱۲/۴

۱۰ *ham*: یکدیگر. ک ۱۰۴/۲

۱۱ *pad ham*: به یکدیگر، به همدیگر. ک ۱۰۴/۲

۱۲ *ham*: بجای *hamē*: همی. ک ۳/۱۵

۵ *mād*: مادر، ماد، نوشتار دیگر آن *māda* است. (نک:
 همین) ک ۱۰۶-۵۸/۲. ک ۴/۱۰. ک ۱۵-۱۱/۱۲. ک ۲۳/۱۵

۱۳ *hamē*: همی، شکل درست آن *hamē* است. (نک: همین واژه)
 ک ۲۷-۲۴/۱۲. ک ۲/۱۶

۱۴ *hamāg*: همه.

۱۰ ستا، غیب: *hama*: *sama* (*AiWb. 1773*) فاطر: *hm²g* (*Mir. Man. III. 55*)
 پا: *hamā* (مینو خرد). ک ۴/۱. ک ۹/۲-۱۸-۱۶-۹-۳۷-۴۱-۴۷-۵۲-۵۴-۶۶-
 ۶۸-۷۱-۹۰-۹۵-۹۹-۱۰۰-۱۰۴-۱۱۵-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۲. ک ۶/۳. ک ۲۳-۲۲/۸.
 ک ۱۲-۱۱/۹. ک ۱۲-۱۱/۱۰. ک ۳۹-۳۳-۱/۱۰. ک ۲۹/۱۲. ک ۲/۱۳. ک ۱۴-۱۲-۹-۶/۱۵-
 ۲۷-۲۴. ک ۸-۳/۱۷. ک ۱۴/۱۹. ک ۳۲/۲۲.
 ۱۵ *hamāg hannām*: تمام بدن، سراسر اندام
 ک ۲۹/۱۲

۲۰ *hamāg dēn*: همدین، در اصطلاح فقهی زردشتی یعنی همه آیین-
 های مذهبی که در سه روز اول پس از درگذشت کسی اجرا می شود که عبارتست از یک
 یسنای سروش که هر صبح درها و نگاه اجراء می شود و یک درون سروش در هرگاه و خورشید
 تابش و ماه نیایش بدنبال آن و پتیت در هنگام طلوع خورشید و اجرای سروش یشت

با پشیت اثبوی سروترم گاه و اجرای ماه نیایش و سروش یشت و بعد پشیت در او شهن گاه، و اجرای یک وندیداد. (و حتی در گذشته گاهی تا سه وندیداد) که در طی این سه روز برای آسایش و شادی روان در گذشته اجرا می شده (نگ: 109: Kotwal) ک ۳/۱۷.

۵. **آمار**: amār: آمار، حساب، شمار.
ستا: -mar: √mar: آ + √smar: (GNPE.11) (AiWb. 1144)
آمار: amār: ک ۳۹/۲ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۷ - ۶۳ - ۶۴. ک ۲/۶ - ۴ - ۶.
آمار نیست: nē-amār: حساب نیست، آمار نیست.
ک ۳۹/۲. ک ۴/۶.

۱۰. **آمار کند**: amārēnēd: آمار کند، حساب کند. ک ۱۱/۱۰.

۱۵. **آنگاه**: a-mān: آنگاه همان، آنگاه مارا.
آنگاه (نگ: همین) + mān: مارا، ضمیر اول شخص جمع (حالت مفعولی)
ک ۱۳/۹.

۱۵. **آماسپند**: amahraspand: آماسپند، آماسپند.
ستا: -spanta-: amāša- (AiWb. 146) در لغت یعنی مقدسان، بهرگز
"آماسپندان عبارتند از شش مہین فرشته بنام های بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد که با خود اهورامزدا یک واحد هفتگانه بوجود می آورند"
فرهنگ فره وشی. و منظور از هفت آماسپند شش ایزد یا شش فرشته بالا و خود هرمزد میباشد (نگ: 3. 53. p. Sur Savan. Tavadia) فاتره.
(Mir. Man. I, 34) mhr' spnd

آماسپندان: amahraspandān: آماسپندان. ک ۴/۱۱.
ک ۸/۱۳ - ۲۴ - ۲۶. ک ۶/۱۵.

۱۵. **آماوندی**: amāvanīh/ham...: هماوندی، دلاوری، نیرومندی.
(اسم مصدر) amāvand شجاع، دلیر. ست: amāvant + amāvant
(AiWb. 141) عربی: همت! (Kapadia. 275) آماوند: amāvant
(مینو خرد). ک ۶/۱۹.

۵. **آماوندی**: amāvandīh xvāstan: مبارز طلبیدن.
ک ۶/۱۹.
همیشه: hamē: همواره (قید)
فاتره: hmyw: (Mir. Man. II, 56) آماوند: hamē (مینو خرد).
ک ۱۲۳ - ۵۵/۲. ک ۴۲/۱۳. ک ۹ - ۷/۱۵.

۱۰. **آماوندی**: hamē: همی، پیشوند فعلی است. آماوند: hamē (مینو خرد).
ک ۲۱/۲ - ۷۲ - ۷۸ - ۹۴. ک ۱۵ - ۱۴/۳. ک ۱/۷. ک ۱۳/۸. ک ۵ - ۳/۱۰. ک ۲۱/۱۲.
ک ۱/۱۵ - ۲۱ - ۲۳. ک ۲/۱۷. ک ۸ - ۶/۲۱.
همی افزاید: hamē afzāyēd: ک ۶/۲۱.
همی کاهد: hamē kāhēd: ک ۶/۲۱ و نک.
شعاره های بالا.

۱۵. **آماسپندان**: hambudīgān: دشمنان، رقبای. (جمع)
hambudīg: دشمن، رقیب + ān (نشانه جمع)
(برای این واژه نک: M.F. Kanga: Dāristān ī Dānīk
Pursiān XVI. K. R. Cama Orien. Instit. Golden
Jubilee Volume. Bombay, 1969 p. 67 No. 2).
ک ۱۱/۲۲.

۱۵. **آماسپندان**: hambun-iz: حتی اندکی، کمترین اندازمای.
ک ۲۴ - ۲۲ - ۲۱ - ۲۸/۲.

هَمْپُرساگِیْ: hampursagīh: همپرسی، مشاوره، گفتگو، مصاحبه.
هَمْپُرسا: hampursai: (مینو خرد) ک ۲۹/۳. ک ۲۸/۱۰.

هَمْ کَر: MT. ^۲ka: / ka: (۱) که. ک ۱/۲-۳-۴-۵-۵۷.
(۲) چون، هنگامیکه، وقتیکه. ک ۲/۲-۴۴-۵۴.

(۳) اگر، ک ۲/۱۰-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ و بیش از ۲۰۰ مورد دیگر.
هَمْ کَا: bē ka: جزاینکه، مگرکه. ک ۲/۸۱. ک ۲/۱۵-۲۲-۲۳.
ک ۲/۷. ک ۱۲/۱۰. ک ۱۴/۱۷.

هَمْ کَا-سَ: MT, ^۲ka-š, اگرش، اگر او را نک: هَمْ و هَمْ
ک ۱/۲-۵-۱۰-۱۲-۱۳-۱۶-۱۷ و بیش از ۶۰ جای دیگر.

هَمْ کَا-سَان: MT, ^۲ka-šān, رک: هَمْ و هَمْ
چونشان، اگر آنها را ک ۱۲/۹-۱۳. ک ۱۲/۱۹-۲۲.

هَمْ کَا-یِز: MT-č, ^۲ka-iz, چون نیز و اگر نیز، که نیز.
ک ۲/۹۵. ک ۳/۵-۱۰-۱۶. ک ۴/۶. ک ۸/۱-۱۹. ک ۱۰/۶-۲۳. ک ۱۲/۱۲-۱۶-۲۲.
ک ۱۳/۵. ک ۱۵/۲۷-۲۸. ک ۱۹/۲.

هَمْ کَا-یِز-یِش: MT-čš, ^۲ka-iz-iš, نیز چونش، و نیز اگرش.
ک ۲/۸۴. ک ۱۵/۲۷-۲۸.

هَمْ-چُون: ham-čōn: همچون، همچنان.
ham: هم + čōn: چون (نک: هریک از دو واژه)
ک ۳/۴-۳۱. ک ۱۳/۲۷.

هَمْزُورِیْ: hamzōrīh: همزوری.

هَمْزُورِیْ: hamzōrīh: (قید) با کمک هم، با نیروی یکدیگر.
ک ۱۰/۱۰.

هَمْزُورِیْ: amšāspand: امشاسپند.
نک: هَمْزُورِیْ (ک ۸/۱۳).

هَمْزُورِیْ: نک: واژه بالا ک ۲/۱۵.

هَمْزُورِیْ: amihraspand: نک. واژه بالا ک ۹/۱۰. ک ۱۵/۳۰.
ک ۱۸/۴. ک ۱۹/۷. ک ۲۰/۱. ک ۲۲/۱۴-۳۱.

هَمْزُورِیْ: amihraspandān: امشاسپندان، ج
نک: هَمْزُورِیْ ک ۹/۱۰. ک ۱۸/۴. ک ۱۹/۷.

هَمْ کَار: ham-kār: همان کار. ک ۲/۷۴-۹۶.

هَمْ کَارزَا: ham karzaq: همکرزه، در تماس، پیوسته، چسبیده.
ک ۲/۶۰-۶۷. ک ۳/۳۱.

هَمْ کَارزَاگِیْ: ham karzagīh: در تماس بودن، پیوستگی، چسبیدگی،
آمیختگی. ک ۲/۵۴-۵۵-۶۰-۶۲-۷۰.

هَمْ مَرگ: a-marg: بیمرگ. a (نشانه نفی) + marg: مرگ (نک: هریک از دو
بخش) هَمْ: amarg (مینو خرد). ک ۲۲/۲۱.

هَمْ رَت: hamrēt: همريت، آلودگی در اثر تماس مستقیم.
ham-raēgwa- (AiWb. 1811) واژه مقابل آن patrēt

ترجمه انگلیسی کتاب دارمستر. *Haurvatat & Ameretat by Hirji P. Wadia. Bombay. 1888.*

amardāt: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (AiWb 143-4) amardātāt, -amardātāt (میانو خرد). ک ۸/۹ ک ۱۴/۱۳ ک ۲۹-۲۵-۵-۳/۱۵ ک ۷/۲۲ ک ۱/۲۳
amurdād-it: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (مرداد ایزد امردادت). (مرداد + t- ضمیر
شخص دوم شخص مفعولی) ک ۷/۲۲.

hamdādīstān: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (هم دایستان، متفق، هم عقیده.
hami + ham + dādīstān (نک. هر یک از دو جزء) این واژه بیشتر با این
نکات: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 در نوشته های پهلوی آمده است. (نک: بند هشت TD2
ک ۴۷/۱ ک ۷۴/۲-۱۰۲-۱۱۹ ک ۱۳/۸ ک ۳/۱۱.

𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (مادر: mādar, 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀.

mātar: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (مادر: mātar: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (AiWb. 1167) mār: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀
(Mir. Man. III, 57) mār, mār: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir. Man. II, 59)
mār: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد). ک ۱۰۹/۲ ک ۱۸-۱۲/۱۰ ک ۱۲-۱۱/۱۷
mādarān, 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (مادران). ک ۱۲-۱۱/۱۷.

hamēstārīh: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (همستاری، مقابله کردن، دشمنی، مقابله.
اسم مصدر) از hamēstār: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (رقیب، دشمن، حریف.

hamaēstār: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (AiWb. 1774) hamēstārī: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد).
ک ۱۱/۲۰.

hamēstagān: 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (همیستان، برزخ، عالم بین بهشت و دوزخ، اعراف
میان آنان که ثواب و گناهشان برابر است. 𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد).
ک ۲/۸.

است. یعنی آلودگی با واسطه و غیر مستقیم. نک: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 ک ۵۹/۲-۶۰.

amōxtārīh: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (آموختاری (یاد دادن)

amōxtārī: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد). ک ۱/۵.

amōxtan: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (آموختن (متعدی: یاد دادن)

𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir. Man. I, 40) 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir.

Man. III, 49) amōxtan: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد).

𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Junker. 16.) ک ۶/۱۵.

amōxtēd: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (ظاهرا "بجای: amōxt ēstēd: آموخته است.

یاد گرفته است، آمده. ک ۶/۱۵.

amōzēd: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (آموزد. (فعل مضارع سوم شخص مفرد از amōz. فاطر.

hmwc: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir. Man. II, 56) 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir. Man.

III, 49) amōz: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد). (برای این واژه و ترکیبات آموختن نک:

Dhabhar, Essays (On Iranian Subjects. pp. 109-

112. abar amōzēd: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (برآموزد، بیاموزد.

ک ۷/۲۰.

amurzišn: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (آمزش (اسم مصدر) از: amurz: آمرز.

𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 + marz / maraz: مالیدن، پاک کردن، تمیز کردن.

(AiWb. 1152.) 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (Mir. Man. II, 46)

amurz: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (میانو خرد). ک ۱۱/۱۰ ک ۴/۱۱.

amurdād: 𐬀𐬵𐬀𐬢𐬀𐬢𐬀 (امرداد، نام ششمین امشاسپند و ایزد نگاهبان گیاهان و نام

پنجمین ماه و هفتمین روز است. برای آگاهی از شخصیت این ایزد و اهمیت آن رک:

hamēšag: همیشه.

hamēša: (مینو خرد). ک ۲۲-۸-۱۵-۲۲.

hamēmāl: همیال، رقیب، دشمن.

hamēmāl: (AīWb. 1776) hamēmār: ham-ærəθa-: ستا (مینو خرد).

در کتاب صد در نثر، صد در بندهش در چهل و دوم آمده "همیالان آن بود که کسی دروغ و بهتانی بر کسی نهد یا کسی با زن کسی خیانتی کند تا زنی از شوهر خویش بستر جدا کند." (نک: همین کتاب ص ۲۲)

hamēmālān: همیالان، گناهکاران، فاسقین؟

ک ۱۷-۱۵-۱۴-۱/۸

ham-zamān: همان زمان، همانگاه، فورا

ham: ham + zamān: زمان (نک: هر یک از دو جز) ک ۶۲/۲.

hamgumēzišnīh: هم بستر، هم آمیزش، هم بستر، آمیزش، جماع. ک ۱۹/۱۰

hamgōnag: همچنین، همانگون.

hamō-gaona-/hama-gaona-: ستا (AīWb. 1774) فاطر

hamgwng (Mir. Man. II, 56) ham-gūna: (مینو خرد). ک ۲۲-۱۲-۴۲-۶۰-۶۲-۷۸. ک ۲۷-۱۰/۳. ک ۴/۷. ک ۲۴/۱۰. ک ۲۲/۱۲. ک ۲۲/۱۳. ک ۸-۷/۲۱.

ham-giyāg: همانجا

ham: ham + giyāg: جا (نک: هر یک از این دو) ک ۱۴/۱۹

*

ān: آن. ک ۲۹-۲۴/۱۰. ک ۱۹/۱۲

ān ī: آنچه، آن را که. ک ۳۹/۱۰.

ān: یسوند است و نشانه جمع و چسبیده به اسم آید. ک ۱۰۹/۲

و پیش از ۷۰ بار در این کتاب آمده است، که ترکیبات آن بیاید.

hu-: هو، خو، خوب، نیک، به (پیشوندی است که بر سر واژه آید و آنها را با

صفت خوب زیبا و نیکو، موصوف سازد)

hu, hū, su: (AīWb. 1817) ک ۲۲/۱۲. ک ۱۱-۳/۱۹

ک ۹-۸/۲۰. ک ۲۰/۲۲. ک ۴-۳/۲۲

ēd / ē, HN: این. ستا aeta-: ایتا

(AīWb. 12) ای-این، ای-ای: این جای. (قصص قرآن برگرفته از

تفسیر ابوبکر عتیق ص ۱۵۳) فاطر: yd (Mir. Man. II, 46)

ک ۲۲/۲-۲۶-۲۷ و حدود ۱۷ جای دیگر کتاب.

ēd-iz: این نیز. ک ۳۲/۲.

pad ēd dārišn: باین دارد، چنین انگارد.

ک ۷۲/۲

ēd rāy: از این رو. ک ۳۲/۲ و

ē, HN: ی (= یک) ظاهرا "به جای" یا "بکار گرفته

است. این شکل در اصل هزوارش است برای ē = این (نک: واژه بالا)

پا، (مینو خرد). ک ۱۱۸-۷۶-۳۷-۱۰/۲. ک ۱۸-۱۶/۳. ک ۱۲/۴.

ک ۵/۵. ک ۱۰/۸ و چندین جای دیگر.

ē vidast ud dō angust: یک و دو انگشت (نک: هر یک از اجزاء ترکیب) ک ۱۱۸/۲.

*

hūxt : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (Aiwb. 1819) suktá : 𐬱𐬀𐬵𐬭𐬀-1
(مینو خرد) . ک ۱۲/۱۲

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (HNHTWN, tñ: nihādan: (مصدر) نهادن.
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (VMT, 194) ni+ 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 ک ۹۴-۸۶/۲

۵ 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (HNHTWN, t: nihād: نهاد ک ۲/۳ . ک ۶/۹
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nihād ēstēd: نهاده است، نهاده شده
ک ۲/۳ . ک ۶/۹

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nihišn: (اسم مصدر) نهادن،
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 . ک ۱۱۸-۹۸-۸۳/۲ ک ۴/۳ . ک ۴-۲/۱۷
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nē nihišn: نباید نهادن، نهادن . ک ۲/۱۷
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (be nihišn: نباید نهادن.
ک ۴/۳ ۱۱۸-۹۸-۸۳/۲

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (ō nihišn: به هشتن، بگذارن، گذاشتن،
نهادن . ک ۲/۱۷
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nihēd: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (HNHTWN, yt: نهاد، گذارد، هلد.
ک ۸۵-۱۱-۱۰-۴/۱ . ک ۲۷-۲/۳ . ک ۱۲/۱۰-۲۵-۳۷-۱۲/۱۲
ک ۱۲/۱۵

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (be nihēd: به نهاد بگذارد
ک ۸۵-۱۰/۱ . ک ۲۲/۳

۲۵ 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (abāz.. nihēd: باز نهاد . ک ۳۵/۱۰
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (abar nihēd: بر نهاد ک ۲۵/۱۰ . ک ۱۲/۱۲
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nihēnd: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (HNHTWN, nd: نهند، هلند، گذارند.
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (mā ē nihēnd: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : نگذارند ک ۲۸/۱۲

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (nihādag: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (HNHTWN, tg: نهاده، باقیمانده و اصطلاحاً "موقوفه
و بیرون افتاده است . اما در بند ۲ کرده ۱۰ در ترکیب :

۲۵ 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (šud bē nihādag: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (ē/ēd: به، پیشوازه فعلی است که معمولاً "معنی تاکید در انجام کار را میدهد
امروز نیز در گویشهای گوناگون ایران چنین پیشوازه هایی داریم فا ها و به، و در
فارسی میانه ترفانی . hēb : hyb چنین نقشی را دارد . و ظاهراً "بجای
31 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (آمده است . ک ۲۸/۱۲ . ک ۱۵-۹-۷-۱۰-۱۲-۱۴-۱۸-۲۰-
۲۵-۲۶ . ک ۴/۲۰

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (ē kunēd: بکند . ک ۹-۷/۱۵
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (ē šnāyēnēd: بخشود بسازد . ک ۱۰/۱۵

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (an-āhōg: بی عیب، بدون نقص . a (نشانه نفی تک . همین) +
āhōg آهو، عیب، نقص . ستا : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (GNPE. 264) añhu-, ahū-
ک ۳/۲۰

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (xvābar/xvāpar: بخشنده، مهربان، نیکوکار.
ستا : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (xvāpara- (موت آن -rā) از: (Aiwb. 1877) hvāpah?
فاتر: 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (xw²br (Mir. Man. II, 58) 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : x^vāwarī: نیکوکاری.
(مینو خرد) . ک ۲۲-۲۶-۲۱-۱۲/۲۲
𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (xvābar ōhrmazd: هرمز در مهربان، خدای-
بخشایشگر . ک ۳۲/۲۲

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (hu-āfrīn-tar: دعا مستجاب تر، پذیراتر . از hu = نیک،
خوب + āfrīn: نیایش، ستایش، دعا + tar- نشان صفت تفضیلی .
(نک: هر یک از سه جز) ک ۳/۱۹

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (an-afsūdag: ناسوده، تراشیده . (نک: موهوب :
(afsān) ک ۶/۱۲

𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 : 𐬵𐬀𐬯𐬭𐬀 (hūxt: هوست، گفتار نیک.

به‌نحی: درگذشت و وفات. و مراسمی که در این جریان اجرا می‌شود، *شومن شد به‌نهادگ* نام دارد ک ۲/۱۰.

سجده ۱۹: x^vastag: خواسته، مال، ثروت، دارائی. شکل هزارش آن ۱۱۹۰۰
(Junker. 1) است. فاطر: xw³stg (Mir. Man. II, 58)

$x^{v\check{a}sta:4}$ (میںوخرد) . ک ۵-۲/۸ . ک ۳/۱۲

خواه + išn : نشانه اسم مصدر. نوشتار هزوارش آن و است
(نک: خواست) . xVāhišn : (مینو خرد).

خواهش کردن، ک ۲/۱۹.

اسان: an-āsānīh: ناسانی، سختی، رنج (a نگی n+ زاید +
āsānīh نک: هر یک از بخش ها) ک ۱۹/۱۳

ان-آگاهانه، ندانسته، از روی نا آگاهی، an-āgāhīhā:

kāśate ∴ $\underline{\text{L}}$ ā + $\sqrt{\text{kas}}$ ∴ $\underline{\text{L}}$. . कट् : āgāh + (نك : ف) n + a

459) ākāśya- (AīWb +īhā- پسوند قیدسار. ک ۲/۱۴.

anāgīh: رنج، عذاب، سختی، بدی.

فاتر: 'n'gyh (Mir. Man. II, 46) :ā anāī (مینو خرد).

ک ۳۸/۲ . ک ۱۳/۹ ک ۳۰/۱۰ . ک ۲۹/۱۲

𐭠𐭣𐭥𐭩𐭪𐭡𐭫𐭮𐭲𐭱𐭮𐭬𐭭𐭰𐭳𐭵𐭶𐭯𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿 : anāgīh dēnīh : بددینی، کفر۔ ک ۳۰/۱۰

بهره‌دار ēd rāy/ē rāy: ازین رو، بدین سبب، زیرا

۳۳: ēd: این (نک. همین واژه) + (نک. rāy: را (نک: همین) غائر.

· 2/3 K · 69-32/2 K (Mir. Man. II, 46) 'ydr'y
13/20 K · 9-3/19 K · 8-7-3/17 K · 44-43-9/12 K

anār: انار، نار (میوه)

122-121/25

خوار: x^vār: (= تان، راحت) نرم، خوب، سبک.

(Mir. Man. II, 58) xw²r: (AiWb. 1876) x^vāθra- : l

• ۳۲/۲۲ ک ۰۵/۵ ک ۱۰۷-۲۵/۲ ک

xvārtar: آسان تر، خوب تر، راحت تر، بهتر.

ک ۵/۵ - ۷۵/۲۷ - ۱۰۷

اندام : han (n) ām: ۴۴

hn³m : فاطر (A*i*Wb.1772) sandhāy : L handāma- : L

(Mir. Man. III, 55) hnd³m : پاتر (Mir. Man. I, 40)

29/25 andam : 4

𐬔𐬀𐬭𐬀𐬎𐬌𐬵𐬀: ōhrmazd : اورمزد ، هرمزد .

+ ahura- , aura- : عِبْ ásurā- : لا ahura- : لا

hōrməzd : ۴ (Kent. 164) mazdān ۴۸ و ۱۳/۸۵ باردیگر

[illegible]

17145

𐬵𐬀𐬭𐬀𐬎𐬌𐬚𐬭𐬀𐬢𐬙: ōhrmazdā́d: هرمزدآفریده، مخلوق هرمزد.

4/1/83

۱۳۳۳: x^{Van} : خون، سفره.

· २१/२५ (GNPE. 110) x^vaini : 1

an-ērān: انیران غیرایرانی، بیگانه.

a (نقی) n+ زاید + ērān ایران. ست: airya-: ārya- قب

ariya- از ریشه: ar: (Kent. 170) پ: anērān: (مینو خرد).

این واژه در دیگر متون پهلوی، به وایسته آمده است (نگ: مینو خرد. ۵۶/۱۶)

ک ۲/۹. ک ۹/۱۳.

hu xēmē: به جای به وایسته: huxēmīh: خوش خیمی، خوبی،

خوش اخلاقی. (نگ: ست: xēm: خیم) پ: hū hīmī/hū xīmī:

(مینو خرد ۱۳/۱۲) ک ۲۲/۱۲.

an-ēmēd: نا امید مایوس (نگ: ست: emēd: امید)

ک ۲۸/۱۲.

ōbaxt: ظاهراً "ب: څ: زاید است و واژه دیر: baxt: بخت،

سهم، نصیب و قسمت، سرنوشت است. (به درستی این واژه تا وادی نیز تردید کرده

است. نگ: Tavadiā p. 118. ک ۸/۹)

havāsišn: پاک کردن، تطهیر کردن، خشک کردن. ک ۵/۱۰.

havāsīdag: پاک شده، تطهیر شده، خشک شده. ک ۱۰/۳.

havāsēnd: پاک کنند. ک ۵/۱۰.

anbār: انبار.

par+hām: ست: ambāstan (GNPE. 26) مصدر آن

anbārišn: پ: hmb²r: (Mir. Man. II, 56) فاطر

(مینو خرد). ک ۱۰/۱۵.

anbān: انبان، انبانه " آن پوستی باشد دباغت کرده که درست از

گوسفند بر می آورند " برهان. ک ۱۱۱/۲

aviš (۱): بهش، بدو، بآن. ست: awē: څ (بجای: څ۱):

به و دد ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت مفعولی. ک ۷۷/۲. ک ۷/۱۲-۲۲-۲۴.

aviš (۲): به "حرف اضافه مؤخر" (دکتر تفضلی. مینو خرد، واژه نامه ص ۵۴)

فاطر: wyš (Mir. Man. II, 44) زیور پهلوی: wdyš (P.S. 29)

پ: havaš (مینو خرد). ک ۵۳/۲. ک ۵/۱۲.

anbrōt/d: امروز، نوعی گلابی. نوشتار دیگر آن څ۱۱۱۱ است.

ک ۱۲۲/۲

hubōy: خوشبو.

baoḡay- (بوی خوش) ست: bōdhay- (AīWb. 918) پ:

hūbōi (مینو خرد). ک ۳/۲۳.

hubōytar: خوشبو تر. ک ۳/۲۳.

hu-bōyišn: بویایی (اسم مصدر) بوئیدن، بو کردن.

فاطر: hwmbwy (Mir. Man. II, 55) پاطر: xwmbwy (Mir.

Man. III, 64) ک ۴/۱۳.

xūb/xvab: خوب.

hv-āpah- (AīWb. 1833) فاطر: xwb (Man. Stud. 91)

پ: xūb (مینو خرد). ک ۱۸/۳. ک ۴/۴-۵ و ۲۳ بار دیگر.

nē xūb: خوب نیست، شایسته نیست. ک ۵/۹. ک ۲۹/۱۳.

xūb kardan: خوبی کردن، کار خوب انجام دادن.

ک ۲۹/۱۳.

• تمام : Öspürig : کامل ، تمام .

· 1/15 *Man.* II, 63)

خواست: x^vast: (فعل ماضی، مضارع آن xān خوان) یعنی: خواند
قرائت کرد.

ستا. از ریشه x^van هندی کهن: svānati-, svan-: طنین انداختن

(GNPE. 110)

واید ۳۳۳۳: bē x^vast: بخواند، خواند. ک ۲۹/۱۰.

(مینو غورد) کی ۴/۱۷

استاد : ustād : استاد .

*wyst'd: وَيَسْتَدِ (GN PE. 20) !ōstāt: اَوَسَات *avastāta-: اَوَسَاتَا

(*Mir. Man.* II, 45) ک ۲۱ / در بخش پایان نوشت. ک ۲۲/۲۲.

نذریه: usöfrId/ustöfrId: چیزی که نذرمی شود، قربانی

فدیہ، نذری، پیشکش نذری، در اوستا مترادف با: mayazd: میزد آدماست.

ستا : usf-fritay- (Aib. 408) ۱۰/۱۲

"𐭠𐭣𐭥𐭩𐭥𐭡𐭮𐭥𐭬𐭥𐭤𐭥𐭢𐭥𐭨𐭥𐭧𐭥𐭦𐭥𐭪𐭥𐭫𐭥𐭬𐭥𐭭𐭥𐭮𐭥𐭯𐭥𐭰𐭥𐭱𐭥𐭲𐭥𐭳𐭥𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿𐮀𐮁𐮂𐮃𐮄𐮅𐮆𐮇𐮈𐮉𐮊𐮋𐮌𐮍𐮎𐮏𐮐𐮑𐮒𐮓𐮔𐮕𐮖𐮗𐮘𐮙𐮚𐮛𐮜𐮝𐮞𐮟𐮠𐮡𐮢𐮣𐮤𐮥𐮦𐮧𐮨𐮩𐮪𐮫𐮬𐮭𐮮𐮯𐮰𐮱𐮲𐮳𐮴𐮵𐮶𐮷𐮸𐮹𐮺𐮻𐮼𐮽𐮾𐮿𐯀𐯁𐯂𐯃𐯄𐯅𐯆𐯇𐯈𐯉𐯊𐯋𐯌𐯍𐯎𐯏𐯐𐯑𐯒𐯓𐯔𐯕𐯖𐯗𐯘𐯙𐯚𐯛𐯜𐯝𐯞𐯟𐯠𐯡𐯢𐯣𐯤𐯥𐯦𐯧𐯨𐯩𐯪𐯫𐯬𐯭𐯮𐯯𐯰𐯱𐯲𐯳𐯴𐯵𐯶𐯷𐯸𐯹𐯺𐯻𐯼𐯽𐯾𐯿𐰀𐰁𐰂𐰃𐰄𐰅𐰆𐰇𐰈𐰉𐰊𐰋𐰌𐰍𐰎𐰏𐰐𐰑𐰒𐰓𐰔𐰕𐰖𐰗𐰘𐰙𐰚𐰛𐰜𐰝𐰞𐰟𐰠𐰡𐰢𐰣𐰤𐰥𐰦𐰧𐰨𐰩𐰪𐰫𐰬𐰭𐰮𐰯𐰰𐰱𐰲𐰳𐰴𐰵𐰶𐰷𐰸𐰹𐰺𐰻𐰼𐰽𐰾𐰿𐱀𐱁𐱂𐱃𐱄𐱅𐱆𐱇𐱈𐱉𐱊𐱋𐱌𐱍𐱎𐱏𐱐𐱑𐱒𐱓𐱔𐱕𐱖𐱗𐱘𐱙𐱚𐱛𐱜𐱝𐱞𐱟𐱠𐱡𐱢𐱣𐱤𐱥𐱦𐱧𐱨𐱩𐱪𐱫𐱬𐱭𐱮𐱯𐱰𐱱𐱲𐱳𐱴𐱵𐱶𐱷𐱸𐱹𐱺𐱻𐱼𐱽𐱾𐱿𐲀𐲁𐲂𐲃𐲄𐲅𐲆𐲇𐲈𐲉𐲊𐲋𐲌𐲍𐲎𐲏𐲐𐲑𐲒𐲓𐲔𐲕𐲖𐲗𐲘𐲙𐲚𐲛𐲜𐲝𐲞𐲟𐲠𐲡𐲢𐲣𐲤𐲥𐲦𐲧𐲨𐲩𐲪𐲫𐲬𐲭𐲮𐲯𐲰𐲱𐲲𐲳𐲴𐲵𐲶𐲷𐲸𐲹𐲺𐲻𐲼𐲽𐲾𐲿𐳀𐳁𐳂𐳃𐳄𐳅𐳆𐳇𐳈𐳉𐳊𐳋𐳌𐳍𐳎𐳏𐳐𐳑𐳒𐳓𐳔𐳕𐳖𐳗𐳘𐳙𐳚𐳛𐳜𐳝𐳞𐳟𐳠𐳡𐳢𐳣𐳤𐳥𐳦𐳧𐳨𐳩𐳪𐳫𐳬𐳭𐳮𐳯𐳰𐳱𐳲𐳳𐳴𐳵𐳶𐳷𐳸𐳹𐳺𐳻𐳼𐳽𐳾𐳿𐴀𐴁𐴂𐴃𐴄𐴅𐴆𐴇𐴈𐴉𐴊𐴋𐴌𐴍𐴎𐴏𐴐𐴑𐴒𐴓𐴔𐴕𐴖𐴗𐴘𐴙𐴚𐴛𐴜𐴝𐴞𐴟𐴠𐴡𐴢𐴣𐴤𐴥𐴦𐴧𐴨𐴩𐴪𐴫𐴬𐴭𐴮𐴯𐴰𐴱𐴲𐴳𐴴𐴵𐴶𐴷𐴸𐴹𐴺𐴻𐴼𐴽𐴾𐴿𐵀𐵁𐵂𐵃𐵄𐵅𐵆𐵇𐵈𐵉𐵊𐵋𐵌𐵍𐵎𐵏𐵐𐵑𐵒𐵓𐵔𐵕𐵖𐵗𐵘𐵙𐵚𐵛𐵜𐵝𐵞𐵟𐵠𐵡𐵢𐵣𐵤𐵥𐵦𐵧𐵨𐵩𐵪𐵫𐵬𐵭𐵮𐵯𐵰𐵱𐵲𐵳𐵴𐵵𐵶𐵷𐵸𐵹𐵺𐵻𐵼𐵽𐵾𐵿𐶀𐶁𐶂𐶃𐶄𐶅𐶆𐶇𐶈𐶉𐶊𐶋𐶌𐶍𐶎𐶏𐶐𐶑𐶒𐶓𐶔𐶕𐶖𐶗𐶘𐶙𐶚𐶛𐶜𐶝𐶞𐶟𐶠𐶡𐶢𐶣𐶤𐶥𐶦𐶧𐶨𐶩𐶪𐶫𐶬𐶭𐶮𐶯𐶰𐶱𐶲𐶳𐶴𐶵𐶶𐶷𐶸𐶹𐶺𐶻𐶼𐶽𐶾𐶿𐷀𐷁𐷂𐷃𐷄𐷅𐷆𐷇𐷈𐷉𐷊𐷋𐷌𐷍𐷎𐷏𐷐𐷑𐷒𐷓𐷔𐷕𐷖𐷗𐷘𐷙𐷚𐷛𐷜𐷝𐷞𐷟𐷠𐷡𐷢𐷣𐷤𐷥𐷦𐷧𐷨𐷩𐷪𐷫𐷬𐷭𐷮𐷯𐷰𐷱𐷲𐷳𐷴𐷵𐷶𐷷𐷸𐷹𐷺𐷻𐷼𐷽𐷾𐷿𐸀𐸁𐸂𐸃𐸄𐸅𐸆𐸇𐸈𐸉𐸊𐸋𐸌𐸍𐸎𐸏𐸐𐸑𐸒𐸓𐸔𐸕𐸖𐸗𐸘𐸙𐸚𐸛𐸜𐸝𐸞𐸟𐸠𐸡𐸢𐸣𐸤𐸥𐸦𐸧𐸨𐸩𐸪𐸫𐸬𐸭𐸮𐸯𐸰𐸱𐸲𐸳𐸴𐸵𐸶𐸷𐸸𐸹𐸺𐸻𐸼𐸽𐸾𐸿𐹀𐹁𐹂𐹃𐹄𐹅𐹆𐹇𐹈𐹉𐹊𐹋𐹌𐹍𐹎𐹏𐹐𐹑𐹒𐹓𐹔𐹕𐹖𐹗𐹘𐹙𐹚𐹛𐹜𐹝𐹞𐹟𐹠𐹡𐹢𐹣𐹤𐹥𐹦𐹧𐹨𐹩𐹪𐹫𐹬𐹭𐹮𐹯𐹰𐹱𐹲𐹳𐹴𐹵𐹶𐹷𐹸𐹹𐹺𐹻𐹼𐹽𐹾𐹿𐺀𐺁𐺂𐺃𐺄𐺅𐺆𐺇𐺈𐺉𐺊𐺋𐺌𐺍𐺎𐺏𐺐𐺑𐺒𐺓𐺔𐺕𐺖𐺗𐺘𐺙𐺚𐺛𐺜𐺝𐺞𐺟𐺠𐺡𐺢𐺣𐺤𐺥𐺦𐺧𐺨𐺩𐺪𐺫𐺬𐺭𐺮𐺯𐺰𐺱𐺲𐺳𐺴𐺵𐺶𐺷𐺸𐺹𐺺𐺻𐺼𐺽𐺾𐺿𐻀𐻁𐻂𐻃𐻄𐻅𐻆𐻇𐻈𐻉𐻊𐻋𐻌𐻍𐻎𐻏𐻐𐻑𐻒𐻓𐻔𐻕𐻖𐻗𐻘𐻙𐻚𐻛𐻜𐻝𐻞𐻟𐻠𐻡𐻢𐻣𐻤𐻥𐻦𐻧𐻨𐻩𐻪𐻫𐻬𐻭𐻮𐻯𐻰𐻱𐻲𐻳𐻴𐻵𐻶𐻷𐻸𐻹𐻺𐻻𐻼𐻽𐻾𐻿𐼀𐼁𐼂𐼃𐼄𐼅𐼆𐼇𐼈𐼉𐼊𐼋𐼌𐼍𐼎𐼏𐼐𐼑𐼒𐼓𐼔𐼕𐼖𐼗𐼘𐼙𐼚𐼛𐼜𐼝𐼞𐼟𐼠𐼡𐼢𐼣𐼤𐼥𐼦𐼧𐼨𐼩𐼪𐼫𐼬𐼭𐼮𐼯𐼰𐼱𐼲𐼳𐼴𐼵𐼶𐼷𐼸𐼹𐼺𐼻𐼼𐼽𐼾𐼿𐽀𐽁𐽂𐽃𐽄𐽅𐽆𐽇𐽈𐽉𐽊

wstyk³n: بهلوی کتیبای (Mir. Man. II, 55) hwstyg³n: فاتر:

28/125 (Kotwal, 160)

هوسرويه: husravih: خسروی، نیکنامی.

ک ۶/۱۰ ک ۳۱/۱۳

(Mir. H) hwsrwg : قاتر (A.Wb. 1738) haosravah : ستا

۵۱/۱۳ ک

Matth. II, 55)

هش : hōš : هوش ، فهم ، شعور ، یکی از نیروهای مینویی تن .

(*Man. Stud.* 51) 'by'wš. فاتر. *AiWb.* 414) uš-: ستا

(*Mir. Man.* mrdwhm: فاطر (*Kent.* 203) martiya -
(*Mir. Man.* III, 58) mrdwhm: پاتر II, 60))

mardōmān: مردمان

mardumān: (مینو خرد) ک ۵/۱۲ ک ۴/۱۳ ک ۳۰/۱۵ ک ۴/۲۰ ک ۴-۶

hu-kunišn: نیک کنش، کنش نیک، رفتار نیکو

(نک: هر یک از دو جز) ک ۲/۲۲

xvar: خور. نام طبقه پنجم گناهان است بنا بر تقسیم بندی و نامگذاری نویسنده کتاب، که برابر با ۶۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می باشد و اصطلاحاً این نام گناه ردن توام با ایجاد جرح و زخم است. (نک: وندیداد ۴ بند ۳۰)
ک ۲-۱/۱ ک ۷۰/۲ ک ۲-۱/۱۱ ک ۵/۱۶

xvar: خور، خورشید، هور. نام روز یازدهم هر ماه است و نام ایزد موکل این روز است که پشت ششم بنام اوست. ستا: hvarə - هندی کهن: svar-
(*Mir. Man.* II, 59) xwr: فاطر (*AiWb.* 1848-9.)

ک ۱۱/۲۲ ک ۲/۲۲

xvar-it: خورترا ک ۱۱/۲۲

xvarg/xvar: اخگر، شراره، جرقه.
xūrg (*Kapadia. P.V. Glos.*) ک ۵۰/۲

xvardag: خرد، خرده، ناچیز، کوچک.
xūrdak: (مینو خرد) ک ۱۶ مقدمه فصل.

xvardag: خرده، حرف (حرفی از الفباء) نویسه. ک ۵۰/۱۳

Man. I, 40.) ک ۲/۲۱

xušk: خشک

huška-: ستا: uška: *AiWb.* (*Kent.* 178) šúška-: فب
1840.) پاتر: (*Mir. Man.* III, 57) hwšg:

ک ۱۱۸-۱۱۲-۱۱۲-۹۸-۲۸-۲۶-۲۱-۱۱/۲

xuškar: چیزهای خشک (تا و دیا ۱۶۲). آرد؟
"همن اصلاً" این واژه را کوه نوشتار *xuškārd* (به نقل از ولس ۷۵۶) میداند و استناد هم به همین واژه و این کتاب می کند. (نک: *GYPE. p.* 108. No. 489) در برهان قاطع هم آمده: "خشکار، بر وزن هشیار، آردی باشد که نخاله آنرا جدا نکرده باشند. ک ۱۱۸-۳۵-۳۲/۲

uāmār: شمار، حساب.

aiwi+ ✓mar: ستا: smrtāh-, smāratī- هندی کهن
شمارد، شمرد (*AiWb.* 1144) ک ۸-۶/۲۱

uāmurēnd: شمارند، شمارند. (نک واژه بالا) ک ۵/۱۳

uāmurišnīh: شمارش، برآورد کردن، سنجیدن. ک ۲/۱۲

ušōfrīd: هدیه، پیشکش نذری، فدیة و قربانی کردن توام با نیایش. (نک: *Tavadia.*) در باره این واژه نک: pp. 92-93. ک ۱۰/۱۲ ک ۳۰/۱۳

mardōm: مردم

mašya-/marəta-: ستا: martiya-/mārta-: فب

خورشید: $x^{\text{vardīg}}$: خوردنی. فرهنگهای فارسی: خوردی.

ستا: $\sqrt{x^{\text{var}}}$: خوردن (GNPE. 112, AiWb. 1866) ک ۱۶/۲۰

خورشید و: $x^{\text{vardīg}} \text{ i kardag}$: خوردی کرده، خوراک آماده.

(Pahlavi Text p. 30.) پرفسور وست آنرا به معنی: broth

آورده است. نک: (Dahbhar. PRevDd. No. 7) ک ۴۸/۲

خورشید و: $hu\text{-rastagihātar}$: مطابق اصول دین تر، مقبول تر،

خداپسندانه تر. ک ۱۹/۱۲

خورشید و: $x^{\text{varišn}}$: خورش، خوردنی.

ستا: $\sqrt{x^{\text{var}}}$: مصدر آن: x^{varaiti} پهلوی: x^{vardan} پ: $x^{\text{varišn}}$

ک ۴۸-۴۷-۴۱/۲ ک ۳۴-۳۰-۱۲/۳ ک ۸/۹ ک ۲۳-۱۶-۷/۱۰ ک ۸/۱۲

۱۹-۱۸-۱۶-۹

خورشید و: $x^{\text{varišn}} \text{ andāzišn}$: باندازه یک خوراک.

ک ۱۶/۱۲

خورشید و: $x^{\text{varišnīg}}$: خوردنی (نک: واژه های بالا) پ: $x^{\text{varišnī}}$

ک ۱۸/۱۲

خورشید: $x^{\text{varšēd}}$: "خور یا خورشید یا خیر نام روز یازدهم هرماه

است (پورداود: یشتها ج ۱ ص ۳۰۷) در اوستا یشتی به این نام موجود است که

دارای ۷ بند است. (نک: همو ص ۳۱۰-۳۰۴)

ستا: $x^{\text{var}}\text{-}x^{\text{sāēta}}$ که جزء دوم آن از ریشه: $x^{\text{sāy}}$ (AiWb. 451)

یعنی حکومت کردن، پادشاهی کردن و کلا "در اصل به معنی خور پادشاه یا خورشاه

است. در فارسی میانه و نو به معنی خورد درخشان آمده که با توجه به نور افشان بودن

آن این معنی اتخاذ شده است. ک ۹۸/۲ ک ۲۹/۳ ک ۱/۷-۲-۳-۴-۵-۶

ک ۵/۱۲ ک ۵/۲۰ ک ۷-۶-۵-۲/۲۱

خورشید و: $x^{\text{varšēd}} \text{ ul mad}$: خورشید طلوع کرد،

خورشید برآمد. ک ۵/۲۰

خورشید و: $x^{\text{varšēd}} \text{ yašt}$: خورشید یشت یشت ششم یشتها

(نک: واژه بالا) ک ۳۱/۱۲ و $x^{\text{varšēd}} \text{ yaštan}$: خورشید یستن،

خورشید را نیایش کردن. ک ۵/۲۰

خورشید و: $x^{\text{varšēd}} \text{ nigirišn}$: خورشید نگرش، محارو

به آفتاب. ک ۹۸/۲

خورشید و: $x^{\text{varšēdar}} \text{ mäh}$: هورشیدر ماه، اوشیدر ماه. نام یکی از

ماه موجود زردشتی است که عبارتند از: هوشیدر (نک: همین واژه) هوشیدر ماه و

هوشیانت، که اینان سه برادرند از تخمه زردشت پیامبر. (نک: پورداود یشتها

ج ۱ ص ۱۰۰) که نطفه ایشان در بن دریای کیانسه است و به هر هزار سالی پس

از زردشت، دوشیزهای برای شستن خویش به دریای کیانسه می رود و به نطفه ای بار-

دار می شود. (بهار، پژوهشی در اساطیر ص ۱۶۱ شماره ۲۷)

منا: $uxšyat\text{-}namah$ (AiWb. 384)

خورشید و: $x^{\text{varšēdar}}$: هوشیدر، اورشیدر.

یعنی پروراننده قانون مقدس، امروزه اوشیدر یا هوشیدر گویند. در کتب پهلوی

اورشیدر یا اوشیتر آمده است، گاهی کلمه بامی را بآن افزوده و هوشیدر بامی میگویند

(پورداود: یشتها ج ۲ ص ۱۰۰ زیر نویس شماره ۲)

منا: $uxšyat\text{-}prətah$ (AiWb. 384)

خورشید و: $urvāhm$: خوشی، راحتی، آسایش.

ستا: $urvāsmān$ (AiWb. 1544) فاطر: $^{\text{w}}\text{rw}^{\text{h}}\text{myy}$ (Nir. ۲۷۷)

پهلوی کتیبه ای: $^{\text{w}}\text{lw}^{\text{h}}\text{my}$ (Kotwal. 175) Man. II, 45)

پ: $hurvāhm$ (ibid.) (برای این واژه نک: Henning. TPS.

1944 p. 109) ک ۲۹/۱۲

۳۳ urvar: اورور، گیاه.

ستا: urvarā-: هندی کهن : *AiWb.* 401-403) urvárā :
فاتر: *wrwr*:^۲ (*Mir. Man.* I, 33.) پ urvar: (مینو خرد).
ک ۲۹/۳ . ک ۸/۹ . ک ۱۶/۱۰ . ک ۲۱-۱۴/۱۳ . ک ۲/۱۴ . ک ۲۵-۵/۱۵-
۲۹-۲۸-۲۷-۲۶

۳۴ urvarān: گیاهان. ک ۲/۱۲ . ک ۴۰/۱۳

۳۵ ōrōn: بسوی، بطرف، به جهت. (سج: وارون: برگشته، سرنگون)

نک: *GNPE.* p. 241. No. 1074. ک ۶/۲

۳۶ hōm: هوم، گیاه مقدسی که افشرد آن در آئین های دینی زردشتی بکار سرفته و
ظاهرا "سکر آور بوده، در بندهش زرد گیاهان شمرده شده و نیز هوم ایزد، نام یکی از
فرشتگان شریعت زردشت است. هوم پشت (یسنا ها ۹) بنام این ایزد است.
(برای آگاهی بیشتر نک: فره وشی، فرهنگ پهلوی و پورداود، یسنا ج ۱ ص ۱۵۸ و
هوب: یشتها ج ۲ ص ۲۵۱)

ستا: haoma-: فب: *hauma-* *sa* *somā*: (*AiWb.* 1732) پ: hūm :
(مینو خرد). ک ۴/۱۱-۶

۳۷ hōmāst: هوماست، آئین اجرای تعدادی از یسنا و نندیداد است، که
برای زندگان یا در گذشتگان اجرا می شده، امروزه دو نوع هوماست اجرا می شود:
۱- هوماست کوچک یا هوماست که، که مراسم اجرای ۱۴۴ یسنا و ۱۲ نندیداد است.
۲- هوماست بزرگ یا هوماست مه، که مراسم اجرای ۱۴۴ یسنا و ۱۴۴ نندیداد است.
(نک: *Kotwal.* p. 149, No. 486) ک ۶/۱۶

۳۸ humānāg: همانا مانند.

از ham + mānāg. مانند: شبه بودن از همین است. *GNPE.* 247
و نیز نک: *Rückert* *ZDMG.* 10, 152/3 : پ: humānā

ک ۸/۱۰ . ک ۳/۲۰

۳۹ humāy: هما "همای". نام مرغی است مشهور و معروف که استخوان خورد

برهان. در ادب فارسی، مرغ بخت و فرخندگی است.
ستا: *humāyā-* (*AiWb.* 1834) ک ۹/۱۰

۴۰ xumb: خمب، خم، خمره.

ستا: xumba-: هندی کهن : (*AiWb.* 532) kumbhā :
ک ۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰/۲

۴۱ humat: هومت، اندیشه نیک، منش نیک.

ستا: hu-mata-: هندی کهن : (*AiWb.* 1832) sumatā- : پ:
humat / hūmat (مینو خرد) ک ۱۳/۱۳

۴۲ humatanām: اصطلاحاً "به هفت ها"، هومت نام میگویند، این
واژه آغازی بند ۲ یسنا ۳۵ و بند ۷ یسنا ۴۱ می باشد که تشکیل "هفت ها" را می دهد.
(نک: پورداود، یسنا ج ۱ ص ۲۶)
ستا: *haptan hāiti-* (نک: پورداود، یسنا ج ۱ ص ۲۶)
ستا: *humatanam* (*AiWb.* 1832) ک ۱۶/۱۳

۴۳ panj: پنج. نوشتار پهلوی
آن ده است. (نک: همین واژه)

ستا: *panca-* (*Jackson,* 106) فتر: *pnz*: (*Mir. Man.* II, 96)
پانج (مینو خرد). ک ۱/۵ . ک ۱۵-۱۳/۱۰

۴۴ ham/hēm: ام هستم پ: hōm (مینو خرد).
h: *HWH*: (زمان حال وجه اخباری) ستا: ah: هستی

ک ۷۲/۲ . ۷/۶ ک . ۲۶/۱۰ ک ۰۵-۲/۱۵ ک ۲۱/۲۱ پایان نوشت .
 ۱۶۳ : هز : hē : ای، هستی . پا : haē (مینو خرد) . ک ۷۰/۲ . ک ۵/۶ .
 ۱۶۳ : بجای موعده : hast : هست . ک ۲۲/۱۰ . ک ۱۶-۱۵-۲/۱۲
 ۱۶۳ : هز : hēm- : ایم، هستیم .
 ۱۶۳ : amāh hēm : ماهستیم، ما ایم ک ۷/۶ .
 ۱۶۳ : hēd : هستید (شما) ک ۳۱/۲۲ .
 ۱۶۳ : hēnd : اند، هستند . ک ۳/۱ . ک ۲/۲-۵-۷۴-۱۰۲-۱۱۹ او .
 ۱۶۳ : andar hēnd : اندراند، اندر هستند . ک ۱۰/۱۰
 ۱۶۳ : hād : هاد، باشد (وجه التزامی) ک ۱۳/۸
 ۱۶۳ : Čē hād : چه باشد، چگونه بود ک ۱۳/۸
 ۱۶۳ : had : هست، است . ک ۱۱/۲-۴۴-۵۶-۶۴-۸۲-۸۶-۸۸-۸۹-۱۱۵-
 ۱۱۹ ک ۲۱/۸ . ک ۱۳/۹ ک ۶-۵/۱۴

۱۶۳ : -ōmand : اومند، مند، پسوند دارندگی است . (در ترکیب با کلمات دیگر آمده) فاطر : ^۲wmnd در واژه : ^۲zm^۲nwmnd (Nir. Man. II, 54.)
 ک ۱۰۳-۲۰-۱۲/۱۰ . ک ۵-۴/۱۲ . ک ۶/۱۳ . ک ۴-۱/۲۳
 ۱۶۳ : -ōmandih : مندی . ک ۳۰/۱۰ . ک ۶/۱۳

۱۶۳ : ōmēd : امید

هندی کهن : -ava+ √may- : کردی : umīd, umūd / فغانی : umēd
 (GNPE. 26) شکل هزوارش آن : ^۲umēd (Junker, 4.)
 است . پرفسور گانگه آنرا از upa + mati / وستایی و ریشه man : ماندن ؛
 صبر کردن میداند . (Kanga. ōit. Han. 46-7.)
 این واژه در دیگر نوشته های پهلوی به شکل ^۲emēd هم آمده است .
 ک ۱۷/۲۰

۱۶۳ : hōmdrōn : هوم درون، مز یا سفره یا طعامی است که به نام هوم ایزد

داده می شود . ک ۲/۱۰

۱۶۳ : hu-mēnišn : نیک منش . (نک : ۱۶۳) ک ۲/۲۲

۱۶۳ : hōmyazad : هوم ایزد (نک : ۱۶۳) ک ۶-۴/۱۱

۱۶۳ : -ānān : نشانه جمع است که به اسامی افزوده شده است .

۱۶۳ : ۸/۷ . ک ۱/۸-۲-۳-۴-۵-۱۴-۱۵-۱۷ . ک ۱/۹-۴-۵-۱۰-۱۱-۱۲

۱۶۳ : -ānān : پسوند نشانه پدر فرزندی است . ک ۲۲-۱۰/۸

۱۶۳ : -ānān : به، در (نک : ۱۶۳) ک ۳۱/۲۲

۱۶۳ : avināh : بی گناه (a نشانه نفی + vināh : گناه) .

۱۶۳ : awigunāh/a-gunāh : (مینو خرد) .

۱۶۳ : ۲-۱/۵ . ک ۲/۷ . ک ۳/۱۰ . ک ۲۲/۱۲

۱۶۳ : avināhīh : بی گناهی . ک ۳/۱۰ . ک ۲۲/۱۲

۱۶۳ : hunsandih : خرسندی، قناعت .

۱۶۳ : sadayanha- : پاتر : hwnsdyft (هر دوازده گوتوال ص ۱۵۰)

۱۶۳ : hwnsnd : پاتر : (Man. Stud. 83) xVarsand : پا

(مینو خرد) . ک ۳/۱۱

۱۶۳ : anōšaq : انوشه، بیمرگ، جاوید .

۱۶۳ : n + زاید + ōš : مرگ + ag : پسوند اسم ساز .

۱۶۳ : anaōšaq : پاتر : ^۲nwšg (هر دوازده گوتوال ص ۱۲۴ شماره ۷۶)

ک ۳۰/۲۲

هنر: hunar: ۱۳

ستا: hunara-: هندی کهن: sūnāra- (AiWb. 1831) ۴ xunar

(مینو خرد) ک ۲۷/۲۲

۱۳: hvaršt: هُورِشت، کردار نیک.

ستا: hu+varšta-, hvaršta-, hvaršta- (AiWb. 1850-51) ۴ hvaršt: (مینو خرد) ک ۱۳/۱۳

۱۳: ōyrišt/ōvrišt: نام طبقه سوم گناهان است که کفاره

آن برابر با ۲۰ تا ۳۰ درم سنگ می باشد. کوتوال این گناه را حمله یا تهدید با شلاق میداند (نک: Kotwal. p. 16.)

ستا: avaoirišta- (AiWb. 168) ۴ ک ۲-۱/۱ ک ۵-۳/۱۶

۱۳: xōrdād/xurdad: خرداد، نام روز ششم هر ماه و نام ماه سوم

سال و ایزد موکل آب ها است.

ستا: haurvāt-, haurvatāti (AiWb. 1791) (درباره این

ایزد نک: Haurvatāt and Ameretāt. by J Darmasteter)

ترجمه به انگلیسی بوسیله Hirji P. Wadia. بمبئی ۱۸۸۸)

ک ۸/۹ ک ۱۴/۱۳ ک ۲۹-۲۵-۵-۳/۱۵ ک ۶/۲۲ ک ۱/۲۳

۱۳: xōrdād-it: خرداد، خرداد ترا ک ۶/۲۲

۱۳: hōy: چپ.

ستا: hāyōya-, haoya- (AiWb. 1806) ۴ ک ۱۵/۱۰ ک ۴-۱/۱۱

۱۳: hēnd: اند، هستند (نک: همین واژه) ک ۱/۱۱

and: (۱) مقدار، اندازه ک ۱۶/۲-۲۳-۹۵ ک ۱۳/۳ ک ۸/۱۲-۹ ک ۲۸/۱۵

(۲) چند، چندتا ک ۲/۱۳

and: به اندازه ک ۲۴/۲-۳۴-۳۶-۱۰۰-۱۱۸-۱۱۹

ک ۵/۴-۶-۱۲ ک ۲/۱۲-۴

این ترکیب به شکل ۱۳۰۳ هم آمده است. ک ۴-۱/۱۲

and bālāy: باندازه بلندی. ک ۲۸/۱۵

handāxt: انداخت، محاسبه کرد، برآورد کرد، اندازه کرد، سنجید.

hañtāčay-: (GNPE. 27) ham + ✓ tač: هوشمان: ستا: ۱۱-۹/۱۵

(نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۱۵۴) ک ۵۱/۱۳

hu-dāg: بجای ۱۳۰۳ (نک: میثوی خرد، مقدمه): مفید، خوب.

ستا: hudāgh-, hudāgh- (AiWb. 1825) ک ۱۱-۹/۱۵

handān: انداز، اندازه (نک: واژه بالا) ک ۵/۴

handāzišn: اندازه کردن (اسم مصدر، نک: واژه بالا)

ک ۲۴/۱۶-۱۲ ک ۲۴-۱۶

handāzag: اندازه (نک: واژه های بالا) ک ۷۷/۲ ک ۲۸-۲۲/۱۰

handām: اندام، عضوی از بدن انسان یا حیوان.

handāman-: هندی کهن: sandhāy- (AiWb. 1772)

ک ۱۴/۱۷ ک ۲۸-۲۲-۱۸-۱۷-۱۲-۱۱/۱

hangām: هنگام، زمان.

aiwi. gama: ایرانی کهن: *hangama: (AiWb. 89)

ک ۱/۱۲ . ۳۱-۲۹/۱۲

هنگامی، وقتی، ک ۲۹/۱۲ : hangām-ē

به اندازه : and-čand : and-čand (مینو خرد ۱۵/۲۶)

ک ۱/۱۲

خوتومن، دومین واژه، پنا ۳۲ است، و این پنا با این

نام نامیده می شود.

ستا : xVaētumant- (AīWb. 1859) ک ۲۷-۷/۱۲

خوددوده، معنی رایج برای این واژه، ازدواج در دوده
(خانواده) و نزدیکان است (ظاهراً برای حفظ خون و نژاد) لکن امروزه زردشتیان
معنی دیگری برای آن دارند و بکلی این معنی (ازدواج با نزدیکان) را رد میکنند.
برای آگاهی نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۳۰۸

ستا : xVaētvadaθa : از : xVaētav+*vadaθa (AīWb. 1860)

با : xVaētvōdaθ (واژه نامه مینو خرد)، ک ۴-۳/۱۸

همان واژه بالاست. ک ۱۸/۸ : xVēdōgdāt

ماضی جعلی : dānist (Mir. Man. II, 49) d'nystn : فاطر : dānist, HWYTNW-stn : دانستن (مصدر از فعل

پا : dānist (مینو خرد)، ک ۲۹/۱۲

بدانستن، ک ۲۹/۱۲ : be dānist

م : dānēm : HWYTNW, m : دانم، ک ۴/۱۸

ندانم، ک ۴/۱۸ : nē dānēm

دانی، ک ۲۸/۱۲ : dānē(h) : HWYTNW, yy

داند، ک ۷۲-۶۲-۸/۲ : dānēd : HWYTNW, yt

ک ۱۵-۶-۴/۳ . ۲۱-۸-۴/۸ . ک ۱۳/۹ . ک ۲۷-۲۵/۱۰ . ک ۲۷-۲۳/۱۲ : nē dānēd : نداند.

ک ۷۲/۲ . ک ۴/۸ . ک ۱۳/۹ . ک ۲۷-۲۵/۱۰

دانست : dānist : HWYTNW, st : دانست.

فاتر : d'nyst (Mir. Man. II, 49) ک ۴/۱۰ . ک ۱۱/۱۲

دانستند، ک ۴/۱۰ . ک ۱۱/۱۲ : dānist hēnd

ندانستند، ک ۴/۱۰ . ک ۱۱/۱۲ : nē dānist hēnd

ک ۴/۱۰ . ک ۱۱/۱۲

خویش، شکل هژوارشی آن و بیشتر در نوشته های پهلوی

کار رفته است. ستا : xVa-/hva-/hava- : سوا : sva- قب :

hava- (Kent. 177), (AīWb. 1854) خود و : و : ش،

پارمانده نشان یکی از حالت های غیر فاعلی (حالت ۳ یا ۷) در اوستا با فارسی باستان

ایرانی کهن : *uvāišiya (GNPE. 114) فاطر : xwyš

(Mir. Man. II, 50) ک ۷۵/۲ . ک ۱۰/۲۰

در اصلی ساختن ؟، ک ۷۵/۲ : xVēš šah gāh

خویش تر، بیشتر برای خویش، کوتوال هم معنی این واژه را

more one's own آورده است. ک ۱۰/۲۰

انگشت، ذغال، آتش. : angišt

ذغال : āngārā (GNPE. 30) ک ۳/۱۲

آتش فسرده، آتش خاموش : angišt ī afsard

ک ۳/۱۲

خویشکار، وظیفه شناس، پرهیزکار. : xVēškār

خویش (نک: همین واژه) کار : kār+ عمل (نک: همین واژه)

ک ۲۲/۱۵

خوشکاری، وظیفه شناسی: $x^v\check{e}škārīh$: ک ۵۳/۲، ک ۷/۷
 ۱ ک ۲/۸، ک ۸/۹، ک ۸/۱۳، ک ۴/۱۵، ک ۶/۲۰

خوشکاری (قید): $x^v\check{e}škārīhā$: از روی وظیفه شناسی، مطابق وظیفه.
 ک ۵۳/۲

خوشکاری (نک: واژه های بالا) ک ۳۰/۱۳

بهترین دانایان: $hu-dānāgān$: خوب: $dānāg+hu$: دانا
 $-ān+$ نشانه جمع (نک: هر یک از سه جز) ک ۹-۸/۲۰

اندک، کم، ناچیز: $andak$: (نک: $andak$) ک ۲/۶، ک ۱۶/۱۰
 کردی: $hindak$ یا $andak$ (GNPE. 27)

انگران: $anayrān$: نام روز سی ام هر ماه و ایزد موکل این روز است و بیشتر با صفت روشن در اوستا آمده است و در اصل به معنی روشنی بی آغاز است.
 ستا: $an-ayra-$ (Aiwb. 114)
 انگران نوشته، انگران جاوید: $anayrān i anōšag$:
 واژه بیمرگ و جاوید صفت است برای این ایزد. ک ۳۰/۲۲، ک ۴/۲۳

اندز: $andarg$: اندر.

ایرانی کهن: $a(n)tar-$ ستا: $añtara-$ هندی کهن: $antār$:
 (GNPE. 27,) (Aiwb. 132) $andarg$: اندز: $andarg$ (Mir. Man. II, 49)
 اندز: $andarz$: جای: $andarz/handarg$:
 ستا: $darəz$: کشیدن + پیشوند an/han (GNPE. 122) غائر:

2ndrz (Mir. Man. II, 46) ک ۲۹/۱۳

اندز گفتن: $handarg guftan$: ک ۲۹/۱۳

اندروا، معلق، آویزان: $andarvāy$:

ایرانی کهن: $*antarevayu$: ستا: $*antārvāyu$ (GNPE. 265)
 واژه مرکب است از: $andar$ اندر، ستا: $antarā$ ستا: $antar$ فب: $antar$:
 (Aiwb. 131) (شکل هزوارشی آن که بیشتر کاربرد دارد: $vāy +$)
 ستا: $vaya/vayav$: هوا باد. (Aiwb. 1357) ک ۱۳/۱۲

اندرون: $andarōn$:

اندز: $andar$: داخل (نک: واژه بالا) $rōn+$: سوی، جهت. (نک: $andar$)
 اندرون: 2ndrwn (Mir. Man. II, 49) ک ۳۴-۳۱/۲

اندرون (نک: واژه بالا) ک ۳۲/۲

آوینا: $avēnāg$: آوینا a نشانه نفی + $vēnāg$: ک ۱۴/۹

اندودن، مالیدن: $andūdan$:

پیشوند: ham/han + ریشه اوستایی $√dav$: پاک کردن، مالیدن
 (Aiwb. 688) سنج: زدودن. ک ۱۶/۱۰

اندوزی (اندوختن): $handōzih$:

ستا: $han+√tauj$

کرفته اندوزی، ثواب اندوختن: $kirfag handōzih$:
 ک ۲۲/۱۰

angust: انگشت.
 angušta- : ستا : *angušta- (Aiwb. 130) angušt:lp*
 (مینو خرد). ک ۱۱۸/۲ ک ۵-۲/۴ ک ۱/۱۰ ک ۲/۱۶

angōšīdag: همانند، شبیه.
 angōšīda:lp (Mir. Man. II, 46) ngwšydg: فاطر
 ک ۲۹-۱۹-۱۳-۱۱-۸/۱۵

avēnišn: بی بینش، ناهم
 (نگ: ۱۳۵۴) ک ۹/۸

ōgōn/āngōn: آنگون.
 gōn + آن: ān/ō : ستا : *gaona- (GNPE. 211)*
 فاطر: *wn* (Mir. Man. II, 43) ک ۱۲۱/۲ ک ۱۲-۱۱-۸/۱۰-
 ۲۰ ک ۲۲-۲۵-۲/۱۲ ک ۲۰/۱۳ ک ۷-۳/۲۰
 ōgōn humānāg čēgōn: مانند آنگه،
 چنانست که. ک ۳/۲۰

a-vēnēd: نبیند، درک نکند، نفهمد.
 (a + vēn + ēd) نک: ۱۳۵۴ ک ۹/۸

ē: یک (یا وحدت یا نکره) که بیشتر بعد از اسم می آید.
 aēva- : ستا : *aēva- (Aiwb. 22)*
 فاطر: *yw* (Mir. Man. II, 62) پ: *ē* (مینو خرد).
 ک ۱۰۲-۹۱-۵۱/۲ ک ۱۴/۳ ک ۴/۶ ک ۸/۷
 پیش از اسم. مند: *ē-tāy*: یکا، یک دانه. ک ۱۰۲/۲
 پس از اسم. یشتی: *yašt-ē*: یک یشت. ک ۵۱/۲

y: پیشوازه فعلی است که برای تاکید (نهی یا امر) به انجام کاری پیش از
 فعل آید. ک ۱۱/۲ ک ۱۳/۸ ک ۱۲-۱۰/۱۵ و
 ب: *bē*
 بکند: *bē ē kunēd*: (امر به انجام کار)

بجای: *u* (۱) کیره اضافه (در بیشتر بندها) ک ۸/۷ ک ۱۹-۱۵/۸ و
 (۲) معنی "که" میدهد ک ۳۹/۲

ē/ēd: این، آن (بجای می آید) ک ۸/۸ ک ۲۵/۱۰ ک ۱۰/۷
 چ: *ē čē*: آنچه، هر چه. ک ۴/۱۱

پس، آنگاه، که معمولاً "چسبیده به ضمیر متصل سوم شخص رده
 می آید. (نگ: ند) ک ۲۳/۸ ک ۷/۹

hē / ē (بجای می آید) *hē* یا *had*:
 همین فعل برای سوم شخص مفرد (نگ: همین واژه)

گفته است. ک ۳۹/۲

گذارد، بجا آورد ک ۴/۱۲

andar.. guftan ē: در حال... گفتن

(با خواندن) است. ک ۸/۳

بجای می آید (نگ: همین)

۵۱/۱۲ ک ۳/۱۷

jān/gyān. Hy: جان.

است. (برای صورتهای پیشنهادی ریشه و اصل آن

نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۵۲۵).

۵۶-۵۴-۵۱/۲

دور **āyāft**: آفت، هدیه، سود، احسان، بخشش.
 ستا: **āyapta-** (AīWb. 322) پ: **āyāft** (مینو خرد) ک ۸/۱۲.

دور **a-dād**: بیداد، ستم.
 (a نفی **dād**: داد، عدل. نک: دور) ک ۸/۱۰.

دور **a-dādīhā**: (تید) به بیدادی، از روی بیعدالتی، برخلاف شرع
 (باقانون). پ: **adātīha** (مینوی خرد). ک ۸/۱۰. ک ۲۶/۱۵.

دور **hixr**: هیخر، فضله، کثافت.
 ستا: **hixra-** (AīWb. 1812) پ: **hihir / hīhar**
 ک ۹۵/۲. ک ۲۶/۱۵.

۱۰ **س: 4 (čahār)**، شکل هزوارش آن مدور و نوشتار آن به پهلوی **س: ۴**
 است.
 ستا: **caθwar-** (AīWb. 577) **catvār-** (Jackson 106)
 ک ۵۵/۲. ک ۱۷/۳. ک ۲۴-۱۰/۱۰. ک ۲/۱۱. ک ۹/۱۳.

۱۵ **س: 7 (haft)**، هزوارش آن مدور و نوشتار پهلوی آن **س: ۷**
 ستا: **hapta-** (Jackson. 106) **saptā**: پ: **haft**
 (مینو خرد). ک ۱/۱۲. ک ۸/۱۳. ک ۶/۱۵. ک ۷/۱۹. ک ۲/۲۱. ک ۴-۲/۲۱.

س: 8 (hašt)، هزوارش آن **س: ۸** و نوشتار پهلوی آن
 ستا: **ašta-**: **aštā-** (Jackson. 106)
 (مینو خرد) ک ۸/۱۹. ک ۲/۲۱. ک ۲۶/۱۵.

۲۰ **س: ayādēnišn**: یادکردن، یادآوری کردن.

ayād / ayyād: یاد ستا: **abi+yata-** از **ya**
 (GNPE. 250) فاطر: **y²d** پتر: **by²d** (VMT. 224-26)
 زبور پهلوی: **by²t** (PS. 29) پ: **ayāt** (مینو خرد) ک ۱۳/۹.

دور **hayyār/hayār**: یار، دوست.
 ستا: **yā-varəna-** ← **yāvar** ← **yār** (AīWb. 1286) فاطر:
hy²r (bwdyh) (Mir. Man. II, 55) پتر: **dy²wr** (Mir.
 Man. III, 48) پ: **ayār** (مینو خرد).
 ک ۳۰-۱۵/۱۰. ک ۲۴/۱۳. ک ۱۳-۱۲/۱۹. ک ۴/۲۱. ک ۴-۳۰-۶/۲۲.

دور **hayyārōmandīh**: یاری، یارمندی، کمک، یآوری.
 پ: **ayārmandī** (مینو خرد). ک ۳۰/۱۰.

دور **hayyārīh**: یاری. پ: **ayārī** (مینو خرد).
 ک ۱۵/۱۰. ک ۴/۲۱.

دور **hayyārīh kardan**: یاری کردن. ک ۱۵/۱۰.

دور **aivyāhanīh**: اثویاهن بودن، گستی بودن.

۵ **اثویاهن** حرف نویس صورت اوستایی واژه است به پهلوی و معمولاً "در ادبیات دینی
 (ردشتی بجای این واژه از **اوه** مصدر (نک: همین واژه). استفاده می شود و منظور
 گمراهی مقدس به دینان است.

aivyāhan ستا: **aiwyānhana-** از. پیشوند **aiwi** (فن: اف،
 در آفر، افروختن و **yānhana-** از **yāh** به معنی گمراهی.

۲۰ **پسوند īh** نشانه اسم مصدر. واژه همیان فارسی از همین
 ریشه و اصل است. (نک: معین، مزدیسنا و ادب فارسی ص ۳۷۶) ک ۴/۴.

ēvgad/ēbgad: دشمن، دشمنی، تهدید، تجاوز.

این واژه در بندهش و مینوی خرد صفت اهریمن است و معنی ویرانگر و متجاوز دارد.
در باره این واژه تاوادیای بحثی کرده است و آنرا از aibi + gata اوستایی
دانسته (نک: *Tavadiā. ŠnŠ. 126*) پ: aibigat: (مینو خرد).
ک ۳/۱۰، ک ۳۰/۱۲.

۵ دور ویاو: aivyāng: ائیویانگ، این واژه همان aiwyāphana اوستایی
است. (نک: دو واژه بالاتر)
در اینجا منظور باریکه‌هایی است از برگ سبز که در مراسم عالی مذهبی از آنها برای
بستن دور دسته‌های برسم استفاده می‌شود ک ۱/۱۲.

دور ه: hēč/ēč: ایچ، هیچ.
۱۰ ایرانی کهن: *aiva+čiy (GNPE. 249) پ: hēcā, hēcī, hēc: (مینو خرد).
ک ۳/۳، ک ۷/۷، ک ۷/۱۰، ک ۲۹/۱۲، ک ۷/۱۷، ک ۱۵/۱۹.
دور س: hēc 3 / ēč 3: هیچیک از سه تا ک ۷/۱۷.
دور ه: hēcē: هیچکس، هیچ یک. ک ۱۵/۱۹.

دور ه: hēt: هست، است. (هت)
۱۵ معین فعل ربطی است برای سوم شخص مفرد (نک: راستارگویا ص ۱۲۵) این واژه
را عموماً "هزوارش دانسته اند از ʔyt (نک: *Junker, 13*) و فرهنگ مینو
خرد تفضیلی ص ۲۳ و (لکن در تفسیر نسفی، هی: هستی و هیت: هستی‌بخش)
رفته است. در ترجمه: "ان کنتم صادقین، آمده است: اگر هیت راستگویان، یعنی اگر
هستید. (سوره ۴۶ به ۴) و نیز در ترجمه همان سوره آیه ۲۲ آمده: اگر هی راستگویان،
(نک: مجموعه الفرس ص ۴۶ زیر نویس) و این امر می‌تواند نشانگر آن باشد که واژه
تشکیل شده است از: ʔyt یا: hēt=hyt: هت، یعنی هست و لزومی ندارد
که آنرا هزوارش دانسته و ast یا hast بخوانیم (?)
ک ۱/۱-۳-۴-۱۶-۱۸-۲۴-۴۵-۸۰-۹۰، ک ۲۳/۲-۲۴-۲۵، ک ۵/۵ و چند
مورد دیگر.

دور ه: hēt: چیست، ک ۹/۱۵.
دور ه: hēt: ظاهر، بجای بمعصوم (نک: *āstarēd/āstarbrēd*:
آستردار؟ (برای واژه آستر، نک: *اساس اشتقاق فارسی ص ۳۰*)
واژه این واژه را مرکب از āstar = آستر + brīt از "بریدن" دانسته.
(نک: *Tavadiā ŠnŠ. p. 87*) لکن جزء دوم آن را می‌توان از:
burdan: بردن؛ برداشتن یا حمل کردن (نک: فرهنگ نفیسی زیر: بردن) یا
"وامین" دانست که در آن صورت ترکیب معنی "آستر دار" را میدهد. ک ۶/۴.

دور ه: hēt: ایدون، چنین.
دور ه: hēt: aētavant هندی کهن: ētāvant- (*AiWb. 18*)
پ: āduni (مینو خرد). ک ۱۲/۲-۱۷-۲۰-۲۱-۳۸-۵۹ بار دیگر.
دور ه: hēt: ēdōn čegōn: مانند، همانطور که، چنانکه.
دور ه: hēt: ēšm/xōšm: خشم. (دیو خشم) این دیو ضد و در مقابل سروش
ایستاد قرار دارد.
دور ه: hēt: aēšma- (*AiWb. 35*) خاتر: xyšm (*Mīr. Man. I, 42*)
پ: xāšm ک ۴۳/۱۳، ک ۱/۱۸-۳، ک ۱۷/۲۲.

دور ه: hēt: ku: که (حرف ربط) در بیشتر بندهای کتاب آمده است. (۱۷۲ بار)
دور ه: hēt: ku-š: که او را، که آن را ک ۱۲/۲ و ۱۱ مرتبه دیگر.
دور ه: hēt: ku-šān: کسان، که آنان را
ک ۱۲/۱۷، ک ۲۴/۱۱.
دور ه: hēt: ku-mi: که مرا، کم ک ۸/۸، ک ۱/۱۵-۳۰.
دور ه: hēt: ku-mān: که ما را، کمان. ک ۱۴/۱۲.
دور ه: hēt: ēdōn ku: چنانکه، چنانچه. ک ۴۵/۲.

دور ه: hēt: ēraxti: گرفتار، گرفتار شده، تحقیر شده، کیفر دیده.

نوشتار درست آن **هیرباد** است.

ست **han-draxt** (Aiwb. 1772) **خاتر**: **ndrxt** محکوم کرد، شکست داد. (Mir. Man. II, 49) **پاتر**: **ndrxtn** (Mir. Man. III, 49) ک ۲/۲۰.

هیرباد/هیرباد: **ērbad/hērbad**: **هیربد**، روحانی.

"هیربد: قاضی و مفتی گبران بود و آتش پرست را نیز گفتارند" صحاح، لغت فارس به نقل از فرهنگ فره وشی.

ست **aēθrapaiti** (Aiwb. 20) ک ۴/۸.

هیربادان: **ērbadān**: **هیربدان**، روحانیان. ک ۴/۹.

هیربازاده: **ērbad-zād**: ک ۲۱ پایان نوشت.

اگریفتار: **agriftār**: **ناگرفتار**، **نامقید**، **غیرمادی**، **رها از جسمیت**.

a) **نشانه نفی** + **griftar**: **گرفتار**، **مقید**. ست **grab** **هندی کهن**:

grbh (Aiwb. 529) ک ۳-۲/۱۵.

هیربادستان: **ērbadistān**: **هیربدستان**، **مدرسه علوم دینی زردشتی**.

ک ۸/۱۷ ک ۱۱/۸

اگریفت: **agrift**: **آگریفت**، **نام طبقاتی از گناهان است**. اندازه آن برابر ۱۶

درم سنگ است و بعد از فرمان میباشد.

ست **ā-garəfta-** (Aiwb. 310) ک ۲-۱/۱ ک ۲-۱/۱۱.

ک ۲/۱۶

سلسله: **300 (sēsad)** (سید)

ست **θrī-sata-** **هندی کهن**: **trišatā-** (Aiwb. 810)

ک ۲/۱ ک ۲/۸ ک ۲/۱۱ ک ۵/۱۶

ایرمان: **ērmān**: **ایرمن**، **منظور نخستین واژه یسنا**، **ها ۵۴ می باشد**

ست **airyaman** (Aiwb. 199) ک ۴۷/۱۲.

ایرمانیه: **ērmānīh**: **دوستی**، **محبت**.

ست **airyaman-** **هندی کهن**: **aryamān-** (Aiwb. 198)

ک ۴۷/۱۲

ایرواراگ: **ērvārag**: **آروارا**، **فک**.

ست **ha-nuharəna-** (Aiwb. 1767) ک ۶/۱۱.

این واژه بدین سان هم آمده است: **هیرباد** ک ۴/۱۱.

خیم: **xēm**: **خو**، **طبیعت آدمی**.

ست **haya-**، **haēm-** (Aiwb. 1781) **پ**: **xīm** (مینو خرد).

ک ۲۲/۱۲ ک ۳/۲۰

خیم: **hu-xēmē**: **خوش خویی**. ک ۲۲/۱۲.

یماری: **ēmar**: **باری**، **مختصر**، **خلاصه**.

ک ۱۴/۱۳

ایمگ: **ē-mōg**: **یک لنگه کفش (قید)**

ایمگ دیواریشیه: **ē mōg dvārišnīh**: **با یک لنگه کفش رفتن**.

این در شریعت زردشتی گناه شمرده شده و مردمان را از انجام آن بر حذر داشته اند

این امر در کتب فقهی شیعی نیز منع شده. (برای آگاهی بیشتر نک: محمود طاووسی

با یک موزه رفتن و بی موزه رفتن، پژوهشنامه مؤسسه آسیائی شماره ۳-۲ سال سوم

(۱۳۵۱) ک ۱۲/۴

ویراود: **virravēd**: **ویراود**، **اعتراف کند**، **باور کند**.

ایمان آورد مصدر آن *𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥* (Junker 13) است نوشتار پهلوی

آن *𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥* می باشد

فاتر: *wrwyšn* : گروش، اعتقاد. (Mir. Min. II, 53)

پ: *garōēt* : (مینو خرد). ک ۵/۵.

ن: *nē virravēd* : نگرود، اعتراف نکند. ک ۵/۵.

س: *hamōgēn/hamōyēh* : همه، همگی.

س: *hamōIn* : پ (Aiwb. 1776) ?*hamō.gaona-*

(برای این واژه نک: A. Pagliaro, Jackson Memorial

Volume. pp. 140-48) در زراشت نامه بهرام پژدو این واژه به

شکل، همین آمده است. نک: همین کتاب ص ۸۸ بیت ۱۲۴۵ ک ۶۵/۲.

س: *ēv* : یک.

س: *aēva-* (Aiwb. 22) فب: *aiva-* (Kent. 164) فاطر: *ēyw*

(Mir. Man. I, 44) پهلوی س و یا همین صورت بالا پ: *yak*

(مینو خرد). ک ۱۵/۲-۱۶-۱۱۶-۱۱۷ ک ۷/۲.

س: *ēvāz* : فقط، تنها

فاتر: *ēywyz* (Kotwal. 141) پ: *ēwāz* (شکند گمانیک و بیچار ۱۰/۲۷)

این واژه را کوتوال (ظاهرا) با توجه به نوشتار ترفانی آن. *ēwiz* خوانده است.

ک ۴۵-۵۶. ک ۳/۹. ک ۲۲/۱۰. ک ۱۵/۱۲. ک ۱۲/۱۳

ن: *nē ēvāz* : نه تنها، نه فقط. ک ۱۲/۱۳

س: *ēvārag-gāh* : ایوارگاه، غروب. فارسی: ایوار.

تو کر شبگیر بر توران نهی پای به آنان کی رسی گایوار راندند. (بندار رازی)

"ایوار، وقت عصر باشد که، نماز دیگرش، نیز میگویند" برهان.

(برای این واژه نک: M.F. Kanga. Čit. Han. Pōryōtkē-šāni)

ک ۱/۷

س: *ēvbār* : یکبار، یکدفعه.

ēv یک + *bār* : بار، دفعه (نک: هر یک از این دو) ک ۱۱۶/۲-۱۱۷

س: *ayāb* : با

س: *vaj* : هندی کهن: *vā* (Aiwb. 136-1310) فاطر: *y³b*

(Mir. Man. II, 45) پهلوی کتیبه ای (گرتیر نقش رجب) *ywp*

پ: *ayā* : (مینو خرد). ک ۳/۲-۴-۸ و ۲۶ بار دیگر.

س: *ēvtōg* : یک تو، یک لایه.

ēv یک + *tōg* : تو، لا. (نک: هر یک از این دو) ک ۷/۲.

س: *ēvtum* : اولین، نخستین.

tum+ēv : نشانه و پیوند صفت عالی است. (نک: راستارگویا ص ۷۲)

س: *tōma* : (وندیداد ۳ بند ۱۵) فاطر: *-dwm* در واژه: *brdwm*

(Mir. Man. II, 44) ک ۶۱-۶۸-۶۶/۲

س: *a-yōšdāhr/a-yōšdāsr* : ناپاک، نجس.

ا (نشانه نفی) + *yōšdāhr* : پاک، طاهر (نک: همین واژه)

ک ۱۷/۱۲

س: *a-yōšdāhrīh* : ناپاکی، ناپاکیزگی. ک ۱۷/۱۲

س: *yak / ēvak* (نک: س)

ک ۷/۲-۷۶ و ۹۲ بار دیگر.

س: *ēvak ēvak* : یک یک، جدا جدا.

ک ۱۱۸/۲. ک ۱/۱۱ ک ۱۶ / مقدمه.

ستا، فب: *aniya* (135) (*AiWb.*) فاتر: *ny* (47) (*Mir. Man. II*)
 پاتر: *ny* (94) (*Mir. Man. III*) پ: *ainā* (مینو خرد).
 ک ۶۶/۲. ک ۲/۷.
 به شکل *سپاوا* در بند ۶۸ فصل ۲ آمده که درست نیست.

۵ *evirišt*: *سپاوا*: او، رشت. نک: *سپاوا*
 ک ۲-۱/۱۱.

evēnag: *سپاوا*: آینه، شیشه، آبگینه.
 ستا: *ā + √dāi-*: هندی کهن: *ā + √dhāi* (16) (*GNPE*).
 که درست به نظر نمیرسد. ک ۵/۲.

۱۰ *evēnag*: *سپاوا*: آئین، گونه، روش.
 فاتر: *ywyng* (46) (*Mir. Man. II*) زبور پهلوی: *dwying* پ:
āina (واژه نامه مینو خرد). در باره این واژه نک: *Henning TPS*.
 1944. p. 110-111.
 ک ۹/۹. ک ۳۲-۳۰/۱۰. ک ۲۵-۱۵/۱۲. ک ۲/۱۹.

۱۵ *eg*: *سپاوا*: *eg*: *DYN?*: آنگاه، پس، بنابراین.
 فاتر: *y* (45) (*Mir. Man. II*) پ: *igin* (مینو خرد).
āta یا *āda* میدانند (نک: هموس ۲۲۱).
 ک ۷۶/۲-۸۴-۱۰۰-۱۱۱ ک ۲۲-۱۱/۳ ک ۹-۸-۶/۴ ک ۱۰/۸ ک ۱۰/۱۰
 ک ۳۳-۳۱ ک ۹/۱۲ ک ۱/۲۰.

۲۰ *eg-iz*: *سپاوا*: آنگاه نیز.
 ک ۱۱۱/۲ ک ۱۱/۳ ک ۶/۴ ک ۱۰/۸ ک ۹/۱۲
eg-iz-iš: *سپاوا*: و نیز آنگاه او، نیز آنگاهش. ک ۸۴/۲.
eg-iš: *سپاوا*: آنگاهش، پس او.

ک ۲۲/۳. ک ۹-۸/۴. ک ۲۹/۱۲. ک ۱۰/۲۰
eg-išān: آنگاهشان، پس آنان را ک ۲۳/۱۰.
eg-im: آنگاهم، آنگاه مرا ک ۱۱/۱۰.

بازو: *bāzāgōztar*: قوی دست تر، نیرومند بازوتر، قوی بازوتر.
(در معنی: قدرتمندتر)

از ستا: *bāzūš. aojah*: زور بازو (A i Wb. 956.)

بازو: *bāzāy*: بازو (در اینجا، دست گوسفند قربانی مورد نظر است) نک: واژه بالا. ک ۴/۱۱.

بازا: *bāzā*: بازار، بازاری، نام طبقه پنجم از گناهان (ايراد ضرب) است که بشهر نوشته این کتاب برابر با ۹۰ استر (هر استر ۴ درم سنگ) می باشد.
ستا: *bāzu. jata-*: وارد کردن ضربه به بازو (A i Wb. 956.)
ک ۲-۱/۱ ک ۲-۱/۱۱ ک ۵/۱۶

بخش: *baxt*: قسمت، بهره، سهم نک: رسید ک ۸/۹.

بخش: *baxt*: اقبال، سرنوشت.
ستا: *baxta-* (A i Wb. 923) ک ۱۷/۲۰ ک ۳۱/۲۲.

بخش: *baxt-it*: بخت، بخت تو، اقبال، سرنوشت. ک ۳۱/۲۲.

بخش: *Baxt Āfrīd*: بخت آفرید (اسم خاص) نام یکی از موبدان دوران انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱ م) بود و از جانب وی ماموریت یافت که دین زردشتی را پس از بدعتهای مزدک بازسازی و احیاء کند. گوتوال (برای آگاهی نک: B. T. Anklesaria, Vohuman yt. p. 5 ۴۴۲. ک ۱۱/۲۰).

بخش: در متن *baxšišn*: (اسم مصدر) بخشش، بخش کردن، تقسیم کردن.

ب: *b*:

-ē:y: بهاء وحدت یا نکره است که پس از نام ها آمده است.
فاتر معادل *yw* (Mir. Man. I, 44) *پا: q* (مینو خرد).
ک ۲/۱ ک ۴۵-۵۳ و ۵۶ بار دیگر.

بخش: *baxtārīh*: بختاری، نجات، آمرزش.

این واژه بجای *بخش* آمده است.
ستا: *baog* از *baog* (A i Wb. 917) *فاتر: bwxt³r*
(Mir. Man. II, 48) *پا: bōxtārī* (مینو خرد) ک ۲۶/۱۰.

بهر: *bahr*: بهر، سهم، بخش (برخ و برخی صورت دیگری از همین واژه است)
ستا: *baxškra-* (A i Wb. 923) *فاتر: bhr* (Mir. Man. I, 36)
پا: bahar (مینو خرد).
ک ۶/۷ ک ۱/۹ ک ۴/۱۱ ک ۲۳/۱۲ ک ۱۱-۲/۱۳ ک ۱۵-۱۲/۱۵ ک ۲۹-۵/۲۱.

بازو: *bāzāg*: بازو، دست.

ستا: *bāzū-bāzav-* هندی کهن: *bāhāv* (A i Wb. 955) ک ۹/۱۳.

ستا: baxš- (AiWb. 923) ک ۴/۱۱.

ریلا: bār: بار، دفعه.

سا: vāra- (GNPE. 36) bār: (مینو خرد).

ک ۲۵/۱۰ ک ۱۲/۹ ک ۱۰-۷/۸ ک ۷/۵ ک ۱۱۴-۱۱۳-۱۱۲-۹۸-۷۶-۵۲-۷/۲
ک ۹/۱۲ ک ۵/۱۲-۱۱-۲۶-۲۸-۳۵-۳۹-۴۳ ک ۳/۱۷ ک ۴/۱۸ ک ۱/۲۰

وا: har bār: هربار، هردفعه.

ک ۲۵/۲ ک ۴-۳/۷

ریلس: bālāy: بالا، قد، بلندی.

ستا: barəz- (AiWb. 949) ک ۱۰/۲ ک ۱۲/۹ ک ۲۸/۱۵

۱۰ ریلس: bālišn: بالش، متکا.

ستا: barəziš- هندی کهن: barhīs (AiWb. 950)

ک ۱۰۲/۲-۱۰۳-۱۰۴ ک ۲-۳/۳

ریلا: bālēn: بالین، بالش را گویند که در زیر سر نهند "برهان".

ستا: ?barəšnū-barəšnav- (AiWb. 951) فب: bardhanya-

(نیبری ۳۱ از حاشیه برهان) ک ۱۲/۲

ریلا: bālēngāh: بالینگاه، جای گذاردن بالش زیر سر، جای

نهادن سر. ک ۱۲/۲

ریلا: bām: فروغ، روشنی (سج: بامداد، بامی)

ستا: bāma-, bāmya- (AiWb. 954-5) هندی کهن: bhāma-

(GNPE. 40) bām[dat]: (مینو خرد) ک ۲۵/۲۲

ریلا: bāmdād: بامداد.

(نگ: واژه بالا) bāmdāt: (مینو خرد) ک ۱/۷

ریلا: bāmīg: بامی، روشن، درخشان (نگ: واژه های زیرین) (نگ: ریلا)
ک ۱۸/۲۲

ریلا: bāmīgtar: بامی تر، روشن تر، درخشان تر. ک ۲/۲۳

۹۹ ریلا: این واژه در تمام دستنویسهای شایست نه شایست چنین نوشته

در گزارش پهلوی وندیداد، در ترجمه: harəka اوستایی آمده.

دوک: dōk: به دوک (دوک آلت ریسندگی) که باید این واژه را تصحیفی از آن دانست؟

اوتوال این نظریه را پذیرفته (نگ: Kotwal p. 97) و بارتولومه در معنی

harəka: اوستایی، آورده: مقدار کمی پشم گره دار که ریسنده هنگام رشتن دور

بی ای دارد. (AiWb. 1788-1789) و نیز نگ: پهلوی وندیداد،

دستور هوشنگ، ص ۲۰۰ بند ۶ وندیداد ۵ و با پهلوی وندیداد، انگلساریا، ص.

۱۴۱ و در هر صورت این واژه را با احتیاط و تردید: dōk: به دوک، میخوانیم

ک ۲/۱۲

ریلا: bān: بان، بام، سقف خانه.

ک ۲۱-۲۰-۱۸/۲

ریلا: bān-ē: یک بام، بامی، سقف خانقایی. ک ۱۸/۲

ریلا: ba y yasn: یغ یسن یا یغان یشت، آنطور که از کرده (فصل) ۱۳ بند ۱

در کتاب (شایست نه شایست) برمیآید شامل سه های ۱۹-۲۰-۲۱ یسنا است که با

نام یسنا هو و نیریه. و اشم و هو، و ینگیه هاتم معرفی شده است. (برای آگاهی

یغ یغ نسک: یسنا، ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰۶) و نیز یغ نسک: نام سومین کتاب

اوستایی کهن بوده، که در کتاب نهم دینکرد مندرج است که دارای ۲۲ فرگرد بوده

است. (پورد/اود، ماخذ بالا) ک ۱۷/۱۲

در: dar:BB³: در (برای ورود و خروج)
ستا: dvar-: دوار: هندو کهن: dvārau , dūrah-
(AīWb. 766) فاطر: dr: (Mir.Man. II. 51) با: dar:
(مینو خرد). ک ۷۵-۷۴-۴۵/۲ م ۱۱/۳ ک ۱۹/۱۳ ک ۹-۸/۲۰
در: dar ī šahgāh: دراصلی؟ شاهدر؟ ک ۷۴/۲
در: dar ī šahr: در شهر، دروازه. ک ۷۴/۲
در: dar ī dušax^v: در دوزخ. ک ۱۹/۱۳

در: dar:BB³: در، دربار، درمورد.
در: abar ān dar: در آن باره. ک ۲۹/۱۲
در: dar ēd ku: در این باره که.
ک ۱۶/ مقدمه.

در: bast: بست (فعل ماضی سوم شخص مفرد) مصدر آن بستن
ستا: bandh: بستن. هندو کهن از: bandh: و
(GNPE. 50) bandha, -badhnāti و نیز نک: اشنای

فارسی ص ۲۷۹.

در: bast ēstēd: بسته است.

ک ۱۰۴-۱/۲ ک ۷-۳/۴ ک ۳/۲۰
در: nē bast bavēd: بسته نباشد، بسته نبود. ک ۱۲/۸

در: bastāg: بسته. (نک. واژه بالا) ک ۲۰/۲.

در: gōšt:BSRY³: گوشت. این واژه تنها به شکل هزارش آمده است.
از: gav-: اوستایی که از همین ریشه است، گاو، گوسفند. هندو کهن: gāv-

(AīWb. 505-509) ک ۱۲۴-۵۴/۲ ک ۳۴/۱۰ ک ۱۴-۱۲-۲-۱/۱۷

در: x^vaš:BSYM: خوش.

ک ۱۶/۱۵

در: x^vaštar: خوشتر.

با: x^vaštar (مینو خرد). ک ۱۶/۲۰

در: baḡān: باغ، ایزدان.

در: bay / bag / baḡ: bay: خدا، بزرگ، ایزد. واژه های بغ، بگ، فغ
در: بغداد، فغفور و همین است.

ستا: бага-: سا: bhāga-: فاطر: by
(Mir.Man. II, 48) باتر: bg: (Mir.Man. III, 52) با:
باḡān (مینو خرد). ک ۲۵/۱۰

در: bay / gaḡ: [نسک] نک: رستم

مطابق با گفته دینگرت، کتاب سوم از اوستای کهن بوده و برابر با گفته روایات و وجود
گرد دینی، نسک چهارم اوستا بوده است. (نک: هوگ: ESSAYS. p.127)
ک ۲۶/۱۰ ک ۱۷/۲۰

در: bay baxt: بخت، تقدیر، تقدیر معین شده بوسیله خداوند، سرنوشت
الهی. (نک: رستم) ستا: bayō, baxta (AīWb. 922)
ک ۱۷/۲۰

در: bar: بار (میوه درخت)

ک ۱۲۳/۲ ک ۳/۲۰

در: bar: بر، رو، روی.

ک ۲/۱۲

از بر، از روی: az bar: ۱۴

بره: brēh/brāh: فروغ، درخشندگی، روشنی.

این واژه را فره وشی و تغضلی: brāh بهار: brah و دیگران: brēh خوانده اند. فارسی: "براه" به معنی خوب و خوبی و آراستگی. شایه: طبعم آراست همی از پی مدحت چو بهشت زانکه هر لحظه همی فضل تو آورد سپاه لاجرم کرد عروسی ز مدیحت جلوه که به از حوربهشتی است که فر و بهار" فرهنگ جهانگیری، عقیقی، ک ۳۲/۱۰

برادر: brād:

ستا: brātar- هندی کهن: bhrātār- ف: brātā (Aiwb. 972) ف: brād (Mir.Man. II, 48) ف: brāt (مینو خرد) ک ۲/۱۳

براز: brāzyāg: درختان، تابان (صفت خورشید یا آتش است) این واژه

در فرهنگ جهانگیری به معنی زیبایی آمده و استناد باین شعرشمس فخری شده است. خدایگان جوانبخت شیخ ابواسحاق که تخت خسرو از ذات او گرفته به راز، که این معنی درست به نظر نمیرسد و معنی فر و شکوه و درخشندگی و فروغ در شعر بیشتر معنی میدهد. (نک: جهانگیری، عقیقی ص ۱۰۱-۸۴۳)

ستا: brāz- هندی کهن: bhrājate (Aiwb. 972) ف: brājate (Mir.Man. II, 48) ک ۱۱/۲۲

براز: brāzyāgtar: درختان تر. ک ۲/۲۳

برومند: barōmand: پر بار.

برومندتر، پر بارتر: brōmand-tar: ک ۱/۲۲

برسم: barsam/barsum: شاخه های باریک پی گره به درازای یک وجب

است که از گیاه هوم چیده شده و در مراسم مذهبی زردشتی بکار میرود (نک: فرهنگ فره وشی و برهان و) تعداد شاخه های برسم که در آئین های مذهبی زردشتی بکار میرود یکسان نیست و بنا به اهمیت آئین ها تعداد آن ها نیز تفاوت میکند. ستا: barəsmān- (Aiwb. 949) ف: barsum (مینو خرد). ک ۱۸/۲ ک ۱۰/۳-۱۱-۲۰-۲۲-۲۳ ک ۱۸/۸ ک ۲۵/۱۰ ک ۱/۱۲ ک ۲/۱۴

برسمدان: barsum-dān: ظرف یا آلتی است که در آتشگاهها

موجود است و برسم را در آن قرار میدهند. ک ۲۲/۳ ک ۲۵/۱۰

برسم تقدیس نشده: barsum i apādyāb:

ک ۲/۱۴

برسم هفت تاگ: barsum i 7 tag:

نای بادرین سگانه چیزی است که امروز موبدان آنرا خوب پنج تایی می نامند (گوتوال). درباره "درون" ها و "خوب که" و دیگر مراسم همراه با برسم نک:

The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees. by Modi. p. 240. ک ۱/۱۲

برشته: brištāg:

هندی کهن: bhrj̥jāti, √bhrāj̥j: سرخ کردن، بریان کردن.

(GNPE. 47) بن مضارع این واژه: briz: است. سنج: نخود بریز. و بن ماضی آن برشت است.

برشته: gōšt i brištāg: گوشت سرخ کرده، بریان

ک ۴۸/۲

برشونم: brašnūm: "مهمترین مراسم مذهبی شستشو و غسل برای تطهیر

کسی است که دست به چیزی ناپاک زده، مراسم غسل برای کسی که با مرده تماس پیدا کرده باشد "فره وشی".

در این باره نک: دیانت زردشتی، مقاله سوم از مری بویس ص. ۱۶۶. شرح این مراسم در وندیداد ۸ بند ۴ آمده است. نک. همانجا
ستا: *barəšnūm-* (AiWb. 951)

بریدن: *barišnīh*: بریدن، از بین بردن، راندن، بیرون کردن، زدودن.
دیو دروغ: *drōz bē barišnīh*: دروغ زدایی، از بین بردن
ستا: *nižbərəti-* (AiWb. 1088) ک ۵/۱۹

بلند: *buland*:

ستا: *barəzant-* از *barəz*: (AiWb. 949-959).
(واژه های فارسی: بالا، بالین، برز، برزو، برزین و از همین ریشه است)
ارمنی: *berj*: سنج: *ērka-berj*: بسیار بلند، به بلندی آسمان. (نک: واژه نامه درخت آسوریک، ماهیار نوایی).
فاتر: *bwrz*: (Mir. Man. *buland*: (مینو خرد). ک ۱۲/۱۹
II, 48)

بلند و بالا: *buland gar*: کوه بلند.
فاتر: *gryw bwrzyst*: بلندترین کوه (قله).
Mir. Man. II, 48. ک ۱۲/۱۹

مقرر داشتن، تعیین کردن: *brēhēnīdan*:

برای این واژه نک: Dhabhar, Pahl. Y Vr. Glos. p. 63.
Henning, JRAS. 1942, p. 230 n. 5.
و نیز: Neyberg, JA 1929, p. 250 f.

و نیز:

ک ۱۳/۸

مقرر کردن، مقرر کند، تعیین کند: *brēhēnēh*:
ک ۱۳/۸

مقرر شد، مقرر شد، مقرر کرد. (فعل ماضی جعلی است)
ک ۱۳/۲۰

مقرر شده است، معین کرده است. *brēhēnīd ēstēd*:
brēhēnīt ēstēt (مینو خرد). ک ۱۳/۲۰

بریدن (مصدر)، قطع کردن، چیدن: *brīdan*:
ستا: *brāy-* / *bhrīnānti*: پهلوی: *burīdan*:
(AiWb. 972) شکل هر وارشی آن در وندیداد (نک: همین) است.

بر: *BR*: *be/bē*: به.

(۱) پیشوند فعلی است و معنی تاکید به انجام کار را به فعل میدهد.
فاتر: *b*: (Mir. Man. II, 47) *bā*: (مینو خرد).
ک ۳/۱. ک ۱/۲-۱-۲-۶-۱۰ و در حدود بیش از ۱۰۰ بار در این کتاب.
(۲) بجز: ک ۲۲/۲-۴۷-۶۸-۷۱. ک ۶/۵. ک ۸-۲/۷. ک ۳/۸. ک ۶/۱۱-۶.
ک ۲۹-۲. ک ۴۲/۱۳-۵۱. ک ۴/۱۷.
(۳) بلکه: ک ۱۳/۹. ک ۲۹/۱۰.
(۴) اما، لیکن: ک ۳۶/۱۰.

بها: *bē ka*: جز اینکه، غیر از آنکه، مگر اینکه.
ک ۲/۷-۲۹-۸۱. ک ۱۴/۱۷

اما، لیکن او: *bē-š*: ک ۲/۵.

بلکه ما: *bē-mān*: ک ۱۳/۹.

جز کسیکه، جز آنکه: *bē-kē*: ک ۳/۸.

نجات یافت، رهائی یافت، نجات یافته از گناه: *bōxti*:

خورد. ک ۱۰-۹/۱۷

برای $bōzištar$: رهایی بخش تر، پوشش پذیرتر.برای $pad bōzištar$: به نجات تر، به رستگاری (نزدیک)

تر. ک ۱۰-۹/۱۷

برای $būšāsp$: بوئاسب، دیوگاهلی، دیو خواب.ستا: $būšyastā$ (Aiwb. 970) $būšyāsp$: (مینوخرود) ک ۴۳/۱۲.برای $burz$: بُرز، بالا، بلند، متعالی، برآمده.ستا: $barəz$ (نک: راجه و)برای $ādur ī burz$: آتش بالارونده، آذر بلند یا برآمده، آتش

فروزان. ک ۹/۲۲

برای $burzēd$: برشود، بالاشود، بالارود، فروزان شود.

ک ۵/۶

برای $burdār$: بردار، بُرنده، حامل.برای $dēn burdār$: مؤمن، معتقد به دین. (نک: راجه و)

ک ۴/۲۲

برای $burdan$: بردن، حمل کردن.ستا، غب: bar $bhar$: بردن (Aiwb. 933) $bwrđn$: غاتر(Mir. Man. II, 48) شکل هزوارشی آن: $bwrđn$

(Junker. 5) است. ک ۵۱-۳۸/۲

برای $burrišn/burišn$: بُرش، بریدن (اسم مصدر) $bhrīnānti$: ستا از $brīnenti$ ، هندی کهن $√brāy-$ (نک. همین) است

ک ۳۸/۲

برای $buland$: بلند. (نک: راجه و)

ک ۱۵/۱۰ ک ۴/۲۲

برای $bulandtar$: بلندتر، بالاتر.

ک ۴/۲۲

برای $būm$: بوم، سرزمین.ستا: $būmī$ غب: $būmī$ $bhūmī$ و $bhūmis$ ار: $bhav$

(Kent. 200) ک ۱۳/۲۲

برای pus : BRH: هر: پسر.ستا: $puθra-$ $putrā-$ غب: $puça-$ سی: $pućlo$

(Kent. 197) فارسی: پور، پسر، پسر.

ک ۲۲-۲۱/۱۰ ک ۱۵-۱۴-۲/۱۲ ک ۲/۱۳ ک ۲۴-۲۳/۱۵

برای $pusarān$: BRHr²n: هر: پسران.

د پامان هزوارشی زاید است و در پهلوی متأخر این افزوده شده است. ک ۱۳

برای $frazandīh/pusarīh$: BRHyh: فرزندی، پسری.برای $pad pusīh padīrēft$: به فرزندی پذیر

(پذیرفته). ک ۱۴/۱۲

برای bun : بُن، اصل، اول، آغاز، بهیخ، (تنه درخت)

ستا: būna- هندی کهن: budhnā (AiWb. 969) ارمنی: bun (Arm. 918) bōdha -
(Mir. Man. II, 48) bwn: غائر: Gram. 123

آسی، ایرونی: bin- پیگوری: bun.
(در باره زبان آسی ص ۲۴) ک ۱۲/۲-۹۶ ک ۱۶/۳-۱۷-۲۱ و ۲۰ بار دیگر.
بun abāz kardan: از نو شروع کردن، از سر گرفتن. ک ۳/۱۴

بun kardag: سرآغاز، اولین فصل. ک ۱۶/۱۳

بuniš: بُنش، آغازش، شروعش.
بunih: شروع، آغاز. (Tavadia. 79)
ک ۱۷/۳-۱۲/۴

بavandag: کامل، تمام.
ستا: būray هندی کهن: bhūray (AiWb. 969) ب
būnda: (مینو خرد). ک ۱۸-۱۱/۳ ک ۶-۲/۱۷

بavandagtar: کامل تر.
ک ۱/۲۳

بavandagih: کمال، کامل بودن.
ک ۴۹/۱۳

band: بند، ریمان.
ستا، غیب: band: بستن. سا: bandh- بندد. (Kent. 199)
بندر: bnd (Mir. Man. II, 48) پاتر: bnd بند، زندان.
band: ب (Mir. Man. III, 52)
ک ۱۰۴/۲ ک ۲۴-۲۲/۱۲

bōy: بو، عطر.

ستا: baod/baoḡa هندی کهن: bōdha - (AiWb. 918)
بایر: bwy (Mir. Man. II, 48) بōi: ب (مینو خرد).
ک ۱۲/۱۲ ک ۱۲/۱۵ ک ۲/۲۳
bōy i pāk: بوی پاک، بوی خوش. ک ۱۲/۱۲

bōy: بوی، یکی از ۱۱ مینوی است که در تن انسان از طرف خداوند نهاده شده
است. (درک، شعور، فره وشی) ک ۵/۱۲ ک ۱۲-۴/۱۳

بāstan: مز: B^cyHWN, stn x^vāstan: خواستن.
بوشتر غیر هژواشی آن است
سا از -svad- (GNPE. 110) غائر: xw^vstn
(Mir. Man. II, 48) بāstan: x^vāstan (مینو خرد). ک ۱۰-۲/۱۹
zan x^vāstan: زن خواستن، خواستگاری کردن.
ک ۱۰/۱۹

بāhēnd: مز: B^cyHWN, nd x^vāhēnd: خواهند.
بāhēnd: x^vāhēnd (مینو خرد). ک ۱۱/۱۰
āmurziš x^vāhēnd: آموزش خواهند. ک ۱۱/۱۰

bēh: به. (میوه)
ک ۱۲۳/۲

bēd: باشد، بود.
ستا از bav بودن، کوتوال معنی این را is هست، داده. (Kotwal
p. 65) ک ۲۴/۱۵

روید **bētōm**: بیرونی ترین ، خارجی ترین ؟
 از **bē**: بیرون ، خارج + **tōm**: ستان : نشان صفت عالی ؟
 روید **dar ī bētōm**: خارجی ترین در ، در حیات ؟ ک ۷۴/۲

روید **bēšāz**: درمان بخش ، مفید .
 ستان **baēšaza-** (*AiWb.* 914) **byš³z**: (*Mir. Man.* II, 48)
 ک ۱۰/۱۰ ک ۱۰/۱۳

روید **bēšāzih**: بیدردی ، سلامتی ، مداوا شدن ، درمان .
 فانت **byš³zyh** (*Mir. Man.* II, 48) ک ۲۸/۱۳

روید **bēšāzišn**: درمان کردن ، مداوا کردن .
 ک ۱۸/۱۰

روید **bēšāzišnih**: درمان بخشی ، معالجه ، درمان .
 ک ۱۸/۱۰ ک ۳۲/۱۲ ک ۱۴/۱۹

روید **bērōn**: بیرون .
 فب **dvaryā + ūn**: (نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۳۱۴) باز **bē**:
 خارج + **-rōn**: سو ، جهت . ک ۳۲-۳۰/۲ ک ۲۹/۱۲

روید **bīm**: بیم ، ترس .
 ستان **bay-**: (*GNPE.* 59 , *AiWb.* 927) **bhāyate** :
 (مینو خرد) . ک ۱۰/۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵

ستا : $\sqrt{\text{raeč}}$ paiti+ (GNPE. 68) فاطر phryz: (Verbum. 177, 33) paharēž: ۴ (مینو خرد).

۸/۲ ک ۱۳-۹-۸-۴/۱۰ ک ۲۰/۱۲ ک ۱۹/۱۳ ک ۳۰-۶/۱۵ ک

واژه : پرهیز kunēd: pahrēz: پرهیز کنید، دوری کنید.
۱۹/۱۳ ک

واژه : پرهیزمند tar: pahrēz ōmandtar: پرهیزمند تر، محتاطانه تر،
به احتیاط نزدیکتر. ۱۳/۱۰ ک

واژه : پرهیز کردن، مواظبت کردن، پرهیز. pahrēzišn: ۱۳۵
۲۵-۲۰/۱۲ ک ۳۱-۲۹-۹-۸/۱۰ ک

واژه : پرهیز، با مراقبت، با احتیاط. pahrēzihā: ۱۳۵
۲/۱۰ ک

واژه : پرهیزند، مراقبت کنند، دوری کنند. pahrēzēnd: ۱۳۵
۲۳/۱۰ ک

واژه : پاهنا pahnāy: ۱۳۵
pahanāe: ۴ (AiWb. 843) paθana- (مینو خرد).
۲۶/۱۰ ک ۲/۴ ک ۸۴/۲ ک

واژه : پادشاه، حکمران، حاکم، شاه. pādīxšā: ۱۳۵
pati + xšay (Kent. 181) patiyaxšayaiy: ۴
pādaññh (مینو خرد). ۲۹/۱۲ ک
پادشاهی، حکومت. pādīxšāyih: ۱۳۵
p³dyxš³yyi (Mir. Man. II, 63) ۷/۱۲ ک

pa: جای ne pad: به. (نک: ne) ۹/۱۳ ک

pahlūg: پهلوی. ۹/۱۳ ک

ستا: paxsu- (AiWb. 896)

(برای صورتهای دیگر این واژه در گویشهای ایرانی، نک: اساس اشتقاق فارسی ص: ۲۱۵)

pahlum: بهترین، برترین. (در باره این واژه نک: (Kapadiya. Phl. V Gl. p. 474).

فاتر: phlwm (Man. Stud. 111) pahalum: ۴ (مینو خرد).
۴-۳/۶ ک ۲۶/۱۰ ک ۲/۱۲ ک ۱۱/۱۵ ک ۱۶-۱۴/۲۰ ک

پاهلوم: pahlum ax^v: بهترین زندگی، بهترین جهان (= بهشت)
۲۶/۱۰ ک ۲/۱۲ ک ۱۱/۱۵ ک و به شکل جمع با (سپاس)
۴-۳/۶ ک

pahlum čiš: بهترین چیز. ۱۴/۲۰ ک

pahrēz: پرهیز، توجه، مراقبت. ۱۵

پادیشا: pādixšā: مجاز، مباح در اصطلاح فقهی، روا
ک ۱۰/۲-۲۲-۶۴-۷۹-۸۰-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۴ ک ۱۶/۳-۲۱ ک ۸/۷
ک ۴/۹-۲۳-۲۱-۱۳-۳/۸

پادیاب: pādyāb: پادیاب، تطهیر، وضو، شستشو، غسل.
اصطلاحاً "پادیاب و پادیاب کردن، تطهیر و غسل است طبق آئین خاص مذهبی (نک،
Modi. pp. 83-90. است (AiWb. 840) paity-āpām
ک ۱۲-۱۰/۳ ک ۲۳-۱۸/۸

پادیابی: pādyābīh: طهارت، پاکی، غسل.
ک ۱۰۸-۵۲/۲ ک ۱۸/۸ ک ۲۴-۲۲/۱۲

پادیابدان: pādyābdān: پادیاب دادن، ظرفی که در آن آب تقدیس شده
برای آئین های مذهبی نگهداری می شود ک ۱۲/۳

پادافراه: pādafrāh: پادافراه، کیفر، عقوبت.
است: paitifrasa- (GNPE. 36) فاطر: (Kotwal. p³dypr³h: 163)
پادافراه: (مینو خرد) ک ۹/۷ ک ۵/۸-۱۱-۱۲-۱۲
ک ۱۶ ک ۲۹-۸/۱۰ ک ۲۸/۱۲ ک ۴-۳-۲/۱۶ ک ۵/۱۹

پادروزه: pādrōz: باد روز، روزانه، هر روز.
"باد روز به معنی هر روزه باشد، حکیم سوزنی فرماید:
شرف تویی شرف گوهر حمیدالدین
فرهنگ جهانگیری، عقیقی.
و نیز "لشکر اسلام جامه های باد روزه را به لباس حرب بدل کردند" تاج المآثر،
به نقل از مأخذ بالا ک ۲۶-۱۲-۱/۲۲

پاسبان: pāsbān: پاسبان، نگهدار، نگهبان.
ستار: spas (AiWb. 1614) spasānō, √spas فاطر: p³sb³n
(Mir.Man. II, 63. ک ۱۲/۴ ک ۳۱/۲۲)

پاسبان-تر: pāsbān-tar: پاسبان تر، نگهدارنده تر.
ک ۱۳/۴

پاک: pāk: پاک.
گاهی بجای این واژه هزارش آن وود (Junker. 10) بکار رفته است.
سندی کهن: pāvaka- (GNPE. 62) فاطر: p³k (Mir.Man. II, 63)
ک ۱۰۷-۳۴/۲ ک ۲۰/۱۰ ک ۳/۱۲

پاکان: pākān: پاکان.
ک ۲۳/۱۰

پاکتار: pāktar: پاکتر.
ک ۴/۲۳

پاکیه: pākīh: پاکی، طهارت.
ک ۱۷-۱۴/۳ ک ۲۷-۲۲/۱۲

پاراه: pārag: باره، تکه باره، قطعه پارچه.
ک ۱۰/۱۵ ک ۴/۵

پاراه: pārag: لقمه.
ک ۱۰/۱۵ ک ۴/۵

پاهنا: pahnāy: پهنای، بجای وود (نک. همین واژه)

پایه: pāyag: همان واژه های بالا است

ک ۱/۱ ک ۵/۵ ک ۱۵/۸ ک ۱/۱۲ ک ۵/۱۶

پایه: pāyag-iš: درجه اش، مقامش.

ک ۱۵/۸

پایه: pāyagīhā: مرتبه ها، درجات.

ک ۵/۱۶

*

پایه: pad/pat: به جای ده (نک. همین)

ک ۲/۷ ک ۹۷-۷۴/۲ ک ۳۲/۱۰ ک ۲۸/۱۲ ک ۱۵/۱۶-۱۸-۲۳-۲۴ ک ۲/۱۶

ک ۱۰/۱۷ ک ۱۴-۷/۲۰

پایه: patyārag: پتیاره، ضد، دشمن.

پایه: patyāra: (Aiwb. 840) paity-āra- (مینو خرد)

ک ۲/۱۰ ک ۷/۱۲

پایه: padsār: قیاس، برابر، مطابق.

پایه: pad ēn padsār: برای قیاس، مطابق بر این.

ک ۷/۲۱

پایه: pad-iš: به جای ده (نک. همین) بدان، به آن، به او.

ک ۳/۱ ک ۳۲/۲-۷۴ و ۱۴ بار دیگر.

پایه: padišx^{var}: پیش خوری، بشقاب.

پایه: padiš (GNPE. 97) pat[i]šxur: خوردن

پایه: paitiš (از، patiy + x^{var}: خوردن، (نک. مانع)

ک ۵/۲-۶

پانزده: pānzdah:

پانزده: pāncadaśa: (Jackson. 106)

پانزده ساله: pānzdah sālag: ک ۱۲/۱۲

پان: pānag: نگهبان، محافظ.

پان: pā(y), pāra- (Aiwb. 887)?

ک ۱۲/۱۲ ک ۱۴/۲۲

پان: pānagīh: نگهبانی، نگهداری، حفاظت.

پان: pānāi- (مینو خرد). ک ۷/۱۳ ک ۹-۷/۱۵ ک ۱۴/۱۹

پایه: pāy: درازای کف پای آدمی که واحدی برای اندازه گیری هم بکار رفته.

پایه: pādā-: (Kent. 195) pādā-: ک ۱۲/۱۰ ک ۳۳/۳ ک ۷۷-۱۸/۲

پایه: pāy: (نک. واژه بالا)

ک ۸-۷-۶-۵-۲/۲۱

پایه: pāy-ē: یک پا، و ē-pāy: یک پا ک ۶/۲۱

پایه: pāyag: پایه، مقام، درجه.

ک ۵/۱۶ ک ۱۹-۱۳/۲

پایه: pāyag: پایه، درجه، مقام (نک. واژه بالا)

ک ۴۰/۱۱ ک ۱/۲۲

بالا) ک ۳۱/۲

دشمن، ضد. ک ۱۱/۲۰
 patiyārag: جای (نک. همین). پتیاره.

padixvīh: فراوانی، سرشاری.
 ک ۶/۲۲

pahikārišn مجادله، جدل کردن، بحث کردن.
 *paitikāra-: ستنج paiti. akerenaot دروندیداد ۶۰۲
 (GNPE. 80.) فاطر: phyk²r (Mir.Man. II, 64) ک ۴/۹

pahikārēd جدل کند، بحث کند.
 ka nē pad-kared. ...
 nēčasēd: اگر جدل (بحث) نکند نیاموزد. ک ۴/۹

paykōft/pahikōft: کوفت، برخورد کرده.
 ک ۱۲۲-۶۰/۲

pahikōfēd: پیکوفد، برخورد کند، تماس پیدا کند.
 ک ۱۰۰-۷۴-۵۸/۲ ک ۲۵-۱۳/۳

paymānag (۱) پیمان، آئین، روش، ترتیب.
 pratimāna : ستا پایشوند paiti + ریشه: $\sqrt{mā}$:
 (Phl. Y Vr. GL. 74) و نیز نک: $\sqrt{mā}$ اشتقاق فارسی ص ۳۶۳ زیر
 واژه. پیمودن. فاطر: pdm²n (Mir.Man. III, 59) ک ۷۸-۴۹/۲
 (۲) پیمانه، اندازه، مقدار.

ک ۴/۵ ک ۵/۱۰ ک ۲۴-۴/۱۲

paymān: پیمان، عهد، تعهد. (نک. واژه بالا)
 ک ۲۵/۱۳

paymōxt: پوشید، پوشیده (لباس پوشید) فاطر: pymwxt
 (Mir.Man. pdmwxt[n]: فاطر (Verbum. 182, 19)
 III, 59) ک ۸-۷-۶/۴
 paymōxt ēstēd: پوشیده است.
 ک ۸-۶/۴

paymōžan: پوشاک، جامه. فاطر: pymwcn
 (Mir.Man. I, 45) فاطر: pdmucn (Mir.Man. III, 59)
 patmōžan / padmōžan: (مینو خرد). ک ۳/۱۲

padvāšag/payvāšag: احتیاط (اصطلاح شرعی)؟ آلوده،
 ریم، نجس. ک ۲۳-۷/۲ ک ۷/۹

payvast: پیوست، پیوسته.

payvast ēstēd: پیوسته است. ک ۲۴-۲۲/۱۲
 paevast: (مینو خرد). فاطر: (Mir.Man. II, 64) pywst
 ک ۱۹/۱۰

payvand: پیوند، نژاد، نسل، تبار.
 (Mir.Man. I, 45) pywn فاطر: ک ۱۹/۱۰

payvandān: پیوندان، خویشان
 ک ۲/۱۷

۱۱۳۱: payvandīd: پیوست، پیوسته شد.
 ۱۱۳۲: payvandīd ēstēd: پیوسته شده است، متصل شده است، مرتب شده است. ک ۷/۱۲.

۱۱۳۳: patēt: پتیت، توبه از گناه، اعتراف به گناه.
 ستا: (AiWb. 829) paititi.

ک ۱۴/۴ ک ۲۳-۲۱-۱۷-۱۶-۱۳-۱۲-۱۰-۹-۸-۷-۵-۴/۸.

۱۱۳۴: patētīh: توبه کردن، اعتراف کردن، استغفار کردن.
 ک ۱۳-۸/۸ ک ۱۱/۲۰.

۱۱۳۵: patētīgīh: پشیمانی، استغفار از گناه، اعتراف به گناه کردن.
 ک ۱۴/۴ ک ۱۳-۱۰/۸.

۱۱۳۶: patētīgīh padīr: پذیر، توبه پذیر، کسی که به اعتراف گناهکاران و اظهار توبه آنان گوش میدهد. ستمی بوده برای برخی پیشوایان مذهبی، چنانکه امروز در کلیسا مرسوم است، این آئین امروز دیگر بین زردشتیان اعتبار ندارد و اجرا نمی شود. ک ۱۰/۸.

۱۱۳۷: padīrag: پذیره، استقبال.
 ستا: *pati+√grab (GNPE. 65) غاثر: pdyr[lyftn]
 (Mir.Ndn. II, 64.) ک ۱۵/۱۰.

۱۱۳۸: pazāvišn: پزاوش، (از بز پخت). رسیدن (برای میوه)
 "پزاختن، با اول مفتوح به معنی گذاختن آمده است. "فرهنگ جهانگیری با مرز در نواحی خرما خیز نیز پختن را برای معنی رسیدن بکار میبرند. فصل خرما پزان یعنی موقعیکه هوا مناسب برای رسیدن خرما است.
 ستا، ستا: √pač: پختن (GNPE. 64) ک ۱۲۳/۲.

۱۱۳۹: pazāmišn: بجای (نک. واژه بالا)؟
 رسیدن، رسیده شدن میوه. در مینوی خرد نیز به همین شکل و معنی آمده است.
 (مینوی خرد ک ۵۶/۱۱) ک ۱۲۳/۲.

۱۱۴۰: pazēd: پزد، بپزد. (نک. واژه های بالا)
 ستا: ma ē pazēd: نهزد. ک ۱۲/۱۵.

۱۱۴۱: padām: پدام، پنام. منظور پارچه سفیدی است که موبدان در آتشگاه جلو دهان خود می بندند و نیز پارچه ای است که با آن دهان مردگان را پوشانند.
 ستا: pati. dāna-: پندی کهن: pratidhāna- (AiWb. 830) ک ۴۰/۱۰.

۱۱۴۲: pašm: پشم.
 ستا: pašman-: پاکسمان-، ابرونی: fæsm: دیگوری: fans
 (در باره زبان آسی، دکتر ابوالقاسمی). ک ۱۹/۲-۱۰۰-۱۰۳-۱۰۹-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱

پشیمان، هندی کهن: $\sqrt{\text{prati}} + \sqrt{\text{man}}$ / ایرانی کهن: $\text{patiš} + * \text{mana}$
(GNPE. 69.) ک ۱۰/۸

پاسخ: pasax^v : پاسخ، جواب.

ستا: $\text{paiti} + \sqrt{\text{sah}}$ * paitisahva- : GNPE. 62 (پایته سا) pswx :
(Verb. 229/13.) ک ۴: pāsux (مینو خرد).
ک ۱۴-۱۲-۱۰-۲/۱۷

برید: brīd : PSKWN-t: برید، بریده.

نک: burīd

burīd ēstēd : بریده است. ک ۲/۴.

برش: bur[ri]šn : PSKWN, šn : برش، بریدن.
(نک. واژه زیر) ک ۹۵-۳۹/۲

بریدن (مصدر): burīdan : PSKWN, tn :

نوشتار غیر هژوارشی آن bur است.

ستا: $\sqrt{\text{bray-}}$ ، هندی کهن: $\sqrt{\text{bhray-}}$ (GNPE. 49) ک ۱۵/۱۰

برند: burrēnd : برند، ببرند. (نک. واژه های بالا) ک ۷/۸

بررد: burrēd : بررد، ببرد.

bē burrēd : ببرد. ک ۱۱۸-۹۲/۲

پاسو: pasuṣ-hvar : سگ گله.

ستا: pasuṣ.haurva- در بندهش بزرگ: sakiṣupān و در روایات
پهلوی: sak-i-rama (AiWb. 881) جز اول ترکیب. ستا: pasu

با pasav و š ش پایانی بازمانده یکی از حالات صرفی هشتگانه اوستا است
هم این است جزء اول چوپان (چو) و شبان (شو) و نیز نک: 1792 (Wb.)
زیر: haurva-fšav-

پاسن: pasēn : پسین، آخرین.

ستا: paskāt , pasča ، فب: pasāva , pasā ، هندی کهن:
 pacčāt , pacčā پس (GNPE. 70) ēn+ پسوند صفت نسبی
در فارسی میانه و نو

تن: tan pasēn : تن پسین. در اصل به معنی، تن آخر،
تن دیگر و اصطلاحاً "یعنی". روز رستاخیز، یا روزی که تن های مردگان از نو برپا می شود.
ک ۷/۸. ک ۶/۹

تن: tan i pasēn : تن مردگان در روز قیام، هیئت آدمیان که
در روز رستاخیز شکل میگیرد. ک ۱۴/۸ ک ۱۹/۱۰

پار: par[ri] : پر (بر پرندگان)

ستا: parəna ، هندی کهن: parnā- (AiWb. 869) par (Mir. pr. ۱۴/۹)
(Man II, 65) ک ۱۴/۹

پار: maxš par : مگس پر، پر مگس.

پار: پر (بریدن)، نک: واژه بالا

پار: šabāg/šavāg par : شب پر، خفاش. ک ۱۴/۹

پراهوم: parāhōm :

"پراهوم در مراسم عبارت است از فشردۀ گیاه هوم آمیخته با آب و شیر و فشردۀ
گیاه هذانشیتا." "پور داود، یسنا ج ۱ ص ۱۳۲.

پراهوم در مراسم مذهبی زردشتی بکار میرود
ستا: parahaoma (AiWb. 856) ک ۱۶/۱۰

فرهنگ: frahang: **فرهنگ**
 ستا: fra+√hanj- (Phl. Y. Vr. Gl. 76) ایرانی کهن: √hanj-
 (GNPE. 14.)

در فارسی واژه های، آهنگ، آهنگیدن، آهیختن، پرهیختن و پرهیخته، فرهخته و. از همین ریشه است. ک ۳/۸ ک ۲۹/۱۲

فرای: frāy: **زیاد، بسیار**

ستا: frāyah-: **هندی کهن** (AiWb. 1018) prāyah
 فاطر: fr²y (Mir.Man. II, 65) زیور پهلوی: pl²y
 (PS. 57) ک ۱۵-۷/۱۲

فرآگام: frāgam: **نام یکی از تاهای برسم است که در مراسم و آیین-های مذهبی بر روی "ماهرو" قرار میدهند. در آیین برگزاری یسنا ۲۳ تایی برسم بکار میرود که دو تایی از آنها فرآگام نام دارد که اصطلاحاً "آنها را frāgam tāy" میگویند که یکی از آنها بر پایه ماهرو قرار میگیرد و دیگری تایی است که با آن زور با جوام را بکار میبرند و این تایی را جوام تایی یا زورتای مینامند. برای آگاهی بیشتر نک: Kotwāl p. 103 N. 23b. و زند اوستای دارمستترج ۱ ص. LXXIV و نیز نک: مزدیسنا و ادب فارسی، دکتر معین ص ۴۰۲ به بعد نوشتار واژه، برگردان اوستایی: frakam می باشد. ک ۱۵/۱۲**

فرارون: frārōn: **نیک، نیکو، راست، درست، خوب. (سنج فارسی: وارون و وارونه)**

فرارون کونیسنان: frārōn kunišnān: **نیکوکاران. مقدمه کتاب.**
 فرارون مینیسن: frārōn mēnišn: **نیک اندیش، درست اندیش.**

ک ۱/۶

فرارونیه: frārōnih: **نیک، خوبی، راستی، درستی.**

ک ۲۴/۱۰

فراروخ: farrōx/farrax^v: **فرخ، فرخنده، مبارک.**

ستا: x^varənah- (AiWb. 1870) فاطر (سنج): (Mir. prwxyh)
 (Man. II, 65) فروخ: frōx

فراروخ باوآد: farrax^vbavād: **فرخ باد، مبارک باد.**
 ک ۴-۳-۱/۲۱

فرایست: frāyist: **بیشترین، فراوان ترین، بسیار.**

ستا: fraēšta (AiWb. 974) نک: **فراس**
 ک ۲۳-۱/۱۲

فرادا: fradāg: **شکل هزارشی آن کس است.**
 (Junker. 30) ک ۷۲/۲

فرادوم: fradum: **نخست، نخستین.**

ستا: fratəma: (AiWb. 981) فاطر: prtwm (Mir. Man. I, 45)
 فرادوم: fradum: **(مینو خرد) ک ۴/۳ ک ۱۶/۱۰ ک ۱۹-۱۳-۷/۱۲ ک ۵/۱۷**

فرآمیسن: frajāmišn: **پایان یافتن، انتها**
 ک ۲۱/۲۲

فرآمیگ: frajāmig: **فرجامی، قاطع.**

فرآمیگتار: frajāmigtar: **قاطع تر.**
 ک ۴/۱۲

فرآمینید: frajāmēnid: **پایان یافت، به انجام رسید. (ماضی جمعی)**

فرآمینید هم: frajāmēnid hēm: **پایان بردم، پایان دادم.**

فرسنگ : frasang : فرسخ .

(*Verbum*. 191/1)prz³ft: پایان یافت. فاطر: frajaft: ۴۷۷۷

ک ۴۰/۱۰ ک ۳۱/۱۵ ک ۱۵/۱۲ ک ۵/۲۳

prastišn: پرستش، پرستیدن.

ست pairi+√stā: در رابطه با آن، ارمی:

ambarišt , amparišt بی دین ، بی ایمان ، بنا به قول فردریش مولر

در WZKM. ۱۸۶/۵ (GNPE. 66-67) و نیز نک: اساس اشتقاق فارسی

فریادار: frayadar: فریادرس، یاور، کمک.

پرستو: prastīg: پرندہ معروف .

بنا بر نوشته شایست نه شایست از پرندگانی است که باید از کشتن آنها پرهیز کرد.

این پرنده در ردیف سار و همای و خروس قرار دارد. ک ۹/۱۰

(هر دوازده نامه مینو خرد). ک ۲۵/۲۲.

نقد و بررسی: frasast: فرست، قرص های نان مقدسی است که در "درون ها" و

۳۱۵۷: vizārd: PRŠWN, t: گزارد، بجا آورد.

دیگر آئین‌های مذهبی از آنها استفاده می‌شود، بنابراین نوشته روایات فارسی فرست دو

ويزارد است: vizard estād: بجای آورده است.

نوع است :

نہ ویزارد است: ne vizārd estād: بجا نیاورده است.

۱- فرستاده، که اندازه آن برابر سی و یک درم است.

نگارنده است (در مورد کفاره، کفاره را داد، یا بجا آورد) شکل غیر هژوارشی آن
است. (نک: مسلم) ک ۲۸/۱۵

۳- فرستگاه، که اندازه آن هفت درم می باشد.

۱۵۸۱ است. (نگ: ۹۱ مسلم) . ک ۲۸/۱۵

برای آگاهی بیشتر نک :

۱۳۴۱ هـ: vizardan: PRŠWN, tn: گزاردن، بجا آوردن، عمل کردن.

الف: روایات فارسی، داراب هرمز دیار جلد ۱ ص ۱۵۶.

13/AS

Kotvař. ŠnŠ. p. 284.

2. (

Haug, *ESSAYS*. p. 396.

— 44 —

West, SBE. V. V. p. 284.

: 2

• ۳/۱۴۵

۱۳۹) par[r]akān/pal[l]akān: پلان، پله، نردبان؟

٦٥٨ : parakān (ص ١٦٤ SnS) پروفیسور بیلی : parakān :

دیوار، فارسی: بارگین، نک: (Bailey. Oper. p. 23
(Mir.Man. II, 64.) ک ۱۸/۲-۲۲

فرمان: framān: نام کوچکترین طبقه از گناهان است و نیز مقدار کفارهای
است که به آن تعلق میگیرد و بنا بر نوشته شایست نه شایست برابر با ۴ استراست.
(هر استر = ۴ درم سنگ) و آنرا گناه سرپیچی از فرمان و تخلف از فرمان (دستور، امر)
دانسته اند

گوتوال نوشته: "شاید شکل اختصاری: framān spōxtān :
سرپیچی از فرمان باشد که بمعنی کوتاهی در انجام عهدهی در شرایطی خاص تفسیر
شده است (رک: West. SBE. p. 239, 2 و مقدمه Tavadia, ŠnŠ
ص ۱۳) و تنها این گناه است که در اوستای بادی از آن نشده است"
(نک: Kotwal. p. 96. N. 1 ک ۱/۱-۲ ک ۵۱/۲ ک ۲۷/۳-۲۸
ک ۱۰/۴ ک ۲-۱/۱۱ ک ۱/۱۶
فرمان-ه: framān-ē: یک فرمان (گناه) ک ۲۸-۲۷/۳

فرمان: framān: فرمان، دستور، امر.
ایرانی کهن: framāna / ارمنی: hrāman (GNPE. 182) فاطر: prm³n
(Mir.Man. II, 66.) ک ۶/۵

فرمان بردار: framān burdār: فرمانبردار.

فرمان برداری: framān burdārīh: فرمانبرداری، اطاعت. ک ۸/۱۷

فرماید: framāyēd: فرماید.
ستار: fra+√mā- (GNPE. 182) فاطر: prm³y پهلوی کتیبه ای:
framāet: پ plm³t (از واژه نامه میتو خرد) ک ۶/۸

فرمایند: framāyēnd: دستور دهند. ک ۱/۸

فرمایش: framāyišn: فرمایش، دستور دادن، فرمان دادن.
فاطر: prm³yšn (Mir.Man. II, 66) ک ۱۵/۱۰

فرمود: framūd: (نک: واژه های بالا)
ک ۱۰/۸ ک ۱۹/۱۲

فرمودن: framūdan: دستور دادن، فرمان دادن.
ک ۳۰/۱۲

فرهنگ: fravahr: فروهر، فرور، فروشی، روح نخستین، مثال موجودات در عالم
مینوی. فرهنگ فره وشی.

ستا: fravahr/fravši: ... (AiWb. 992) درباره فرور، نک:
پتگرت مدن ص ۲۴۱ که شرح کامل آن آمده است و نیز: Bailey.
Zoroastrian Problems in The IX Century.
p. 98-101 ک ۱۲-۱۱/۹ ک ۴/۱۳

فرانمیدن: franāmišn: رها کردن، دست کشیدن، ول کردن.
صدر آن: Leave off, to pass over=franāmidan
(Tavadia. ŠnŠ. 161) ستا: frav-: شنا کردن، پرواز کردن،
هندی کهن: plāvayati (AiWb. 990) ک ۲۷/۱۰

راهنا: parvānag: راهنما رهبر.
فاطر: prw³ng (Mir.Man. II, 65) ک ۱۸/۲۲

فرنبغ: farnbay/farnbag: نام یکی از سه (یا پنج) آتش بزرگ

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۳ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۲ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۲ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۲ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۲ واژه نامه شایسته نشایسته

۱۳۲ واژه نامه شایسته نشایسته

پارند: parand: "پزند" بافته ابریشمی و حریر ساده را گویند "برهان".

ک ۱/۴-۴

پاروند: parvand: (کستی؟) تاوادی این واژه را: parand: پزند (مترادف برنیا به معنی پارچه حریر و اطلس) خوانده است. نک. همو، شایست نه شایست ص ۸۴. در گویش مردم جهرم پزند به ریشمانی گویند که از الیاف پنبه ساقه های خرما (پریچه) تابند. (پریچه، بر وزن دریچه، لیف خرما را گویند و از آن ریشمان تابند. برهان، چاپ معین) و از این ریشمان که چونان حلقه ای به دور تنه درخت می اندازند برای بالا رفتن از درخت خرما استفاده می کنند. ک ۱/۴

پارنیگان: parnigān: "برنیا حریر و دیبای چینی منقش در نهایت لطافت و نراکت را گویند. "برهان. طائر: prngʔn صریح: پرنگان (هر دو از واژه نامه مینو خرد ص ۱۰۵ برای ماء خذ نک: همانجا) ک ۴/۴

پاردازد: pardazād: بماند، باشد، بازماند (نک: واژه پائین تر) ک ۴/۱۱

پارزدوانیگ: frēzvānīg: خوب، شایسته، مقبول. ک ۳۰/۱۲

پاردازد: pardazēd: "پزند" بردازد، اقدام کند. مصدر آن برداختن: کوشش کردن، توجه کردن، اقدام کردن (فرهنگها) ست: *para+√tač- QNPE. 66 و نیز نک: اساس اشتقاق فارسی ص (۳۶۱) سنج. پا: frīž (مینو خرد).
پاردازد: ma ē pardazēd: نبردازد، اقدام نکند. ک ۱۰/۱۵

پاردازد: pardazēd: بماند، باقی بماند، اضافه آید.

این واژه را پرفسور وست همینطور خوانده، اما تاوادی آنرا غلط دانسته و خود آنرا: perēcēt خوانده است. (نک: Tavadia. ŠnŠ. p. 77) نک: واژه بالا. ک ۱۲/۳-۳

پاردازند: pardazēnd: بردازند، توجه کنند. (نک: واژه پائین تر) ک ۲۴/۱۲

فریدون: frēdōn: پادشاه پیشدادی فرزند آتین.

ستا: āθwya به زنجیر کشنده ضحاک، که در اساطیر ایرانی و تاریخ های کهن و شاهنامه از او به تفضیل یاد شده است
ستا: θraētaona: هندی کهن: -traitānā (AiWb. 799) پاتر، (Kotwal. 143.) frydwn ک ۱۸/۲۰

فریگ: frēg: شانه، کتف؟

این واژه را پرفسور وست: parīk=skirt خوانده و تاوادی: parīk=hips (نک: West SBE. V p.287 و Tavadia, ŠnŠ. p. 86) ک ۷-۵/۴

پاریگان: parīgān: پریان، پری ها: parīg = پری.

پاریکای: pairīkāi (AiWb. 964) طائر: pryg (Kotwal. 162) ک ۱۲/۱۲

فرگارد: fragard: فرگردد، فصل، بخش (نام بخش های وندیداد) (Kotwal. 141) frakərətī- ک ۱۲-۱/۲ ک ۹/۹ ک ۱۹-۷/۱۳

پاریناگ: parēnaq: پیروزه، فیروزه (سنگ زینتی معروف)

پیلیناک: pēlēnak و به معنی عاجی و چیزهای ساخته شده از عاج

خواننده که درست نیست. نک: *SBB. V. p. 275* ک ۱۶/۲ *

۴۹۶ پنبه گین، پنبه ای، چیزی که با پنبه بافته شده باشد. *pambagēn:* ک ۴/۲ *

۵۷۱ فرآز، بعد، پس. *frāz:*

ست: *fra-/frā-* *(Aiwb. 974)*

ک ۱۰-۸/۸، ۲۱-۱۵-۱۲/۳

۶۱۱ و ۱۱۱۱۱۱۱۱ *az nūn frāz:* از حالا به بعد، از این پس. ک ۸/۸

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ فرآز، فرا، بر سر فعل آمد و فعل مرکب سازد (نک. واژه بالا).

ک ۱۰۹-۸۵-۷۹-۵۸-۴۵/۲، ک ۲۴/۳، ک ۱۲/۴، ک ۹-۱/۸، ک ۸/۹، ک ۱۰/۱۰

ک ۲۵-۱۹-۱۳، ک ۲۹-۱۹-۲/۱۲، ک ۱۹-۱۵/۱۳، ک ۲/۱۹

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz ravēd:* فرآز رود، برود.

ک ۲/۴، ک ۱۹/۱۰، ک ۱۹/۱۳

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz burd:* فرآز برد، بُرد، پیش برد. ک ۲۹/۱۲

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz barišn:* فرآز بردن، پیش بردن.

ک ۲۴/۳، ک ۱۵/۱۳

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz guft:* برخواند، از حفظ خواند

ک ۱۲/۴، ک ۱۹/۱۰، ک ۱۹/۱۳

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz rasišnīh:* بپایان رسیدن، تمام شدن.

ک ۸/۹

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz vaxšēd:* بروید. ک ۲/۱۲

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *az ān frāz kunēd:* از آن پس بکنید. ک ۱/۸

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ *frāz šavēd:* بروید، اقدام کند. ک ۲/۹

و سایر ترکیبات که جاهای آنها در بالا آمد

۱۱۲۱۱۱ *pāzūn:* بازون، بنا بر روایت بهمن پونجیه، بازون نام نسک ششم اوستای کهن بوده است. نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۳ و نیز *Tavardia. ŠnŠ. p. 119* ک ۹/۹

۱۱۲۱۱۱ *puxtag:* پخته.

۱۱۲۱۱۱ *pač:* L. *(GNPE. 64)* ک ۴۸/۲

۱۱۲۱۱۱ (۱) *puhl:* پل (پل صراط)

ست: *(Aiwb. 897) pāšav/pārətu*

ک ۲۰/۲، ک ۲/۱۲، ک ۴۱/۱۳، ک ۱۴/۱۹

(۲) پل (پل صراط، چیتورپل، چیتودپل) ک ۳۱/۱۲، ک ۲۹/۱۳

۱۱۲۱۱۱ *puhl ī ravān:* پل روان. در اصطلاح زردشتیان فرزند

است که از انسان اگر باقی بماند، در آن جهان چون پلی برای پدر خواهد بود، این

آگیدی است بر ازدواج و فرزند داشتن. ک ۲/۱۲

۱۱۲۱۱۱ *pūdag:* پوده، پوسیده، فاسد شده.

ست: *pūtay-* از *pu/pav* *(Aiwb. 909) pātay:* هندی کهن

ک ۹۲/۲

۱۱۲۱۱۱ *panj:* پنج.

ست: *panča-* *(Mir. pnz: (Jakson 106) pānca:* فاطر

(Mir. Man. III, 60) pnj: پاتر *Man. II, 165)*

۱۱۲۱۱۱ *panj ēvak:* پنج یک یک پنجم. ک ۴/۱۶

۱۱۲۱۱۱ *panjaq:* پنجه (پنجه یا) نک. واژه بالا ک ۲/۲۱

۱۳ و پوز: pōzag: پوز، دهان حیوانات و بویژه حیوانات اهریمنی. ک ۴/۲.

۱۴ و پنجم: panzūdag: یک پنجم، یک پنج.
بجای ۱۵ و که شکل اوستایی آن به پهلوی نوشته شده. ک ۲۶/۱۰.

۱۵ و پنجم: panjum: یک پنجم. نک: ۱۵
ک ۱۲/۲. ک ۱۷-۱۶-۱۴/۳. ک ۹/۹. ک ۲۹-۱۹/۱۳.

۱۶ و فرزند: frazand: فرزند.
ستا: frazainti- (Aiwb. 1004) فتر: przynd (Mir.
Man. II, 65) زبور پهلوی: plondy (PB. 58) پا: farzañd
(مینو خرد). ک ۱۵-۱۴/۱۲. ک ۱۹/۲۲.
۱۷ و فرزند چکر: frazand i čikar: فرزند شوهر اول زنی که
شوهر دیگر کرده. برای آگاهی نک: ۱۷ و (ک ۱۴/۱۲).

۱۸ و بجای واژه بالا ک ۲۲/۱۰.
۱۹ و فرزند زایی: frazand zāyišnih: فرزند زایی، بچه آوردن.
ک ۲۲/۱۰. ک ۱۵/۱۲.

۲۰ و پس: pus: پس، پسر.
ستا: puθra- (GNPE. 70-71) فتر: putrá- (GNPE. 70-71) فتر: pws, pwhr (Mir.
Man. III, 61) پتر: (Mir. Man. II, 64)
به فارسی نواز دو شکل اخیر. پور و پس (پسر) رسیده است. ک ۱۴/۱۲.

۲۱ و پسری: pusih: پسری، فرزندی. (نک. واژه بالا) ک ۱۴/۱۲.

۲۲ و پوست: pōst: پوست.

ستا: pasta در fraθanham (Aiwb. 904) فتر: pwst
(Mir. Man. II, 64) ک ۲۵-۲۶-۱۲۰. ک ۴/۴. ک ۲۰/۱۰.

۲۳ و پوستین: pōstēn: پوستین. (صفت نسبی از: pōst نک. واژه بالا)
جامه ای که از پوست حیوانات درست شده. ک ۹۸/۲. ک ۴/۴.

۲۴ و (۱) pušt: پشت، پشتیبان، پناه.

برای معانی گوناگون این واژه نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۳۸۸
ستا: -pašti- paštāy: (Aiwb. 878) فتر: pwst- ک
معادل و مترادف و با "پناه" بکار رفته است.
ک ۲۳-۱۵-۸/۲۲.

(۲) -pušt: پشت [قربانی] "تنوره" بدن حیوانات چاربا که مقابل شکم است
ناظم الاطباء ک ۴/۱۱.

۲۵ و پر: pur: پر، ملو.

ستا: parəna- (Aiwb. 894)
اما، گایگر. ستا: -puru- par: فتر: par: هندی کهن: -purū- (نک: ک
اساس اشتقاق فارسی ص ۲۵۸) پا: purr: (مینو خرد). ک ۲۴/۱۰. ک ۱۸/۲۰.

۲۶ و فولادین: pōlāpdēn: فولادین.

فتر: pōlāftīn: (GNPE. 75) و نیز نک: اساس
اشتقاق فارسی ص ۴۱۳. ک ۱۱۴/۲. ک ۲۸/۱۰.

۲۷ و پری، زیادی، فراوانی: purīhi: (نک: ۱۷ و) ک ۶/۲۲.

۲۸ و از صمیم دل، با تمام وجود: purgyāndādīhā:
(Tavadiā. ŠnŠ. p. 114.) ک ۲۳/۸.

پوروتکیش: pōryōtkēš: پوروتکیش، منظور نخستین دینداران و قانون
گزاران و آموزگاران دین است.

ستا: (AiWb. 877) paoiryō-tkaēša-

جزء اول یعنی: نخستین، اولین و جزء دوم یعنی: کیش، دین.

نک: M.F. Kanga. Cit. Handara ī porōtkēšān
ص ۱۰۶ ک ۷/۶.

پوروتکیشان: pōryōtkēšān: پوروتکیشان، پیروان نخستین آموزگاران و
خردمندان، "نخستین پیروان زردشت" پورداود یسا ج ۱ ص ۶۷.
ک ۴/۱ ک ۳/۱۰ ک ۱۲/۱-۱۳-۱۹ ک ۲/۱۳.

پوروتکیشی: pōryōtkēših: پوروتکیشی، زردشتی، بهدینی.
(پیروی از سنت کهن دینی) (نک. واژه های بالا) ک ۲/۱.

دهان: dahān: PWMH: دهان.

ستا: (GNPB. 131)? zafar- zafan-

در وندیداد ۳ بند ۱۴ بجای دهان: hizumat (از: hizu- = زبان و ma
پسوند اسم ساز برای مکان) یعنی جایگاه زبان بکار رفته است. نک. (PhL.V.
ed. by Dastoor Hoshang p. 64. ک ۲۰/۱۰ ک ۲۱/۱۲.

پاد: pad: PWN: به (حرف اضافه) ک ۲/۱-۳ و حدود ۲۵۰ بار دیگر
افزون بر آن در معانی دیگری هم بکار رفته است.
(۱) با، بوسیله. ک ۷۰-۶۵/۲ ک ۲۴/۳.

(۲) بصورت، به شکل. ک ۱۷/۲.

(۳) بهنگام، در وقت. ک ۵/۱۰.

(۴) مگر، لیک. ک ۲۱/۳ ک ۶/۵ ک ۲۳/۸ ک ۱۹/۱۰.

پاد-یز: pad-iz: به آنچه، در آنچه. ک ۸۱-۸۲/۲ ک ۲/۳ ک ۲۹/۱۴.

پاد چار و تان: pad čar ud tawān: با وسیله یا زور. ک ۲/۲
پاد تان-ه: pad tan-ē: تنها، به تنهایی ک ۶۳/۲ ک ۳/۳ ک ۷/۲
پاد گیاگ: pad gyāg: فوراً، درجا. ک ۱۰۶-۷۶/۲ ک ۴/۳ ک ۶-۵ ک ۶/۸.

پاد ابار: pad abar: دو حرف اضافه بدنیاال هم = جز با، جز در، یا
بوسیله. ک ۷/۱۲.

پاد او داریند: pad ōy dārēnd: اهمیت دهند، در نظر گیرند
پاد ان چیم: pad ēn čim: بدین سبب، از اینرو.
ک ۲۲/۱۰ ک ۱۲/۱۳-۱۲.

پرسید: pursīd: پرسید.

پراس-: pras-: هندی کهن: -prac (GNPB. 67) فب: -fraθ
(Kent. 198) فابر: pwsydn (Mir. Man. II, 64)
پا: pursit (مینو خرد). ک ۲۹/۱۲ ک ۱۱-۱۲-۱۳.

پرسیدار: pursīdār: پرسیدار، جویا، پرستنده. ک ۲۳/۱۲.

پرسیش: pursišn: پرسش، سوال کردن. ک ۹/۱۷.

فروردیگان: fravardīgān: فروردیگان، منظور ده روز آخر سال ایرانی است
که پنجگانه در آن قرار دارد و برای شادی روح نیاکان در این ایام جشن هایی بر پا
شده و خیرات داده و بخور در دخمه میگردانند. نک: ک ۳۱/۱۲.

پنیر: panīr: پنیر.

پاومان: paēman: شیر (AiWb. -17) ارمنی: bānīr: پا
دکتر نوایی، درخت آسوریک ص ۱۲۷ ک ۱۲۴/۲ ک ۲/۱۷.

۱۴۱ و frazand: فرزند. نک: ساکو. ک ۱۹/۱۰-۲۱.

۱۴۲ و pēčīd: پیچید، پیچیده، بافته.
۱۴۳ و pēčīd ēstēd: پیچیده است، بافته است.

ک ۱۰۰/۲

۱۴۴ و paydāg/pēdāg: پیدا، آشکار.

ایرانی کهن: *patyāka- پندی کهن: *pratuāka- pratyāñč- (Mir. Man. II, 64.) pyd'g (GNPE. 78.)

پهلوی کتیبه‌ای: p'ty'k- کتیبه حاجی آباد. پا: pādā (مینو خرد).

ک ۱/۱ ک ۱/۲-۵۵-۵۶-۹۷-۱۱۷-۱۱۸ و ۲۵ بار دیگر.

۱۴۵ و paydāgīhēd: روشن شود، پیدا شود، آشکار شود. ک ۵/۱۴.

۱۴۶ و paydāgēnīd: معین شد، مشخص شد.

۱۴۷ و paydāgēnīd ēstēd: معین شده است.

معین بوده است. ک ۱۰/۸

۱۴۸ و pētrēt: آلودگی غیر مستقیم، نجس شدن با وسیله.

ستا: (AīWb. 834) paiti.raēθwa ک ۵۹/۲-۶۰-۶۱.

۱۴۹ و pēs: پیش، قبل. ستا: paitiś پندی کهن: patiś

(GNPE. 79) patiś: غیب (Kent. 195) pyš: (Mir. Man. II, 65) هزارش آن: ۱۴۲

(Junker, 21) L'yn: است. ک ۱۰/۲ ک ۲۲/۱۰ ک ۲۱/۱۲ ک ۵-۱/۱۳ ک ۳/۱۴ ک ۱۴/۱۷

ک ۹-۲/۱۹

۱۵۰ و pēs rasēd: پیش رسد، زود (تراز موقع) رسد.

ک ۹/۱۹

۱۵۱ و pēš ud pas: جلو و عقب، بدون رعایت نظم، درهم-برهم. ک ۳/۱۴.

۱۵۲ و pēšag: پیشه، شغل. طبقه اجتماعی (دراپران ساسانی اجتماع به ۴ طبقه تقسیم میشد) ستا. از: (GNPE. 80) pištra ک ۱۳/۹-۱۵-۳۴.

۱۵۳ و pēxak: پیخک. چوب یا نی که ۹ گره دارد و بر نوک آن قاشقی از فلز (که معمولاً از نقره است) بسته شده است و آنرا در آتشین غسل و طهارت و پاک سازی افرادی که باید برش نوم درباره آنها اجرا شود بکار می برند و با آن وسیله پاد یاب یا نیرنگ از ظرف اصلی (پاد یاب دان) بر میدارند. این وسیله برای آنست که موبد یا پیشوای مذهبی که عهده دار اجرای آتشین برش نوم است ناچار به نزدیک شدن به شخص برش نوم شونده نگردد.

این واژه را گپادیا pēšak خوانده (لکن همین معانی بالا را داده است) (نک. Phl. V Glos. 464) این مطلب را عیناً در وندیداد پهلوی ۹ بند ۱۴ می توان دید با این تفاوت که توضیح داده قاشق سرچوب از سرب یا آهن است.

ستا: -pixa در: nava-pixa: ۹ گره (AīWb. 1045)

ک ۶۵/۲-۶۶-۶۸-۷۰-۷۱-۱۰۵ ک ۲۴/۳ ک ۱۰/۱۰ ک ۲۷/۱۲.
۱۵۴ و pēxak šnās: پیخک شناس، اصطلاحاً "به کسی که با مراسم و آتشین پیخک (برش نوم) آشنا شده و یا به سن شرعی رسیده که بشود آتشین برش نوم را در بارهاش اجرا کرد اطلاق می شود. ک ۱۰۵/۲

۱۵۵ و pēšēnkār: بول، شاش. واژه به شکل وندیداد هم آمده است. (نک: فرهنگ پهلوی، فره وشی) ک ۹/۳

۱۵۶ و pēšōtan: (گوتوال: pēšyōtan) پشوتن، نام خاص و چنانکه

در کتاب آمده: *pēšōtan ī rām ērbad*: پشوتن رام هیرباد (= پشوتن پسر رام هیرباد) کاتب و نویسنده کتاب است یا با اطمینان می توان گفت که کاتب یا نویسنده بخش ۲۱ کتاب است. وی یکی از هیربدان بزرگ زردشتی بود که در قرن چهاردهم میلادی در نو ساری می زیست و تدریس علوم دینی را در نو ساری، سورت به عهده داشت و چنانکه خود نیز نوشته لقب استاد داشته است. ک ۲۱/ پایان نوشت.

pērōz: پیروز.

ست: *pairi. aojastara* از: *aojah* (Aiwb. 862) فاتر: *pyrwz* (Mir. Man. II, 64) پهلوی کتیبه ای: *PYLwzy* ک ۳۰/۲۲.

pērōzgar: پیروزگر. (نک. واژه بالا) ک ۲۰/۲۲.

pērōzgartar: پیروزگرتار. ک ۱۴-۶/۱۹ ک ۲/۲۳.

pērōzgartum: پیروزگرتن. ک ۱۹/۱۲.

pēm: شیر. (هری بلین، آنچه از گاو و گوسفند دوشند) ست: *paēman* (Aiwb. 817) ک ۱۲۴/۲ ک ۱۸/۱۰ *pēm ī gāw*: شیر گاو. ک ۱۸/۱۰.

*

۳: *t*: ت، ترا، بتو (ضمیر متصل، دوم شخص مفرد، حالت مفعولی) ک ۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۱-۱۹-۱۸-۱۶-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۷-۶-۵-۴-۳-۲/۲۲.

۵: *tāzānag*: تازانه، اشتر، شلاق. اسم است، از بن مضارع: *tāč* در فارسی میانه (ماضی آن: *tāxt*) ست: *tak* ✓ تاختن، جاری شدن (ابوالقاسمی، زبان آسی ص ۸۵) برای این واژه نک: اساس اشتقاق فارسی ص ۴۵۲. ک ۲۸/۱۰.

tāvān: تاوان، جریمه، غرامت. ک ۲/۱.

tābišnīg: تابان، درخشان. از ست: *tap* ✓ *tāpayeiti*، *tāpti*، *tap* ✓: تپیدن، تپیدن (GNPE. 83). ست: *tāftan* (GNPE. 83).

tābišnīgtar: تابان تر. ک ۲/۲۳.

tāxt: تخت (نخست خواب) ک ۱۳/۲.

تاشیق: tāštīg: محقق، قطعی، روشن، دقیق.

برای این واژه نک: Beilley, BSOS. VII, 1934, p. 280.

و نیز DKM. 127, 9-11, 274, 19-20. (هر دو مأخذ از کوتوال)

ک ۲۴/۱۲

تاشیدن: tāšīšn: تراشیدن، [پوست] کندن.

ستا: tāša: تیشه و تراشیدن، هندی کهن: takš (AiWb. 645)

ک ۲۰/۱۰ ک ۱۳/۱۲

تاغ: tāg: شاخه درخت، شاخه، هر شاخه برسم

تاغیزاغ-ه: tāgizag-ē: شاخه کوچکی. ک ۲۷/۱۵

تاریک: tārik: تاریک.

ستا از: tāθra-: هندی کهن: tamisra- تاریک. (AiWb. 650)

فائر: t'ryg: (Mir. Man. II, 68) تاریک (مینو خرد).

ک ۸/۹

تاریکی: tārikīh: تاریکی (نک: واژه بالا) ک ۷/۱۲

تآوارت: tāvart: نوشتار پهلوی خلاصه شده به واژه اوستایی. tā.wə.urvāta

است که یسنا ۳۱ با آنها آغاز می شود این های یسنا از بلندترین سرودهای گاهانی

است و دارای ۲۲ بند است و اصطلاحاً "تاورت نامیده شده. ک ۶/۱۳

تآوارت هات: tāvart hāt: های تاورت (یسنا، ها ۳۰) نک: واژه بالا

ک ۶/۱۳

تای: tāy: (واحد هر چیز) ت ک ۱۰۲/۲

تهی: t[uh]īg: تهیگی، اصطلاحاً "یعنی خالی شدن و جاری شدن خون حیض و عادت ماهانه زنان. (نک: ۱۳/۱۳)

تهی رای: t[uh]īg rāy: برای تخلیه کامل. برای تهی سازی. ک ۱۴/۳

شکست: škast: TBLWM, d: زخم برداشتن، شکستن، فاسد شدن، تباهی یافت.

جان مردمان برآمد، انسانها بدرود زندگی گفتند. مردمان مردند. ک ۵/۱۲

شکانهد: škanēd: TBLWN, yt: زخم برداشتن، شکستن، خرد شود.

ما ه شکانهد: ma ē škanēd: نشکند. ک ۲۶/۱۵

شکست: škast: TBLWN, t: زخم برداشتن، شکستن.

(نک: واژه های بالا) نوشتار غیره زواری آن شکسته است (نک: همین)

به شکسته است. k ۴/۱۸

کاه: kāh: TBN^۲: زخم برداشتن، شکستن. ک ۱۱۹/۲ ک ۱۰/۱۵

*

تاباه: tabāh: تباه، فاسد، خراب.

تآوار: tāp: √tup یا √tuph, tubh, tubh: آسیب، آسیب بردن.

تآواه: tāwāh: (PhL. Y Vr. GL. 93) آسیب (مینو خرد). ک ۱۸/۱۰

*

تآداه: tadag: تافته، تافته، "تده به فتح اول و ثانی به معنی تنیده باشد که از نیشدن مشتق است" برهان.

تانی: *tan: هندی کهن: tanōti, کشیدن، توسعه یافتن، گستردن (عاشق برهان). ک ۹۲/۲

*

۳ دره و هز: (دریونگر ۳ و هز): 9, nōh: TŠ²: ۹, نه.
ستا: nava- از: *na + vā: هندی کهن: (Aiwb. 1043) nāvā
ک ۲/۲۴-۵۰ ک ۳/۱۴-۱۸

۳ ۶۴۳۳۳: tasum: تسوم، چهارم
نبد: *čass: ستا: *čaθrama "سعدی: catfārum = čtβ²rm
ختنی: "tcūrama (درباره زبان آسی). فاطر: (Mir. Man. tswm:
II. 69) و طسوج عربی ظاهرا "از همین واژه است. (چتور فارسی ما خود از
ارمنی = ۱ نیز همین است) ک ۹/۹. ک ۱۹/۱۳

۳ ۶۴۳۳۳: tar: تر، پسوند و نشانه صفت تفضیلی است و به شکل چسبیده به صفت مطلق
آمده است. ک ۲۳/۸. ک ۵/۱۰-۱۱-۱۳-۲۸-۳۳-۴۰ و بیش از ۳۰ مرتبه دیگر.

۳ ۶۴۳۳۳: trāzūg: ترازو (= برج میزان)
پاتر: (Kotwal. 173) t²zwg ک ۲/۲۱

۳ ۶۴۳۳۳: si:TLT²: هز: سه.
نوشتار غیر هزوارشی آن دو یا سه است.
ستا: θritya: ل: trtliya- (Jackson, 108) فاطر: sh
(Mir. Man. II, 62) پ: sā: (مینو خرد). ک ۵/۲-۱۸-۷۷-۹۸
۱۱۳ ک ۳/۳-۳۳ ک ۲/۴ ک ۲/۵ ک ۱۸/۸ ک ۱/۱۰-۴-۲۴-۲۵

۳ ۶۴۳۳۳: tarsāg: ترسا، مسیحی "ترسا: ترسنده و بیم برنده و واهمه کننده
[از خداوند] را گویند "برهان. ک ۷/۶

۳ ۶۴۳۳۳: tarsāgāhīhā: برهیز گارانه، از روی برهیز گاری.
ک ۱/۲۰

۳ ۶۴۳۳۳: tarsgāy: بجای ۳ ۶۴۳۳۳: tarsāgāh: ترس آگاه،
برهیز گار. ک ۲۰/۱۲

۳ ۶۴۳۳۳: tarmēnišnīh: ترمنشی، بدمنشی، جسارت گستاخی.
tarmēnišn: بدمنش، جسور، گستاخ.
ستا: (Aiwb. 641) tarē-matay ک ۲۸/۳. ک ۱۰/۱۷

۳ ۶۴۳۳۳: taranak: توله سگ (تا و ادپا): tarunak: سگ شکاری و درپانویس:
توله سگ. نک: (Tavadia. ŠnŠ. p. 31)
ستا: tauruna- جوان، بچه، هندی کهن: táruna- سگ جوان
(توله سگ) پهلوی: taranak: (Aiwb. 643) ک ۲/۲

۳ ۶۴۳۳۳: tarun: تر، تازه، (جوان، نورس)
اصولری این واژه نیز عینا "همان است که دروازه بالا آمده (نک: GNPE. 85
ک ۱۱۸-۲۷-۲۵/۲

۳ ۶۴۳۳۳: dō: TLYN: دو: شکل غیر هزوارشی آن سه است.
ستا: dva-: ل: dvā- (Jackson, 106) ک ۶/۲-۸-۳۲-۸۵. ک ۲/۳
*

۳ ۶۴۳۳۳: anō / anōh: TMH: هز: آنجا
فاطر: ²nwh (Mir. Man. I, 43) پ: ānō: (مینو خرد).
ک ۵۸/۲-۷۲-۹۰. ک ۱۲/۹. ک ۱۲/۱۲. ک ۱/۲۰. ک ۸/۲۱

۳ ۶۴۳۳۳: tanāpuhr: تناپوهر، تنافور. نام آخرین طبقه از طبقات هفتگانه گناهان
است که در این کتاب آمده و کفاره ای معادل سیصد استر (هر استر ۴ درم سگ) دارد
"نام گناهی است که مانع عبور از پل جینوت می شود و کفاره آن ۳۰۰ سکه چهار درهمی
است یا ۲۰۰ تازیانه، گناه نابخشودنی "فرهنگ پهلوی، فره وشی.

ک ۲-۱/۱، ک ۲/۲-۴۰-۵۰-۵۱ و ۲۶ بار دیگر.
۳۱۳۷۱۳۸۱۳۹: tanapuhr-e: یک تنافور، ک ۲/۲-۴۰-۵۰ و ۱۶ بار دیگر.

نہ تھو: nē tuxt: كفاره نداد بجا نیاورد. ك ۹/۱۲.

تار: tuxšāg کوشار. ک ۲۳/۸. ک ۸/۱۳.

ک ۲۲/۱۰ ک ۳۰/۱۳

twxs³g : *طاس* (*Mir. Man.* II, 69) twxsšyst, twxsš: *طاسر*

abēr tuxšīdan: بسیار کوشیدن. ک ۱۵/۱۲

ستاکمان- : taoxman- : تاسم (Kent, 185) هندی کون : kōkman-

۳۱۳: بجای ۳۱۳ یا ۳۱۳۳ : a-tavānig/a-tavān :

ناتوان . ک ۶۳/۲ .

۱۱۳: tavāngartar: توانگرتر. ک ۳/۲۳.

۱۱۳: tavānīgīh: توانگری، توانایی، ثروتمندی. ک ۱۳/۸ ک ۶/۹.

۱۱۳: tōb: پوست چوب، چوب. ک ۱۳/۱۲.

۱۱۳: tōzišn: کفاره دادن، کفاره، غرامت.

۵ ستار: čīθa: غرامت، کیفر، پاداش: (AiWb. 582) و نیز نک: ۱۱۳: ک ۱۳/۸ ک ۲۸/۱۲ ک ۴-۳-۲/۱۶.

۱۱۳: tōg: تو، توی، لا لایه، (برهان: تو، توه، توی = لایه و پرده) ک ۷-۶/۴.

۱۱۳: hašt: TWMy: هشت.

۱۰ شکل غیر هروارشی آن در ۱۱۳ و نوشتار عددی آن در ۱۱۳ است. ستار: ašta-: sa ašta- (Jackson. 106) ک ۲/۵ ک ۶۲-۸/۲.

۱۱۳: tan: تن، شخص، کسی.

ستا: tan-: تنی کهن: (AiWb. 634) tanū.

مقدمه. ک ۱۸/۲-۱۹-۲۵-۲۸ و ۴۲ بار دیگر.

۱۱۳: tan-ē: تنها تنهایی. ک ۳/۳.

۱۱۳: tan-ē: کسی، شخصی. ک ۲/۱۷.

۱۱۳: tan tōxm: نسل، نژاد، نطفه. ک ۵/۲۲.

۱۱۳: tan masāy: تن مانند، به اندازۀ تن. ک ۲۸-۲۵-۱۹-۱۸/۲.

۱۱۳: tan ī mardōmān: تن مردمان. ک ۴/۱۳.

۱۱۳: tan ī pasēn: تن پسین، تنی که در روز آخرت برای مردمان

آرایند ک ۴-۷/۸ ک ۶/۱۹ ک ۱۹/۱۰.

۱۱۳: tanīhā: تنها. ک ۴۵/۲ ک ۷/۵.

۱۱۳: tan drustīh: تندرستی، سلامتی.

tan: تن + drust: درست (نک: همین واژه) + h: ی، بی. مقدمه.

۱۱۳: did: TWB: دیگر، دیگر بار (یونگ: TNY dit, dut, ۳۱) ک ۱۴-۲۲-۶۹-۹۰ ک ۱۷/۲-۱۸ ک ۳/۴ ک ۱۱/۱۰-۱۱-۳۵-۳۰ ک ۶/۱۱ ک ۱۵/۱۵.

۱۱۳: TG: (TMRY = یونگ: ۳۲) armāv تا واپا: mālv (Tavadiā p. 167): خرما ک ۱۲۲/۲.

۱۱۳: tuhiḡ: نهی (نک: ۱۱۳) ک ۵۴/۲ ک ۱۶/۳.

۱۱۳: tē: تیغ، این واژه در دینگری مدن ص ۲۵۶ س ۱۶ و ۲۵۷ س ۱۳ و پهلوی وندیاد ۹/۱۰ و ۳۲ به شکل ۳ آمده است.

ستا: tigrā: (AiWb. 651) تیر: tigra: در graxaud- (Kent. 186) (واژه های فارسی تیغ تیز، نیز از همین اصل است؟)

ارمنی: teg: ک ۸/۱۰.

۱۱۳: tē ī tēz: تیغ تیز. ک ۸/۱۰.

۱۱۳: tēz: تیز (نک. واژه بالا) ک ۸/۱۰.

۱۱۳: tēztar: تیزتر، برنده تر. ک ۲۸/۱۰.

۱۱۳: شکل غلط tapišn: تپش، گرمی، حرارت (در پهلوی وندیاد ۱۱۳: تپش آمده) از tap, و tāp: تافتن، تپ، گرمی، حرارت.

ستا: tap-: تپ: (GNPE. 83) tāpati, tap-.

ک ۴۰/۲۰

ستاره تیشتار: (۱) *tištar*: تیشتار، ستاره تیشتار "نظوری که تیشتار در اوستا تعریف شده، ابتدا "شکی نمی ماند که این ستاره شرای یمانی باشد بقول زمخشری در مقدمه الادب ستاره که بنی خزاعه او را می پرستیدند. ابوریحان بیرونی شعری یمانی را به گذرنده تفسیر کرده است و گوید آن ستاره ایست بردهان کلب الجبار، ستاره مذکور در زبانهای اروپایی به سیریوس *sirius* معروف است. " پورداود، یشتهاج ۱ ص ۳۲۲.

ستا: *tištrya-* (*AiWb*. 651) ک ۵/۱۴(۲) *tištar*: تیشتار، نام روز سیزدهم هرماه و نام ایزد موکل این روز.ستاره تیشتار-یت: *tištar-it*: تیشتار ترا، ایزد تیشتار ترا ک ۱۳/۲۲

تیر: *tīr*: تیر، نام ایزد موکل روز سیزدهم هرماه، و نام روز سیزدهم و ماه سوم هر سال ک ۲/۲۳

تیرسات: *trīsat*: سیمد (۲۰۰) شکل اوستائی است که وارد پهلوی شده است. ستا: *tišarō sata* (*Jakson*, 106) *tylyst, tyryst* (نک *Nyberg, Texte Zum Mazdayasnischen Kalender*, Uppsala 1934, p. 78.) ک ۲۱/۲۲

تاج: *tagīg*: دلاور، توانا، شجاع، نهم (سج، تهمن)ستا، از: *taxma-* (*AiWb* 627) *θagī*: پا (مینو خرد).

ک ۱۶/۲۲

تاجتار: *tagīgtar*: نهم تر، شجاع تر. ک ۲/۲۳

*

ز: *iz*, *z*: نیز، و، همچنین (معمولا "به پایان واژه می چسبد) ک ۲۱/۲-۲۲ و بیش از ۸۰ بار دیگر، که مورد کار برد آن در واژه های گوناگون یاد شده است.

چاه: *čāh*

ستا: *čāt-* ایرانی کهن: **čaθ* (*AiWb* 583) **čāt-* سغدی: *č-č* ک ۱۷/۱۲ (نک *Gr. I, 72*) به نقل از: در باره زبان آسی، دکتر ابوالقاسمی.

زهد: *zēh*: بجای کسید *zēh*: نم، رطوبت، نشد آب.

آب زهد: *āb zēh*: زه آب، آبی که از چیزی به مرور جاری می شود. (نک: کسید) ک ۸۶/۲

چهار: *čahār*: چهار، نوشتار عددی آن سر است. (نک: همین واژه) ک ۱۲/۴چهارپایان: *čahār pāyān*: حیوانات. ک ۷/۲۲-۱۴

۷/۲۰ کی مال دنیا: xīr ī gētīg

۲۹/۱۳ ک. ۲۰-۱۶-۱۵-۱۴-۱/۱۲ ک. ۲۱-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۵/۱۰ ک. ۴/۹ ک

شامش و بول باشد و غایط را نیز گویند "برهان، ک ۹/۳، ک ۵/۱۰.

*

★

★

۱. ځای وړاندیز: *čarāitīg*: چاربه، زن جوان.

فاتر. سنج. zryn: (Mir. Man. II, 54) ۱۱۵-۱۱۲/۲ ک ۸/۱۵

کریو: zādag: زاده، زائیده، زنی که بچه زائیده.
(نک: کریو^{۱۲}) ک ۱۵/۳

کریو: zadārīh: زرداری، شکست، نابودی، کشتن، زدن.
ست: jānti, √jan- : nab (NPE. 145) aṣṣanam, √jan-
پا: zadārī (مینو خرد). ک ۴۶-۳۶-۳۲/۱۳

کریو: zaspān: نادرست، ناراست، بیهوده.
این واژه را چنانکه تا وادیا نیز اشاره کرده میتوان کرد: zēfān: دانست
جمع ریف "ریف". به معنی گناه و بی ادبی هم هست "برهان. نک: vadia.
ŠnŠ. p. 119. ک ۱۰-۹/۹

کریو: ān: آن. در این کتاب متجاوز از ۱۶۰ بار آمده است.
کریو: bē ān: جزآن، بجزآن. ک ۸-۷/۷
کریو: ān-iz: آن نیز، آنچه. ک ۱۷/۸
ک ۲۸/۱۵

کریو: ōzadan: YKTLWN, tñ: کشتن، اوژدن، زدن.
(نک: کریو^{۱۳}) فاطر^{۱۴} wzdān (Mir. Man. II, 45) ک ۱۸-۵/۲۰
پا: wjd, wjñ- (Kotwal. 161) ک ۱۸-۵/۲۰
کریو: bē ōzadan: بکشتن. ک ۵/۲۰

کریو: ōzanišn: YKTLWN, šn: کشتن، زدن.
(نک: واژه بالا) ک ۲۱/۳ ک ۹/۷ ک ۱۵/۲۰
کریو: be ōzanišn: به کشتن. ک ۹/۷

کریو: zahāg: ترشح؟ زه، نشد، تراوش؟
برای این واژه که بدست نمیتوان در باره آن گفتگو کرد. نک: Tavadia.
ŠnŠ. p. 55. No. 5. ک ۷۷/۲

کریو: zahāg: فرزند، زاد و ولد، بچه.
ست: zaṭa: تولد زادن از: zan (AīWb. 1693) واژه های فارسی
زادن، زایش، زن، زاهو. از همین ریشه است.
ست: jāti (GNPE. 143) پا: zhg: بچه (Mir. Man. III, 64) ک ۳۰/۱۲
کریو: hu-zahāgtar: بارورتر، زایاتر، زاینده تر. ک ۱۱/۱۹

کریو: zahāg/zahāy: دوری، مسافت؟ ک ۲۶/۱۰

کریو: zar[r]: ZHB: زر، طلا.
ست: zaranya-: هندی کهن: hīraṇya- زرین (AīWb. 1678)

کوشه: ōzanēd : کُشد، بکشد. ک ۹/۷. ک ۱۹/۸-۲۱. ک ۱۵/۲۰
کوشه: be ōzanēd : بکشد. ک ۲۱/۸

کوشه: ōzan : کُش، بکُش. ک ۱۸/۲۰

کوشه: ōzanēnd : کُشند، بکُشد. ک ۳۰/۱۰

کوشه: m nibēsum : YKTYBWN, نویسم
ستار $\text{ni + } \sqrt{\text{pais}}$ (AiWb. 1083) : ب. $\sqrt{\text{paiθ}}$
پاتر: nbyšt, nbys- (Mir. Man. III, 58) ک ۴-۱/۲۱

کوشه: ym nibēsēm : YKTYBWN, نویسم (نک: واژه بالا)
مقدمه و ک ۱۶ / مقدمه.

کوشه: nar : ZKL: مرد (Junker. 25)
ستار nar : مرد (AiWb 1047) هندی کهن: nār (GNPE. 230)
ناتر: nr مذکر (Mir. Man. II, 61) ک ۱۴/۱۲ ک ۴۱/۱۳
کوشه: nar ī ahraiv : مرد پارسا. ک ۴۱/۱۳

*

کوشه: tñh zādan : YLYDWN, زادن، زائیدن.
ستار zan- : $\sqrt{\text{zayata}}$ هندی کهن: jan- , jāyatē :
ناتر: jāti- (GNPE. 143) ناتر: z'yšn : زایش، تولد.
(Mir. Man. II, 54)

کوشه: be zādan : بزادن، زائیدن. ک ۱۰۹/۲

کوشه: t, zād : زاد، زائید. ک ۱۱/۱۷
کوشه: zād hēnd : زادند، زائیدند. ک ۱۲-۱۱/۱۷

کوشه: sn : هر: zāyīšn : زایش، زادن.
ک ۱۰۶/۲ ک ۲۲/۱۰ ک ۱۵/۱۲

کوشه: šnyh : هر: zāyīšnīh : زایشی، وضع حمل زائیدن.
ک ۲۲/۱۰ ک ۱۵-۲/۱۲

کوشه: d : هر: zāyēnd : زایند. ک ۱۹/۱۳

کوشه: yt : هر: zāyēd : زاید، متولد شود.
ک ۱۰۶/۲ ک ۱/۶ ک ۳/۹ ک ۱۵/۱۰ ک ۱۴-۱۲/۱۲ ک ۲۴/۱۵
کوشه: be zāyēd : بزاید، متولد شود. ک ۱/۶ ک ۳/۹
کوشه: abar zāyēd : بزاید. ک ۲۴/۱۵

کوشه: zartušt : زرتشت. نام پیامبر کهن ایران، نام پدرش: Pourušasp
و مادرش: Dugdhōva و کتاب آسمانش اوستا و گاهان سرودهای خود اوست
و کهنترین بخش اوستا است. در باره شخصیت او و افکارش کتابهای بیشماری به اکثر
زبانهای دنیا نوشته شده است.

ستار zaraθušta- (AiWb 1670) ک ۱/۶ ک ۸/۹-۱۴
ک ۲۵-۴/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۱۱/۱۲-۲۳-۲۹-۳۲ ک ۲۲/۱۳ ک ۳۰-۴-۳-۱/۱۵
ک ۱۱-۱/۱۲

کوشه: zartuštān : زرتشتان، پسر زرتشت (ān), پسوند پدر فرزندی
(نک: zartušt) ک ۱۰/۸

کوشه: zartuštrotum : پیشوای زرتشتی، زرتشتی ترین مردم
ستار zaraθuštrotama- (AiWb 1677)
ک ۵/۱۹ ک ۴۱-۳۸-۱۵-۱۱/۱۲

زمین : zamīg: زمو

(Mir. Man. zmyg: فاطر (AiWb 1662) zəm , zam: ستا (II, 54)

زمان یا آسمان) افزوده شده و پیش از آن در تمام گویش های کهن و فارسی نوزمی بوده است. ک ۱۲/۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۳۶. ک ۲۴/۱۲. ک ۱۳/۱۴-۱۹-۲۱-۳۵. ک ۱۵/۵-۲۰. ک ۲/۱۶. ک ۱۴/۱۷. ک ۱۸/۲۰.

از کهدو به سوم: *ō zamīg ōftēd*: بزمین افتد. ک ۱۴/۱۷
zamīgēn: زمینی. منظور فلزها و سنگهایی است که از زمین برمیآورند.
 ک ۱۱۷/۲.

• زن: zan: ک

شکل هزوارشی آن اودن ۱۶۵ (Junker. 1) نک همین وازه

ستاز: $\sqrt{z\bar{a}}$ ہندی گھن: jāta (AiWb 1689) فاطر: (Mir. zn ۱۴/۱۲ ک ۲۵/۱۰ ک (Man. II, 54)

کرملا: zōhr: زور، آب تقدیس شده آمیخته با پراهوم یا شیر یا هوم است که برابر آئین‌های ویژه در مراسم مذهبی اجرای یسنا یا ویسپرد. بکار می‌رود زور دو نوع است ۱- آب زور (زور آبی- مایع) چنانکه در بالا آمد. در ک ۴۳/۲ ک ۹/۷. ک ۹/۱۳.

۲- زووری که به آتشیهای مقدس پیشکش و فدیہ می‌شده چون چربی حیوانات قربانی در برخی مراسم ک ۵/۱۲ ک ۱۲/۱۵ ک ۶/۱۶.

برای آگاهی بیشتر نک: M. Boyce, JRAS. 1966, p. 100 ff
ستا: zaoθra- (AiWb. 1654) غائر: zwhr (Mir. Man.
zōr: ۲ II, 54) (مینو خرد).

کود: zanīh: زنی، همسری. ک ۱۴/۱۲

ک ۱۳۳: zanišn: زنش، زدن، صدمه زدن.

ستا از: gan / هندی کهن: hanti, hán: (AiWb. 490) ک ۲۳-۲۲/۱۵

ک ۱۳۴: zör: زور، قدرت، نیرو.

ستا: zavar- (AiWb. 1689) فاطر: zwr (Mir. Man. II, 54) ک ۱/۲ ک ۱۰/۱۰

ک ۱۳۵: zörömandtar: زورمندتر. ک ۵/۲۱

ک ۱۳۶: zand: زند، تفسیر، تعبیر، شرح و اصطلاحاً "تفسیر اوستا" ک ۱۱/۸ ک ۲۹-۲۵/۱۰ ک ۸/۱۷

ک ۱۳۷: zand: قبیله.

ستا: zantu- هندی کهن: -jantāv (AiWb. 1660) ک ۴۸-۴۷/۱۳

ک ۱۳۸: zandbad: زند بد حاکم زند (ناحیه‌ای از کشور) فرماندار.

ستا: zantu-patay (AiWb. 1661) ک ۴۴-۱۱/۱۳

ک ۱۳۹: zandbadān: فرمانداران. ک ۱۵/۱۳

ک ۱۴۰: zandīg: زندیگ، زندیق، پیروان مانی را زندیق می‌گفتند.

"زندیک شخصی را گویند که به اوامر و نواهی کتاب زند و بازند عمل نماید و معرب آن زندیق است" برهان. نک: ک ۱۱ ک ۷/۶

ک ۱۴۱: zēh: زه، تراوش، سنج: زه آب، تراوش آب. (نک: ک ۸۵/۲)

ک ۱۴۲: zufāy: عمیق. ک ۷۷/۲

ک ۱۴۳: zufr: ژرف، عمیق "ژرف بروزن حرف، به معنی عمیق است. مطلقاً" خواه دریا باشد و خواه چاه و خواه رودخانه و حوض و امثال آن " برهان.

ستا: -jafra (AiWb. 603) پاتر: jfr (Mir. Man. III, 56) ک ۱۳/۱۹

ک ۱۴۴: zufr rōstāg: بستر رودخانه ژرف؟

(گوتوال: low-lying region: نک: ص ۸۰ شایسته نه شایسته) ک ۱۳/۱۹

ک ۱۴۵: zufrāy: ژرفا، عمیق (نک: واژه‌های بالا) ک ۷۷/۲

ک ۱۴۶: zūzag: زوزه، ژوزه، جوجه تبعی، خاریشت، این جانور یکی از جانوران اهورایی در دین زرتشت است (نک: پورداود، فرهنگ ایران باستان ص ۲۱۲)

ستا: dužaka (AiWb. 755) ک ۵۹/۲ ک ۳۱/۱۰ ک ۲۰/۱۲

ک ۱۴۷: zōt: زوت، "نامی که به پیشوایان بزرگ مزدیسنا می‌دهند خود زرتشت هم زوت خوانده شده. در تفسیر پهلوی زوت بزرگترین پیشوای مذهبی بوده که در هر هفت موبد دیگر مراسم مذهبی بجای می‌آورده‌اند و در وقت فقدان سایر موبدان او مجاز بوده که به تنهایی تشریفات آئینی بعمل آورد. امروز اسم زوت به موبدی داده می‌شود که بسنا و سپرد می‌سراید و مراسم بجای می‌آورد و به موبد دیگری که در مقابل او نشسته و نیز به اجرای چنین خدماتی موظف است راسی نام می‌دهند"

پورداود یشتها ج ۱ ص ۱۰۳

ستا: -zaoθra هندی کهن: hotrā (AiWb. 1655)

ک ۱۰/۳ ک ۳۵/۱۰ ک ۹/۱۳ ک ۳/۱۴

ک ۱۴۸: zōtīh: زوت بودن. ک ۳۵/۱۰

کد : هر : ZY : I: که، آن، و معمولاً "چسبیده به ضمایر مفعولی می آید"

کد : هر + ZY, š : Iš: کش، کاش، کاو.

کد : ۱/۳-۱۲-۱۲-۱۲/۴ ک. ۱۲/۸ ک. ۲۳/۸ ک. ۱۰/۱۰ ک. ۱۰/۱۲ ک. ۵-۱۲-۲۶ ک. ۱۵/۹-۱۲

کد : ZY, m: (۱) im: مال من، آن من. ک ۲۸/۱۲

(۲) کم که من، ک ۲۶/۱۲

کد : im dēn: دین من.

کد : ziyān: زیان.

ستا : zyānay- هندی کهن : (AiWb. 1701) ogyānay- فاطر:

zy'n: (Kotwal. 187) ک ۷۹/۲-۸۰-۸۱-۸۲ ک. ۱۲/۳-۲۶ ک. ۱۹/۹

کد : ziyānag: زن، همسر. ک ۳۰/۱۲

کد : zēn afzār: زین افزار، سلاح، جنگ افزار.

کد : zēn: زین، سلاح جنگ.

ستا : zaēna: (AiWb. 1650) ارمنی : (Arm Gram 151) zēn

پاتر: zyn: (Mir. Man. III, 65) پ. zīn: (مینو خرد) + afzār

افزار. هندی کهن-har: نک: Nöldeke ZDMG. 32, 408.

GNPE. 23_ پ. awazār: (مینو خرد). ک ۶/۱۲

کد : zīvād: زیواد، زندگی کناد.

ستا : jīva- هندی کهن: -jīvā (AiWb. 609) ونیز : qay

(AiWb. 502) فاطر: zyw (Mir. Man. II, 54) پاتر: yw

Mir. Man. III, 56) ک ۲۲/۲۲

کد : zīvišnīh: زیویشی، زیشی، زنده بودن. مقدمه کتاب

کد : zīvēh: زیوی، زندگی کنی بزی. ک ۲۱/۲۲

کد : zīndag: زنده (نک: واژه های بالا). ک ۱۰۷/۲-۱۰۶/۵-۱۴/۹-۲۱/۱۵

کد : zīndagīh: زندگی، زیستن. (نک. بالا) ک ۶/۵-۳۸/۱۳

کد : zīvandag: زنده، زیونده، زندگی کننده، جاندار. ک ۷/۸

*

ستا. از : gaēθanām (که حالت اضافی جمع مؤنث است از : gaēθā
 پهلوی: gētē: فن: گیتی) *AiWb.* 476 ک ۱/۶ ک ۱۳-۹-۵-۱۳-
 ۰۴۲ ک ۱۱-۹-۸-۷/۱۵ (دو مرتبه) ۱۳-۱۲- (دو مرتبه) ۱۹-۱۴- (دو مرتبه)
 ۰۲۰-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶-۲۹ ک ۲/۱۶ ک ۳-۲/۲۰
 ویرس: andar gēhān: در جهان، اندر جهان. ک ۱/۶

ویرس: saxt: سخت، محکم
 هندی کهن: $\sqrt{\text{cak}}$ -: caknōti, توانایی، قدرت. سا : caktā-
 توانا (*GNPE.* 160) ک ۲۱/۳
 ویرس: saxt tar: سخت تر، محکم تر. ک ۴/۱

ویرس: sāxtag: بجای ویرس و (نک: همین) ساخته شده، آماده شده.
 ک ۱/۱۲

ویرس: ravēnd: SGYTWN, nd: هر: رَوَد.
 ستا: $\sqrt{\text{rav}}$ -: (*GNPE.* 137) ک ۴/۱۳
 ویرس: be ravēnd: بروند. ک ۲۸/۳ ک ۱۲/۴
 ویرس: abar ravēnd: برزوند، بروند. ک ۲۳/۱۵

ویرس: ravēd: yt: هر: رَوَد.
 ک ۲۸/۳ ک ۱۲/۴ ک ۶/۹ ک ۱۹-۱۲/۱۰ ک ۹/۱۳ ک ۲۶/۱۵

ویرس: sazišnīg: سپری شدنی، گذرا، فانی
 نب: θakata: انجام شده. (*Kent.* 187)
 ستا: sak-: گذشته (همان جا) ک ۱۳/۲۰

ویرس: sāzum: سازم، بسازم. (نک: ویرس) ک ۹۱/۲

۴۰: 40: ۴۰

ستا: catvārīsat: $\sqrt{\text{ca}}$ warīsat- (*Jackson.* 106)
 ک ۱۵/۳ ک ۵۱/۱۳

ویرس: si: سه، یک، سر
 ویرس: sigānag: سه گانه. ک ۱/۱۲

ویرس: siyā(h): سیاه.
 ستا: syāva- (*AiWb.* 1631) سیج: syawaršan: سیاوش. ک ۵/۲

ویرس: sāxt: ساخت.
 ستا: $\sqrt{\text{sač}}$ -: (*GNPE.* 152)
 ویرس: sāxt ēstēd: ساخت است. ک ۲۸/۲

ویرس: sāxtag: ساخته ک ۴۸-۴۷-۴۱/۲ ک ۱۲/۳

ویرس: gēhān: گیهان، کیهان، جهان.

ساستار: sāstār: ستمگر، ظالم

ستا: -sāstar- هندی کهن: (AiWb. 1573) sāstār- پاتر:

:s'st'r (Mir.Man. III, 61) ک ۱۰/۱۵

سار: sār: "پرنده‌ای است سیاه و خوش‌آواز که خالهای سفید ریز دارد"

برهان. ک ۹/۱۰

سالاگ: sālag: ساله، سال.

این واژه بیشتر به صورت هزارش و سار: ŠNT, k : بکار می‌رود

(نک: همین واژه) ستا: -saraśa- (AiWb. 1567) saraśa- (Mir. s'r: فاطر:

Man. III. 61) ک ۸/۲، ک ۹/۴، ک ۲-۱/۵

پانزده ساله: pānzdah sālag: ک ۲/۱۳

سالیگان: sāligān: سالگان، سالگانه، سالیانه، اصطلاحاً "منظور سالروز در-

گذشت افراد و مراسمی که در این روز اجراء می‌شود است" ک ۵/۱۲

ساریگار: sārīgar: ساریگر، ساره، سار کوچک (نک: سارا)

این واژه را تاوادی مرکب میدانند از سارا: sār + ر: I : کسر

اضافه + و لا: gar: کوه و روبهم: سارکوهی (نک. ŠnŠ. Tavadia, 32. p.

اما داور به شکل یک واژه که در بالا آمد آنرا نوشته است.

ساهمگین: sahmgēn/sahmgōn

در مینوی خرد (بخش ۱ بند ۱۱۵)

فاطر: (Mir.Man. I, 43) shmyñ: ک ۹/۱۵

سایه: sāyag:

ستا: -a-saya- هندی کهن: (AiWb. 208) čhāyá فاطر: s'yg

(Kotwal. p. 169) ک ۵/۲، ک ۱/۲۱-۳-۵-۶-۷.

*

سپاس: spās:

سپاس: spās:

ستا: (2) -spas- هندی کهن: spās (AiWb. 1614)

ک ۱۸/۱۳، ک ۵/۲۲

سپاس: x^vast? : کوبیده؟ در پهلوی وندیداد ۷ بند ۳۵ در ترجمه واژه

اوستایی: x^vastanām واژه پهلوی: (سپاس) آمده و تاوادی آن

را: splitcorn = falhhdnast یا Corn separated

from kusks. معنی کرده و تاوادی نیز با توجه به این امر آن را: x^vast:

trashed straw خوانده است.

نک: Pahlavi Vendidād V. 35.

و: Pahl. V. Glos Kapadia, p. 488.

و: ŠnŠ. Tavadia, p. 71.

ک ۱۱۹/۲

سپرم: sparm: سپرم، اسپرغم، گل، ریحان.

فاطر: (Mir.Man. II, 15) ^csprhmyn: ک ۷/۱۰

سپنا: span(n)āg: سپنا، سپنتا، مقدس.

ستا: -spanta- (AiWb. 1619)

سپنامینو: spannāg mēnōg: سپنامینو، مینوی مقدس، ضد آن:

انگزه مینو = اهریمن است. ک ۲۸-۲۶/۱۳

سپوزد: spōzēd: (گوتوال) postpone, neglect. افعال.

غفلت و سستی. ستا: ^vspōz در صورتیکه اگر واژه را: spanjēd

بخوانیم به معنی سنجد، سپری شود، بگذرد. معنی باطن بیشتر تطبیق می‌کند.
ک ۳۱/۱۲.

دوراد: spurz: سپرز، "طحال و یکی از احشا که واقع است مابین معده و اضلاع
غلط" فرهنگ نفیسی.

ستا: sparəzan- هندی کهن: (AīWb. 1623) plihān-
ک ۴/۱۱.

دوراد: spand: سپند، سپند[نسک]، نام نسک سیزدهم اوستای کهن بوده است.
(نک: Hauge, ESSAYS, p. 131) ک ۴/۱۰. ک ۳/۱۲-۱۵-۲۹.

دوراد: spandmad: سپندمد، سپندارمد، ایزدموکل و نگهبان زمین و نیز نام
پنجمین روز از هر ماه و ماه آخر هر سال.

ستا: spānta. Ārmaiti- (AīWb. 1619)
ک ۵/۲۲. ک ۲۳-۲۲-۲۵/۱۵.

دوراد: spandmad, it: سپندارمد ترا ک ۵/۲۲.

دوراد: spandmad gāh: سپندمدگاه، سومین گاه از پنج گاه است که
شامل یسناها، ۴۷ تا ۵۰ می‌باشد. ک ۱۳/۱۵-۳۴-۵۱.

دوراد: spandarmad: سپندارمد.

در اینجا منظور دو واژه: spāntā. mainyō است که واژه های آغازی بند
یسنا ۴۷ می‌باشد. ک ۳۳/۳.

دوراد: spihr: سپهر، فلک، آسمان.

فاتر، پاتر: spyr (Kotwal. 170) برای این واژه نک: Hunning.
JRAS, 1942, pp. 239-40. ک ۳۱/۲۲.

دوراد: spitāmān: سپیتان، نام نهمین نیای زرتشت پیامبر باستانی ایران
است که خاندان زرتشت به این نام خوانده می‌شود.

ستا: spitāma- (AīWb. 1624) ک ۴/۱۱. ک ۲۳/۱۲.

دوراد: spitāmān zartušt: زرتشت سپیتان.
ک ۱۴/۹. ک ۲۳/۱۲. ک ۴/۱۵.

دوراد: spēg: شکوفه، جوانه.

ستا: fraspərəja- (AīWb. 1003) برای این واژه نک: Bailey
TPS. 1956. pp. 103-04. ک ۲/۱۲.

دوراد: spēg i urvarān: جوانه گیاهان. ک ۲/۱۲.

دوراد: dīd: دید، دیده.

ستا: dā(y) √di: √dhī: فکر کردن. Kent. 191.
شکل هروارشی آن که بیشتر در نوشته های پهلوی بکار رفته معصوم است.
نک. معصوم ۱۱۳. ک ۲/۶۳-۶۶-۷۱. ک ۱۲/۱۰.

دوراد: gētī(g): گیتی، جهان.

ستا: gaēθā- (AīWb. 476) فاطر: gytyg و نیز (نک: معصوم)
ک ۱۳-۷/۲۰.

دوراد: stāyīdār: ستایشگر، ستاینده. ک ۲۱/۲۲.

دوراد: stahmbag: ستکار، ستگر، بیدادگر.

ستا: stamba- (AīWb. 1606) فاطر: stmbg(yh) (Mir.
Man. II, 63) ک ۲۶-۲۲/۱۵.

دوراد: stahmbagān: ستکاران، بیدادگران. ک ۹/۱۵.

دعای ستاره: stahmb: ستم، ظلم، بیداد. (نک. واژه بالا) ک ۱۲/۱۵.

دعای ستاره: stahmag: شدید، تند، سخت.

ستا: -staxma* (GNPE. 159) ک ۲۹/۳.

-stān: پسوندی است که به اسم افزوده شده و اسم مکان سازد.

نک: ۱۶ (دعای ستاره) ک ۲۰/۱۲.

دعای ستاره: stāyād: ستایید (فعل دعایی است) از √stāy:

ستا، ستایش کن.

ستار: √stav: ستودن. سنج: سا: stāumi (AiWb. 1593)

فاتر: 'st'y (Mir.Man. II, 63) پاتر: st'w (Mir.Man. III. 51.)

ک ۲۷/۲۲

دعای ستاره: be stāyād: ستایید. ک ۲۷/۲۲.

دعای ستاره: stāyišn: ستایش. اسم مصدر از ستای (نک. واژه بالا).

ک ۱۸/۱۳-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۴۰-۴۵-۴۶.

دعای ستاره: stabrağ/stavrak: ستبرق "استبرق، به کسر اول و فتح ثالث

و سکون پای موحد و فتح رای مبهله ع معرب استبره و آن دیبای سفت و گنده است مثل

اطلس. "آندراج. ک ۴/۴.

دعای ستاره: stēr: استیر، ستیر، استار، سیر.

واحد وزن برابر یک چهل من "استیر (= استار = سیر). و اهل خراسان یکمن را چهل

استیر گیرند" نفایس الفنون ۱- ۸۴۰ س ۱ به نقل از یادداشت‌های قزوینی ج ۱ ص ۵۸

فردوسی: زهی برکانش بر از جرم شیر یکی تیر همگان او ده ستم.

(شاهنامه ژول مول بیت ۱۳۴۵) ک ۲۶-۲۵/۳.

دعای ستاره: star:

ستا-: star-: هندی کهن: stṛbhih (AiWb. 1598) فاطر: st'rg:

(Mir.Man. I, 44) stāra: ۴ (مینو خرد).

ک ۴/۱۱. ک ۵/۱۲-۷. ک ۴/۱۴.

دعای ستاره: star i ōhrmazd dād: ستاره آفریده

هرمزد، مخلوق هرمزد. ک ۴/۱۴.

دعای ستاره: gētō xriđ: گیتی خرید، اصطلاحاً "یعنی خریدن آخرت در دنیا

و این کار طی آئین و مراسمی چه برای زندگان و چه برای درگذشتگان، انجام می‌شده

(مشابه خرید نماز و روزه و اجیر کردن شخص برای انجام مراسم حج جای کسیکه خود

قادر به انجام آن نیست در مذهب ما) برای آگاهی بیشتر نک: Modi, J. J. Rel. Cer. and Cust pp. 406-407 ک ۶/۵.

دعای ستاره: stav/stōv: بی قدرت، ضعیف، ناتوان، ستوه.

"ستوه. به معنی ملول و عاجز شده و بازمانده و به تنگ آمده و افسرده باشد"

برهان.

فاتر: stw: پاتر: stwb'd (Kotwal. 171) ۴: stuh:

(مینو خرد). ک ۲۸/۱۳.

دعای ستاره: stōv bavēd: ناتوان شود، عاجز شود. ک ۲۸/۱۳.

دعای ستاره: gētō xriđ: گیتی خرید

(نک: واژه بالاتر) ک ۶/۵.

دعای ستاره: stōtān yasn: ستوت یسن یا ستوت یشت را اوستا شناسان نسک

بیمست و یکم اوستا شمرده اند در روایات فارسی نسک نخستین شمرده شده، درباره

این نسک آراء گوناگون ابراز شده، در هر صورت آنرا دارای ۳۳ فصل (ها) دانسته‌اند.

نک: پورداود، یسنا ج ۱ ص ۳۱-۳۰.

(و نیز: Darmesteter, 2A I. p. LXXXVII; K.F. Geldner, in *Avesta Pahlavi and Ancient Persian Studies* in honour of. P. B. Sanjana.

p. 39.) ک ۱/۱۲

۵ **ستوتگر**: stōtgar: ستونگر (نک). ظاهراً "نک بیت و یکم از اوستای کهن بوده که دارای ۳۳ بخش بوده است. (نک. واژه پیشین) (رک Hauge. ESSAYS. p. 126. ک ۸/۱۰، ک ۳۲/۱۲.

گیتی خرید: gētōg xriid: (نک: **ستوتگر**) (ک ۳۰/۱۲.

۱۰ **سیدوش**: sidōš: سدوش. سه شب اول پس از درگذشت کسی.

ک ۱۶-۶/۸ ک ۲/۱۰، ک ۳۱-۵/۱۲، ک ۶/۱۷.

سیدوش روزهای سدوش: sidōš rōzagihā: روزهای سدوش. روزهای سه شب اول درگذشت کسی. و منظور از آن سه روز پرهیزی است که در خانهای که کسی درگذشته باید بجا آورد، و آن عبارت است از اینکه در این سه روز و سه شب دود نباید از آشپزخانه برآید و گوشت نباید در آن خانه مصرف شود.

ک ۵/۱۲

ستور: stōr: ستور، چهارپای (گاو و گوسفند و ...).

ست: staora- (Aiwb. 1590) ک ۱۹/۱۳، ک ۱۱/۱۹.

ستور در گوشن: stōr ī gōšn: ستورنر. ک ۱۱/۱۹.

۲۰ **ستور**: stūr: ستور، ستور، قیم، سرپرست برای اطفال صغیر پدر مرده.

(نک: Bartholomae, SSR, v. p. 23n., p. 34n.)

ک ۱۴/۱۲

دیدن: dīdan: دیدن.

هزارش آن که بیشتر در نوشته های پهلوی بکار رفته **دیدن** است. (نک: همین). و نیز نک: **دیدن** ک ۱۰/۱۰.

سدویس: sadvēs: سدویس (ستاره).

هویت سدویس امروز مورد تردید است. بعضی توجیه: Khareghat را پذیرفته اند. که آنرا با سهیل یا Conopus یکی میدانند (نک: Sir J J Madressa. Jubilee vol. 1914. p. 116-156. و نیز نک: E Herzfeld in: M. P. Khareghat Memorial vol. p. 109.

العقب: Antares یکی میدانند. نک: West. SBE. v. p. 12. n. 2. و نیز: Henning. JRAS. 1942 pp. 246-47. (Kotwal p. 107) ست: satavaēsa- (Aiwb. 1556) ک ۵/۱۲.

گیتی: gētē: گیتی، جهان، دنیا (نک: **ستوتگر**) (ک ۱۳/۹، ک ۳۰/۱۲، ک ۳۱-۵/۱۲، ک ۶-۲۷/۱۸، ک ۱۲-۱۰/۲۰.

سیدگر: sidīgar: سیدگر، موم.

ست: θritiya- (Aiwb. 807) فاطر. sdyg (Mir. Man. II, 62) یا: sadīgar (مینو خرد).

ک ۱/۲، ک ۹/۹، ک ۱۹-۲۹/۱۳، ک ۴/۱۷.

ستیر: stēr: ستیر، استیر، سیر (نک: **ستوتگر**) (ک ۲/۱۱، ک ۳/۸، ک ۲/۱۱، ک ۵-۴/۱۶.

سپندارماد: spandarmad: شکل نادرست **سپندارماد** (نک: همین واژه) ک ۲۸/۱۰، ک ۴/۱۱، ک ۱۴-۳۵/۱۳، ک ۵-۳/۱۵، ک ۱/۲۳.

سازد: sazēd: سپری شود، گذرد، فناپذیرد. (نک: *سازد*)

ک ۱۷/۲۰

زاید: be zazēd: سپری شود ک ۱۷/۲۰

نود: navad, 90: ۹۰، نود.

ستا: navaiti-: navati (Jackson. 106) ک ۲/۱.

ساکاتوم: sakātūm: ساکاتوم [نسک]، یکی از نسک های ۲۱ گانه اوستای کهن

که ظاهراً "دارای ۵۲ بخش بوده است." (نک: Haug. ESSAYS.

p. 133. ک ۱۲-۱۰-۲/۱۲ ک ۳۰/۱۳.

سوارس: ۵۳: 53 (پنجاه و سه) ک ۲/۲۶.

*

سار: sar: سر، اول، آغاز

ستا: sarah-: کله، سر. هندی کهن: śīraz- (AiWb. 1565)

ک ۷-۶-۵/۲۱

سار: dēr: دیر، دراز، طولانی (گوتوال: dāgr به همین معنی)

ستا: dārya-: هندی کهن: dīrgha- (AiWb. 693) مقدمه. ک ۵/۳.

ک ۳۲/۲۲

ساراد: gīrād: (۱) گیراد، بگیرد [جای] بگیرد [جای] نگهدارد.

ک ۲۹-۹/۲۲

(۲) حفظ کند، محافظت نماید. ک ۱۳-۱۱/۲۲

(۳) بپذیرد، قبول کند. ک ۲۱/۲۲

(۴) بجای *ساراد*: gīrānd: بگیرند *ساراد*: gīrānd: ima

مگیرند، نکنند، روا ندارند. ک ۱۷/۲۲

ستا: grab: گرفتن. (AiWb. 526)

سرایشن: srāyišn: این واژه آوانویسی: θrāyō اوستایی می باشد که معنی تغذیه، پرورش دادن و غذا دادن را دارد و عبارتی که این واژه در آن به کار رفته ما خود است از بندهای ۴ سروزه ۱ و ۲.

marəždīkāi. θrāyō. driyaova: (برای آگاهی بیشتر نک:

Kotwal. ŠnŠ. p. 96. n. 4. ک ۲/۱۱.

سربین: sruβēn: سربین، چیزی که از فلز سرب ساخته شده.

ستا: srva-: از sru: (AiWb. 1649) نک: *سربین* ک ۳۲/۳

سارداگ: sardag: سرده، نوع. "سرده بر وزن آمده." به معنی نوع باشد و انواع جمع آن است "برهان.

ستا: saradka- (AiWb. 1649)

سارداگان: sardagān: سرده ها، انواع. ک ۱۰۹/۲ ک ۸/۱۰

سارزمان: dēr-zamān: دیرزمان، درازمدت. (نک: هر یک از دو بخش) ک ۵/۳

سارزیا: dēr-zivād: دیرزیاد، درازباد، دراز زندگی باد. (نک: هر یک از دو بخش) ک ۳۲/۲۲

سارزیشنی: dēr-zivīšnīh: دیرزیوی، دراز زندگانی. (نک: هر یک از دو بخش) مقدمه کتاب.

سرشک: srašg: سرشک، قطره [آب].

ستا: sraskh- (AiWb. 1644-45). پاتر: srsk: ک ۲۸/۳ ک ۲۸/۱۵.

دانسته شده است. برای آگاهی تک: Kotwal. ŚnŠ. p. 96 n. 2.
و نیز. 14-15. pp. Tavadia. ŚnŠ.
ستا: sraoṣō-čaranā- (AiWb. 1636-37) ک ۱/۱۱-۲.

دولت: srōṣō čarnām: سروش چرنام (تک. واژه بالا)
این واژه افزون بر آنکه نام گناهی ست (چنانکه در بالا آمده) مقدار کفاره و توفی است
که مرتکب این گناه باید بپردازد تا از گناه مبرا شود و نیز نام شلاق و تازیانه‌ای است
که اجرا کننده حد یا سروشاوَرز (ستا: sraoṣāvarəza) به تن گناهکار وارد
میاورد ک ۱۴/۴ ک ۳/۵ ک ۳/۶ ک ۹/۸ ک ۲۴/۱۰ ک ۲/۱۳ ک ۵/۱۶.

دولت: dērang: درنگ، دیرپای، دراز، طولانی.
ستا: -darga/darəga- (AiWb. 693)
دولت: dērang zamān: دیرزمان، زمانی دراز. ک ۸/۱۵.

دولت: srūv: شاخ.
ستا: -srū-, -srūvā: شاخ، ناخن. (AiWb. 1642) ک ۶/۲.

دولت: YBLWN, t: burd: بُرد (تک: واژه زیر)
ک ۱۰/۸ ک ۲۵/۱۰ ک ۲۹/۱۲ ک ۳۱/۲۲.

دولت: abar burd: ابلاغ کرد. ک ۲۵/۱۰.
دولت: nām burd hēd: نام برده است. ک ۳۱/۲۲.

دولت: YBLWN, tñ: burdan: بُردن (مصدر)
ستا: bar / هندوی کهن, bhārti, bhārati (AiWb. 933-42)
عائمه: bwrđn (Mir. Man. II, 48) ک ۹/۲-۱۰-۴۰-۵۰-۵۲.
دولت: be burdan: ببردن. ک ۱۰/۲ ک ۵/۱۰.

دولت: sarmāg: سرما این واژه اسمی است که با افزایش پسوند -āg- به صفت
sard ساخته شده و قاعدتا "باید سردا می شد لکن با شباهت به گرم - گرم
آن نیز سرما شده است.

ستا: sarəta (AiWb. 1566) ک ۲۱/۳.
دولت: sarmāg ī saxt: سرمای سخت. ک ۲۱/۳.

دولت: srubēn: سربین، چیزی که از سرب ساخته شده (صفت نسبی است
(srub + ēn) تک. دولت. ک ۱۱۷/۲.

دولت: srōš: سروش، ایزد سروش. ایزدنگهبان آدمیان است و نیز محافظ روح
بشر در سه روز و سه شب نخستین پس از مرگ تا رسیدن روان به پل. دو "ها" ی
۵۶ و ۵۷ پسنا در ستایش این ایزد است. ها ۵۶ سروش پشت ها دخت نامیده شده.
و ها ۵۷ سروش پشت بزرگ است "پور دود، پسنا ج ۱ ص ۳۱ و نیز تک. همو. پشتها
ج ۱ ص ۵۲۳.

ستا: -sraoša- (AiWb. 1634) ک ۴۳/۱۳ ک ۳/۱۷ ک ۶-۳۱/۲۲ ک ۱۷/۲۲
ک ۳/۲۳.

دولت: srōš ahrav: سروش پرهیزگار، با پارسا.
(پارسا صفت سروش ایزد است) ک ۱۷/۲۲.

دولت: srūd: سرود، سرائید (تک: واژه زیر). ک ۲/۱۳.
(سرود) be srūd: بسرود، بسرائید. ک ۱۰/۸.

دولت: srūdan: سرودن.

ستا: -sraota- از: srav (AiWb. 1633) ک ۱۹/۱۲.

دولت: srōščarnām: سروش چرنام مطابق با نوشته این کتاب، نام یکی
از گناهان است، در بعضی نوشته‌های بازمانده دینی زردشتی این گناه با "فرمان" یکی

بریدن: *barišn*: YBLWN, šn : هر: *barišn*: (اسم مصدر) بریدن.
 ۹/۸ ک. ۹/۷ ک. ۱۴/۴ ک. ۲۴/۳ ک. ۸۹-۸۵-۴۳-۳۸-۱۰-۹-۷-۶/۲ ک.
 ۱۲/۱۲ ک. ۱۲/۲۰ ک.

بریدن: *barēnd*: —, nd: هر: *barēnd*: بریدن، ببرند.
 ۱۴/۱۷ ک. *be barēnd*: ببرند

بریدن: *barēd*: —, yt: هر: *barēd*: بریدن.
 ۹/۸ ک. ۸۷-۶۳-۶۲-۱۲-۱۲/۲ ک.
 ۱۵/۱۳ ک. ۲۶/۱۵ ک. ۹/۲۰ ک. ۱۹/۲۲ ک.
be barēd: ببرد. ۹/۸ ک. ۹/۲۰ ک.
ma ē barēd: نبرد، داخل نکند. ۲۶/۱۵ ک.

بریدن: *barēh*: —, ydy: (راستارگریوا ص ۱۳۹)
 ۹/۸ ک. ۸۷-۶۳-۶۲-۱۲-۱۲/۲ ک. ۸۹-۸۵-۴۳-۳۸-۱۰-۹-۷-۶/۲ ک.
 ۲۹-۱۹-۱۵-۲/۱۳ ک. ۲۴-۱۸-۶/۲ ک.
be barēd: ببرید. ۲۸-۶/۲ ک.
abar barēd: آبر ببرید، ببرید. ۱۹/۱۳ ک.

بریدن: *vad*: SLY^۲: هر: *vad*: ناپسند. ۱۰-۹/۹ ک.
vadtar: SLY^۲, tr: بدتر. ۱۰/۱۷ ک. ۱۶-۹/۲۰ ک.
vadtarān: SLY^۲ tr^۲ n: بدتران.
 ۱۶/۲۰ ک. ۱۸/۱۵ ک. ۲۹/۱۳ ک.
vadtarih: SLY^۲, tryh: بدتری. ۹/۲۰ ک.

سریط، اِترط (نام خاص) نام کسی است که ظاهرا "نویسنده" بخش
 ۲۲ کتاب است. ۳۲/۲۲ ک.

*

بریدن: *srišūdag*: یک سوم.
 ۲۶/۱۰ ک. ۸/۹ ک. *grišva*: (AiWb. 812)

بریدن: *sargōn*: سرگین، فضله حیوانات.
 ۱۰۹-۳۷-۱۷/۲ ک. *gaona*: (AiWb. 1567) کود
 ۱۴/۱۷ ک. *sargōn aduristar*: سرگین خاکستر، نیرنگی که
 برای طهارت زن دشتان و دیگر چیزهای نجس استفاده می‌شده. ۳۷-۱۷/۲ ک.

*

بریدن: *samād*: ترسد.

از: *sam*: ترس، ترسیدن، این معنی پیشنهادی: *West* است که کوتوال
 هم آن را پذیرفته و از: *haēθahya* (H. 46.6) اوستایی دانسته است.
 (نک: *Kotwal. ŠnŠ. p. 169*). ۱۵/۱۹ ک.

دست: *dast*: YDH: هر: *dast*: دست.

دست: *zasta*: هندی کهن: *hāsta*: (AiWb. 1685) فب: *dasta*:
 (Kent. 190) فاطر، پاتر: *dast*: ۴ *dst* (مینوخرد). ۶۹-۲۴/۲ ک.
 ۷۰-۷۱-۹۲ ک. ۱۰-۱۲-۲۱-۲۷ ک. ۲۲/۸ ک. ۸/۹ ک. ۱۵-۲۲ ک.
 ۲۸-۲۴ ک. ۱۵-۱۶-۲۷ ک. ۱/۱۵ ک. ۲/۱۶ ک. ۳/۱۷ ک. ۵-۱۲-۱۳ ک.
dast šabīg: دست شبی. منظور شستن دست پس از خواب
 تباد است. *Tavadia. ŠnŠ. p. 101*. ۷/۷ ک.
dast šustan: دست شستن. ۲/۷ ک. ۸/۹ ک.
dast šōy: دست شوی، منظور وضو یا پادیا بکردن است بانیرونک.
 ۲۴/۲ ک.

فر: *farrah/x^varrah*. GDH: هر: *farrah/x^varrah*: فرّه، خورّه، فرّ.
 ۱۵-۱۳-۱۲/۱۹ ک. ۸/۹ ک. *x^varənah*: (AiWb. 1870) فاطر، پاتر: *frh* (Mir.Man.
 II, 54) *x^varəh*: (مینوخرد). ۸/۹ ک. ۱۵-۱۳-۱۲/۱۹ ک.

ک ۲۵/۲۲

xVarrah ī šahr: فره شهر. ک ۱۲/۱۹

xVarrah ī rōy: فره روی، فره چهره. ک ۱۵/۱۹

xVarrah ī gar: فره گوه. ک ۱۲/۱۹

*

BYN: andar: اندر.

شکل غیر هزوارشی آن ۳۰۷ است.

antar: انتارا: انتار (AīWb. 131). این هزوارش

در معانی زیر بکار رفته است

(۱) اندر، در (حرف اضافه) داخل. ک ۱۰۲-۱۵-۵-۱/۲ و ۱۰۲ جای دیگر.

(۲) پیشوند یا پیشوازه فعلی است. ک ۱۰۲-۴۴-۵۱-۵۲-۹۰. ک ۸-۴/۳. ک ۷/۷

ک ۱۰۲-۱۰-۳/۱۰. ک ۲۸-۱۰-۳/۱۲. ک ۲۹-۲۳-۲۱/۱۲. ک ۹/۱۳. ک ۱۰/۱۷

(۳) پسوازه فعلی است. ۳۰۷: šavēd andar: اندر شود

ک ۲۹/۱۲

(۴) در معنی به (جای ۱) ک ۲/۸

andar zamān: درجا، فوراً* ک ۱۶-۱۵/۲

andar...abar: اندر، بر. ک ۲۹/۱۲

(۱) dēn: دین، کیش، مذهب.

daēnā- (AīWb. 662) دین: dyn: (Min. Man. II, 51)

ک ۲۸-۲۳/۱۲. ک ۲۹-۲/۱۳. ک ۷/۱۷. ک ۱/۱۸. ک ۲۴/۲۲. ک ۴/۲۳

(۲) dēn: دین، نام روز بیست و چهارم هر ماه و ایزد موکل این روز است.

ک ۲۴/۲۲. ک ۴/۲۲

dēn, it: دین ترا ک ۲۴/۲۲

(۳) jīv: جیو، جیوام یا جیوم. شیرآمیخته با آب زور است که در آیین‌های

مذهبی بکار میرود. در توضیح این واژه نظریات متفاوتی ابراز شده "وست" آنرا از cūm: به معنی چربی میداند که بر نان درون گذارده می‌شود و "بهر و چا" آنرا "gotra": کره یا چربی یا گوشت قربانی.

برای این نظریه ها نک: Tavadia. SnS. p. 46. زیر نویس نمرة ۱ مربوط به بند ۴۳. ک ۴۳/۲

DYN: dādīstān: دادستان.

(۱) کنش، عمل و معمولاً مترادف با کار: kār: ک ۲۵/۱۰

(۲) داوری، قانون، حکم ک ۶/۱۳. ک ۳/۱۶

snēh: سنه، کوتوال: شلاق، تازیانه. اما در فرهنگهای فارسی (برهان و...) به معنی لعنت و نفرین و دشنام آمده. در "ترجمه ای آهنگین ازدوجز" قرآن (پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی). چاپ بنیاد فرهنگ ایران ص ۷ در تفسیر آیه شریفه ۸۷ سوره یونس آمده: "... موسی فرعون را ستمخواند " یعنی لعنت و با نفرین کرد.

snaθa-: ضربت (AīWb. 1627) ک ۲-۳-۲/۱۶

gyāg: جا، محل، مکان.

gāθu-: گātu-: گāθw-/gātav- (Kent. 183) گاتر: gyāg (Mir. Man. II, 49)

ک ۱۰۲-۱۱-۱۲-۱۵ و ۴۳ بار دیگر.

gyāg-ē: جای. ک ۷۲/۲ و ۷ جای دیگر.

gyāg ī daštān: جای دشتان، دشتانستان،

معلی که زنان در حال دشتان بودن آنجا زندگی میکردند.

(نک: دشتانستان) ک ۶/۳

dēnāgāh: دین آگاه، متقی، پرهیزگار، کسی که به امور دینی آگاهی

دارد. ک ۲/۱۲.

دیوار: devār: دیوار.

فاتر: dyw'r (Mir. Man. II, 50) ک ۲۸-۲۹. ک ۳/۱۰.

دیوار: devār-ē: دیواری، یک دیوار.

دینوران: dēnbarān: علمای دینی، روحانیون. (dēn+bar+ān)

فاتر: dynwr (Mir. Man. II, 51) ک ۳/۸.

دین بردار: dēn burdār: دین بردار، روحانی، معلم و آموزنده امور دینی.

لقب و صفتی است که به مهراسپند داده شده. ک ۴/۲۳.

دین بنده: dēn bandag: یعنی کسیکه به دین معترف و خستواست و پیروی

و بندگی از دستورات دینی میکند. لقبی است که نویسنده بخش ۲۱ (باتعام کتاب)

به خود داده است. ک ۸/۲۱ (پایان نوشت)

دوش، شانه "به ضم اول و سکون ثانی". دوش را گویند.

برهان.

سوتا: supti- هندوی کهن: (AīWb. 1583) supti وازه به شکل سوپتی

نیز آمده است. ک ۱۵/۱۰

سود: sūd: سود، بهره.

ستا: sava- از: sav (AīWb. 1561) فاطر: swd (Mir. Man.

II, 62) ک ۱۲-۲۱. ک ۱۲/۱۰ ک ۱۴/۱۲

سودا: sūdāg: سوده، سائیده، شکسته.

این واژه را تاوادی به غلط، مفید ترجمه کرده (نک: ŠnŠ. p. 165; (Tavadia.

لکن چنانکه در بالا آمد معنی آن شکسته و سائیده و دست و پا شکسته و مغلق است.

چنانکه دیار نیز بیان داشته. (نک: (B.N. Vhabhar. Essay. pp. 136-145.

ستا. از: an-usāvant (AīWb. 129) ک ۶/۱۰.

سوداگی: sūdāgih: سودگی، سائیدگی، شکستگی. (نک: وازه بالا)

(در مورد خواندن دعا: با حذف و غفلت و نادرست) ک ۲/۱۴.

سودن: sūdan: خورد و نرم کردن (نک: وازه های بالا)

گوگرد سائیدن، گوگرد نرم و حل کردن. ک ۱۶/۱۰. gōgird. sūdan: گوگرد سائیدن، گوگرد نرم و حل

بدزد: appurēd: (Junker. 4) YHNSLWN, yt: هر: بدزد،

بدزد، شکل غیر هزوارشی آن بدزد: appurdan: بدزدیدن است. (نک: همین)

بدزد: be appurēd: بدزد، سرقت کند. ک ۸/۹.

سوزد: sōzēd: سوزد.

ستا از: saočayāhi, √saoč: هندوی کهن: √cōč (GNPE. 165)

فاتر: swc: cōčati

نسوزد: nē sōzēd: نسوزد. ک ۱۵/۱۵.

ستا: sust: ست، نامحکم، ضعیف.

فاتر: swst: (Mir. Man. II, 62.)

ستا: sust tar: ست تر، ضعیف تر. ک ۴/۱.

ستا: asp: SWSY? (Junker. 4) asp: اسپ، اسب.

ستا: aspa- هندوی کهن- (AīWb. 217) āśva- فب- (Kent. 173) asa-

ک ۲۸-۹/۱۰

اسپ: asp ī kārzārīg: اسپ کارزاری، اسپ

جنگی. ک ۹/۱۰

سوش: suš: شش، ربه.

ستا: suš- (AīWb. 1586) ک ۴/۱۱

سوشیانس: sōšyans: سوشیانس، آخرین موعود زرتشتیان از سه موعود است و

چنانکه پیشگویی شده این موعود از: rədat fəkrī زاده خواهد شد از

نطفه زرتشت پیامبر. این موعود چنانکه در کتب دینی زرتشتی آمده در پایان هزاره

سوم ظهور خواهد کرد و در این حال دنیا به پایان رسیده و رستاخیز آغاز میگردد.

(نک: صد در پنجاهش، در ۲۵ ص ۱۰۲)

ستا: saoshyant- از: sav: سود. (AīWb. 1551) ک ۵/۱۳

سوشیانس: sōšyans: سوشیانس (نام خاص) یکی از مفسران و پیشوایان بزرگ

زرتشتی بوده است. ک ۳/۱ ک ۵۶/۲-۷۴-۸۰-۱۱۸ ک ۱۳/۳ ک ۵-۴/۶

سولاک/سوراک: sūlāk/sūrāk: سوراخ، سولاخ.

ستا: suwra-: حلقه، کمان (AīWb. 1583)

سوراک: sūrāk ī xrafstarān: لانه جانوران

موزی. ک ۱۹/۱۳

دین: dēn (۱) (نک: ۴) ک ۱/۱ ک ۶/۵ ک ۶/۶ ک ۶/۷ ک ۷-۶/۷

ک ۱/۸ ک ۴/۹ ک ۲۸-۲۳-۲/۱۲ ک ۲۹/۱۳ ک ۲۹/۱۷ ک ۱/۱۸ ک ۱۵/۱۹

ک ۴/۲۳ ک ۹-۵-۴-۱/۲۰

(۲) dēn: دین، یکی از قوای پنجگانه یا یازده گانه معنوی انسان است که قدرت

تشخیص معنوی انسان به شمار میرود (نک: پورداود، یشتها، ج ۱ ص ۱۶۶-۱۵۹)

ک ۸/۹ ک ۳۰/۱۰ ک ۴/۱۳

دای: day: آفریدگار، خداوند، اهرمزد.

ستا: daāvah- هندوی کهن: dadvān- فم. dai (AīWb. 678-9)

ک ۴-۲/۲۳

دین اهراموگی: dēn ahramōgīh: بدعتگزاری در دین، الحاد، ارتداد.

ک ۷/۱۷

دای-با-مهر: day-ba-mihr: دی به مهر، نام روز پانزدهم از هر ماه ایرانی است.

ک ۳/۲۳

دین رادان: dēn radān: دین ردان، بزرگان دین، اولیاء دین. ک ۱/۸

دای-دادار-اهرمزد: day-dādār-ōhrmazd: هرمزد آفریدگار (و ضمناً

نام روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم هر ماه ایرانی). ک ۲۳-۱۵-۸/۲۲

دین: dēnīh: دینی. (نک: پورداود، یشتها، ج ۱ ص ۱۶۶-۱۵۹)

ک ۳۰/۱۰ ک ۶/۷

سنگ: sang: وزن، وزنه (واحد اندازه گیری سنگینی)

ستا: asan- (AīWb. 207) ک ۲/۱ ک ۱۵/۲-۱۶-۱۷-۱۱۴-۱۱۵ ک ۱/۱۰

ک ۲/۱۱

سارداران: sardārān:

ستا: *sārō.dāra- (GNPE. 153) غائر: s³r³r: (Mīr. Man.)

II. 62) پهلوی کتیبه‌ای: srd^3l و نشانه جمع ۳ ک ۲/۱۹.

سپاه: $sēnīg$: چینی، اهل کشور چین، شاید اشاره به کنفسیوس باشد؟ ک ۷/۶.

*

ش: -š: ضمیر متصل سوم شخص مفرد (غیر فاعلی) که متجاوز از ۱۲۰ بار به کار رفته و عموماً در ترکیب های زیر:

اورا: $u-š$: ک ۲۲/۲ و ...

آنگاهش: $ā-š$: ک ۶۷/۲ و ...

چونش: $ka-š$: ک ۲/۱۰ و ...

که اورا: $ku-š$: ک ۱۲/۲ و ...

آنگاهش: $ēg-iš$: ک ۸/۴ و ...

جز کاش: $bē-š$: ک ۲/۵ و ...

بنش، آغازش: $bun-iš$: ک ۱۷/۳ و ...

به آن: $pad-iš$: ک ۷۴/۲ و ...

چند که آن را، همان اندازه که آن را: $čand-iš$: ک ۱۹/۲ و ...

کش: $kē-š$: ک ۱۰/۲ و ...

تا اورا، تا آن را: $tā-š$: ک ۶۸/۲ و ...

که هر یک از این ترکیبات در جای خود یاد شده است.

شاهگاه، در بزرگی، دروازه اصلی [خانه]: $šah-gāh$: ک ۷۴/۲.

شَبَّار: šabyār: شب بار. "شب بار بروزن اغیار، رستنی باشد تلخ و به عربی آنرا صبر گویند. طبع آن گرم و خشک است و مسهل صفرا بود و رطوبت و بلغم از شر و مفاصل جذب کند و بهترین آن سقوطی می باشد و سقوطر جزیرهای است نزدیک به سواحل یمن و نام معجونی هم هست که آنرا در شب خورند و خواهند "برهان".
ک ۱۶/۱۰

شَبَّار: šabīg: (۱) شبی، شبانه، چیزی که مربوط به شب می شود. ک ۷/۷.
(۲) شب جامه یا زیرپوش و در اینجا منظور سدره یا پیراهن مقدس زرتشتیان است که شب و روز باید برتن داشته باشند. (رک: *Tavadiā, ŠnŠ. p. 86. nl*)
ک ۱۴-۱۳-۸-۷-۴/۴

شَبَّار: šabīgīh: [برای] شبی (پیراهن مقدس) بودن، [برای] سدره بودن.
ک ۴/۴

شَبَّار: vāhyah-: بهتر (vahu- به) هندی کهن: vāsyas-
stā: (AīWb. 1405-6) vāsiyas-, فاطر: (Mīr. Man. II, 52) why-
مقدمه ک ۸۳/۲. ک ۱۳/۴. ک ۲۲-۲/۶. ک ۳/۱۱ و ۱۴ بار دیگر.
شَبَّار: vēh bāvēd: به بود، نیک باشد. ک ۱۰/۱۹

شَبَّار: vēhān: بهان، نیکان.
مقدمه ک ۳۲-۲۷/۱۰. ک ۳۲/۱۲. ک ۱۹/۱۳. ک ۱۰/۱۵. ک ۹-۸/۲۰.

شَبَّار: vēhtar: بهتر. ک ۲۷/۱۲.

شَبَّار: vēhīh: بهی، نیکی، خوبی. ک ۹/۲۰.

شَبَّار: vēhīg: به، نیک، خوب. ک ۲/۲۲.

شَبَّار: šaš: شش (۶)

نوشتار غیر هزارشی آن در و عددی آن در (نک: همین)
ک ۷۷/۲

شَبَّار: šahrēvar: شهرپور، ایزد نگاهبان فلزات و نام یکی از امشاسپندان است که روز چهارم هر ماه و نیز ماه ششم هر سال ایرانی بنام اوست.
stā: (AīWb. 542) xšaθra. vairya-
ک ۴/۲۲. ک ۱/۲۳. ک ۱۴/۱۵. ک ۳۹-۱۴/۱۳.

شَبَّار: šahrēvar, it: شهرپورت، امشاسپند شهرپور ترا. ک ۴/۲۲.

شَبَّار: šahr: شهر، سرزمین، اقلیم، کشور.

stā: xšaθra- هندی کهن: (AīWb. 546) ksatra- فاطر: šhr
(Mīr. Man. II, 58.) ک ۲/۹. ک ۱۸/۱۰. ک ۵/۱۳. ک ۷-۱۳/۱۹.
ک ۲۲/۲۲.

شَبَّار: andar šahr: اندر شهر، در کشور. ک ۱۸/۱۰.

شَبَّار: šahristān: شهرستان.

شَبَّار: šahr: شهر (نک: stān +) پسوند اسم مکان ساز.
stāna-: ar stā: هندی کهن: (AīWb. 1605) sthāna-
ک ۷۴/۲.

شَبَّار: šahrēvar: شهرپور. نک: ۱۴

ک ۱۹-۱۴-۱۳-۵-۳/۱۵.

*

شَبَّار: nibayēd: وجود دارد، قرار دارد.

Henning: برابر ایرانی این هزوارش را nb²y و nbst می‌داند. سنج.
 پاتر: nb²y: (Ghilain, 70) فاطر: nb²st: (Verbum. 188/16)
 از واژه نامه مینو خرد، دکتر تفضلی.
 این واژه را تاوادی nisāyēt خوانده است. (نک: Tavadia, p. 56)
 ک ۷۲/۷۹-۹۰-۹۴

شکست: škast: خلل وارد کرد خدشه دار کرد.
 شکل هزوارشی آن سرکشا (Junker. 33) است.
 فاطر: šknd (Henning, Sogdica. Fl4, p31) پاتر: šknd
 (GMS 365n.) کوتوال ص ۱۷۲
 شکسته شد، بشکست. ک ۴/۱۸

شگفت: škraft: عجیب.
 ستا: škraft (Aiwb. 1586) فاطر: škraft (Man. Stud. 107)
 ک ۸/۱۰ ک ۱۲/۸
 شگفت ترین، عجیب ترین. ک ۱۲/۸

شاگرد: šāgard: مرید.
 شاگردش، شاگراو، مریداو؟ تاوادی: šāgard-iš?
 خوانده است. (نک: Tavadia šnš. p. 97, n)
 ک ۷/۶

شرم، حیا: šarm:
 ستا: fšarəma- (Aiwb. 1029) ک ۱۴/۸

شرمگاه؟: šarmgāh-? (Tavadia: p. 74) و پروفیسور
 وست باتر دبد: salmiḥā? (SBE. V.P. 277.n) که هیچیک از این دو

رای درست به نظر نمی‌رسد میرزا (MIRZA H. K.) ضمن آوردن جمله‌ای
 که این واژه در آن به کار رفته (از شایست نه شایست) آنرا: jāmāgīhā: جامه،
 لباس، خوانده است. (نک: Sir J. J. Zorthoshti Madressa Centenary volume. p. 50.)
 که باز نمی‌توان درستی این نظر
 را تأیید کرد در هر صورت این واژه ای مبهم و مشکوک است. ک ۵/۳

پادخشا: pādixšā: šLYT²: مجاز (از لحاظ شرعی)
 مناسب. ک ۱۰/۲ ک ۱۳/۸ ک ۸/۹ ک ۵/۱۷
 مجاز نیست، شایسته نیست، درست نیست.
 ک ۸/۹

پادخشا: višāyēd: šLYTWN, yt: باز کنند.
 بگشاید. ک ۳/۴

پادشاه: šērēn: ابریشمین؟ سنج "شعرین" در عربی. "شعر بالفتح عربی، نوعی از
 جامه باریک ابریشمی. "آنندراج و نیزنگ: مقاله "عمامه" شیرو شکری، ماهیارنواهی
 مجموعه مقالات ص ۲۶۴

تاوادی این واژه را dārēn با معنی: bark خوانده و از آن اراده پارچه‌هایی
 را کرده که از الیاف و برگ درختان بافند. که درست به نظر نمی‌رسد. (Tavadia
 šnš. p. 86) ک ۴/۴

*

نام: nām: šM:

ستا: nāman-: nāman- (Aiwb. 1062) فاطر: n²m
 (Mir. Man. II, 60) پازند: nam² (مینو خرد). مقدمه. ک ۲۹/۱۲
 ک ۱۴/مقدمه. ک ۱۶/مقدمه. ک ۱۹/۲۲-۲۱

*

نشانه و پسوند اسم مصدر است که معمولاً "به بن مضارع فعل افزوده می‌شود."
 -šn:

• ۳/۲۳ ک • ۲۵/۱۲ ک • ۲۹-۲۲/۱۵ ک

(Kent. 182) نك: لودو پچندو ك ۱۰۵/۲

• ۲۹-۲۰-۱۹-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۸-۷-۶/۱۵ ک

• 25-20-15-14-12-9-7/15 S

(نک: واژه زیر) ک ۱۱۸/۲ ک ۲۱/۳ ک ۴/۷ ک ۸/۹

:šavěnd: (1) 21194.3

نک: ۱۵۱۲ ۱۱۳

شیراز: šēbag: شیوا، خزانده، برجسته.

sta: xšvaēwa- (GNPE.178) فب: *xšaipa-? (stud. 83).

(۱۹۸) مَلا، سَلا، سَلا: mār i sēbāg: مار شِبا، مار شِبا، مار شِبا

۱۲۹۰-۱۳۰۰ هـ : ŠYT³ : dēv : دیو.

هزارش دیو بیشتر و کمتر است (نگ: همین)

در فارسی واژه شیوا به معنی واله و مجنون همین هزوارش است. ک ۴/۱۵.

سروا ۱۱۳: مر: $\check{S}BKWN$, tn^{\sim} : $hi\check{s}tan$: هشتن، گذاردن.

۷۹/۲۱ - ۸۱ - ۲۹/۱۳ - ۱۵/۱۲ - ۱۱/۱۹ - ۱۳/۲۵

۱۳/۲۰ ک ۱۱/۱۹۵ ۱۰/۱۷۵ ۱۱/۱۷۵
 به نهشتن ، فرونگذاشتن : be nē hištan : ۱۱۳
 ها نکردن . ک ۱۰/۱۷۵

رها نکردن. ک ۱۵/۱۲

که در و ۱۱۳: nē hištan: نگذاشتن، نه هشتن.

10/175 . 29/135

هشتان باید هشتن، باید رها کردن. *hištan abāyēd*: ۱۳/۲۰۰

13/205

سورۃ: hil: ھل، بگذار، رهاکن.

۱۸/۴ . be hil : بھل، بگزار . ک

۱/۲۰ کی ۱۰/۱۷ کی ۶-۵-۴/۱۴ کی: hišt: هشت، گذاشت. ۱/۲۰ کی ۱۰/۱۷ کی ۶-۵-۴/۱۴ کی: be hišt: به هشت، گذاشت.

۱۰/۱۷ ک. ۶-۵-۲/۱۴ ک. *be hišt*: بهشت، بگزارد، بجا آورد ک. ۱/۲۰
bišād: *be hišt*: بهشت، بگزارد، بجا آورد ک. ۱/۲۰

لہذا: hilād: جلد کی ۱۰/۲ ک ۱۴/۸-۲۳ ک ۴/۱۲-۶ ک ۲۸/۱۵۔

۲۸/۱۵ ک. ۶-۴/۱۲ ک. ۲۳-۱۴/۸ ک. ۱۰/۲ ک. **hilid:** هیلید، بجا آورد، بگذارد. ۱۴/۸ ک. ۴/۱۲ ک. ۱۰/۲۰ ک. **hilend:** هیلند

۱۰/۲۰ کی. ۴/۱۲ کی. ۱۴/۸ کی. بگذارند، بجا آورند، بگذارد. ۱۰/۲۰ کی. ۴/۱۲ کی. ۱۴/۸ کی. بگذارند، بجا آورند، بگذارد.

• 3/705

be hilēnd: بهیلند، بجا آورند ۱۶/۲۱

نہ ہیلند: nē hilēnd: نگذارند. ۲۷/۱۵.

(*Mir.* šwdan, šw: فاطر (*AiWb.* 1716) √šav, √šyav: ستا
(*Mir.Man.* III, 62) šwdn : پاتر (*Man.* II, 68)

۱۴/۱۹۵

(۲) **šnavē:** شنوی، بشنوی، بشنو.

(*Mir. Man.* "šnw: فاطر *Mir. Man.* II, 47) "šnw: فاطر

·4/155 III, 51)

سوی و (۱): šōy: سوی، شوهر. ک ۱۹/۱۰ ک ۲۲/۱۵

۱۱۳ و (۲) šōy: شوی، بشوی. نک: ۱۱۴

124-123-122-120-116-105-99-44-17/25

(šōy + išn : شوین، شستن، (اسم مصدر است از: šōyišn: 𐭥𐭮𐭲𐭩𐭫𐭮)

نک : سطح صفحہ ۱۱

-116-113-112-105-99-98-97-95-71-68-67-66-65-16-15-6/25

• ۲۹-۳۸-۱۰/۱۰ ۵ • ۲۲-۱۸-۱۷-۱۴-۱۳/۲۵ ۱۱۷

,be šōyišn: بشتن

• ३९/१०५ ११३-११२-९८-९०-८०-३८-६/२५

• ॐ śōyiśn: به شستن، باید شستن.

1V/25 105-65-16-15/25

کد یس و یس : nē šōyišn: نباید شستن. ۱۴/۳۵. ۷۱-۶۶/۲۵

۱۲/۳ ک شود: sōyēd: ۱۲۱۳

• *śōyēnd*: شويند.

راید سبب و: be šōyēnd: بشویند. ک ۴۴/۲

ستا: $\sqrt{\text{šav}}, \sqrt{\text{šyav}}$ (Aiw. 1716) غائر: šw (Mir. šwdan , šw : 68.)
(Mir. Man. III, 62) šwdn : پاتر Man. II, 68.)

ک ۱۴/۱۹

شوی، بشوی، بشنو: šnave : ۱۱۴۱

غائر: šnw (Mir. Man. II, 47) پاتر: šnw (Mir. Man. III, 51) ک ۴/۱۵

شوی، شوهر: šōy : ۱۱۱۱ ک ۲۲/۱۵

شوی، بشوی، نک: šōy : ۱۱۱۱

۱۲۴-۱۲۳-۱۲۲-۱۲۰-۱۱۶-۱۰۵-۹۹-۴۴-۱۷/۲ ک

شویشن، شستن: šōyišn : (اسم مصدر است از: $\text{šōy} + \text{išn}$)

نک: ۱۱۱۱

۱۱۶-۱۱۳-۱۱۲-۱۰۵-۹۹-۹۸-۹۷-۹۵-۷۱-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۱۶-۱۵-۶/۲ ک

۱۱۷ ک ۲۲-۱۸-۱۷-۱۴-۱۳/۳ ک ۲۹-۳۸-۱۰/۱۰

بشستن: be šōyišn : ۱۱۱۱

۱۱۳-۱۱۲-۹۸-۹۵-۸۵-۳۸-۶/۲ ک ۲۹/۱۰

بشستن، باید شستن: šōyišn : ۱۱۱۱

۱۵/۲ ک ۱۰۵-۶۵-۱۶-۱۵/۲ ک

نباید شستن: nē šōyišn : ۱۱۴/۲ ک ۷۱-۶۶/۲ ک

شوید: šōyēd : ۱۱۱۱ ک ۱۲/۲

شویند: šōyēnd : ۱۱۱۱

بشویند: be šōyēnd : ۴۴/۲ ک

شیوا، خزند، پرجهش: šēbāg : ۱۱۱۱

ستا: xšvaēwa (GNPE. 178) غب: xšaipa یا vaipa -? (Pers. stud. 83)

۱۹۸ ک ۱۱۱۱: mār i sēbāg : مار شیوا، ک ۱۷/۱۷

هر: šyt : dēv : دیو

هزارش دیو بیشتر است (نک: همین)

در فارسی واژه شیوا به معنی واله و مجنون همین هزارش است. ک ۴/۱۰

هشتان: hištan : šBKWN , tn : گذاردن

۸۱-۷۹/۲ ک ۲۹/۱۳ ک ۱۰/۱۷ ک ۱۱/۱۹ ک ۱۳/۲۰ ک

نگذاشتن: be nē hištan : به نهشتن، فرونگذاشتن، رها نکردن. ک ۱۰/۱۷

نگذاشتن: nē hištan : نه هشتن. ک ۲۹/۱۳ ک ۱۰/۱۷

باید هشتن: hištan abāyēd : باید رها کردن. ک ۱۳/۲۰

بگذار، رها کن: hil : ۱۱۱۱

بگذار، بپل: be hil : ۴/۱۸ ک

هشت، گذاشت: hišt : ۱۱۱۱ ک ۱۴/۴-۵-۶ ک ۱۰/۱۷ ک ۱/۲۰ ک

بپشت، بگذارد، بجا آورد: be hišt : ۱/۲۰ ک

هلد: hilēd : ۱۰/۲ ک ۲۳-۱۴/۸ ک ۶-۴/۱۲ ک ۲۸/۱۵ ک

هلید، بجا آورد بگذارد: hilīd : ۱۴/۸ ک ۴/۱۲ ک ۱۰/۲۰ ک

هلند، بجا آورند: hilēnd : ۱۶/۲ ک ۱۵-۱۶-۱۷-۲۷ ک

ک ۱/۲۰

بهلند بجا آورند: be hilēnd : ۱۶/۲ ک

نگذارند: nē hilēnd : ۲۷/۱۵ ک

سروا ۱۳۱۱۱۱: sñ: - - - - - hilišn: (اسم مصدر) هشتن، گذاردن.
 ک ۱۱۸-۹۶-۷۴/۲ ک ۲۵/۱۰ ک ۴/۱۲ ک ۱۲-۱۲/۲۰
 رید سروا ۱۳۱۱۱۱: be hilišn: بهشتن، بگذاریدن.
 ک ۹۶-۷۴/۲ ک ۲۵/۱۰

سولا (۱): šagr/šēr: شیر (برج اسد)
 ۵ خاتر: šgr پاتر: šrg (Kotwal. 127) ک ۶-۲/۲۱

سولا (۲): šīr: شیر (آنچه از گاو و گوسفند دوشند)
 ستا: [apalxšīra-? هندی کهن: kšīrā- (GNPE. 178)
 پ šīr: (مینو خرد) ک ۱۰۹/۲ ک ۱۶-۱۰/۱۵ ک ۲/۱۷

سولا ۱۰: šīrēn: شیرین (نک: واژه بالا) خاتر: šyryn: (Mir. Man.
 II, 68) سولا ۱۱: šīrēnīh: شیرینی. ک ۱۸/۱۰

۱۲: KN/8N: 8: چنین، بنابراین، اما در این کتاب عموماً " (۱) به جای
 ۳: L: 8: به (پیشوازه فعلی) بکار رفته است.
 ک ۱۵-۱۶-۳۹-۴۹ و بیش از ۲۰ بار دیگر.
 (۲) معنی "از" دارد با: 8
 ۱۲: bun: 8: از ته، اصلاً، از اصل.
 ک ۷-۶۹/۲ ک ۲۶-۲۵/۳ ک ۸/۴ ک ۲/۵ ک ۱۵/۸
 (۳) بجای 8: 8y: او.
 ۱۲: 8y, iz: آن نیز، او هم. ک ۱۰/۱۷
 *

ک ۲۸/۲۲-۲۲-۵۶-۷۵-۱۱۶-۱۱۷. ک ۴/۳ و ۲۰ بار دیگر.
(۲) kār: کار، مترادف و در معنی (۱) varz: کشاورزی، کشت.
(نک: و در معنی) ک ۲۴/۱۵.
(۳) مترادف و در معنی و kirfag: کرفه، ثواب.
ک ۱/۶ ک ۵/۸ ک ۲۲/۱۰ ک ۲۲/۲۲ ک ۱۵-۲/۲۲ ک ۸/۱۷ ک ۳۱/۲۲.
و در: kār-ē: کاری، موضوعی. ک ۲۵/۱۰.

و در: kahrubāy: کهربا (سنگ رزینی معروف) ک ۱۱۶-۱۱۵/۲.

و در: kārd: کارد، شمشیر.

ست: karəta- هندی کهن: kartarī (AiWb. 454).

ک ۲۸/۱۰ ک ۹۲/۲۲.

و در: kārđ ī pōlāpdēn: کارد پولادین.
ک ۲۸/۱۰.

و در: kārīh: کاری، عملی. (نک: و در) ک ۱۰/۱۷.

و در: kārzār: کارزار، جنگ.

kār: هندی کهن: -kāra: سپاه، قشون (GNPE. 185.)
zār + پسوند مکان. ک ۹/۱۰ ک ۶/۱۹.

و در: kārzārīg: کارزاری، جنگی (نک: واژه بالا) ک ۹/۱۰.

kām: کام، میل، خواست.

ست: kāmā- (AiWb. 463) فاطر: q³m (Mir. Man. II, 57)

پاتر: k³m (Mir. Man. III, 56) ک ۲۸/۱۲ ک ۴/۱۸.

و در: kāmād: بخواهاد. ک ۱۶/۲۲.

و در: kāhēd: کاهد، کاسته شود، کم شود.

ک ۸/۲۱ ک ۱۸/۱۰.

و در: be kāhēd: بکاهد، کم شود. ک ۱۸/۱۰.

و در: abāz kāhēd: باز کاهد، کاسته شود. ک ۸/۲۱.

و در: kāhišn: کاهش (اسم مصدر) کاسته شدن. ک ۸/۲۱.

و در: kāfēnd: کافند، کاوند، برهم زنند، آشفتگی کنند "کاویدن".

به معنی کافتن و جستجو کردن و به دست و زبان آزار دادن باشد "برهان".

ک ۱۴/۸.

و در: kāskēnag: کاسکینه. "مرغ سبزرنگی باشد به سرخی مایل و آنرا سیرا".

نیز گویند، تاجی بر سر دارد مانند همد و به عربی شقراق خوانند "برهان".

در صدر نشر، کاشکینه آمده. کاشکینه که ملخ گوید" (ص ۲۷، صد در سطر ۱)

ک ۹/۱۰.

و در: kār: (۱) کار، عمل.

و ۳۳۵ : هر : ārd: Q³M³: آرد.

نوشتار غیر هزوارشی آن ملا یا سلا است. ک ۲۷/۲۰.

و ۳۳۶ : کام : kāmag: (نک: و ۳۳۹)

ک ۳۰-۲۹/۱۲. ک ۳۰-۱۰/۲۰-۳۲.

و ۳۳۷ : کامد : kāmēd: (نک: و ۳۳۹)

ک ۱۱/۱۹-۱۲-۱۴-۲۰.

و ۳۳۸ : kāmēd hiṣtan: بخواید گذاشتن. ک ۱۱/۱۹.

و ۳۳۹ : کامیست : kāmīst: میل کرد، خواست. (نک: و ۳۳۹) ک ۱۸/۲۰.

و ۳۴۰ : گانه : gānag: (نک: و ۳۴۱) si gānag: سه گانه.

ک ۱۲/۹. ک ۱/۱۲.

و ۳۴۱ : هم : hammi: با هم، همه. ک ۳۲/۱۰. ک ۵۱/۱۳.

*

و ۳۴۲ : هر : vas: KBY: بسیار. ک ۹۰/۲. ک ۱۱/۳. ک ۱۰/۸-۱۳-۱۰. ک ۱۰/۱۰.

ک ۲۹-۲۲. ک ۲۸-۲۶-۲۵-۱۶-۱۴-۹-۲/۱۲.

و ۳۴۳ : pad vas bār: به کرات، بسیار بار. ک ۹/۱۲.

و ۳۴۴ : کپی : kapīg: (این واژه اصلاً هندی است که وارد زبان فارسی میانه)

و نوشته شده است) سا: kapi- (Pers. Stud. 87) ک ۶۱/۲.

و ۳۴۵ : کدām: kadār:

سا: katāra- هندی کون: (AiWb. 434) katarā- ک ۲/۲. ک ۱/۱۷.

و ۳۴۶ : کدām: kadām:

سا: katama- پاتر: (Kotwal. 152) kd³m: ک ۱/۱۴. ک ۱۷/۱۷.

و ۳۴۷ : کدām-ē: چیزی، اندکی. ک ۱۴/۱۷.

و ۳۴۸ : هر : mānād: KTLWN, d: ماناد، همانند.

سا از mān: ماندن (AiWb. 1124) ک ۱۵/۲۲.

و ۳۴۹ : هر: d: mānēnd: مانند، همانند، ماندگار شوند. ک ۸/۱۳.

و ۳۵۰ : هر: yt: mānēd: ماند، همانند. ک ۵۰/۲.

و ۳۵۱ : be mānēd: همانند. ک ۲/۷.

و ۳۵۲ : katmōirvak: این واژه آوانویسی است از: mōi. urvā که واژگان آغازی یسنا ۵۰ هستند.

این "ها" از یسنا دارای ۱۲ بند است و در هر بند ۴ بیت شعر دارد این ها آخرین سبتمدگاه است (نک: پورداود گاتا ها ص ۱۹۵) ک ۲۳/۱۳.

و ۳۵۳ : kaz/kaṣ: کز، کز، ابریشم نامرغوب. "کز به فتح اول و سکون ثانی به و قسمتی از ابریشم فرومایه و کم قیمت بود" برهان. ک ۹۹/۲.

و ۳۵۴ : کیه: kih:

سا: kasav- (AiWb. 459) ک ۸۷/۲. ک ۱/۱۲. ک ۳۲/۲۲.

و ۳۵۵ : کیهان، زیردستان. (نک: واژه بالا) ک ۱۳/۱۳.

و ۳۵۶ : کشتی: kaštīg: ک ۷/۹.

و کشیدن: *kašīdan*: ۱۱۳۳۳۳۳۳

سا: *karš*: $\sqrt{\text{karš}}$ *karšyān*, *karšati*, *karšāyati* (GNPE. 191) ک ۸۷-۸۸-۸۹

و کشیدن: *ul kašīdan*: بالا کشیدن، بر کشیدن. ک ۹۸/۲

و کشیدن: *abar kašīdan*: بیرون کشیدن. ک ۸۸/۲

و دندان: *dandān*: KK^۲

شکل غیر هزوارشی آن *دندان* است (نک: همین واژه)

سا: *dantan-*: *daitika*, *dātā-* (AiWb. 683)

ک ۱۲/۱۲

*

و *gar*: *-kar/-* گر.

(۱) به اسم بسیط افزوده شده و صفت فاعلی می سازد.

و *pērōzgar*: پیروزگر. ک ۲۰/۲۲ ک ۲/۲۲

(۲) به صفت مطلق افزوده شده و صفت فاعلی می سازد.

و *yōzdahrgar*: تطهیر کننده، پاک کننده.

(نک: *یازده* و *یازده*) ک ۲۳/۱۲

و *kar[r]*: کر، ناشنوا

سا: *karəna-*: *karnā-* (AiWb. 455) ک ۷/۵ ک ۱/۶

و *sag*: KLB^۲: *spaka-* سا: (AiWb. 1610)

ک ۱/۲-۲-۳-۴-۷-۲۸-۵۶-۵۸-۶۲-۶۳-۶۵-۶۶-۶۸-۶۹-۷۱-۸۲-۸۵-۱۰۵

ک ۱۰-۱۲-۳۲-۳۳

و *sag dīd*: سگ دید

آئینی است که زرتشتیان در مورد فرد درگذشته انجام میدهند و یکی از واجبات دینی

ایشان است و مادام که مرده را به سگ ننمایانده باشند چنانکه کسی دست به آن زند نجس و ناپاک همیشگی می شود.

شرح این آئین و سگهایی که در این مراسم وظیفه نسوش زرداری از شخص مرده را به عهده دارند در بندهای ۱ تا ۵ فصل دوم شایست نه شایست می توان دید. ک ۶۳/۲-۶۹

و *sag dīd*: همان ترکیب بالاست. ک ۶۳/۲-۶۶-۷۱. ک ۱۲/۱۰

و *sag nē dīd*: سگ نادیده و منظور جسدی است که هنوز آئین سگ دید در بارهاش اجرا نشده. ک ۶۸/۲

و *sag nē dīd*: سگ نادیده (همان ترکیب بالاست)

ک ۶۳/۲. ک ۱۲/۱۰

و *sag nimāyišn*: سگ نمایاندن (نک: واژه های بالا) ک ۸۵/۲

و *sag nimūdan*: سگ نمودن (نک: ترکیب های بالا)

ک ۸۴/۲. ک ۳۲/۱۰

و *sagē*: سگی، یک سگ. ک ۵۸-۷/۲

و *sag i pasuš hvar*: سگ گله (نک: *pasuš hvar*) ک ۶۲/۲

و *sag-iz*: سگ نیز، سگ هم. ک ۴/۲

و *kardārtar*: کردار تر، فعال تر. ک ۱/۲۳

kardag: کرده، عمل، کار. ک ۲۲-۱/۱۲

و *pad kardag dāštan*: رعایت کردن، عمل کردن. ک ۳۲/۱۲

و *kardag*: کرده، بخش، فصل (نام هر فصل یا بخش و سپرد و بایست ها)

بایست ها و (ک ۹۲-۹۳. ک ۱۶/۱۳-۴۹)

و *kardag kardag*: کرده کرده، بخش بخش، تکه تکه.

وله: karčang: خرچنگ (منظور برج سرطان است)
فاتر: gyrzng: (Mir. Man. II, 41) ۵-۲/۲۱۵

ولاو: kark: کُرک، مرغ خاکی، ماکیان. (نک: واژه زیر) ک ۳۰/۱۰۰.

(و) *as* : *karkis* / کرکس، لاشخوار.
 ستا: *kahrkāsa* از : **āsa* - + **kahrka* صندی کهن : **āsa* :
 خوردن (*AtWb.* 452) جز اول : مرغ و جز دوم : "خوردن"
 این مرغ در نظر نیاکان ما، اهورایی و مقدس است، زیرا زمین را از وجود لاشه و مردار
 پاک می سازد "گویند آب دهان این مرغ خاصیت اسیدی شدید دارد و از بین برنده"
 کلیه میکربها است" (شنیده مؤلف از آقای جمشید سروشیان) صفت این مرغ در اوستا
 و سایر کتب دینی زرتشتی : *zarmān mānišn* : دیرزی می باشد.
 نک : *Translation of Zand-i Khūrtak Avistāk by*
Dhabhar. چاپ بعثتی سال ۱۹۳۶ ص ۲۴۳ . ۵/۲۵

و (x^vān : اسم مصدر از : x^vānišn : KLYTWN, šn : هر : خواندن ، دعوت کردن ، نام بردن .

۲۵ وادەئەندەند: $x^v\text{ānēnd} \dots \text{nd}$: خوانند، دعوت کنند ک ۱۲/۹
 وادەئەندەند: $n\bar{e} \ x^v\text{ānēnd}$: نخوانند، دعوت نکنند. ک ۱۲/۹

(برای نظروست تک: SBE. V p.360 و برای نظر کوتوال (kotwal. ŠnŠ. p.47) ۱۹/۱۳ ک

69 -kam: کم، اندک.

(*Mir. Man.* II, 58) kmb : ستا : (AiWb. 440) kamna-
 ک ۳/۵ . ک ۳/۸ . ک ۱۰-۱-۱۸ . ک ۳/۱۲ . ک ۲/۱۴ . ک ۹/۱۹ .
 ۶۹ ک ۳/۵ : kam bavēd : دستِ کم ، حداقل . ک ۳/۵ .
 ۶۹ ک ۳/۱۲ : kam ābistanīh : کم آبستنی ، نازایی ؟ ک ۳/۱۲ .

کمترین: kamist: ۶۹۳۳۳

69: kam: کم (نک: واژه بالا) + ist پسوند نشانه صفت عالی
ستا: -išta- ک ۲/۴، ک ۴/۱۲.

★

واحد : هز : KL³ : har : هر ، هعه .

ستا: haurva- هندی کهن: sárva- (AiWb. 1791) ۹۰ بار در
این کتاب بکار برده شده.

واس هېکوس har ēvak-ē: هرېک. ک ۳۲/۱۲. ک ۶/۱۶.

1999 har čegōn: هرچه، هرگون. ک ۳/۸.

واحد کھ: har čě: هرچه.

واند و هسك: har giyāg: هر جا ك ۸/۷۰

واژه ۱۳۱: har dō: هر دو. ک ۲/۴. ک ۵/۵. ک ۳/۱۰.

واژه ۱۳۲: har rōz: هر روز. ک ۲۱/۱۰.

واژه ۱۳۳: kōxšišn: کوشش، جنگ، نبرد.

فانر: (Mir.Man. II, 57) kwš ک ۹/۱۳.

واژه ۱۳۴: kanār: کنار.

ستا: karana- کران، کناره (AiWb. 451)

سنج. فانر: (Mir.Man. II, 58) kn-rqwmnd ک ۱۸/۲.

واژه ۱۳۵: kōf: کوه.

ستا: (Mir.Man. qwf: (AiWb. 431) kaufta-, kaofa: فانر

(Mir.Man. III, 57) kwf: پانز II, 57) ک ۱۲/۱۹.

واژه ۱۳۶: kirfag: کرفه، ثواب.

پانز: (Mir.Man. III, 57) kyrbg: پهلوی کتیبه‌ای. klpky

(Kotwal. 154). ک ۵۲/۲ و ۲۲ بار دیگر.

واژه ۱۳۷: kirfag handōzīh: کرفه اندوزی. ک ۲۲/۱۰.

واژه ۱۳۸: kirfag kunišnīh: کرفه کردن. ک ۱۵/۱۲.

واژه ۱۳۹: kirfag kardan: کرفه کردن. ک ۱/۶. ک ۵-۴/۲۰.

واژه ۱۴۰: kirfagīh: کرفگی، ثواب. ک ۴/۶. ک ۲۹/۱۰.

واژه ۱۴۱: kōdak: کودک، بچه.

ستا: (AiWb. 472) kutaka- ک ۱۲-۸/۲. ک ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷.

ک ۱۵/۱۰

۲۰

واژه ۱۴۲: kardag: کرده، عمل. ک ۳۲/۱۲.

واژه ۱۴۳: kardag: کرده، بخش، فصل [کتاب] (نک: واژه ۱۴۰) ک ۱۵/۱۲.

واژه ۱۴۴: kard: کرد، انجام داد. (نک: واژه زیر) ک ۶۹/۲-۹۸-۱۰۱ و بیش از ۳۰ بار دیگر.

واژه ۱۴۵: kard hē: کرده است. ک ۲۲/۱۰-۲۳. ک ۱۵-۱۶/۱۲.

واژه ۱۴۶: be kard: بکرد. ک ۲۵/۱۰. ک ۲۹-۳۴/۱۳.

واژه ۱۴۷: be kard bavēd: کرده شده است. ک ۳/۱۳.

واژه ۱۴۸: nē kard: نکرد، نکرده. ک ۲/۵. ک ۳۰/۱۲.

واژه ۱۴۹: kard ēstēd: کرده است. ک ۹۸/۲-۱۰۱ و بیش از ۲۰ بار دیگر.

واژه ۱۵۰: be kard ēstēd: بکرده است. ک ۱۹/۳-۲۹-۳۴.

واژه ۱۵۱: nē kard ēstēd: نکرده است. ک ۳۰/۱۲.

ک ۱۰۲-۹۸/۲. ک ۵-۳-۲/۵. ک ۳۰/۱۲.

واژه ۱۵۲: abar kard ēstēd: ابر کرده است. ک ۹/۱۷.

واژه ۱۵۳: kardan: کردن، انجام دادن (مصدر) ک ۲۲/۲-۳۶-۷۳ و ۳۵ بار دیگر.

واژه ۱۵۴: be kardan: بکردن، انجام دادن. ک ۹/۱۷. ک ۵-۴/۲۰.

واژه ۱۵۵: nē kardan: نکردن انجام ندادن. ک ۲۹/۱۳. ک ۹/۱۷.

واژه ۱۵۶: kust: کُست، ناحیه، جانب، طرف. ک ۲۳/۲-۲۴-۵۵. ک ۲/۴-۵-۶-۷.

واژه ۱۵۷: kust ud kust: پهلو به پهلو. ک ۵/۴.

واژه ۱۵۸: kust-ē: سویی، جانبی. ک ۲۴/۲-۵۵. ک ۲/۴-۶.

واژه ۱۵۹: kustag: کُست، کُسته، جانب، طرف. ک ۴۵-۷۷/۲.

واژه **kuštīg**: کستی، کمر بند مقدس که زرتشتیان به نشان بندگی هر مزد
خدای باید همیشه بر کمر بندند (بند دین) راجع به کستی در بخش ۴ شایست نه
شایست بحث شده است. ک ۱۴-۱۳-۱۱-۸-۷-۶-۳-۱/۱۴ ک ۱۳-۱/۱۰

واژه **kušād**: بکشد، بکشد (نک: واژه زیر) ک ۱۷/۲۲

واژه **kušt**: کشت، گشته.

۵ ست. از: **kušaiti**, $\sqrt{kaoš}$: **kušnāti**, $\sqrt{kōš}$ (GHPE 191) فاطر: **kwšt**, **kwš** این واژه بیشتر به شکل هزارش :
و ۱۱۴۱ (Junker. 2) در نوشته های پهلوی بکار رفته است. ک ۴/۱۱

واژه **kuštār**: کشار. ک ۸/۱۰

۱۰ واژه **kōr**: کور.

فاطر: **kwr**: \sqrt{p} (Henning, BBB, 111) **kwr**: (واژه نامه مینو خرد ،
دکتر تفضلی). ک ۴/۲

۱۵ واژه **kulāfag**: این واژه باید **kulāfag** باشد به معنی کلاه
کوچکی که خرما را به خوشه پیوند می دهد، این واژه در جهرم به شکل **kalafe** :
کاربرد دارد (این رهنمود را دوستم آقای مسعود طوفان به این جانب دادند با تشکر)
ک ۱۲۲/۲

۱۱ واژه **nūn**: K⁴N: اکنون، حالا.

ست. از: **nū**: **nū**, **nū** (A. Z. Wb. 1088) **nūn**: \sqrt{p} (مینو خرد). ک ۸۹/۲، ک ۸/۳، ک ۸/۸، ک ۱۰-۸/۸، ک ۱۸/۲۰، ک ۶/۲۱

۲۰ واژه **nūn-iz**: اکنون نیز. ک ۸/۳

۱۱ واژه **kūn**: کون، مقعد. نک: واژه **kūn** ک ۷/۱۷

واژه **kunišn**: کنش، عمل (اسم مصدر).

ک ۶/۲۸-۹۸-۱۱۲-۱۱۲ و ۱۷ بار دیگر.

واژه **be kunišn**: باید کردن. ک ۱۱۲-۹۸/۲

واژه **nē kunišn**: نباید کردن. ک ۲۹/۳، ک ۲۷-۲۵/۱۰

واژه **kunišn i mādyānag**: کنش ذاتی.

ک ۲۲/۱۲

واژه **kunišnān**: کنش ها، کارها. (نک: واژه **kunišn**)
ک ۱/مقدمه

واژه **kunišnīh**: کنشی. (نک: واژه **kunišn**) ک ۲۹/۱۰

واژه **kunēh**: کنید.

واژه **be kunēh**: بکنید، انجام دهید ک ۳/۱۲

واژه **kūnmarz**: کون مرز، لواط. ظاهراً "بجای و ۱۱" آمده است.
واژه **kūnmarz kunēd**: لواط کند. ک ۷/۱۷

واژه **kunēnd**: کنند، انجام دهند. ک ۱/۲۰

واژه **Kay Ādūr Bōzēd**: کی آذربوزید، نام خاص یکی از مفسرین
بزرگ زرتشتی بوده است. ک ۵۷/۲-۸۱-۱۱۸ ک ۶/۶، ک ۱۷/۸

*

واژه **kihist**: کوچکترین، کمترین.

واژه **kihi**: که، کوچک + **ist** نشان صفت عالی. ک ۲/۱

واژه **kayān**: کیان، خاندان سلطنتی گشتاسپ (کیانیان = پادشاهان این سلسله)

و ۱۳۱ و ۱۳۲ : kayān x^varrah: فره کیان، فره خاندان کیان.
(نک: ۱۳۱ و ۱۳۲) ۲۵/۲۲ ک

و ۱۳۳ : مز: drōg/drōy: KDB^۳: دروغ.
ستا: drauga-/ draoṣa-: هندی کهن: (AiWb. 768) drōgha-
پاتر: (Mir.Man.III, 54) drwg: ۱۴/۲۰ ک

و ۱۳۴ : کیستن (مصدر است از kist:): kištan:
ستا: karšta-: هندی کهن: (AiWb. 458) krštāy: ۹/۱۹ ک

و ۱۳۵ : کم، اندک (نک: ۱۳۵ و ۱۳۶): kim:
و ۱۳۶ : kimist: کمترین، کوچکترین. ۱/۱۶ ک

و ۱۳۷ : مز: KYMWN, nd: āxēzēnd: خیزند، برخیزند. ۱۲/۱۷ ک
و ۱۳۸ : abāz āxēzēnd: باز خیزند، برانگیخته شوند.
۱۲-۱۱/۱۷ ک

*

(۱) : مز: man:L: من.

ستا: Lmanā: : manā: (Kent. 167) mān: ۱۸ ک
(مینو خرد) ۲۲/۲ ک ۱۳/۹ ک ۱۱/۱۰ ک ۲۶-۲۱-۱۱/۱۰ ک ۲-۳-۱۵ ک ۵-۳-۱۸ ک
۴-۱ ک ۲۱ ک پایان نوشت ۱ و ۲. ۲۱/۲۲ ک

(۲) : vīst; 20: بیست.

ستا: vīsaiti: : visati- (Jackson. 106) ۲۸/۱۳ ک

اند: nē:L: نه. (حرف نفی)

ستا: nōit: : naiy: (AiWb. 1072) nē: ۱۷ ک
۲۲-۲/۲ ک و ۱۷۰ بار دیگر.

لر: vīst ud dō, 22: (بیست و دو). ۱۰/۱۲ ک ۵۱-۳۷-۶/۱۳ ک

لر: vīst ud panj, 25: (بیست و پنج). ۵/۱۶ ک

لر: rād: راد، بخشنده

۵/۲۰ک

• ३५/३५

21/225

لحم : nān : LHM² : نان .

اسم مصدر است از ر **رام** : rām :

. ۳۲/۲۲۵ . ۱۵/۱۷۵ . ۳۱-۲۴-۲۰-۱۴

1925

HL: 2.5

۱۵/۱۲-۱۴ و ۳۶ بار دیگر.

کتابخانه

۱۴۹۹

لے

اسی

10

To

اباز سودان: abāz šudan: برگشتن، باز آمدن. ک ۹۱/۲.

اباز داریش: abāz dārišnīh: خوداری کردن.

ک ۱۹/۱۲. ۳۰/۱۰

(ترکیب های این واژه با واژه های دیگر در جاهای خود آمده است).

رآن: rān: ران (قسمت بالای پا)

رانا: rāna- (AīWb. 1523). ک ۳۱/۲.

رآننهد: rānēnēd: فراموش کند، از یاد ببرد.

رآود: rāod: رندی کهن: rudh- (AīWb. 1494)

اباز به رآننهد: abāz be rānēnēd: دوباره از یاد ببرد.

دوباره فراموش کند. ک ۲۶/۱۰

رای: rāy:

ک ۹۳/۲. ۱/۷. ۷-۴/۸. ۱۷-۵/۱۰. ۲۵/۱۲. ۱۰/۱۳. ۱۲/۱۹-

۱۳ و نیز در معانی زیر به کار رفته است.

(۱) به. ک ۶/۱۱. ۱۹/۱۲

(۲) برای. مقدمه. ک ۷-۲/۲. ۷۶-۸۴-۹۲. ۱۴/۲. ۱۲-۸/۴. ۴/۹

ک ۱۱/۱۰-۱۵-۲۲ و ۲۷ بار دیگر.

(۳) به سبب، به خاطر. ک ۲۲/۲. ۱۰۰-۶۹-۱۰۴-۱۰۷. ۲/۳. ۵/۷

ک ۳/۸. ۷/۹. ۴-۱۰/۱۰. ۳۰-۴/۱۰. ۱۱/۱۲-۲۲-۲۴-۲۶-۳۲. ۹/۱۳. ۱۵/۱۵

۲۲-۴

رای: ē rāy: بدین سبب. ک ۹۶-۳۲/۲. ۲/۳. ۹/۱۳

(۴) در (در مورد). ک ۷۷/۲. ۲۱-۱۶/۳. ۵/۱۰. ۲۷/۱۳. ۱۵/۱۵

۴. ۵/۱۷

راینهد: rāyēnēd: راهنمایی کند، ببرد، راه ببرد.

ما راینهد: ma ē rāyēnēd: نبرد. ک ۱۰/۱۵

راییدن: rāyēnīdan: کردن، روا کردن، انجام دادن، بجا آوردن. ک ۷/۷

*

رای: RB^۲: vuzurg: بزرگ، مهم

رای: vāzra-: vāzra-: فب: nt. 207) vazraka-

ک ۲۲-۷/۱۲

رای: vuzurgān: بزرگان. ک ۵/۲۲

رای: LBBMH: dil: دل، قلب.

رای: zərēd-: رندی کهن: hrd- (AīWb. 1692) hrd-: رندی: r. dyl-

(Man. II, 41.) r. dyl-: zyrd- (Mir. Man. III, 65)

ک ۹/۱۳. ۴/۱۱

رای: LBWSY^۲: var- (Nyberg. 161) var-: وری، پرده. درای

منظور، خاکسترات (نک:) ک ۲۷۷/۳

*

رای: raftar: رفتار، سفر، مسافرت. ک ۱۳/۲۲

رای: LPMHYt: āvarēd: (یونگر:) PNH.

(p. 23) در این کتاب: باز گردد، برگردد.

رای: be āvarēd: بیاورد. ک ۱۰/۲

رای: rapitvin: ریتوین، ریتوین. نیمروز (از ظهر تا ساعت ۳ بعد از

ظهر) و مینوی نیمروز (بهار، واژه نامه بندهش).

رای: rapitwina- (AīWb. 1509) rapitwina-: ک ۳۱/۱۲

رای: ravēnd: روند، راه بروند، حرکت کنند

بیشتر در نوشته های پهلوی شکل هزوارش این فعل به کار رفته است. (نک:)

۶۶ (ن) abar ravēnd: بروند ک ۲۲/۱۵.

*

۶۷ (ن) rad: رد، سرور، آقا، بزرگ.

ستا: ratu- هندی کهن: rtāv- (AiWb. 1498) ک ۲۱-۱۴-۱۲-۶/۸.

۶۸ (ن) radān: ردان، بزرگان. ک ۲۹-۲/۱۳ ۱۴-۵-۲-۱/۸.

۶۹ (ن) radīh: ردی، سروری، بزرگی. ک ۳۴-۳۲-۲۹-۱۱/۱۲.

۷۰ (ن) rātuštāitīh: رتوشتائیتی [نسک] این نسک بنا بر نوشته روایات فارسی داراب هرمزدیار از روایت بهمن پونجیه، نسک هفتم اوستای کهن بوده است (نسک: روایات فارسی ج ۱ ص ۲) ک ۲۹/۱۰.

۷۱ (ن) tar: Lṣṭ (۱) میان، از میان (نسک: ۶ ص ۸۹/۲).

(۲) سراسر، سرتاپا ک ۱۴/۱۷.

ستا: tara- (AiWb. 640) فارت: try, tr (Kotwal. 173).

۷۲ (ن) razmīgān: رزمیان، جنگجویان، سپاهیان.

ستا از: rasman- جنگ (AiWb. 1513) پاتر: rzm (Mīn.

Man III, 61.) ک ۲۰/۲۲.

۷۳ (ن) rist: مرده، لاشه.

ستا: irista- (GNPE. 136) ک ۴/۱۲ ۱۴/۹.

۷۴ (ن) rastagān: رستمها، طبقات، ردهها، صنفها "رسته. صفا و

رده باشد، چون رسته مردم و رسته دندان" جهانگیری، عقیقی.

۷۵ (ن) riftag: این واژه را کوتوال تحریفی از (ن) riftag:

به معنی "گناهکار" و "جانی" دانسته است، از: irixta- اوستایی (نسک) ک ۲۸/۱۲ (Kotwal ŠnŠ. p. 168).

۷۶ (ن) rasan: رسن، ريسان. هندی کهن: raṣanā- (E. 137) ک ۱۰۴-۲۲/۲.

*

۷۷ (ن) rašn: رشن، ایزد رشن. ایزدی است که سنجش خوبی و بدی مردمان

سومین روز درگذشت آنان بر پل چینوت با اوست. این ایزد بیشتر با صفت:

راست و درست یاد شده است. و نیز نام روز هجدهم از هر ماه ایرانی می باشد

ستا: rašnu- عادل (AiWb. 1516) ک ۱۸/۲۲ ۴/۲۳.

۷۸ (ن) rašn, it: رشن ترا، رشن ایزد ترا ک ۱۸/۲۲.

۷۹ (ن) rašn-aštaḍ: رشن اشتاد، دو ایزد رشن (نسک: همین

و اشتاد است و در اینجا منظوری از سقاآیین درون است که باید در یگاه روز چهار

پس از درگذشت اجرا شود و در این آیین شنومن های "رشن" و "اشتاد" توا "ما"

اجرا می شود. (دو درون دیگر "وای و" و "اردافرورد" است) ک ۴/۱۷.

*

۸۰ (ن) tō: LK: هر: تو.

ستا: tūm, tvam- هندی کهن: tvām (AiWb. 661) فارت: tw

(Mīr. Man. II, 69) پاتر: tw (Mīr. Man. III, 62)

ک ۵/۶ ۸/۹ ۲۱/۱۰ ۲۸-۱۴/۱۲ ۳۰-۴-۳-۱/۱۵ ک ۴/۱۸.

ک ۳۰-۲۸-۲۴-۱۷/۲۲.

۸۱ (ن) tō-iz: تونیز، توهم. ک ۳۰/۱۵.

۸۲ (ن) 30: (sīh) (سی)

ستا: θrisat- (Jackson. 106) trisāt-

ک ۲/۱ ۱۰۸-۱۸/۲ ۳/۷ ۲/۱۱ ۵-۴/۱۶ ۵/۱۷ ۶/۲۱.

روح : ravān : روان ، روح .

ستا: urvan- (GNPE.139) فائبر: rw²n (Mir. Man. II, 67)
 پائبر: rw²n (Mir. Man. III, 61) ک ۱۳/۴ ک ۱۶-۴-۱/۸
 ک ۱۰-۲۶/۱۰ ک ۲۹-۷-۴-۲/۱۲ ک ۴۸-۱۲-۴/۱۳ ک ۶/۱۵ ک ۷-۳/۱۷
 ک ۱۰/۲۰ ک ۲/۲۲

کتاب: ravānīg: روانی مربوط به روان. ۱۶-۱/۸۵

کریه ravišn: روش، رفتن. (نک: کرسو و نیز قوسه ۱۱۳۰) ک ۱۲/۴ . ک ۸-۳/۲۵

روباہ : rōbāh: روباہ

ستا : raopiš? ہندی کون : lōpāçá- لڑ Lopāka- (GNPE. 139)
بارتولومہ : raopay- (AiWb. 1496) ۱۰۷/۲۵

رود، رودخانه. rōd: رود، رودخانه.

ہندی کون :- stōtas- روتا :- (GNPE.139)

۴۱/۱۳۵ . ۱۴/۱۹۵

رود قابل کشتی رانی: rōd ī nāyudāg: ۰۴۱/۱۳۵

(4) 62

rūd/rūt: روده، تراشیده، سترده، پاک شده.

”رود بہ ضم اول و سکون ثانی مجهول۔ مرغ و گوسفند یکہ پر و موی او را تمام کنندہ باشندو۔“ آنندراج۔

است. ۴/۴۵: rūd ēstēd: تراشیده شده است. [مویش] سترده شده

دوسرے: 33:33، ک 11/2.

(لويس ۰۳۳ ک ۱۲/۲۹)

(واله : 30-um : ام۳۰) (سام) ۱۶/۲۵ ۱۲/۱۲۵

۹۶ ramag: رَمَه، گله.

فاتر، پاتر : (Kotwal, 166) ۷۳/۲۵ . ۷/۲۲۵

۱۱۳۱۱۳۱۱۳: مز: LMYTWN, tn: abgandan/afgandan: افگندن
ستا: -kan ✓ aiwi+ (GNPE. 24) فاطر: -bgn^۲ (Kotwal.
121). ۱۵/۱۰ کی ۸۶/۲ کی

۱) be afgandan : بهیافکندن. ک ۸۶/۲.
۲) $\text{afgand \bar{e}st\bar{e}d}$: افکنده شده. ک ۷۸/۲.

۱۳/۱۲ ک.افگند: afganēnd: ----, nnd: و
۱۳/۱۲ ک. بیافگند: be afganēnd: و

afganēd: --- -yt: p.m. 6)
 .Y/95 10Y-YY-YP-5/25

afganišn: (اسم مصدر) افگندن . ۲۴/۲۵

لرسو : ravāg : روا

دربارهٔ این واژه: ravāg kunēh: رواگنی، اجرانمایی. ک ۴/۱۵
ستاره: rav ✓ رفتن. (GNPE. 137) ک ۴/۱۵. ک ۲/۱۹.

۱. ravāgtar: رواغتار، قابل اجراء. ک ۲/۱۹.

لر ۱۶: مهر: abāg: LwTH: ابا، با

فاتر: ²b²g (Mir.Man. II, 34)

(۱) حرف اضافه: ک ۱۳/۲-۱۵-۱۶-۱۹-۲۶-۳۷-۵۸-۶۰-۱۰۳-۱۲۲-۲۹/۳

ک ۱۴/۴ ک ۴/۹ ک ۴/۱۰-۱۱-۱۹-۲۸-۳۱ ک ۱۱/۱۲ ک ۹/۱۳ ک ۵/۱۹

(۲) حرف اضافه مؤخر: ک ۱۲۳-۷۸/۲ ک ۳۱/۳ ک ۷/۱۵-۹-۱۲-۱۴-۲۰

ک ۳/۲۰

نوشتار غیر هزوارشی این واژه نوعی است.

لر ۱۷: روز: rōz:

ستا: -raočaḥ: -raucaḥ: -rōcas: روشنایی Kent.

(205) فاطر: rwz (Mir.Man. II, 67) ک ۱۸/۲

لر ۱۸: روز: rōz šabān: روز شبان، شبانروز. ک ۱۸/۲

لر ۱۹: روز: rōzag: روز، روز (نک: واژه بالا) ک ۵/۱۷

لر ۲۰: روزگار: rōzgār: (نک: واژه های بالا) ک ۵/۱۷

لر ۲۱: روزها: rōzagihā: ایام روز، ایام صوم

فاتر: rwzg (Mir.Man. II, 67) ک ۵/۱۲

لر ۲۲: بستر رودخانه: rōstāg:

ستا: -raoḡya (Aiwb. 1496) ک ۱۳/۱۹

لر ۲۳: مهر: L^cyšH: sar:

۱- سر، کله. ک ۷-۶/۸ ک ۴/۱۱ ک ۱/۱۵

لر ۲۴: سر بریدن، اعدام کردن ک ۶/۸

لر ۲۵: سر بریدن، اعدام کنند. ک ۷/۸

(۲) ابتدا، آغاز، اول.

ک ۲/۴ ک ۱۹/۱۲ ک ۱۶/۱۳-۵۰ ک ۲/۱۴ ک ۵/۱۹

لر ۲۶: سر: sar ā sar: سراسر، از اول تا آخر. ک

ستا: -sarah: سر: -čīras- (GNPE. 160)

(Mir.Man. II, 62) sr

در اوستا واژه برای سر حیوانات اهورایی و انسان آنست که در بالا گفته شد و

سر حیوانات اهریمنی واژه: -[ka]-marōda- (Aiwb. 440) به

لر ۲۷: روشن: Rōšan/Rōšn: (نام خاص) روشن، پسر آذر فرنیخ موبد بزرگ و

و مفسر دانای زرتشتی قرن نهم است که کتاب بزرگ ویدودات (وندیداد) را

گزارش کرده است (نک: Kapadia. p. 329) ک ۷-۸۶-۳۹/۲

لر ۲۸: روشن: rōšn: درخشان.

ستا: -raoxšna- از -raok- (Aiwb. 1488) فاطر: n

(Mir.Man. II, 67) ک ۹/۲۲

لر ۲۹: روشنی: rōšnīh: (نک: واژه بالا)

ک ۲۹/۳ ک ۸/۹ ک ۷/۱۲ ک ۱۵/۱۱-۱۲-۱۹-۲۴-۲۹-۳۰

لر ۳۰: روشنی: rōšnīh ī ātaš: فروغ آتش، روشنی

ک ۷/۱۲

لر ۳۱: روشنایی، فروغ. ک ۸/۹

لر ۳۲: روغنی: rōkunīg/rōknīg: روغنی؟

این واژه صفت یا نام نوعی سگ است که "نبوش زدار" است و دقیقاً "معنی و طرز خو

آن روشن نیست، در دیگر متن های مشابه که در این باره بحث کرده اند این واژه

توجیهی تا وادها کرده و حدس زده که شاید منظور سگ کور باشد که درست نیست

سگ کور در بندهای دیگر با روشنی یاد شده است. (نک: *Tavadiā. ŠnŠ.* (p.31 n6. ک ۲/۲.

مر : *amāg/amāh: LNH* : ما

ست : *ahmāka-* هندی کهن: *asmāka-* (Aiwb. 297) فب: *amāxam-* (حالت اضافی) *Kent. 167* *mir.Man. II, 46* ²m'h: *خاتر: ۷/۶ ک ۴/۱۵.*

رōn: سو، جانب، سنج: اورون، وارون، بیرون، اندرون و

رōn: *abāxtar rōn:* روبه باختر، روبه شمال. ک ۷/۱۰.

رōy: روی، چهره، صورت.

ست : *raoḍa-* هندی کهن: *rōha-* (Aiwb. 1495) *خاتر: rwy* (*Mir.Man. II, 67.*) ک ۲۱/۱۲، ک ۱/۱۵، ک ۱۵/۱۹، ک ۵/۲۰.

مر: *nēst: L^cYT* نیست.

ست: *nōiṭṭ.asti* *خاتر: nyst* (*Mir.Man. II, 61*) ک ۲۳-۲۵ و ۲۹ بار دیگر.

مر: *pēš: L^cYN* پیش.

(۱) قید است (زمان یا مکان) ک ۲۷-۷۷، ک ۸۳-۱۹/۳، ک ۳۰-۵/۴، ک ۱۴-۲/۷.
ک ۵/۸، ک ۱۲-۱۳، ک ۳۷-۳۵/۱۰، ک ۲۰/۱۳، ک ۲۷-۳-۱/۱۵، ک ۱/۱۸، ک ۵/۲۰.
(۲) پیشواژه فعلی است. ک ۹/۸، ک ۳۲/۱۰، ک ۵/۱۳، ک ۷/۲۰.

نوشتار غیر هزوارشی آن *پیشواژه* است. (نک: همین واژه)

فب: *patiš* ← *pati+š* (*Kent. 195*) *خاتر: pyš* (*Mir.Man. II, 65.*)

پیشتر: *pēštar:* ک ۷/۱۹.

*

ریختن: *rēxtan:* *ریختن.*

ستار: *raēč* و *račayat-* هندی کهن: *√rēč* *nākti* (GNPE. 141) ک ۵۱/۲.

من نیز (نک:) ک ۱۳/۹.

ریچار: *rēčār:* ریچار، ترشی، مرها؟

"لیچار با ثانی مجهول. بروزن دیدار، به معنی ریچار است که مطلق مرها باشد
عموماً "و مرهایی را که از دوشاب سازند خصوصاً" و آنچه از شیر و دوغ و ماست بپزند
به هر نحو که باشد" برهان. و نیز نک: جهانگیری. (گوتوال: *pēčār*)
ک ۱۲۴/۲، ک ۲/۱۷.

ریخته شود. (نک:) *rēzihēd:* ریخته شود. (نک:)
پاتر: *ryz, ryc* (*Kotwal. 168*) ک ۱۸/۱۲.

ریزش، ریختن. (نک. واژه بالا) ک ۷/۱۰، ک ۱۸/۱۲.
ناید ریختن. ک ۷/۱۰.

ریزد: *rēzēd:* ک ۷/۱۰.

باز ریزد، بریزد. ک ۲۲/۲.

ریزند: *rēzēnd:* ک ۱۴/۲.

هز؟. تاوادی گمان کرده که این واژه هزوارش: *dēvār:* دیوار. باشد
(نک: *Tavadiā. ŠnŠ. p. 39 n.3*) ک ۱۹/۲.

ریدک، بچه، کودک. ک ۲/۱۳.

پسر بچه، پسر جوان. *rēdag i aburnāy:*

ک ۲/۱۳

لعمریه rist: مرده، جسد، لاشه. (نک: لعمریه) ک ۱۹/۱۳، ک ۲/۱۷.

لعمریه rasēd: (۱) رسد (رسیدن به چیزی یا به جایی) ک ۵/۹.

لعمریه nē rasēd: نرسد. ک ۹/۵.

لعمریه be rasēd: برسد. ک ۹/۱۹.

(۲) کامل شود، پخته شود، میوه و دانه برسد ک ۹/۱۹.

فباز: ras- (GNPE. 137) شکل هر وارش آن و ۱۱۳

rasīdan: است. (نک: همین واژه)

لعمریه rasišnih: رسیدن، در معنی سپری شدن، پایان یافتن.
لعمریه rōšnīh frāz rasišnih: روشن شدن، غروب کردن، تاریکی آمدن، روشنی پایان یافتن. ک ۸/۹.

لعمریه rēš: ریش، جراحت.

ستا: raēša- از: raeš: ضرر، خسارت (AiWb. 1486)
هندی کهن: rēš-، rēšat-، rēšāyati- (GNPE. 142)

ک ۴/۱۶

لعمریه rēštagīh: جراحت داشتن، زخمی بودن، بیماری (نک: واژه بالا) ک ۶۴-۶۳/۲.

لعمریه rēšag: ریشه، رشته‌های حاشیه پارچه و در اینجا منظور ریشه‌هایی است که در انتهای کُستی ایجاد می‌شود. ک ۱۱/۴.

لعمریه: pāy: LGLH: هر: پا

ستا: pāda- هندی کهن: (GNPE. 63)

ک ۱/۲، ک ۲/۳، ک ۵/۱۰-۱۲-۲۰، ک ۱۲/۱۲-۱۳-۲۹، ک ۱/۱۵.

لعمریه pay-ē: یک پا. ک ۲۹/۱۲.

لعمریه pāy mēzišnih: برپا آب تاختن، ایستاده شاییدن (نک: کوه سپید) ک ۵/۱۰.

لعمریه: LyLY³: šab: شب (نک: رعد) (

ک ۷۲/۲، ک ۱۳/۴، ک ۱/۷، ک ۷-۴/۱۰، ک ۷/۱۲-۱۱-۱۲-۱۷-۱۸-۱۹.

ک ۴۳/۱۳، ک ۴-۴/۱۷، ک ۸/۲۱.

لعمریه: šab-ē: شبی، یک شب. ک ۴/۱۰.

لعمریه rēman: ریم، نجس، ناپاک، سنج ریم، چرک، کثافت.

ستا از: rae- هندی کهن: rē- (GNPE. 142)
ک ۱۴/۲-۱۵-۱۶ و ۴۸ بار دیگر.

لعمریه rēmanīh: ریمنی، نجاست، ناپاکی، آلودگی.

ک ۱۲/۲-۱۸-۲۲-۳۶-۵۲-۵۷-۵۸-۷۷-۱۲۳، ک ۲/۳-۱۹-۲۲، ک ۲۵-۲۷/۱۲، ک ۲۶/۱۵.

لعمریه: im: LZNH: ام (در امشب، امروز) (این.

فب: ima- هندی کهن: imā- (AiWb. 368) ستا: aēm-

لعمریه: ayam- (Jackson. 120) ک ۱۴/۸، ک ۳۰/۲۲.

لعمریه: imrōz: امروز. ک ۳۱/۲۲.

*

۶. mähmān: مہمان: مهمان، مقیم، ساکن.

ستا: maēθman- از: maēt به معنی ساکن بودن. سا: uthus-

۶. hm²n : پهلوی کتیبه‌ای (Dhābharv Pahlāy. V. Glos.)

(Kotwal. 156.) ک ۱۳-۶-۷-۳۷-۴۱-۲۴/۲۲.

۶. mähmāntar: مہمان تر، جایگزین تر.

ک ۱۳-۶-۱۳. ک ۹-۱/۲۰.

۶. miyān: میان

(۱) وسط، بین، میان. ک ۱۶/۱۰. ک ۲۸/۱۳. ک ۱۱/۲۲.

(۲) کمر، کمرگاه. ک ۱۵/۱۰.

ستا: maiθyāna- (Aīwb. 1116-17) فاطر: my²n. Mir. Man.

(Mir. Man. III, 58) mdy²n: پاتر II, 60.)

۶. miyānag: میانہ، بینابین، وسط. ک ۵/۹.

۶. mähīg: ماهی (برج حوت)

ستا: māsyā- هندی کهن: mātsya- (GNPE. 216-17) فاطر:

m²hyg (Mir. Man. I, 42) پاتر: m²sy²g. ک ۲/۲۱.

۶. mādiyānag: اصلی.

از: māyag: اصل، مایه؟ هندی کهن: maya- (GNPE. 217)

ک ۲۲/۱۲.

۶. mādag: ماده، مو، نث.

(نک: واژه بالا) و مادر نیز از همین اصل است. فاطر: m²yg. (Mir. Man.

II, 59.) نوشتار هزوارشی آن ۱۹۵ (نک: همین واژه) است.

ک ۱۱۰/۲.

۶. m-م ضمیر اول شخص مفرد (حالت غیر فاعلی) مرا-بمن.

سبعه ۶. ku-m: که مرا که بمن. ک ۸/۸. ک ۳۰/۱۵.

۶. dāng: Moژ: دانگ = $\frac{1}{6}$ درهم که برابر با هشت حبه یا هشت جو می باشد.

ک ۲/۱۱. ک ۵-۱/۱۶. نک: ک ۵-۱/۱۶.

۶. mäh: (۱) ماه (یک دوازدهم سال) ک ۱۳/۱۰. ک ۷-۵/۱۲. ک ۹/۱۹.

(۲) ایزد موکل ماه و نام روز دوازدهم هر ماه.

ک ۴/۷. ک ۴/۱۱. ک ۳۱-۸/۱۲. ک ۱۲/۲۲. ک ۲/۲۳.

ستا: māṇh: فاطر، پاتر: m²h: (Kotwal. 156)

۶. mäh, it: ماه ترا، ایزد ماه ترا. ک ۱۲/۲۲.

۶. mäh I xvadāy: ایزد ماه، ماه ایزد. ک ۸/۱۲.

۶. mäh yašt: ماه یشت، ماه نیایش. ک ۳۱/۱۲.

۶. māhgān: ماهیا (نک. واژه بالا)

ک ۱۳/۱۰. ک ۵/۱۷. ک ۸-۷/۲۱.

ابار ماداگ شدان: abar mādag šudan: بر ماده شدن،
(جماع کردن) ک ۱۱۰/۲

ماداغوار: mādagvar: (۱) ماده ور، اصلی، تنه درخت.
(نک: واژه های بالا) ک ۵۷-۲۹-۲۸/۲
(۲) مخصوصاً، بویژه، ک ۲۲/۱۲

مادار: mādar: (نک: مادر)
ماداران: mādarān: ک ۱۱/۱۷

مازان: māzan: عظیم الجثه، مهیب، هیولا، غول پیکر.
مازانان دیوان: māzanān dēvān: دیوهای مهیب، دیوهای عظیم-
الجثه. (نک: Henning, BSOAS XI, 1943.p.54) ست
māzainya- (AīWb. 1169) فاطر: mzn: (Mir.Man.I, 49)
ک ۶/۱۲

مایزد: myazd: میزد، میوه هایی است که در آئین آفرینگان و باج (درون) اهد می شود
و در اینجا منظور آئین باج و درون است. (و نیز نک: مایزد)
ست: myazda- هندی کهن: miyédha- (AīWb. 1191) ک ۲۵/۱۳

مکس: maxš: مکس.
ست: maxšī- هندی کهن: (AīWb. 1112) و نیز نک:
Henning. BSOS. IX. 1, p. 85. ک ۱۴/۹

مکس پار: maxš par: مکس پر، پر مکس.
تشبیهی است که هرمزد خدای، دنیا را کرده از لحاظ بی اعتباری و بی ارزشی و کوتاهی
زندگی آدمی ک ۱۴/۹

مادی: mādi: (AīWb. 1488) rāoyna- (Junker: royn: روغ
چربی.
ست: k ۱۲۴-۳۲/۲

مار: mār: مار.
ست: māra- (Nyberg, 145) و باروچا ص ۳۱۳. این کلمه سانسکریت
معنی میراننده و کشته شده است، بنا بر این با کلمه اوستایی: mairya- به مع
زیانکار و تباه کننده یکی است از ریشه mar اوستایی و پارسی باستان به مع
مردن (پورداود، فرهنگ ایران باستان ج ۱ ص ۱۹۸) ک ۷/۱۷
مارشیا: mār ī šēbāg: مار شیوا. مار پر جیش (و هم
اردا ویرافنامه نک: ریدم) ک ۷/۱۷

مالیش: mālišn: مالش (اسم مصدر ار. مال)
ست: māl: marz: (GNPE. 214) k ۲۴/۲

ماریگ: mārig: هجا، سیلاب (در واژه). ک ۵۰/۱۳

ماهمانی: mahmānih: مهمانی، (نک: مایزد)
ک ۹۵/۲ ک ۲۳-۲۲/۱۵

مان: mān: (۱) مان، ما (ضمیر اول شخص جمع غیر فاعلی)
ک ۱۳/۹ ک ۱۴/۱۲

مان: bē mān: بلکه ما را. ک ۱۳/۹
مان: nē mān: نه ما را (همان جا)

مان: mān: (۲) مان، خانه، جایگاه (سج: خانمان)
ست: nmāna- (AīWb. 1090) با: dāmāna- فاطر: (Mir.m'n: Man. II, 59)
ک ۳۰-۴/۱۰ ک ۵-۳/۹ ک ۱۲/۱۲

۱۱. ک ۱۹/۱۳-۴۷-۴۸. ک ۱/۲۰ ک ۲۴/۲۲-۲۸.

۱۳۶. mān ī ātašān: آتشگاه، آتشکده، خانه آتش.

ک ۵/۹ ک ۱۹/۱۳ ک ۱/۲۰

۱۳۷. mānbad-/bid: مانبد، بزرگ خانواده، رئیس خانه.

ستا: nmānō.paiti (AīWb. 1093) فاطر (Mīr. m'nbyd:

Man. I, 42) ک ۴۲-۱۱/۱۳ ک ۵/۱۹.

۱۳۸. mānbadān: مانبدان. ک ۱۵/۱۳.

۱۳۹. Mahraspand/Māraspand: مارسپند، نام پدر آذرپاد،

مفسر بزرگ و موبد موبدان دوران شاپور دوم ساسانی. (نک: ۱۳۹۰)

۱۴۰. ک ۲۳/۸.

۱۴۱. mānsr: منشر، کلام مقدس.

ستا: maθra- (AīWb. 1179) ک ۲۳/۱۲.

۱۴۲. mānsr pursīdār: پرسنده کلام مقدس،

کسی که کلام مقدس (خداوند) را میداند یا میخواند. ک ۲۳/۱۲.

۱۴۳. mānsraspand: مانسرپند، یا مهرسپند ایزد. ایزد کلام مقدس.

ستا: yazata Maθra. Spānta- ک ۴/۱۱.

۱۴۴. mahraspand: نوشتار دیگری است از واژه بالا و در اینجا منظور

روز ۲۹ هر ماه است و ایزد این روز. ک ۲۹/۲۲ ک ۴/۲۳.

۱۴۵. mahraspand, it: مهراسپند ترا. ک ۲۹/۲۲.

۱۴۶. Manūyšcihr: منوش چهر، منوچهر پادشاه کیانی که از اجداد

آذرپاد مارسپندان هم بوده است (بهار، واژه نامه بندهش).

(در بندهش: ۱۴۷)

ستا: mainyuš: مینو: (AīWb. 1140) ciθra-+ چهر.

(AīWb. 587) ک ۲۸/۱۰.

۱۴۸. māndag: گناه غفلت یا فراموشی؟ ک ۲۹-۲/۱۳.

۱۴۹. māndag garzīdan: اعتراف به گناه.

(ک ۲۹-۲/۱۳)

۱۵۰. zanād:MHYTWN, t: بزند، بزناد کشاد. ک ۲۹-۲/۱۳.

۱۵۱. zad: ... , t: زد، کشت.

(بجای zanēd: آمده است) ک ۲-۱/۲.

۱۵۲. zad: ... , d: زد. ک ۲/۱۶.

۱۵۳. zanēd: ... , yd: زند، کشد.

ک ۲۹/۲۳-۴-۵. ک ۲۹/۲۳. ک ۷/۷. ک ۱۷-۳/۱۰.

۱۵۴. be zanēd: بزند. ک ۱۷/۱۰.

۱۵۵. nē zanēd: نزنند. ک ۲۹/۲۳-۴-۵. ک ۷/۷.

۱۵۶. mahist: مهست. بزرگترین (نک: ۱۵۷) سنج: فاه.

(Mīr. Man. II, 59) ک ۶/۲۰.

۱۵۷. mazdist: مزدیست، مزدیسن، مزداپرست، زرتشتی، بهدی.

ستا: mazdayasna- (AīWb. 1160) پهلوی کتیبه‌ای: dyn.

ک ۴/۱۲.

۱۵۸. mazdistān: مزدیستان، زرتشتیان، بهدینان.

ک ۲۳/۱۲. ک ۲/۱۳.

mad : آمد (نگ: mad) ۱۱۹-۱۰۲-۸۹-۸۸-۱۸-۱۶/۲ کی ۲۲/۳ کی ۷-۵/۱۲ کی ۲۰-۱۲-۹-۲/۱۵ کی
 (۱۱۹-۱۰۲-۸۹-۸۸-۱۸-۱۶/۲ کی ۲۲/۳ کی ۷-۵/۱۲ کی ۲۰-۱۲-۹-۲/۱۵ کی) (۱۱۹-۱۰۲-۸۹-۸۸-۱۸-۱۶/۲ کی ۲۲/۳ کی ۷-۵/۱۲ کی ۲۰-۱۲-۹-۲/۱۵ کی)

۱۱۹-۱۰۲-۸۹-۸۸-۱۸-۱۶/۲۵
۱۲-۹-۷/۱۸

۲۵. ۱۴۱۳/۱۲/۲۵: mad ēstēd: آمده است، رسیده است. ک ۸۸/۲۹-۱۲-۹-۲/۱۵-۸۹.

۲۵-۲۶. ندم: nē mad: نیامده، نیامد. ک ۸۸-۸۹

۲۵-۲۰. نه ماد: ne mad: نه ماد است: ne mad ested: نرسیده است،

نیفتاده است. ک ۱۸/۲

نیفتاده است. ۱۸/۲۰ abar mad: بهیامد، به رسید (به معنی برخورد کرد، تماس پیدا کرد)

کورد ۱۱۹/۲

ده : MT² : deh/dih : ده، دیه، آبادی.

د : dahyu (مینو خرد) ایرانی کهن : dahyu سرزمین، زمین . س : dāsyu- (Kent ۱۹۰)

dāsyu- :L. (Kent. 190.-Aib. 681) dahyu-daiṇhu-

• 4A-4Y/125 . 29/125 . 74/25

ده بد : deh bad , pt + هز : ۳۵۳۶

11/135 (نک: ۳۵)

(نک: ۴۵) ۱۱/۱۳۵
deh badān: (جمع دهد) دهدان حکام، فرمانروایان

15/135

۱۴۶ mihr: مهر، محبت، دوستی. ہندی کہن: mitra-: mitra-: ۱۴۶
(AiWb. 1183) خاتر. پاتر ۱۴۶

mihr: مهر، محبت، دوستی. سندی میں (Kent. 203) miθra-: ستا (Aiwb. 1183) ماطر. پاتر ۱
mihir : L (Min. Man. -)

mihir : 𐭌𐭕𐭕 (Mir. Man. I, 42-III, 58) myhr :

(مینو خرد). ۹/۱۷ ک. ۱۲۶ و ۱۲۵: mihr I dēn: مهر دین، دوستی

محبت دین :

1126 ¹¹ mihr: مهر، نام روز شانزدهم هرماه و نام ایزد نگهبان آن روز و ماه مهر.

۱۱۱) mihr: مهر، نام روز شانزدهم هر ماه و ۲۵ تیر
هر سال (یک: واژه بالا) ۱۶/۲۲ ک ۰۲/۲۳ ۳۱۱۱۲۶
mihr, it:

مهتر، ایزدمهتر ک ۱۶/۲۲.

١١٤٦ : madan : آمدن. ^(۲)

emat, ā + √gam-: a jamiyā, ā + √gam : ایرانی کهن

lan : ٤ (Mir. Man. II, 59) mdn, md: فاطر (GNPE. 11)

(میںو خرد) . ۴/۶ . ۱۹/۱۲ - ۲۱ . ۵/۱۳ . ۴/۱۹ .

زاد ۱۱۲۶: be madan: بیامدن، ک ۱۹/۴.

لیدر راست ۱۱۴۶: rāst be madan: برای راست آمدن، برای درس

شدن . ک ۱۱/۱۳

۶۱۱۳۵ مکه: mihrāndrōz پیمان شکن، ظاهراً "باید واژه باافرايش و"

mihrāndrōzīh: īh: : بهمان شکنی، خلاف شرع رفتار کردن باشد.
(mihr+ān+drōz: نک: هر یک از اجزاء ترکیب)

ست: (Aiwb. 1186) miθrō-drug پاتر : wxtmyhr

. mihirandrūž (مینو خرد) : ۴ Henning, List, 82

• ۱۸/۱۰ ک

56: هر MZ بجای : MG : dāng: پول سیاہ، سکہ خوردی، برابر یک ششم درہ

است. نوشتار غیر هزوارشی آن و واو است. (نک: که در این کتاب).

• ۲۴/۱۰۵

mazga- : ست maǰǰán-: مغز، هندی کهن mazg: ۴۶

(Morgenstierne. 43)māǧz : پشتو (AiWb. 1159)

۱۲۵/۲ک (مینو خرد) mazg :

۵۴ :mih: مه، بزرگ.

asah-, masan-, mas-, maz- : mah : مادی کون

(Kotwał. 156) ms: *هاتر* myh: *هاتر* *AIWb.* 1154-55)

★

ستار: $\sqrt{mao\check{c}}$ سَج. : $pāitišmuxta-$, $paitišmuxtā-$ ۲۵
 (۸۳۷ $AiWb.$) پ : $mō\check{z}a$ (میتوی خورد) این واژه به شکل : ۲۶ و

2

15/55 . 12/45 . 29-9-2/35 1=9-107-106-90-19-11-15-12

★

٤ : mōžā (مینیوی خرد) این واژه به شکل : ١٦ و (AīWb. 837)

1

05/05 13/45 . 29-9-2/25 109-107-106-90-19-11-10-13

mōg: موزه و کفش نیز در دیگر نوشته‌های پهلوی آمده است ک ۱۲/۱۰.

۱۶ mang: منگ، روش، سنت؟ "منگ با اول مفتوح هفت معنی دارد: اول طرز و روش بود. "فرهنگ جهانگیری" ک ۲۲/۸.

۱۶ mōr: مور، مورچه.

ست: maoiri- (GNPE. 222) دروندید ۱۴ بند از دونوع مورچه نام برده می‌شود، در نزد نیاکان ما مورچه از خرفساران و جانوران موزی محسوب می‌شود و کشتن آنها ثواب دارد. (نک: Bailey, BSOAS, XXIV, 1961, p. 476. ک ۳۱/۱۰ ک ۲۰/۱۲).

۱۶ mōr āšyānag: آشیانه مور، لانه مورچه. ک ۳۱/۱۰.

۱۶ mōrčag: مورچه، مور (نک: ۱۶) ک ۹/۷.

۱۶ murdag: مرده.

ایرانی کهن از: amariyatā /mar : /mar mriyātē, fra-mairyeite و هندی کهن نیز از: /mar mriyātē, (GNPE. 218) فائر mwrđg: (Mir. Man. II, 59) ک ۲۳/۱۵.

۱۶ murdagān: مردگان، مرده‌ها ک ۹۵/۲.

۱۶ murdag pus: بچه مرده، نوزادی که مرده به دنیا آید. ک ۲۳/۱۵.

۱۶ mōristān: موریستان، لاندهای مورچگان (نک: ۱۶).

mōr: مور، مورچه (ک ۲۰/۱۲).

۱۶ murv: مرغ (نک: ۱۶ و ۱۰) ک ۹/۱۰.

۱۶ murvag: مرغ (نک: واژه بالا) ک ۵/۲.
۱۶ murvag-iz: مرغ نیز، مرغ هم. ک ۵/۲.

۱۶ MNW: kē: که (کسیکه، چیزی که، آنکه)

مقدمه. ک ۲/۱. ک ۲/۲. ک ۱-۵-۲-۳۰-۳۳-۳۸-۵۳-۶۰-۶۳-۶۹-۷۰-۷۳-۷۴-۷۶-۷۷-۸۰-۸۹-۹۰-۹۵-۹۶-۹۸-۱۰۲-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۷-۱۱۱-۱۱۲-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۳۰-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵

36: هر: MG: مختصر شده: MGG: *dānag/dāng*: "فارسی: دانک نوعی از سکه خرد بوده است که به عربی دانق گفتند. صاحب قاموس آن درم و بعضی دیگر یک هشتم آن دانستند (التقود العربیه ص ۲۶-۲۷) فرهنگ هزارشهای پهلوی با یک چهارم درم (نک: *lia, ŠnŠ.* pp. 15-16) نوشتار پهلوی آن و آمده است (نک: *Mem. p. 7* به مقاله میز) درباره فرهنگ پهلوی (ک ۱۶)

۳۶ : هز : My³ : āb : آب .

iWb. 329) āpi-/āp: ستا (Kent, 168) āp-āpi-: فب
 āpah- apā-: (نوابی، درخت آسوریک. ۱۲۱). فاطر : ²b
 āw: ۴ Man. II, 43. (مینوی خرد) ک ۵/۲-۱۵-۱۲-۱۸-۱۹-۶
 -۹۸-۹۴-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۶۷-۵۱
 -۱۱۸-۱۱۳-۱۱۲ ک ۱۲/۳-۱۳-۲۲-۲۵-۲۸-۳۳ ک ۸/۱۹-۷/۸
 -۲۷-۲۴-۲۱-۱۷/۱۲ ک ۱۶-۳۹ ک ۲/۱۳-۴-۱۴-۲۱ ک ۵/۱۵-۲۵-۲۶
 -۲۹-۲۸ ک ۱۴/۱۹-۵/۲۰

برشوم است (نک: همین) ک ۲۲/۱۲.

آب چاه: āb i čāh: ۸۶/۲

۸۵/۲: āb ī čāh: آب چاه، ک

۶۶ و در *āb ī vāh*: آب وه. و آب وه یشتن، شاید منظور خوا
و اجرای یسنایی است که به *āb zōhr* ختم می شود (نگ: *twal*
ŠnŠ. p. 100 ک ۲/۱۳).

آب ساکن، ک ۷۸/۲. āb ī ēstādag: آب ساکن، ک ۷۸/۲.

myazd: میزد، سفره غذا و میوه و هرنوع خوردنی که به عنوان نذر
ایزدی داده می شود که همراه با "باج" و نیایش های ویژه مذهبی است. (نک: ۴ و ۵)

• 8/105. 4-1/45 109-99-54-35-31-28-22-18-13-12-4-3/25

ušmurēnd: MN YTN, nd: ۱۱۱۲۲۶: ۵۳: شامرد، بشامرد.

٤/١٣ ك (Mir. Man. I, 44-53) šm'r-šmyr فانر:

MDMHN, yh : ظاهرًا؟ تصحیفی است از هزارش ۱۳۶۳۶۱۳۶

sahēh: به نظر آید ، تصور شود

خاتره: sh- (verbum, 171, 8) پ: sih- (مینوی خرد) ک ۸/۱۳.

6216 : هر : tis/čiš: MND M : چیز.

(*Nir. Man.* tys : قاتر (Kent, 184) čiš-čiy : فب

θis: 4 (Mir. Man. III, 53) cyš: 4 II, 69)

(میں نے خود) . ک ۲۲/۳۶-۳۷-۵۷-۷۵ . ک ۲۰-۲۹ . ک ۲/۷۵

-4/135.23-22-1A-10-9/125.3/115.29-27-32-29-23-7/105

- 2-1/185 13-2/175 . 3/165 . 25-20-14-12-9-7-3/155 . 41

·17-16-14-13-12-4-2/205 1/195 .4

۱۳-۱۲/۲۰ ک: Ćiš-iz: هیچ، هیچ چیز (در جمله منفی)

[illegible]

به چیزی نباید داشتن، اهمیت نباید دادن، هیچ باید دانستن. ک ۱۳/۲۰.

4 : θis-iča (مینوی خرد).

۱۳/۱۷ ک. ۳/۱۶ ک. ۳۷/۱۰ ک. ۵۷/۲ ک. چیز: Čiř-ě: ۱-۶۲۱۶

1/195, 4/185

Čiř-iz: هیچ چیز، هیچ. (نک: ۲۶۲۱۶) ۲/۱۷۵-۷۵/۲

1/185

۱۵/۱۹۵ (نک: ۱۶ و) mōyīh: مویی

۱۶ مۆيۈن : möyēn : (چیزی که از موی بافته شده) صفت نسبی است.

۱۹/۱۲ ک

۹-۶ : mēxag? میخک، لباس زیر؟ این واژه در فرهنگ پهلوی (دکتر فره‌وشی)

به معنی لباس تنگ آمده است. تاوادی آن را : mēxak به همین معنی در متن (و در زیر نویس به معنی پوشاک چون روسری و سرپند و کلاه) نک: (Tavadia ŠnŠ. p. 74) پروفیسور وست : mašk? چرم و پوشاک چرمی چون کفش و کلاه (SBE. V) داور، آنرا از میخ و میخی دانسته : (Davar ŠnŠ. p. 23) و "میخی". جبه و خرقة درویشان را گویند. "برهان".

و Dhabhar آنرا تصحیفی از : ۹-۱۳ tagak? دانسته (نک: (Dhabhar: Persian Rivayata. p. 216) که باتوجه به طرز خواندن واژه، هرکس جمله مربوط را به نحوی ترجمه کرده است. اما آنچه می‌توان با تردید (پس از ملاحظه آراء فوق) بیان داشت اینست که واژه احتمالا "معنی" زیرجامه و شلوار کوتاه را میدهد. ک ۵/۳.

۱۴-۶ : miyān: میان، وسط.

ست: maiḍyāna-, maiḍyāna- از : maiḍya- // تین : mediānus (GNPE. 225) mādhya- : (AiWb. 1116-17) هندی کهن از : ۷۸/۲ {Mir. Man. II, 60} my²n فاطر

۱۴-۶ : mēhan: میهن، جایگاه، خانه، مان (در: خانمان، دودمان)

ست: maēθana- (Mir. Man. m²n فاطر: AiWb. 1107) ۲۴/۲۲ ک II, 59)

۱۴-۶ : mēhan i ōhrmazd: جایگاه هرمزد (خدای) عرش، گرزمان. ک ۸/۱۳.

۱۴-۶ : My²yg : āb: (نک: همین واژه) + ig پسوند نسبت : ābīg: آبی، آبی. ک ۱۹/۸.

*

۱۴-۶ : Mēdōgmāh: مدیوماه، نام خاص، یکی از مفسرین و موبدان بزرگ زرتشتی. ک ۲/۱. ک ۱۱-۱۲-۸۹. ک ۵/۵-۶.

۱۴-۶ : mēzišnih: آب ناختن، ادرار کردن. ست. از : maēz - maēzant- هندی کهن : 226 mēhati. NPE. (AiWb. 1108) ک ۵/۱۰.

۹-۶ : mizag: مزه، طعم. ک ۴/۵.

۱۴-۶ : mēzēd: آب نازد، ادرار کند. (نک: ۱۴-۶) ک ۲۰/۱۲. ک ۳۱-۵/۱۰.

۱۴-۶ : mēzēnd: آب نازند، ادرار کنند (نک: واژه بالا) ک ۱۹/۱۳.

۱۴-۶ : myazd: میزد، سفره (نک: ۱۴-۶) ست : myazda- هندی کهن : (GNPE. 226) miyēdha- ک ۱۹/۱۲. ک ۴-۳/۱۸.

۱۴-۶ : mēš mēš ?

"mēš mēš" : بره، میش، گوسفند، پشم گوسفند. "فرهنگ پهلوی دکتر فره‌وشی". ترکیب میش میش را تاوادی : fleece by fleece (نک: Tavadia ŠnŠ. p. 65) ترجمه کرده. پروفیسور گانگا حدس می‌زند که ترکیب : mēh mēh باشد و معنی : mor than one place را بدهد. لکن از متن چنین مفهوم می‌شود. تارهای پشم کنار هم قرار گرفته که بهم بافته شده ولی کاملا "به هم چسبیده نشده باشد" ک ۱۰۰/۲.

۱۴-۶ : abar: QDM : ابر، بر.

۱۴-۶ : upariy: ست : upairi : (Kent. 176) upāri : فاطر:

(۱) بر (حرف اضافه) . ک ۱/۲-۴-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۱۹-۲۱-۲۵-۲۷-۸۷-
 ۹۵-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۱۰-۱۱۸-۱۲۳ ک ۳/۲۷ . ک ۴/۸ . ک ۸/۱۵-۱۳ ک ۱۰/۱۰۰
 ۶-۸-۱۲-۱۵-۱۶-۲۵-۲۹ . ک ۱۱/۴ . ک ۱۲/۴-۷-۱۰-۱۳-۲۲-۲۶-۲۸-۲۹ .
 ک ۱۳/۱۹-۲۱-۳۷ . ک ۱۵/۱۶-۱۷ . ک ۱۶/۶ . ک ۱۷/۴-۱۴ ک ۲۰/۱۷
 (۲) حرف اضافه مؤخر . ک ۲/۷۷-۹۹ . ک ۱۲/۱۷
 (۳) پیشوند فعلی . ک ۲/۵-۱۷-۳۶-۳۷-۸۸-۸۹-۱۱۲-۱۱۹ ک ۳/۲۲-۲۳ .
 ک ۴/۵-۷ . ک ۸/۶ . ک ۹/۱۳ ک ۱۰/۱۰-۱۳-۲۵-۳۲-۳۳ . ک ۱۲/۲-۱۲-۲۳-
 ۲۶ . ک ۱۳/۹-۱۹ . ک ۱۵/۱۲-۱۵-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴ . ک ۱۶/۲-۴ . ک ۱۷/۹ .
 ک ۲۰/۳-۷ .

9۲-6: mayōg: سنگ تطهیر، سکوی که برای غسل و طهارت بر آن نشینند.
ست: my: (نک: D.D. Meherji Rana: Jackson Mem. p. 57)
ک ۱۰/۵

miwa : ۴ mygdg : فاتر (Mir. Man. I, 42) myw : فاتر
(مینو خرد) . ۱۲۳/۲ ک . ۲۶/۵ ک . ۲/۱۷ ک .

(Aiwā. mānas-: مناس / مانس manah-: ستا : manar : مانهار manišn : مانیشن (Verbum, 172, 18) manyšn : مانیشن 1126-33)
ک ۱/۶ . ک ۴/۸ . ک ۵-۴-۳-۲-۱ . ک ۱۲/۱۴-۲۸ . ک ۱۳/۱۹
ک ۷/۲۰ . ک ۳/۱۹

۴. ک/۱۹. ۵/۲۷.
-6 یی یی یی جای : -6 یی یی یی
از روی تفکر، مخلصانه. ک/۸۸.
-6 یی یی یی mēnišnīg: بانیت، باتعلل.

• 71-13-A-0/15

.Man. mynwg: فاتر (AizWb.1140) mainyav- : ستا
 .(II, 61) mainyō (مینو خرد).
 (۱) بهشت، دنیای دیگر (با امور مربوط به آن) ک ۴/۸ . ک ۲۹/۱۰ . ک ۱۲/۱۲
 ک ۸/۱۳ . ک ۴/۱۵ . ک ۱۰/۲۰-۱۳
 (۲) روح، معنی، گوهر. ک ۴/۱۱ . ک ۲۷-۲/۱۵ . ک ۱۴/۱۹ . ک ۹/۲۰
 ۱۴۶ و ۱۵۶ : mēnōg ī āb: مینوی آب، فرشته یا ایزد نگهبان
 آب. ک ۱۴/۱۹
 ۱۴۶ و ۱۵۶ : mēnōgānē: مینوها، ارواح. ک ۴/۱۱

۶-۱۴۰۵: mēnōgīhā: (قید) مینویانه، به شکل غیر مادی، معنوی
۴/۱۳۵

✱

ستا: az, ni+az: بستن، فشار آوردن (AiWb. 632) فاطر: (Mir.Man. I, 43.) ۱۲/۹ک

اس ۹: niyābag: لازم، ضروری.

فاطر: ny'bg (Kotwal. 160)

اس ۹: niyābag ku: لازم است که. ۵/۱۲ک

اس ۹: niyāz: نیاز، فقر، دیون نیاز (نک: اس ۹) ۱۷/۲۲ک

اس ۹: vahār: بهار (فصل بهار)

ستا: -vapri-: هندوی کهن: -vasar* (Mir.Man. I, 38) ۱۳۴۸ فاطر: wh'r. ۲/۱۲ک.

اس ۹: vahrām: بهرام (۱) ایزد بهرام، ایزد نگهبان جنگ و نام روز بهرام. این نام بیشتر همراه صفت "پیروزگر" می آید.

ستا: -vərəθ ragna- (AiWb. 1422) ۲۵/۲۲ک. ۴/۲۳ک. (۲) نام یکی از آتش های مقدس ایران کهن آتش بهرام بوده که تعلق به ارتشت داشته است. ۴۹-۴۶/۲ک. ۹/۷ک

اس ۹: vahnān: بهمان فلان.

فاطر: w'hm'n: پاتر: w'nm'n: نک: (Eley, TPS. 1956, p. 108. ۹-۸/۱۲ک

اس ۹: nāvtāg: ناوتاک، قابل کشتیرانی. صفت برای رودخانه (واژه در

اس ۹ آمده است و کوتوال آن را: rāyudāg خوانده) فاطر: nāvaya- به اضافه tak یا tač به معنی ناختن. (نک: Henning, BSOAS XII, 1948, p. 309. ۴۱/۱۲ک Zaehner, Zurvān, p. 214.)

۱: ud:w: و (حرف عطف) در اغلب کرمها و بخش های کتاب آمده است. فاطر: -uta: utā: (AiWb. 384) فارسی تا قرن چهارم ا یا و و بعدا "و".

اس ۹: nihādag: نهاده، آنچه که برای مصرف در کاری خاص معین می کنند. ۵: فاطر: از نهادن به معنی برجا گذاشتن.

B.N. Dhabhar. (GNPE. 236) ni+ dā: برای توضیح کامل نک. Essays. pp. 132-136. و نیز از همو ترجمه زند خورده اوستا B.N. Dhabhar. Trans. Zand ī Khurtak Avista. p.113)

۶/۹ک

اس ۹: nihātum: نهاتوم، نیکادوم و نیاتوم، کتاب پانزدهم اوستای کهن بوده است. درباره آن نک: Essays on the Sacred Language Writings & Religion of the Parsis. by M. Haug & E.W. West. Bombay 1878. p. 132. ۲۲-۲۲-۲/۱۰ک

۱۶-۱۵/۱۲ک

اس ۹: niyāz: نیاز. ۱۵

۱۳۱۷ vahān: بهانه، سبب، علت.

فایر: (Mir.Man. II, 52) wh²ng. ک ۳۲/۱۰. ک ۲۵/۱۲-۲۶.

۱۳۱۸ nāxun: ناخن.

هندی کهن: nakhā- (GNPE. 228) پاتر (Kotwal, 158) n²xwn.

ک ۲/۱۲-۴-۵۴. ک ۷/۱۲.

۱۳۱۹ niyāyišn: نیایش، دعا، عبادت.

پا: nyāišn (مینو خرد). ک ۱/۲۰۱.

۱۳۲۰ vāz/vāž: واژه، واج، واج، باز، باز، باج. در اصل به معنی سخن، کلمه

(کلام روحانی و مذهبی سخن الهی، دعا) "واج و باج دعاهاى کوتاهى که در مراسم گوناگون و اوقات مختلف زیرلب آهسته ادا مى شود" فرهنگها ک ۶/۳-۷.

۸-۹-۲۱. ک ۲/۴. ک ۱۴/۱۰. ک ۳/۱۲. ک ۱/۱۵.

۱۳۲۱ vāžag: واژه، کلمه. ک ۱۸/۸. ک ۵۰/۱۳.

۱۳۲۲ nāfag: ناف (عضو بدن)

ستا: nāfah- / ایرانی کهن: *nāf- هندی کهن: nābh- فامیل، نژاد
(AīWb. 1062) فایر: (Mir.Man. II, 60) n²f. ک ۱۵/۱۰.

۱۳۲۳ nāvar: ناوَر. نام اولین آئین رسمی مذهبی از دو آئین آغاز موبدی است

که داوطلب موبدی هنگام ورود به جرگه موبدان اجراء میکند. آئین دوم: martab: مرتب نام دارد، و اعتراف و اقرار به گناهان: (patēt i pašēmānih) یکی از بخشهای اصلی برشوم برای این آغاز است (برای توضیح بیشتر نک:

(Kotwal. ŠnŠ. pp. 100-101) ک ۲/۱۳.

۱۳۲۴ vāvarīg: باوری، اعتقادی.

۱۳۲۵ var: اعتقاد از ✓var "اعتقاد داشتن یا پیشوند (upa + ā) upā-
(GNPE. 41.) فایر: w²wrydn باور کردن (Mir.Man. II, 51.) ک ۱۸/۱۰.۱۳۲۶ vāvarīgān: باورِیگان، معتمد (اسم مفعول به معنی اعتماد شده باو)
نک: واژه بالا. ک ۱۸/۱۰.۱۳۲۷ nāzukīh: نازکی، ظرافت. فایر: n²zwg (Mir.Man. II, 60.)
پاتر: (Mir.Man. III, 58) n²zwg. ک ۲۶/۱۲.

۱۳۲۸ naxčīr: نخجیر، شکار.

(در باره اتیمولژی این واژه نک: (Gershevitch, Unvala. Memo- rial volume. p. 91 I). ک ۳/۸.

۱۳۲۹ naxčīrīh: شکار، شکار کردن. ک ۳/۸.

۱۳۳۰ vād: باد.

ستا: vāta- از vā- هندی کهن: vāta- (AīWb. 1409) فایر: w²d: باد.
(Mir.Man. I, 38) پاتر: w²d: (Mir.Man. III, 62) (۱) باد هوا. ک ۱۴/۱۰. ک ۴/۱۳.

(۲) ایزد باد. ایزد موکل روز ۲۲ هرماه و نام آن روز. ک ۴/۱۱. ک ۲۲/۲۲. ک ۳/۲۳.

۱۳۳۱ vād-it: ایزد باد ترا. ک ۲۲/۲۲.

۱۳۳۲ vād ī ardāy: باد ستوده و مقدس.

۱۳۳۳ vādrang: بادرنک (خیار)

ارمنی باستان: varung خیار لیمو (اساس اشتقاق ۲۰۴) شیرازی: بالنگ.
(خیار). ک ۱۲۳/۲.

spānjayra-: وازیشت، آتش وازیشت، آتش ابرها در مقابل

که دیوتندراست.

vāzišta-: هندی کهن: vāhiṣṭha- (AīWb. 1417-

18.) ک ۲۶/۱۲

vāstr: چراگاه، مرتع، علوفه.

vāstra-: (AīWb. 1385) ک ۲۹/۱۲

vāstravaxšān: گوتوال wāstryōšān :

(Kotwal. 179) کشاورزان (نک: واژه زیر) ک ۹/۱۲

vāstryōš: واستریوش، کشاورز.

vāstryōfšuya-: (AīWb. 1416) ک ۵۶/۲

vāsag: خمیازه (فن: bāsak, pāsak, pāšak). گوتوال

ص ۱۷۸ ک ۳۲/۱۲

این واژه (چنانکه گوتوال هم حدس زده) باید شکل نادرست:

āsarvaxšān: باشد به معنی گروه موبدانی که در اجرای

مراسم یسنا دستیار "زوت" بود مانند این واژه را: West خوانده است:

vā-srōdaām: و آنرا واژه اول آیه سوم یسنا ۳۳/۱۱ دانسته که درست

نیست. (نک: SBE. v. p. 358) ک ۹/۱۲

vaxš [ēd]: روید

vax: رو، بروی (رستن گیاهان: Kotwal. p. 178.

ک ۲/۱۲

vahišt: بهشت در اصل به معنی بهترین، نیکوترین است. ستا

vahišta-: هندی کهن: vāhiṣṭha- (1399-1402)

فاتر: whyšt (Mir.Man. II, 52) پاتر: whyšt (Man.

III, 63.) ک ۵-۳-۲/۶ ک ۲۸/۱۲ ک ۲۸-۱۹-۱۳-۸/۱۵

ک ۲۹-۲۲-۱۸-۹/۲۲ ک ۲۵-۲۹-۲۸

pad vahišt-it: در بهشت. ک ۹/۲۲

vahišt ī bāmīg: بهشت بامی، بهشت روشن.

ک ۲۹-۲۲-۱۸/۲۲

vahištōišt: و هشتوايشت [گاه] نام پنجمین گاه

از پنج گاهان زرتشت که شامل های ۵۳ می باشد.

vahištōištī-: (AīWb. 1403) ک ۱۵/۱۲

vāk: ترس، وحشت؟ (گوتوال) بیشتر در متن معنی غم و غصه و اندوه را می

(در فرهنگها با این معانی دیده نشد) ک ۱۳-۱۲/۲۰

vārān: باران.

vār-: vāra- (AīWb. 1410) هندی کهن: vār-:

فاتر: wār (GNPE. 36.) (Mir.Man. I, 38) پاتر: r:

vāran: (Mir.Man. III, 62.) پ: (مینو خرد) ک ۰-۹/۲

ک ۲۸/۳ ک ۱۸/۱۰

vārēd: بارد، (نک: واژه بالا) ک ۹۴/۲

nāmčišt: بویژه، بخصوص، مخصوصا

√kaēš: یا: nām + √caēš نام: spadia Pahl.

Y. & vis. Glos. p. 170 و نیز نک: JRAS

namčišt: (مینوی خرد) مقدمه. ک ۱/۱

ک ۱۱۶/۲ ک ۸/۸ ک ۳۰/۱۰

nāmčištīg: ویژه، مخصوص (نک: واژه بالا)

۱۱۶/۲ ک ۰۸/۸ ک ۰۵/۱۱ ک

۳۷۹: nāmgēnīh: نامگانی، یاد بود، بزرگداشت.

۳۸۰: nāma. āyairyat (AiWb. 1062-63)? راجع به این ترم
Dhabhar. Essays. vol. I.p.118 نک:

۳۸۱: vuhuxšatr: و هوشتر.

و هوشترگاه، نام یسنای ۵۱ می باشد که دارای ۲۲ بند است.

۳۸۲: vahu. xšaθrā- (AiWb. 1832) ک ۰۵۱/۱۳

۳۸۳: vuhuxšatr-gah: و هوشترگاه (نک: واژه بالا)

۰۲۷-۱۵/۱۳ ک

۳۸۴: nihuft: نهفت، پوشید، نهان کرد، نهفته، پوشیده، مخفی، هرن این

واژه را از *ni + √gōp و هندی کهن √gōp می داند (نک: GNPE.

p. 236. (p. 236. nhwpt و nhwmb- (Verbum, 200, 7, 4).

۳۸۵: nahunbat: (مینوی خرد) ۳۸۶: nihuft ēstēd:

نهفته شود، پوشیده شود. ک ۰۷/۴

۳۸۷: nihuftaq: نهفته، مخفی، پنهان. (نک: واژه بالا) ک ۰۹/۲

۳۸۸: nax^vist: نخست.

۳۸۹: nxwšt (Mir. Man. II, 61) nxwstyn, nxwst: پاتر:

(Mir. Man. III, 59) ک ۰۳۸/۲ ک ۰۱۴-۱۱/۱۷

۳۹۰: nuhum: نهم

۳۹۱: navama- هندی کهن: navamā- (AiWb. 1045) پاتر:

۳۹۲: nahum (Man. Stud. 98) پ: (مینو خرد) ک ۰۱۴/۳

۳۹۳: vuhuman: بهمن، ایزد نگهبان حیوانات مفید.

۳۹۴: vohu. mana-: امشاسپند نگهبان گله. (ŠnŠ. 181) kōtwāl

ک ۰۴/۱۳ ک ۰۳/۱۵-۵-۶ ک ۰۲/۲۲ ک ۰۱/۲۲

۳۹۵: vuhuman-it: بهمن ترا ک ۰۲/۲۲

۳۹۶: vuhuman murvag: بهمن مرغ (جغد) که یکی از پرندگان اهورایی

است. (برای جز اول نک واژه بالا و برای جز دوم نک ۳۹۷ و ۳۹۸)

"اورمزد به افزونی مرغی بیافریده است که او را اشوزشت خوانند و بهمن مرغ نیز

خوانند، کوف نیز خوانند" صد در نشر، دایره ص ۱۴ ک ۰۹/۱۰

۳۹۹: vuhunzag: و هونزگ [سگ] سگی که به دنبال خون میرود، سگ لاشه-

خوار، سگی که اجساد را میخورد (Modi Memorial volume. p.29)

و نیز نک: روایات فارسی ج ۱ ص ۱۱۲ ک ۰۲/۲

۴۰۰: vāng: بانگ، آواز (آواز خروس)

۴۰۱: w²ng (Mir. Man. II, 51) ک ۰۳۰/۱۰

۴۰۲: vāng kardan: بانگ کردن، خواندن خروس.

ک ۰۳۰/۱۰

۴۰۳: vānīdār: پیروزگر، غلبه کننده.

۴۰۴: w²n- پیروشدن، غلبه کردن. (Mir. Man. II, 51)

ک ۰۱۷/۲۲

۴۰۵: vāy: وای ایزد، "ایزدی که پس از مرگ به استقبال نیکوکاران آید" (دکترتفضلی،

مینوی خرد، واژه نامه). اصلاً "به معنی باد و نسیم است. در متون گوناگون پهلوی

مترادف با rām: رام [ایزد] بکار رفته است (نک: ۴۰۶ و ۴۰۷) ستا:

۴۰۸: vayu- (AiWb. 1357) ک ۰۴/۱۱

۴۰۹: vāy ī vēh: وای وه، (نسیم خوش). در روایات

nāyvēh: آمده که منظور همان رام ایزد است و در روز سوم درگذشت زرتشتیان در اوشهین گاه به احترام این ایزد شنومن رام برگزار می شود که در این شنومن موبد درون دوگانه یا آئین باج را اجرا می کند که با واژه های *vayaoš uparō*. *spantō*. *mainyaom* آغاز و به *kairyehe* خاتمه می پذیرد.
(نک: *Kotwal. ŠnŠ. p. 179* ک ۴/۱۷)
ایزد وای: *vāy yazad:* وای ایزد، رام. ک ۴/۱۱

naxēziq: نخیز، فرومایه، فقیر، تنگدست، بیچاره. "نخیز" با اول مفتوح و ثانی مکسور و پای مجهول و زای منقوطه، سه معنی دارد، اول فرومایه و کمین باشد، حکیم ناصر خسرو فرماید: "جان پرمایه همی چون بفروشی به نخیز چیز پرمایه همان به که به ارزن ندهی." فرهنگ جهانگیری ک ۱/۴

vahištōišt: و هیشتاویشت [گاه] پنجمین گاه از پنج گاه زرتشت که دارای ۹ بند است و با واژه های *wahištā ištīš* آغاز می شود و به نام همین واژه های آغازین نام گذاری شده است.
ستا: *vahištōištī-* ک ۴۱/۱۲-۵۱

vahīg: (۱) بز، بزغاله.
فانر: *whyg* (نک: *Tavastia, ŠnŠ. p. 129* و *Henning JRAS, 1942, p. 203.* ک ۹/۱۰)
(۲) برج جدی (نام برج دهم هر سال) ک ۲/۲۱-۸-۷

nāyrīg: (۱) زن [پارسا] عقیقه.
ستا: *nāirī-* هندی کهن: *nārī-* (نک: *AiWb. 1065*) *nāirīk*:
(مینیوی خرد) ک ۴۱/۱۳-۵/۲۲-۵/۱۵-۲۰
(۲) همسر، زن (شوهر دار پارسا) ک ۳۰/۱۲-۴۴/۱۳
ایزد وای: *nāyrīg, it:* زن پارسایت. ک ۵/۲۲
ایزد وای: *nāyrīg zan:* زن عقیقه، زن نجیب. ک ۵/۲۲

griftan: ^CHDWN, *tn:* هر: **griftan:** گرفتن (مصدر) بن مضارع آن: *Ir* گیر، بگیر. ستار: *grab:* قب *grab:* (Kent. 183) فانر *gryft*: *gryftn* (Mir.Man. III, 55).
giriftan: (مینیوی خرد) ک ۱۵/۱۰-۲/۱۵
gīrād: بگیرد، بگیرد (نگهداراد، حفظ کناد) ک ۱۲/۱۳

grift: (۱) گرفت. ک ۲/۱۶
(۲) گرفته (پیوسته، مربوط)

nē frift ēstēd: گرفته نیست، پیوسته نیست یا پیوسته نباشد. ک ۱۶/۲

(۳) گرفت (پوشید، پوشیده، جامه پوشیده) ک ۲/۳

(۴) گرفت (آغاز کرد شروع کرد) ک ۴-۵-۶/۱۴

gīrēm: بگیرم، بگیرم
be gīrēm: بگیرم ک ۱/۱۵

gīrišn: *šn:* هر: **gīrišn:** (اسم مصدر) گرفتن. ک ۲۱/۳-۹/۴
لند: **nē gīrišn:** نباید گرفتن. ک ۹/۴

gīrēd: (۱) گیرد، بگیرد ک ۱۰/۲
ک ۲۰/۱۲

abāz ō gīrēd: بازگیرد ک ۲۰/۱۲
(۲) گیرد، انگارد. ک ۵/۲۱

gīrēd: (۱) گیرد ک ۱۲/۳
(۲) پوشد، بیوشد ک ۱/۳-۱۳/۱۰

kard: ^CBYDWN, *t:* هر: **kard:** کرد.

ستار: **kar:** قب *kar:* هندی کهن: *ākar:* (AiWb. 444-7) فانر **kyrd:** (Mir.Man. II, 57) *kyrdan:* پاتر (Mir.Man. III, 57) **kard:** (مینیوی خرد) ک ۱۱۶-۱۱۷-۲۵/۱۲

نوشتار هزارشی آن: ۱۱۳۵۱۱ YKTYBWN: است. قف: -pišta
(*AiWb.* 1083) فائر، پائر: nbys-, nbyšt
(*mir. Man.* II, 60 & III, 58.) ک ۲۶/۱۲ ک ۳۷/۱۳ ک ۲۱ پایان نوشت اول و دوم

۱۰۸ : هر : NPŠH : x^veš̃ : خویش.
 ستا : x^vaēpaiθya- فب : vai+*patia uvaipasiṣiva-
 (Kent. 177) xwyš̃, xwybš̃ : فاتر (Mir.Man.II, 58)
 پاتر : wxýbyh (Mir.Man.III, 63) ٤ : x^veš̃ : (مینوی خرد).
 ک ۷۰-۶۹-۳۷-۲۶-۱۵/۲ . ک ۱/۶ . ک ۷-۶-۳/۷ . ک ۱۱/۸-۱۲-۱۸-۲۲ . ک
 ۲۳-۲۲/۱۵ . ک ۴-۱۱/۱۱ . ک ۳۱-۲۵-۱۶/۱۵/۱۲ . ک ۴۴-۳۵-۲۹/۱۳ . ک ۱۵/
 ۱-۴-۱۱-۱۳-۱۹-۲۴-۲۹-۳۵ . ک ۵/۱۷ . ک ۴/۱۸ . ک ۱۳-۷/۲۵ . ک ۲۱/
 پامان نوشت ۲ .

... x^veših: خوشی. ک ۱۵/۶. ک ۱۸/۴.

۱۳۱۵۷۷۱ : هر: tn:.....: x^vēštan: خویشتن . ک ۱۱/۸-۱۲ . ک ۷/۲۰

البريد : هز : Obast:NPLWNst : افتاد .

پارتی: nplt عبری: nāpal / کدی: nāpātu دریدن، منهدم کردن،
فارسی در تداول عوام نغله، نغله شدن، نغله کردن؟ (مشکور، فرهنگ هزارشهای
پهلوی ص ۴۱) ۲۳/۲۴-۲۴.

۱۱۱۱۱۱۱۱ : هر : tñ:.....: obastan: افتادن (نک: واژه بالا)
۲۹-۲۷-۲۵-۲۴/۲۵

*
۱۳۳۵ ویدآکس: vidāxtag: گداخته.

wdxtn, wdc- : پاتر (AiWb. 1438) vī taxti- : ست
 ۱۹-۱۶-۱۵-۱۴/۱۵ ک (Mir. Man. III, 63.)

8/155

اسماء و اسماء: kard bavēd: کرده باشد. ک ۸/۱۵

کارد استد: کرد و شد است. ک ۱۱۶/۲-۱۱۷

• 25/125

اسماء : مهر : m: BYDWN, kunēm: کنم. ک ۸/۸.

اسماء و صفت : هر : kunihed: CBYDWN, yhyd کرده شود ک ۲/۲۰

اسماء: kunišn....., šn: کنش (اسم مصدر از کن) کردن.

۰۵/۱۷ک . ۲۴-۲/۱۲ک . ۰۵/۱۰ک . ۲۲/۸ک

اسماء/ اسماء: kunēnd: CBYDWN, ed: کنند.

-24/105 10/125 .5/95 16-13-Y-0-4-1/85 .Y-6/75 .44/25

10/17.5 . 30

کند: kunēd:yt: ۱۵۱۴

19/85 . 2/65 . 4-6/85 . 20-13/35 . 60-59-55-37-33-11/25

۳/۱۴۵. ۱۹/۱۳۵. ۳۱-۱۶-۱۵/۱۲۵. ۳۰-۲۶-۲۴-۲۳-۲۲-۱۹-۱۸/۱۰۵

14-9/195. 1-7-3/195. 27-26-25-20-18-15-10-9-8-7-6/195

· 3-2-1/205

کنید: kunēh/kunēd: .. یه: یه

"گاهی فعل دوم شخص جمع به: $e(h)$ ختم می‌شود" (راستارگویا، دستور

زبان فارسی میانه ص ۱۳۹ ک ۴۵-۶۱ ک ۱۲/۳ ک ۱/۶-۲ ک ۱/۸ ک

۱۲-۱۲/۱۹۵ ۱۲-۴/۱۵۵. ۲۸-۱۹/۱۳۵. ۳۱-۲۶-۱۳-۳/۱۲۵. ۵-۲/۱۰

★

nibišt: nibēs : نوشت، نوشت (بن ماضی، مضارع آن نویس

۶۱۳۲۱: vadtum: بدترین.

vad: بد / ارمنی: vat: vat (مینوی خرد) شکل هزوارشی آن vad (نک. همین) + tum نشانه صفت عالی. (نک: (۱۴/۲۰

۶۱۳۲۲: vidast: بدست، وجب.

ستا: vi. tastay- (AīWb. 1440) vitastay- فارسی نو: بدست. نبودار تصرف تو برون یک بدست از زمین ملک و ملک (سوزنی سمرقندی).
۱۱۸/۲۵

۶۱۳۲۳: vidaštan: گذشتن، عبور کردن.

ایرانی کهن: viyatarayāma, vi+√tar: ستا: vītarātō
هندی کهن: vitirati, vi+√tar: (GNPE. 199) فائر: wdyr
زبور پهلوی: wtlty, wtyl: (Verbum, 206) vadīrīt: (مینو خرد). ۱۶/۱۰۶۱۳۲۴: vad[ti]ar: بدتر (نک: (۱۳/۱۳) شکل هزوارشی آن vad[ti]ar
فائر: wtr پهلوی کتبیطای: (Kotwal. 178) wtly و نیز نک. ۶۱۳۲۱
۷/۶

۶۱۳۲۵: vad[ti]arān: بدتران، بدترها (نک: واژه بالا) ۲۶-۱۰-۷/۱۵

۶۱۳۲۶: vidardag: گذشته (مرد، درگذشته) نک: ۱۱۳۲۱

۱۱-۶/۱۰

۶۱۳۲۷: vidardagān: [در] گذشتگان، مردگان. ۶/۱۰

۶۱۳۲۸: va[di]tar dād: بدتر آفریده، بدخلقت ۷/۶

۶۱۳۲۹: pāyād: NTLWN, t: پاید، دوام کناد، بیاید.

۶۱۳۳۰: pāy- (Kotwal. 164) پائر: ۲۳/۹/۲۲

۶۱۳۳۱: pāyišn:....., šn: (۱) پادن، پائیدن، منتظر شدن، ماندن
۸۴/۲۵

(۲) طی شدن، گذشتن. ۱۷/۲ طی کردن، گذرانیدن. ۱۸/۳

۶۱۳۳۲: pāyēm:....., m: پایم، بینم، ملاحظه کنم. ۲۶/۱۰

۶۱۳۳۳: pāyēnd:....., nd: پایند منتظر شوند ۱۲/۹

۶۱۳۳۴: vidīrān: گذران، فانی، میرا

۶۱۳۳۵: vidīrān vabēd: درگذرد، بمیرد. ۱۴/۴

۶۱۳۳۶: vidīrēd: درگذرد بمیرد، فوت کند.

۲۸/۲۵. ۲/۶. ۲-۲/۹. ۴۰/۱۰. ۴-۴/۱۲. ۱۴/۱۹

*

۶۱۳۳۷: vizārd: گزارد بجا آورد (و. پرداخت، ادا کرد در مورد کفاره و تاوان و جریمه گناه) ۲۷/۱۵. ۲۰-۱۹-۱۶-۱۵/۸

۶۱۳۳۸: vizārd ēstēd: بجا نیاورده است. ۲۷/۱۵

۶۱۳۳۹: vizārd bavēd: بجا آورده باشد ادا کرده باشد
۲۰-۱۹/۸

۶۱۳۴۰: vizārdan: گزاردن، بجا آوردن، ادا کردن. ۱۳/۸

۶۱۳۴۱: vizārišn: گزارش (گذاشتن) بجا آوردن، ادا کردن.

۶۱۳۴۲: wyc³ryšn (Verbum, 172) guzārišn: (مینو خرد) فائر
۲۱/۲. ۱/۸

۲۸-۲۷-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۰-۸-۷-۶-۵-۴/۱۳ p. 176.
۳/۱۴ . ۵۱-۵۰-۴۲-۴۱-۳۴-۳۳-۳۱-۳۰-۲۹
۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ : vačadast drahnāy : به درازای یک پند شعر، به
بلندی یک وجدست . ۳/۱۴ .

۱۹۱ vičēr: (گوتوال wizīr: ص ۱۸۱) وچر، فتوی، حکم
 ۴ vazar: (مینوی خرد) فارسی: وچر، وچر (فرهنگها) ۴/۱۲ ک. ۲/۱۴ ک.
 ۵ ۹/۱۷ ک

۴۴۱: vizinišnih: گزینش کردن، انتخاب کردن.
(نک: ۴۴۱ و ۴۴۲) ک ۱۰/۲۷.

۱۳۹۱: vizInēnd: گزینند، انتخاب کنند. ک ۲۲/۱۲-۲۴.

نیزار، ناتوان، ضعیف. nizār: نزار

پاتر: nyz^2wr سعدی : nyz^2wr فارسی میانه: $nyzwr$ (Mir. Man. III, 59). ۶۲/۲۵

۱۳۱۱۳ : هر : ^cZLWN, šudan: شدن, رفتن.

۴ : sudan (میںوی خرد) . ک ۹۱/۲ . ک ۱۳/۹

سُود: sud: شد، شده، رفت، رفته. ک ۲۴-۸۹. ک ۱۰۵.

۴/۱۸۵ . سځاوي ۳۱۶۲ : šud hēnd : شدد ، رفتند .

راید اکلام به اقامت: be šud estēd: از بین رفته است.

۹۱/۲ ک. روم، شوم، šavēm: ^cZLWN, m: ۸۹/۲ ک. ۱۲۱-۶

ک ۱/۱۸. لک ۱۲۶: nē šavēm: نشوم نروم. ک ۱/۱۸

—51-32-12-1/25: sāvēd: ^CZLWN, yt: رود، شود

105.4-1/85.32-27-22/35 110-91-90-78-72-57-56-54-52-

-12-10-9-8-7-6-5-4-3/195 . 27/105 . 29/135 . 31-5/125 . 2/

۰۲۳-۱۹-۱۶-۱۳/۸ ک vizārē(h) گزارد، بجا آورد
۱۶-۱۳/۸ ک nē vizārē(h) بجا نیاورد، نگزارد.

۲/۱۹۰: vizārēd: گزارد، بجا آورد، انجام دهد. ک
۲/۲۹۰: kār i vizārēd: کاری انجام دهد. ک

۱۰/۱۵ک ۱۰۹/۲ک : vačag/vaččag: بچه، طفل، کودکی. 9۴۱

۱) د/ا/د : vuzurg: بزرگ.
فب : -vazraka از : *vazra- ست : -vazra : L ?vájra
(Kent. 207) فتر : wzrg (Mir.Man. 11, 52) پو، کتیقای :
(Kotwal. 181) wzrk n, wckk²n شکل هزارشی آن کرد است.
ک ۲۸/۷۸. ک ۱۰۵/۲۷.

کتاب: *vuzurg vizīnišnih*: بزرگ گزینشی، بهترین انتخاب؟ ک ۲۷/۱۰

nizəd? چید، قرارداد، انباشته کرد، دسته کرد. (تاوادی) : nizəd
 نک. (Tavadiā. ŠnŠ. p. 66) ۱۰۲/۲
 nizəd ēstəd: چیده شده است. قرارداد داده شده است. ۱۰۲/۲

vizidār: گزیننده، تمیز دهنده، بصیر
 vizidārtar: بصیرتر، گزیدارتر، تمیز دهنده تر.

1/225

۱. **vačadast**: آوانویسی است از واژه اوستایی **vačastašti** :
 که مرکب است از دو جز: **vačaph-** به معنی گفتار، سخن و واژه از **√vah**:
 و **tašt** از **√taš** به معنی بریدن، تراشیدن و روبهم به معنی یک بندشور
 (نک: پورداود، پستاج ۱ ص ۲۹ و همو و سپهر ص ۵۵ و نیز: *Kotwal ŠnŠ.*)

۱۳ ک ۱/۲۰-۲

اکو $\text{šavād:}^{\text{C}}\text{ZLWN,}^{\text{d}}\text{t:}$ شواد، بشود ک ۲۲/۲۰اکو $\text{šavēnd:}^{\text{C}}\text{ZLWN, nd:}$ شوند، روند ک ۹/۱۲ ک ۵/۱۰اکو $\text{šavišn:}^{\text{C}}\text{ZLWN, šn:}$ شدن، رفتن ک ۱۱-۸/۱۷

ک ۹۰/۲ ک ۲۱/۱۲ ک ۱/۲۰

اکو vazaḡ: وزغ، قورباغه (جانور مودی آیزی که در شریعت زرتشت کشتن آن خوب است) vazaḡa- (AīWb. 1389) ک ۱۹/۸اکو nazd: نزد، پیش. nazdyō : nazdyah- * هندی کهن: nēdiyah- (AīWb. 1061) ک ۵/۶۱۰ اکو nazdist: نزدیک ترین.ستا: nazdišta- هندی کهن: nēdistha (AīWb. 1061)فاتر: nazdik: nazdik (مینوی خرد) ک ۵/۱۲اکو nazdik: نزدیک (نک: دو واژه بالا) ک ۸۵/۲ ک ۴/۱۸اکو nazdiktar: نزدیکتر. ک ۲۰/۱۲اکو nazdik šud: نزدیک شد (همخواهی کرد) ک ۱۵

ک ۴/۱۸۷

*

اکو $\text{vēzišn: NBY}^{\text{d}}\text{WN, šn:}$ هز: vēzišn: بهیزش، بیختن، جدا کردن. اسممصدر از bēz: ماضی آن bēxt: (vēč: vākti, vākti) هندی کهن از- vivēkti- (GNPE. 57) فن: بهیز ویز (سج: پرویزن) ک ۹۲/۲۲۰ اکو / اکو nasāy/nasā: (۱) جسد، لاشه، مرده، نجس.ستا: nasu- (AīWb. 1057) فاطر: ns^{h} (Mir. Man. I, 43)پاتر: ns^{w} (Mir. Man. III, 58) nasāe: (مینوی خرد)

ک ۶۹-۶۸-۶۵-۶۲-۶۰-۴۵-۴۰-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۲-۳۰-۱۶-۱۱-۸-۶/۲

ک ۲-۱۰۲-۱۰۰-۹۵-۹۴-۹۲-۹۱-۸۶-۸۵-۸۲-۸۰-۷۹-۷۷-۷۶-۷۴-۷۳-۷۲

ک ۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۹-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۳ ک ۱۵/۱۰ ک ۳۳-۳۲-۱۲-۱۰

ک ۱۹ ک ۲۶/۱۵ ک ۱۵/۲۰

اکو nasāy nigānīh: دفن جسد که در شریعت زرتشت

گناهی رشت بشمار آمده. ک ۹/۲

اکو $\text{nasāy x}^{\text{v}}\text{wardan:}$ نساخوردن، مردار خوار کردنک ۱۱۱/۲ اکو nasāy ī sag dīd: (سینه) دید

جسدی که نسبت به آن مراسم سگ دید اجرا شده. ک ۷۱-۶۹-۶۳/۲

(۲) nasāy: زنی که بچه سقط کرده یا بچه مرده از او به دنیا آمده. ک ۲/۲

ک ۹ ک ۱۵-۲۲-۲۳-۲۴-۲۰/۱۰ ک ۱۲/۱۲

اکو visp: همه، تمام.ستا: vīspa- هندی کهن: vīśva- (AīWb. 1460-63) فاطرک ۱۳ vispān: همگان، همه. ک ۳۰/۲۲اکو visbad/visbed: ویسبد، رئیس قبیله، دهدد.ک ۱۳ vis: (ده، قبیله، آبادی) vīs. paiti- هندی کهنک ۱۳ vispātay-: (AīWb. 1463) فاطر: wysbyd: (Mir. Man. I, 38)

ک ۵/۱۹ ک ۴۴-۱۱/۱۳

اکو vistard: گسترده، گسترده.شکل کهن آن باید: star: vi + باشد (نک: GNPE. 205 و نیز اساس

اشتقاق ص ۲۷۸) ک ۲/۲

اکو vistard ēstēd: گسترده است. ک ۲/۳اکو vistarg: (۱) بستر، زیرانداز، رختخواب (نک: واژه بالا)

ک ۱۲/۲-۹۵ ک ۱۳/۳ ک ۱۴/۱۷

(۲) جامه، لباس. ک ۲۲/۲-۵۳-۸۳-۹۷-۹۹ ک ۱/۳ ک ۴/۴ ک ۱/۱۵

(۳) کفن؟ یا جامه‌ای که بر مرده پوشند. ک ۴۰/۱۰ ک ۴/۱۲

۴۳۳۳: vissadēn: بُسَدین، "بسد، بهضم اول و فتح ثانی مشدد مرجان را گویند

و آنرا حجر شجری نیز خوانند و بعضی بهخ مرجان را گفتفاند که اصل مرجان باشد"

برهان. از گوهرهای زینتی است. + ēn پسوند نسبت رو بهم یعنی آنچه از بسد

ساخته شده. ک ۱۱۶/۲

۹۱۱/۹: nask: نسک، نام هر جزوا از ۲۱ جزواوستا است.

ست: naska- (AiWb. 1060) ک ۲۲-۲۱-۳/۱۰ ک ۱۱/۱۲

۹۱۱/۱۰: nask ī spand: سپند نسک. (نام یکی از کتابهای اوستا)

ک ۱۱/۱۲

۹۱۱/۹: nasāg: بجای: (نک. همین واژه) ک ۹/۳

۹۱۱/۹: sēnizag: سینه خواننده

است (نک: Kotwal. ŠnŠ. p. 23 ک ۴/۱۱)

۹۱۱/۹: nasrōšt: نسروشت، دیومرگ. ک ۳۲/۱۰

۹۱۱/۹: nasuš: نوشتار اوستایی: نسا: لاشه و مردار است.

(نک: دیومرگ را میدهد ک ۱/۲-۱-۲-۳-۴)

۵. ک ۷/۷. ک ۴/۲۰

*

۹۱۱/۹: višād dvārišnīh: گشاده کستی راه رفتن

بدون کستی رفتن. višād گشاد، گشاده، باز کرده + dvārišnīh

dvārišnīh: راه رفتن اهریمنی (نک: همین واژه) گشاد دوارشی یا دوارشی

کستی راه رفتن در شریعت زرتشت گناه شمرده شده و چنین کسی را بادافراه گران باشد
ک ۸/۴-۹-۱۰

۹۱۱/۹: višādagīh: گشادگی (گشاه کستی بودن) نک: واژه بالا
ک ۶/۴

۹۱۱/۹: vašt: گشت، تغییر کرد هندی کهن از: vartatē √vart

ستار: √varət (AiWb. 1368) پاتر: gšt: (Mir.Man.

III, 55). ک ۱۹/۳

۹۱۱/۹: vištāsp: گشتاسب پادشاه کیانی و حامی زرتشت. ک ۴/۱۱

۹۱۱/۹: vaštagīh: گشتگی. (تغییر و تبدیل، تغییر شکل دادن، فساد

پیدا کردن؟ تباہ شدن؟) نک: (Tavadiā ŠnŠ. p. 144. n.

ک ۳۴/۱۰)

۹۱۱/۹: x^vardān: خوردن. x^vardān: CŠTH, tñ: هر

ستار: x^var √ خوردن (AiWb. 1865) پاتر: xwrd, xwrdn

xwr- (Mir.Man. I, 42) پاتر: xwrd (Mir.Man.

III, 63) ک ۸/۹. ک ۱/۱۷

۹۱۱/۹: x^varē: خوری، بخوری. ک ۸/۹

۹۱۱/۹: x^varād: بخوراد، خورد. ک ۸/۹

۹۱۱/۹: x^vard: خورد، نوشید. ک ۷۳/۲-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱. ک ۱/۱۲

۹۱۱/۹: x^vard bāvēd: خورده بود. خورده

باشد. ک ۱۰۹/۲. ۹۱۱/۹: x^vard ēstēd: خورده

است. ک ۷۳/۲-۱۰۹-۱۱۰. ۹۱۱/۹: x^varēd: خورد، بخورد

ک ۸/۹. ک ۲۵/۱۵

vol. p. 58. ک ۱۵/۸

۹) د: هر: mādag: NKB: ماده، مؤنث.

فاتر: m²yg (Mir. Man. I, 42) فارسی عامیانه، مایه (ماده) ک ۳۰/۱۰

ک ۱۴/۱۲

۵) اول: nigīrišn: (۱) توجه، دقت. پ: nigīrišn (مینوی خرد)

ک ۲۱/۱۰-۳۵. ک ۳/۱۴. ک ۱۷/۲۰

اول: nigīrišn mānag: بیننده سان، آزماینده سان.

ک ۳۵/۱۰. (۲) نگرش، نگریستن، نگاه کردن. ک ۹۸/۲. ک ۲۹/۳. ک ۳۳/۱۰-

۳۷-۳۵. پ: x^varšēd nigīrišn: آفتاب رو

جائیکه آفتاب بتابد. ک ۹۸/۲. اول: nigīrišntar: قابل دیدن

تر، نمایان تر. ک ۳۳/۱۰

اول: nigīrišnīg: (۱) آشکارا، قابل رؤیت، نمایان. ک ۲/۱۴.

(۲) متوجه، دقیق، معتمد. ک ۳/۱۴.

اول: nigīrišnīgtar: دقیق تر، با توجه تر. ک ۲۴/۱۲.

*

۱) (۱) var: ور، پرده، پوشش. ک ۱۱/۲

(۲) پوشش آتش، خاکستر. ک ۱۰۵-۴۹/۲

اول: var ud gōmēz: وروگومیز (نیرنگ طهارت برشوم)

۱) (۷) var: ور، بر (سینه) ستا: varah- (AiWb. 1365)

ک ۲۳/۱۵

۱) (۳) var: آزمایش (آزمایش ایزدی) ستا: varah-, varanh-

(AiWb. 1365) var i garm: و گرم

ستا: garəmō. varah- (AiWb. 49). به معنی آزمای

و اثبات حق با تن دردادن به یکی از آزمایشهایی که مقرر شده. ور دونوع است.
و گرم ور سرد عبارت بوده از خوردن سوگند (آب گوگرد) یا سربه زیر آب کردن و
ورگرم، گذشتن از آتش یا دست در آب جوش کردن و یا فلز گداخته روی سینه ری
و. این نوع آزمایشها در بین تمام ملل گذشته رایج بوده است (نک، پورداد و
ج ۱ ص ۵۶۷)

۱) (۱۶) varōmand: مشکوک، مبهم. چیزی که در آن تردید و ابهام هست

اصطلاح فقهی. احتیاط دار. (از var: پرده، حجاب + omand پسوند با

دارندگی) ک ۷۳/۲. ک ۲۱/۱۲. ۱) (۱۶) varōmand kardan: احتیاط کردن، شک کردن. ک ۷۳/۲.

۱) (۱۶) varōmandīh: احتیاط (از لحاظ فقهی) ک ۹/۱۷.

۱) (۱۶) vrāḡ: کلاغ. ستا: vārəngan (نک: حصوری، علی MG.

vol. 131. 1981 p. 158. ک ۵/۲.

۱) (۱۶) vrāḡ i siyāh: کلاغ سیاه. ک ۵/۲.

۱) (۱۶) vardagīh: بردگی، پرده بودن، پرده.

ستا از: varəta- (AiWb. 1368) فاطر: wrdḡ (ir. Man. II, 53)

ک ۱۹/۱۳

۱) (۱۶) vardišn: گردش، گردیدن، عوض شدن.

ستا از: √varəṭ (AiWb. 1368) فاطر: wrdyšn (ir. Man. II,

(53) ک ۱/۱۳. ک ۳/۱۶.

۱) (۱۶) vardēd: گردد، عوض شود، بچرخد.

فاطر: grd پاطر: wšt-, wrd (otwal. ŠnŠ. p. 177)

و نیز نک: (۱۶) ک ۳/۱۶. ک ۹/۲۰. ک ۸/۲۱.

۱۶۱- nimāyēnd: نمایند، نشان دهند. ک ۷/۸.

۱۶۱- namb: نمب، نم، رطوبت.
ستا: napta- از: nab √ هندوی کهن : nambh-, nabh-
(GNPE. 232) ک ۹۲/۲. ک ۵/۱۰

۱۶۱- namad: نمد (فرش یا چیزی که از پشم مالند).
ستا: namata (AiWb. 1068) ک ۱۰۱/۲-۱۰۲

۱۶۱- namak: نمک. ک ۱۷/۲

۱۶۱- nimūd: نمود، نشان داد (نک: انهدو ۱۶۱) (ک ۱۲/۱۰. ک ۱۲/۱۲)
۶-۲۹. ۱۶۱- nimūd ēstēd: نشان داده شده است
نموده شده است. ک ۱۳/۱۰. ک ۷-۶/۱۲

۱۶۱- nimūdan: نمودن، نشان دادن (نک. واژه بالا) ک ۸۴/۲. ک ۱۰/۱۰
۱۶-۳۲.

۱۶۱- vināh: گناه. ستا: (AiWb. 1038) vi+√naθ : vināça-
از: vi+√naç- (GNPE. 208) wynaθ: (Mir.Man. 38) I, پاتر: wynaθ : gunāh: (مینو خرد). ک ۱/۱. ک ۴۰/۲-
۵۰ و ۶۵ بار دیگر. ۱۶۱- vināh i kamist:
کوچکترین گناه. ک ۱/۱۶

۱۶۱- vināh vizārdan: رهایی از گناه، توبه کردن،
کفاره گناه دادن. ک ۵/۱۹.
۱۶۱- vināh vizārišn: رهایی از گناه، کفاره گناه
دادن، از گناه برائت یافتن. ک ۲۱/۳.

۱۶۱- vināhtārīh: شرارت، تباهی، فساد. (نک. ۱۱۱)
ک ۳۰/۱۰

۱۶۱- vināhtar: گناهتر. ۱۶۱- an vināhtar:
گراوتر گناه، گناه سنگین تر. ک ۵/۱۰

۱۶۱- vināhtan: نابودی، تباهی (نک: ۱۱۱)
ک ۴/۱۰

۱۶۱- vināh kār: گناهکار. ۱۶۱- gunāhkār: (مینوی خرد)
ک ۱/۵-۶. ک ۱۶-۳/۱۰. ک ۲۳/۱۵

۱۶۱- vināh kārān: گناهکاران. ک ۱۷/۱۵

۱۶۱- vināh kār tar: گناهکارتر. ک ۲۹-۲۸/۱۲

۱۶۱- vināh kārīh: گناهکاری. ک ۶۹/۲-۷۶-۹۱-۱۰۵-۱۰۶
ک ۱۰۷. ک ۶/۵. ک ۳/۱۰. ک ۲۶-۲۲/۱۵

۱۶۱- vināhīdan: تباه کردن، نابود کردن، خراب کردن، از
بردن، آزار رسانیدن. ک ۱۱/۱۲

۱۶۱- Narsēh Burzmihr: نرسه برزمهر، نام خاص، یکی از موبدان
صاحب نظر زرتشتی بوده که در شایست به گفته هایش استناد شده است.
ک ۱۸/۸

۱۶۱- awšabar: کوتوال این واژه را به ۱۶۱- otwal. ŠnŠ. p. 35 (نک: ۱۶۱)
نشوه، نه تبه به معنی برش نوم معنی کرده است (نک: ۱۶۱)
که کاملاً با مفهوم متن هماهنگ و درست است.

ستا: nava-xšapara- نم: 9šapak : شبه (AiWb. 1044)
ونیزک: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀 𐬀𐬎𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀 ۰۲۶/۱۲

او: nōg: نو، تازه.

ستا: nava- هندی کهن: nāva- (AiWb. 1044) فتن: nwg (Mir.
Man. I, 43) 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: nō (مینوی خرد) ۰۲-۱/۲

او: nōgnāvar: نو ناو (ناور) نک: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀 ۰۲/۱۰

او: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: abaxšāyišn: بخشایش، دانستاست (نک: همین)
۰۲۹/۱۲

او: vanand: وند، ستاره وند (سر واقع)
برابر با "وندیش" و "نیرنگ خرفستر زدن" وند نبود کننده جانوران اهریمنی و
نیز پاسبان البرز کوه است و مانع از آن است که دیوان و دروجان به خورشید و ماه و
ستارگان صدمه بزنند. در نوساری به احترام وند در روز هرمزد ماه فروردین آئینی
برگزار میگردد" (نک: Kotwal ŠnŠ. p. 177) ۰۴/۱۱
۰۵/۱۴ 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: vanand star: ستاره وند ۰۴/۱۱

او: vindād: یافت، یافته.
۰۳۰/۲۲ 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: vindād kāmag: کامیاب، کامرا ۰۳۰/۲۲

او: Vind Ohrmazd: وند هرمزد، نام خاص، نام یکی از مفسرین
ررتشتی دوران ساسانی که چند بار هم در وندیداد پهلوی از او یاد شده (نک:
Tavadia. ŠnŠ. p. 148) ۰۴۴-۶-۲/۲ ۰۵/۱۴

او: navit-zādih: نوید زاده، نوزود، نوجود این اصطلاح را

پارسیان امروز نوزود یا نوجود می خوانند و آن آئینی است که در مورد کسانی که داوطلب
شغل روحانی هستند اجرا می شود. پارسیان آن را ناو می گویند (نک: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀
و برای آگاهی بیشتر نک: Kotwal. ŠnŠ. p. 100. n4 و نیز: Navjot
Ceremony. by D. J. M. JamaspAsana. ۰۲/۱۲

او: nivēdēnišn: دعوت شدن، خواندن، دعوت کردن؟
از: ni+wē ēn+išn 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: vaēd (AiWb. 1318) برای توضیح
بیشتر نک: Tavadia. ŠnŠ. p. 120 n. ۱۱/۹

او: vandīdād: نوشتار اخیر و نادرست 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: vandīdād
𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: jud dēv dad: می باشد و منظور کتاب وندیداد یا
ویدیوات است که معنی آن "قانون ضد دیو" می باشد که ظاهراً این کتاب بجای
naskdāt: که کتاب نوزدهم اوستای کهن بوده و از بین رفته، در زمان ساسانیان
تدوین شده است.

ستا: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: vi-daēvō-dāta- ۱۹/۱۲

*

او: 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: tā: تا (حرف اضافه)
فاتر: d' (Mir. Man. II, 49) پاتر: yd 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: andā (مینوی خرد)
"اشکاشی tā ساریگی cū شغنی tā (اساس. ۴۵۰) برای معانی تا در زبان
فارسی نک: اساس اشتقاق ص ۴۴۸ تا ۴۵۰. ۴۵۰ ک ۱۲/۲ و ۵۷ بار دیگر.

او: tā-tān: تا شمارا ۰۸/۱۷

او: tā-š: تا اورا، تا آن را، تا ش. ۰۷۱-۶۸-۵۶/۲ ک ۲۳-۱۵/۳

۰۷/۱۹ ۱۴-۱۲-۱۲-۲/۱۹ 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀: tā-šān: تا شان، تا آنان را ک ۷/۱۳

او: tā-mān: تا مان، تا مارا ک ۳۰/۱۳

او: tā-ō: تا به. ۰۶۲/۲ ک ۱۲/۹

او: vēh: به، خوب، نیکو.

نوشتار هزاری آن 𐬨𐬀𐬭𐬀𐬎𐬭𐬀 (است نک. همین واژه) ۰۷/۶ ک ۶/۷ ک ۴/۹ ک ۳/۱۰

او ۱۰ ؟ ظاهراً " شکل نادرست : *vēš* : بیش، زیاد، است.
ک ۶۳/۲

او ۱۱ *nihufēnd* : نهفته دارند، پوشانند؟
هرچند نوشتار واژه که باید از *nihumb* یا *nihuft* بد درست نیست.
تا وادی این واژه را *višōpēnd* : خوانده که درست به نظر نمیرسد. (نگ :
Tavadiā. Šnš. p. 261. ک ۹۵/۲)

او ۱۲ *vēhdahišnān* : بهترین آفریده‌ها، مخلوقات نیک. ک ۱۸/۱۲

او ۱۳ *vēhdēn* : بهدین (زرتشتی) ک ۷/۶، ک ۴/۹، ک ۳۰/۱۰، ک ۲۱/۱۲
او ۱۴ *vēhdēnān* : بهدینان، زرتشتیان. ک ۲/۱۰، ک ۲۱/۱۲

او ۱۵ *vēhdēnīh* : بهدینی (اسم مصدر) بهدین بودن، زرتشتی بودن
ک ۶/۷

او ۱۶ *nēzag* : نیزه، (واحد اندازه گیری طول) ک ۹/۱۲

او ۱۷ *naskdād* : نسک داد، (نگ : او ۱۱) ک ۴/۱۲، ک ۴-۶-۲۰-۲۲-۲۳
ک ۲۶

او ۱۸ *vis* : ویس، ده، قریه.
ک ۱۵ *vis* : هندوی کهن : *vīš* (*AiWb. 1455*) سنج. فاطر : *wysbyd*
ک ۴۸-۴۷/۱۳ (*Mir. Man. I, 38*)

او ۱۹ *visbedān* : ویسبدان، کدخدایان، فرمانروایان دهات.
ک ۱۵/۱۳ *vis.paiti* : فاطر. نک. واژه بالا. ک ۱۵/۱۳

او ۲۰ *visprad* : ویسپرد (یعنی همه ردان) نام یکی از مراسم مذهبی بود
که حالا فقط در ضمن گاهنبارها اجرا میشود و نیز نام بخشی از اوستا است که دارای
۲۴ بخش یا کرده است. "در این کتاب همردان و پیشوایان مینوی و جهانوی و نمایندگان
هریک از آفریدگان نیک اهورا یاد شده و به آنان درود فرستاده شده است. ویسپرد
از کتاب یسنافراهم آمده است و بیشتر در مراسم مذهبی جشنهای گاهنبار خوانده می شود
(پورداد، ویسپرد به نقل از فرهنگ پهلوی). ست : *vispe.ratavō*
(*AiWb. 1467*) ک ۶/۱۶

او ۲۱ *vistum* : بیستم
ست : *vīstama* (*AiWb. 1459*) ک ۷/۱۲، ک ۲۸/۱۳

او ۲۲ *vēš* : بیش، بیشتر. ست : *vīša* : هندوی کهن : *visā* (*AiWb. 1472*)
فاطر : *wyš* (*Mir. Man. II, 53*) ک ۷/۶، ک ۴/۹، ک ۳۰/۱۰، ک ۲۱/۱۲
ک ۶-۴، ک ۱۸-۹/۱۰، ک ۴۷/۱۳، ک ۲/۱۴، ک ۱۵/۱۰-۲۲-۲۳، ک ۱۰-۱۵/۲

او ۲۳ *višhvar* : سگ خانگی.

ست : *viš.haurva* : سگ نگهبان خانه، سگ خانه. (*AiWb. 1474*)
ک ۶۲-۲/۲

او ۲۴ *nišān* : نشان، نشانه، علامت.
فاطر : *nyšān* (*Mir. Man. III, 59*) ک ۱۷/۱۲، ک ۱/۲۱-۴

او ۲۵ *vēšag* : بیشه.

ست : *varəša* : هندوی کهن : *vrksā* : درخت (*AiWb. 1370*)
ک ۷۳/۲

او ۲۶ *vēšist* : بیشترین (نگ : او ۱۱) ک ۲/۱، ک ۱/۲۰

اول و $višēd$: زیرورو کند، شخم کند.

$viš$: بازکردن (شخم زدن) فاطر: $wyṣ^h$ ، $wyṣ^h$ پتر: $wyṣ^h$ (Kotwal. 181) ک ۲۱/۱۵.

اول و zan : زن: $NYŠH$.

ستار: $ganā-$ (نگ. پنا ۴۶ بند ۱۰) فاطر: $zī$ (Mir. Man. I, 39) پتر: zn (Kotwal. 186) ک ۹۸-۹۶-۱۷-۸-۶/۲
۱۰۵ ک ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶-۹۵-۹۴-۹۳-۹۲-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
۲۰ ک ۲۲/۱۵، ۱۰/۱۹، ۵/۲۲.

اول و $zan-ē$: زنی، نگ. زن، ک ۸/۲.

اول و $zan x^{v}āstan$: خواستگاری کردن، زن خواستن. ک ۱۰/۱۹.

اول و $zan i āpustan$: زن آستن. ک ۱۰۵/۲، ک ۱۰/۱۰.

اول و $zan i zādag$: زانو، زنی که زائیده. ک ۱۵/۳.

اول و $zan i daštān$: زن دشتان، زن حیض، زنی که در حال عادت ماهانه است. ک ۹۸-۹۶/۲، ک ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۱۰۰-۹۹-۹۸-۹۷-۹۶-۹۵-۹۴-۹۳-۹۲-۹۱-۹۰-۸۹-۸۸-۸۷-۸۶-۸۵-۸۴-۸۳-۸۲-۸۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۷۴-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۹-۶۸-۶۷-۶۶-۶۵-۶۴-۶۳-۶۲-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۳-۵۲-۵۱-۵۰-۴۹-۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱-۴۰-۳۹-۳۸-۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱
۱۲ ک ۳۹/۱۰.

اول و $zanān$: زنان، زنها. ک ۳/۱۲.

اول و $zanīh$: زنی، زن بودن. ک ۱۴/۸.

اول و $vīr$: ویر، فهم، ادراک، هوش. ستار: $vīra-$ (AīWb. 1453) ک ۳/۲۲.

اول و $MF5$: و در دستنویس: $MF5$ است که با توجه

به متن و مفهوم جمله، تا وادیا آترابه اول و $vigrāt$: تصحیح و $vigrāt$: بیدار، خوانده است (نگ: 138-91 *Tavadiā. ŠnŠ. pp.*) و در بندهش نیز. آمده که بهار آنرا $vigrād$: بیدار ترجمه کرده. (واژه نامه بندهش ص ۲۴۰) ک ۲۴/۱۰.

اول و $vīrāstag$: ویراسته، در اینجا به عنوان صفت به کار رفته برای بشت: $yāst i vīrāstag$: اصطلاحاً "به معنی "خوب مه" یا "بشت مه" (در مقابل بشت که = کوچک) است که تنها در هاونگاه اول و دوم اجرا می شود که در آن بستانی مقرر به طور کامل اجرا میگردد. (نگ: *Modi. p. 240.*)

گوتوال واژه را $vīrāstan$: ویراستن خوانده (چنانکه در متن است) هرچند در تعلیقات همین منظور و مفهوم اصطلاحی را بیان کرده است. (نگ. *Kotwal. ŠnŠ. p. 97.*) ک ۱/۱۲.

اول و $vīrāst$: ویراست، پیراست، پیراسته، آراسته (به فضایل) ساخته درست کرده. فاطر: wyr^3st , wyr^3y- (Mir. Man. I, 38) سنج پا: $vīrāend$ (مینوی خرد). ک ۱۲-۱۱/۸.
اول و $vīrāst ēstēd$: ساختن، آماده کردن، درست کرده است، آراسته است.

اول و $vīrāstan$: ویراستن، منظم کردن، درست کردن، ساختن (نگ. واژه بالا) ک ۱۷-۷/۲۰.

اول و $vīrāyēnd$: ویرایند، بازسازی کنند (منظور احیا و بازسازی جسد در روز رستاخیز است) درست کنند. ک ۷/۱۷.

اول و $nērōg$: نیرو، زور، توان. فاطر: $nyrwg$ (Mir. Man. II, 61) یا: $nīrō$ (مینوی خرد).

۰۳۰/۱۳ ک ۰۷۰-۶۹/۲ ک

اولاد: nīrang: نیرنگ (آداب دین، آئین‌های مرسوم دین) و اصطلاحاً "دعا و یا کلام مقدسی است که در اجرای آداب و آئین‌ها بکار می‌رود. ک ۲۳/۱۲. ک ۱/۱۳

اولاد و نیرنگ: Nēryōsang: نریوسنگ، نوشتار درست آن: اولاد و نیرنگ: Nēryōsang است. نام خاص، یکی از مفسران بزرگ زرتشتی بوده است. ک ۱۳/۸

نیم، نصف، ۱/۲: nēm:

ستا: naēma- هندی کهن: néma- (AīWb. 1036) پاتر: nym (Mir.Man. III, 59) ک ۵/۱۶. ک ۲/۲۱ (۱۸ مرتبه) ۸-۶-۲/۲۱ ک ۸-۶-۲/۲۱ ک ۸-۶-۲/۲۱ ک

نیمسب، (برج قوس) ک ۲/۲۱: nēmasp:

نیمه، نصفه (نک: ۱/۲) ک ۲۶/۱۰: nēmag:

نیمروز، ظهر: nēmrōz:

پاتر: nymrwg (Mir.Man. III, 59) ک ۱/۷. ک ۳-۱/۲۱

نفس، دم. ک ۱۴/۴. ک ۲۴/۱۰: vēn:

زمان: zamān: ^cDN³:

پاتر: zm³n: (Mir.Man. II, 54) پاتر: jm³n: (Mir.Man. III, 56) پهلوی کتیبه‌ای: zm³n: نوشتار پهلوی ک ۳۴/۳۳: kamān:

(نک: همین واژه) ک ۱۴/۱۵

۱۳۲۱: vēnāg: بینا.

سج ستا: vaēnāmi: vaēnāhiy: (GNPE.59) پاتر: yn (Mir.Man. III, 64) پاتر: yn (Mir.Man. II, 52) ک ۱۴/۹

۱۳۲۱: nēvak: نیک، خوب.

نک: -naiba (AīWb. 1035) پاتر: nyk, nyw (Mir.Man. II, 61) نیک: nōk (مینوی خرد). مقدمه. ک ۵/۶. ک ۱۰-۹/۹. ک ۱۰/۱۰. ک ۲۲. ک ۲۹/۱۳. ک ۱۴/۱۴ مقدمه. ک ۵/۱۵-۲۲-۲۴

۱۳۲۱: niyōgšišn: نیوشیدن، گوش کردن. ک ۸/۹

۱۳۲۱: niyōgšēnd: نیوشند، گوش کنند. ک ۱۰/۹

۱۳۲۱: nēvakīh: نیکی (نک: ۱۳۲۱) (ک ۸/۱۵. ک ۴/۲۳)

۱۳۲۱: vēnišn: بینش (اسم مصدر از ۲۱ نک. همین) ک ۱۰/۳. ک ۹/۸. ک ۴/۱۳

۱۳۲۱: niyōšīdār: نیوشیدار، شنوا

۱۳۲۱: niyōšīdārtar: نیوشیدارتر، شنواتر. ک ۲/۲۳

۱۳۲۱: vēnēd: بیند (نک: ۱۳۲۱) ک ۲۷/۳. ک ۹/۸. ک ۲۰/۱۲

۱۳۲۱: nēvdiltar: نیودلتر، شجاعتر، دلپذیرتر.

nēv: نیو، نیک، خوب (نک: ۱۳۲۱) + dil: دل، قلب (نک: ۱۳۲۱) + tar: تر، نشان صفت تفضیلی. ک ۹/۱۳

(۲) نشانه جمع: ها ک ۵/۱۶.

دهلیز: dahlēz: راهرو سرپوشیده. ک ۱۰/۲.

دهمان آفرین: dahmān āfrīn: دهمان آفرین. ایزد یا فرشته‌ای است دعا‌های مردمان پارسا را به اجابت می‌رساند و نماینده آفرین ها و درودهای است. این فرشته هر شب چهار بار برای اجابت دعا‌های مردمان و پاسبانی و چیز پارسیان به جهان مادی می‌آید. (نک: دینکرد مدن ص ۸۱۵ س ۴ تا بندهش ایرانی بخش ۱۵ بند ۴۹. بندهش چاپ انگلستان ص ۱۷۵ وزند خرد ص ۱۷۵ دابر ص ۱۷۵. ک ۴۳/۱۳).

یزدان: yazdān: (ایزدان جمع: یزد: yazad: ایزد همین واژه) مقدمه. ک ۷/۷. ک ۲۳-۲۲-۴/۸. ک ۱۱-۹-۵/۹. ک ۳/۱۰. ک ۲۴-۸/۱۲. ک ۳۰/۱۳. ک ۱۴/مقدمه. ک ۱۶/مقدمه. ک ۷/۱۹. ک ۳۰/۲۲.

یزدان ایزد: yazdān ayyārīh: یاری خدا، یاری کردن ایزد. ک ۴/۲۱.

یزدان: YHBWN - tñ: هر: dādan: (۱) دادن. ستار: dadāiti, √dā: ایرانی کهن: adadā, √dā: هندی: dadhāti, √dhā: (GNPE. 115-16) تات: dād, dādān: (Mir. Man. II, 49) ک ۲۱/۸. ک ۱۶/۱۰. ک ۵/۱۲. ک ۵/۱۵. (۲) آفریدن. ک ۱۸/۱۳.

یزدان: YHBWN: dah: ده، بده. ک ۱/۱۵.

ده: dahād: (فعل تمنایی وجه دعایی) ده.

ده: dahād: (امید است بدهد) ک ۱۹-۱۸-۱۲-۱۰-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱/۲۲.

ده: be dahād: (امید است بدهد) ک ۱۹/۲۲.

و: y: ī (۱) کسره اضافه است که در اغلب بندها و کردها آمده است.

(۲) که (موصول) فاطر: Cyg, cy: (Mir. Man. II, 62) پهلوی کتبمعی: zy: ک ۴/۱. ک ۲۳-۳۱/۱۰. ک ۲۳-۳۱/۱۲ و

و: dah, 10: ده. ست: dasa-: هندی کهن: dāśa- (AīWb. 700) فاطر: dh: (Mir. Man. II, 50) ک ۷۶/۲. ک ۹/۷. ک ۲۴-۱۵/۱۰. ک ۱۱-۱۰/۱۹. ک ۸-۶/۲۱.

و: dvāzdah, 12: دوازده. ست: dvadāsa-: dvādaśa- (Jackson. 106) ک ۱۲/۱۹. ک ۳۳/۱۳. ک ۱/۹.

و: īh: یی، ی (۱) یاء نسبت یا مصدری. ک ۸۴/۲. ک ۲۲-۱۸/۳. ک ۳/۹. ک ۱۰/۱۰. ک ۲۲-۱۹-۱۵-۱۰. ک ۱۷-۱۴-۷/۱۲ و بیش از ۴۰ بار دیگر. (۲) بجای یاء: ē: یاء نکره. ک ۱۵/۱۹.

و: īha: (۱) پسوند قید ساز. ک ۱۴/۸. ک ۱۰-۸-۴/۱۰. ک ۲۸-۵/۱۲. ک ۲۶/۱۵. ک ۱۰/۲۰. ک ۴/۲۳.

۱۰-۷-۶

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahād-it:.. بدهادت، بدهاد ترا ک ۳/۲۲.

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dād:.... داده، ک ۱۷/۱۲ ک ۴/۱۵ ک ۱۲-۲/۱۷.

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dād ēstēd: داده است، داده شده است.

ک ۱۷/۱۲ ک ۴/۱۵

(۲) آفرید، آفریده، ک ۲/۱۲ ک ۱۰/۱۳ ک ۱/۱۸ ک ۱۱/۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dād ēstēd: آفریده است، آفریده شده است.

ک ۱۰/۱۳ ک ۱۱/۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahēm:....., m: دهم، ک ۱۰/۱۵

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahēd:...., yt: دهد، ک ۲۱/۸ ک ۲۳/۱۰ ک ۱۶/۱۲

ک ۱۵/۱۵-۱۸-۲۶، ک ۴/۱۶ ک ۸/۱۷ ک ۳/۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: be dahēd: بدهد، ک ۲۱/۸ ک ۴/۱۶

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahēnd:....., nd: دهند، ک ۵-۴/۸ ک ۲۳/۱۰ ک ۳۴-۲۳/۱۲

۱۶-۴ 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: be dahēnd: بدهند، ک ۴/۱۲

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahišn: دهش، دادن (نک: واژه بالا) ک ۹/۷ ک ۵/۱۲ ک ۱۳/

۲، ک ۱۴/۱۷ ک ۱۶/۲۰ 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: be dahišn: باید دادن،

به دادن، ک ۲/۱۳ 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: nē dahišn: نباید دادن.

ک ۱۶/۲۰

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: dahīhist:...., yhist: آفریده شده است، ک ۴/۱۳

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: yāzdahum: یازدهم، ستا، (Jackson, 108) aēvandasa-

ک ۶۰/۲

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥: yazad: ایزد، فرشته، موجود قابل احترام.

ستا: -yazata از yaz: √ هندوی کهن: -yajatā (AiWb. 1280)

فاتر: yzd, yzd²n (Mir. Man. II, 56) پاتر: yzd, yzd²n

(Mir. Man. III, 64) ک ۱۰/۹ ک ۴-۶/۱۱ ک ۹/۱۲.

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (۱) dād: داد، قانون.

ستا: -dāta از dā: √ ایرانی کهن: -dāta از: adadā, dā

(GNPE. 115) ک ۶/۷ ک ۱۱/۸

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 abē dād: بیداد، ستم، ک ۱۷/۲۲

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (۲) dād: (۱) داد، داده، آفریده، ک ۷-۱/۶

نوشتار هزوارش آن: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 است (نک: همین واژه)

(۲) داد (از دادن) نک، 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 ک ۱/۲ ک ۲۵/۱۲

(۳) داده، دهش، هدیه، ک ۸/۱۲

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 yāt: یات، نام طبقه ششم از گناهان است که بنا بر نوشته این کتاب برابر ۱۶۰

ستیر (هر ستیر = ۴ درم سنگ) است. ستا: -yāta (AiWb. 1283)

ک ۲-۱/۱ ک ۲-۲/۲ ک ۵۱-۲/۲ ک ۲-۱/۱۱ ک ۵/۱۶

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 dādār: دادار، یکی از نامهای هرمزد (خدای) آفریننده، کسی که کارش

آفرینش است. (نک: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥) ستا: -dātar هندوی کهن: dātar

(AiWb. 727-8.) ک ۱۴/۹ ک ۸-۱۵-۲۲/۲۳ ک ۱/۲۳

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 dādār ōhrmazd: دادار هرمزد، هرمزد آفریننده.

ک ۸/۲۲ 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 dādārtar: آفریننده تر، ک ۱/۲۳

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 dādīstān: دادستان، داوری، قانون.

شکل هزوارشی آن: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (نک: همین) است. فاطر: d²dyst²n

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 dādīstān ōmandīh: قضاوت، داوری.

ک ۶/۱۳

𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 yazadān/yazdān: ایزدان، یزدان (نک: 𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥) (۱)

ک ۱۰/۱۲

دادر: dādvar: داور، قاضی.

ستا: dātō.hara-: فاطر (Mir.Man. II, 49) d'ywyr پتر: d'dbr

(Mir.Man. III, 53) ک ۱۸/۱۰ ک ۶/۱۳-۳۷ ک ۱۶/۲۲ ک ۳/۲۳

دادر و دروغزن: dādvar i drōzan: داور دروغزن، قاضی-

ک ۱۸/۱۰ دروغگو.

دادران: dādvarān: داوران، قضات. ک ۳۷-۶/۱۳

دادرتر: dādvartar: داورتر، داورتر. ک ۳/۲۳

جادوان: jādūgān: جادوان.

ستا: yātū-: هندی کهن: yātāv- (Aiwb. 1283) پ. jādūan

(مینوی خرد). ک ۳۰/۱۰ ک ۱۱/۱۲

مز: y'twN, t: āyād: بیاید، بیاید (اربن مضارع: āy).

ماضی: mad (فاتر: y) (Mir.Man. II, 43) ک ۳۰/۲۲

مز: y'twN, t: mad: آمد (ماضی: آی نک: واژه بالا) فاطر: md

(Mir.Man. II, 59) p: āmad (مینوی خرد). ک ۷۲/۲

ک ۱۱/۱۲ ک ۵/۲۰: mad hēnd: آمدند. ک ۱۲/۱۲

be mad hēm: آمدم، بیایم. ک ۷۲/۲

مز: y'twN, t: āyēnd: آیند، بیایند. ک ۱۰/۹

مز: y'twN, t: āyēd: آید، بیاید. ک ۷۸-۷۲-۴۵-۳۴-۲۲/۲

ک ۸۵ ک ۱۹-۹/۳ ک ۲/۷ ک ۳۲-۱۴/۱۰ ک ۳۲-۲۹/۱۲ ک ۸-۷-۵/۲۱

abāz āyēd: باز آید، برگردد. ک ۷۲/۲

آیش: āyišn: آیش (اسم مصدر)، آمدن.

داد کردن (نک: دادر): dādih: ک ۸/۱۰ ک ۳/۱۰

داد: dādihā: (قید) از روی داد، برابر با عدالت. ک ۸/۱۰

گاه: gāh: زمان.

ک ۲۲/۳ ک ۳-۲/۷ ک ۳۲/۱۰ ک ۴/۱۴ ک ۳/۱۷ ک ۵/۲۱

جا، مکان، مرتبه: gāh: (۲)

ستا: gātu-: (Aiwb. 518) فاطر: g'h: (Mir.Man. I, 36)

gāh: پ. (مینوی خرد). ک ۱۲/۲ ک ۱۴/۱۳ ک ۹-۷/۱۵

ک ۲۵-۲۱-۲۰-۱۴

گاه: gāh: (۱) سرود، جمع آن گاهان و منظور از آن در نوشته های

گفته های خود پیامبر زرتشت است که شامل ۱۷ های پست است که تقسیم به ۵ گاه که عبارتند از اهنود گاه، اشتود گاه، سپنتمدگاه و هوشترگاه و وهیشتوایش که توضیح هر یک از این پنج گاه در زیر خود واژه داده شده است.

ستا: gāthā-: هندی کهن: (Aiwb. 521) gāthā-

ک ۵۱-۴۲-۳۴-۳۱-۱۵-۶-۵-۳-۲/۱۳

(۲) گاه به جای واژه: گاه معصم پهلوی (نک: همین) و astašti

اوستایی که به معنی یک سطر شعراست آمده (نک: پور داود، گاهها ص ۳۹ زیر

(۱). ک ۵۱-۵۰-۴۳-۴۲/۱۳

گاهان: gāhān: گاه ها جمع گاه (نک: و (۳)

ک ۶/۱۰ ک ۲۸/۱۲ ک ۵۱-۵۰-۴۹/۱۳

گاهان bun: آغاز گاهان. ک ۵۰/۱۳

داده‌ها: **gāhānbār**: گاهنبار، نام هریک از شش جشن بزرگ دینی سالهای ایرانی است. "گاهنبارها جشن‌های ششگانه دینی سال است که در طول سال برپا می‌شود. این جشن‌ها به فاصله‌های غیرمتساوی از همدیگر دور می‌باشند. از این قرار: گاهنبار میدیوزرم در چهل و پنجمین روز. گاهنبار میدیوشم در صد و پنجمین روز سال گاهنبار پتیه شهیم در صد و هشتاد و دومین روز سال. گاهنبار یاسرم در دویست و دهمین روز سال. گاهنبار میدیایرم در دویست و نود و دومین روز سال. گاهنبار هسپتدم در سیصد و پنجمین روز سال واقع می‌شود. جشن هریک از این گاهنبارها پنج روز طول می‌کشد. آخرین روز مهم‌ترین روز آن است." برای توضیح بیشتر در اهمیت و چگونگی و سبب برگزاری آنها نک: پورداود، خرده‌اوستا ک ۲/۱۵ ک ۱۹/۱۲-۳۱ ک ۲۹/۱۳ ک ۱۸/۱۸-۳ ک ۴/۱۹.

داده‌ها: **gāhānīg**: گاهانی، منسوب به گاهان. ک ۴۹/۱۳.

داده‌ها: **dāsr**: احسان، هدیه، پیشکش، بهر.
ستا: **dāθra-** هندی کهن: **dātrā-** (*AiWb.* 732) در ترجمه‌های پهلوی، بجای واژه اوستایی: **dāθra-** هم **dāsr**: آمده و هم **bāhr**: (*Kotwal. ŠnŠ.* p.137) ک ۴۰/۱۵ ک ۴/۱۲.
داده‌ها: **dāsrān**: هدیه‌ها، پیشکش‌ها. ک ۴/۱۲.

داده‌ها: **dāšt**: داشت (ماضی، مضارع آن دار) ستا: **dāsta-**
(*AiWb.* 740) "از: **-dar**، **darayehi**، **dar-** ایرانی کهن **√dar**:
dārayamiy، **dāraya**، **dhara-** هندی کهن: **dhārāyati**،
(*Mir.Man.* I, 37) **d^hšt** ناتر: **GNPE.** 116) ک ۲/۹.
dāstan: (مینوی خرد). ک ۷۰/۲ ک ۲/۹.
داده‌ها: **dāšt ēstēd**: داشته‌است. ک ۲/۹.

داده‌ها: **dāštārtar**: داشتارتر، دارنده‌تر، کامل‌تر. ک ۵/۱۳.

داده‌ها: **dāstan**: داشتن. (نک: داده‌ها) ک ۱۲/۹ ک ۱۵/۱۵ ک ۳۲-۵-۳/۱۲ ک ۱۰/۱۵.

داده‌ها: **daxšag**: نشانه، علامت.
ستا: **-daxšta** (⁽¹⁾ *AiWb.* 676) ک ۹/۹.

داده‌ها: **dahišn**: دهش (۱) دادن، بخشیدن، بخشش، هدیه. ک ۱۰/۱۹
(۲) آفریدن. ک ۵/۱۴ ک ۱۱/۲۰ (نک: داده‌ها)
داده‌ها: **dahišn ōmand**: دهش مند، بخشنده، کریم. ک ۴/۱۲.

*

داده‌ها: **yākand**: یاکند، یاقوت "یاکند یاقوت باشد، شاگر بخاری گفت، کجا تو باشی کردند بی خطر خوبان جمست را چه خطر هرکجا بود یاکند" (لغت فرس) این واژه اصلاً یونانی: **hyakinthos** و لاتین: **hyacinthus** به معنی نوعی زهر است، یاقوت عرب یاکند فارسی است که گوهری زینتی و سرخ رنگ و درخشان و پر بها است. ک ۱۶/۲.

*

داده‌ها: **dār**: دار، درخت، چوب.
ستا: **-dārav**، **-drav** هندی کهن: **-dārav**، **-drav** (*AiWb.* 738) ناتر: **d^hrwg** درخت (*Man. Stud.* 65) ک ۱۲۲-۱۲۰-۱۱۶-۷۰-۶۸/۲.

داده‌ها: **dārišn**: نگهداشتن، داشتن. ک ۳۲/۱۳ ک ۱۱/۱۵
pad ēd dārišn: به این داشتن، انگاشتن، تصور کردن. ک ۷۲/۲.

داده‌ها: **dārišnīh**: نگهداری.

داده‌ها: **abāz dārišnīh**: بازداشتن، جلوگیری کردن، مانع شدن. ک ۳۰/۱۵ ک ۱۹/۱۲.

ابار داریشن: abar dārišn: برداشتن، برگرفتن. ک ۱۹/۱۳.

داز: dāz: واژه را تا وادیا: dārnāk ووست: dārvāi خوانده است. (Tavadiā Šnš. p. 51) که با توجه به معانی که داده‌اند هیچک‌درست بنظر نمی‌رسد. ظاهراً این تصحیفی از داز و داز: andarvāy: مطلق و آویزان است. (نک: داز و داز: ک ۵۸/۲۰)

دام: dām: دام، آفریده، مخلوق. ست: dāman- (AiWb. 734-36) فاطر: d'm (Mir. Man. II, 49) دام: dam (مینوی خرد). ک ۲۳/۸. ک ۲۶/۱۳.

گام: gām: گام. ست: gāman- (AiWb. 522) فاطر: g'm (Mir. Man. I, 36) گام: gam (مینوی خرد). ک ۱۰۸-۷۷-۴۷-۴۰-۳۸-۱۸/۲. ک ۲۰-۱۲-۱۱/۳. ک ۲۴-۲۳-۲۷.

جاماسب: Jāmāsp: نام خاص برادر: Fasaoštra و وزیر وشتاسب ک ۴/۱۱.

هن: ras-: YHMTWN: رس، برس (رسیدن) فاطر: rs (Mir. Man. I, 46) ras-: (مینوی خرد). ک ۴/۱۸.

راسیسن: rasišn: رسیدن. ک ۷/۷.

راسند: rasēnd: رسیدن. ک ۱۰/۹. ک ۲۳-۸/۱۳. ک ۱۷/۱۹.

راسد: rasēd: رسید، برسد. ک ۱۲۳-۱۱۹-۱۱۲-۱۰۴-۱۰۲-۹۵-۸۹-۸۶-۸۵-۷۹-۴۰-۳۷-۳۶-۱۷/۲. ک ۱۴/۱.

۴-۳. ک ۷-۲/۷. ک ۵-۱/۸. ک ۱۳-۵/۹. ک ۵/۱۰-۲۲-۲۵-۳۹. ک ۶-۲/۱۲. ک ۱۵. ک ۶/۱۵. ک ۱۴-۱۰-۶/۱۷. ک ۹/۱۹. ک ۱۳/۲۰.

جام: jāmag: جامه، لباس، پارچه.

فاتر: j'mg (Mir. Man. II, 55). ک ۱۱۸-۹۸-۴۴/۲. ک ۶-۵-۴/۳. ک ۱۳. ک ۴/۱۲. ک ۴/۱۷.

جام: jāmag: جام، کاسه فلزی، پیاله.

ستا: yāma- و نیز برابر واژه اوستایی: gao. zasta- در ترجمه پهلوی وندیداد آمده است (اساس اشتقاق ۵۲۲) جام: jama- (مینوی خرد). ک ۳۱/۳. ک ۲۷/۱۲.

دامداد: dāmdād: نام کتاب چهارم اوستا بوده و گفتارهایی در باره بهشت و دوزخ و زمین و آسمان و خوبی در بر داشته است و شامل ۳۲ بخش بوده (Haug. M. Essays. p. 127). ک ۲۲/۱۰. ک ۱۵-۵/۱۲.

جان: jān: زندگی.

ستار: gaya- (AiWb. 503) فاطر: gy'n (Mir. Man. I, 36) جان: jan (مینوی خرد). ک ۱۲/۱۷. ک ۵۷-۱۲-۱/۲.

دان: -dān: پسوند اسم ساز (سج. گلدان، استودان و نک: دوزخ و دوزخ: ēzmdān: هیزم دان. ک ۷۳/۲).

دانا: dānāg: عاقل.

فاتر: d'n'g (Mir. Man. II, 49) دانا: dānā (مینوی خرد). ک ۲۸/۱۰. ک ۲/۱۳. ک ۹-۸-۷-۶/۲۰. ک ۱۳-۵-۴/۳. ک ۱۳. ک ۱۴. ک ۱۵. ک ۱۶. ک ۱۷. ک ۱۸. ک ۱۹. ک ۲۰. ک ۲۱. ک ۲۲. ک ۲۳. ک ۲۴. ک ۲۵. ک ۲۶. ک ۲۷. ک ۲۸. ک ۲۹. ک ۳۰. ک ۳۱. ک ۳۲. ک ۳۳. ک ۳۴. ک ۳۵. ک ۳۶. ک ۳۷. ک ۳۸. ک ۳۹. ک ۴۰. ک ۴۱. ک ۴۲. ک ۴۳. ک ۴۴. ک ۴۵. ک ۴۶. ک ۴۷. ک ۴۸. ک ۴۹. ک ۵۰. ک ۵۱. ک ۵۲. ک ۵۳. ک ۵۴. ک ۵۵. ک ۵۶. ک ۵۷. ک ۵۸. ک ۵۹. ک ۶۰. ک ۶۱. ک ۶۲. ک ۶۳. ک ۶۴. ک ۶۵. ک ۶۶. ک ۶۷. ک ۶۸. ک ۶۹. ک ۷۰. ک ۷۱. ک ۷۲. ک ۷۳. ک ۷۴. ک ۷۵. ک ۷۶. ک ۷۷. ک ۷۸. ک ۷۹. ک ۸۰. ک ۸۱. ک ۸۲. ک ۸۳. ک ۸۴. ک ۸۵. ک ۸۶. ک ۸۷. ک ۸۸. ک ۸۹. ک ۹۰. ک ۹۱. ک ۹۲. ک ۹۳. ک ۹۴. ک ۹۵. ک ۹۶. ک ۹۷. ک ۹۸. ک ۹۹. ک ۱۰۰. ک ۱۰۱. ک ۱۰۲. ک ۱۰۳. ک ۱۰۴. ک ۱۰۵. ک ۱۰۶. ک ۱۰۷. ک ۱۰۸. ک ۱۰۹. ک ۱۱۰. ک ۱۱۱. ک ۱۱۲. ک ۱۱۳. ک ۱۱۴. ک ۱۱۵. ک ۱۱۶. ک ۱۱۷. ک ۱۱۸. ک ۱۱۹. ک ۱۲۰. ک ۱۲۱. ک ۱۲۲. ک ۱۲۳. ک ۱۲۴. ک ۱۲۵. ک ۱۲۶. ک ۱۲۷. ک ۱۲۸. ک ۱۲۹. ک ۱۳۰. ک ۱۳۱. ک ۱۳۲. ک ۱۳۳. ک ۱۳۴. ک ۱۳۵. ک ۱۳۶. ک ۱۳۷. ک ۱۳۸. ک ۱۳۹. ک ۱۴۰. ک ۱۴۱. ک ۱۴۲. ک ۱۴۳. ک ۱۴۴. ک ۱۴۵. ک ۱۴۶. ک ۱۴۷. ک ۱۴۸. ک ۱۴۹. ک ۱۵۰. ک ۱۵۱. ک ۱۵۲. ک ۱۵۳. ک ۱۵۴. ک ۱۵۵. ک ۱۵۶. ک ۱۵۷. ک ۱۵۸. ک ۱۵۹. ک ۱۶۰. ک ۱۶۱. ک ۱۶۲. ک ۱۶۳. ک ۱۶۴. ک ۱۶۵. ک ۱۶۶. ک ۱۶۷. ک ۱۶۸. ک ۱۶۹. ک ۱۷۰. ک ۱۷۱. ک ۱۷۲. ک ۱۷۳. ک ۱۷۴. ک ۱۷۵. ک ۱۷۶. ک ۱۷۷. ک ۱۷۸. ک ۱۷۹. ک ۱۸۰. ک ۱۸۱. ک ۱۸۲. ک ۱۸۳. ک ۱۸۴. ک ۱۸۵. ک ۱۸۶. ک ۱۸۷. ک ۱۸۸. ک ۱۸۹. ک ۱۹۰. ک ۱۹۱. ک ۱۹۲. ک ۱۹۳. ک ۱۹۴. ک ۱۹۵. ک ۱۹۶. ک ۱۹۷. ک ۱۹۸. ک ۱۹۹. ک ۲۰۰. ک ۲۰۱. ک ۲۰۲. ک ۲۰۳. ک ۲۰۴. ک ۲۰۵. ک ۲۰۶. ک ۲۰۷. ک ۲۰۸. ک ۲۰۹. ک ۲۱۰. ک ۲۱۱. ک ۲۱۲. ک ۲۱۳. ک ۲۱۴. ک ۲۱۵. ک ۲۱۶. ک ۲۱۷. ک ۲۱۸. ک ۲۱۹. ک ۲۲۰. ک ۲۲۱. ک ۲۲۲. ک ۲۲۳. ک ۲۲۴. ک ۲۲۵. ک ۲۲۶. ک ۲۲۷. ک ۲۲۸. ک ۲۲۹. ک ۲۳۰. ک ۲۳۱. ک ۲۳۲. ک ۲۳۳. ک ۲۳۴. ک ۲۳۵. ک ۲۳۶. ک ۲۳۷. ک ۲۳۸. ک ۲۳۹. ک ۲۴۰. ک ۲۴۱. ک ۲۴۲. ک ۲۴۳. ک ۲۴۴. ک ۲۴۵. ک ۲۴۶. ک ۲۴۷. ک ۲۴۸. ک ۲۴۹. ک ۲۵۰. ک ۲۵۱. ک ۲۵۲. ک ۲۵۳. ک ۲۵۴. ک ۲۵۵. ک ۲۵۶. ک ۲۵۷. ک ۲۵۸. ک ۲۵۹. ک ۲۶۰. ک ۲۶۱. ک ۲۶۲. ک ۲۶۳. ک ۲۶۴. ک ۲۶۵. ک ۲۶۶. ک ۲۶۷. ک ۲۶۸. ک ۲۶۹. ک ۲۷۰. ک ۲۷۱. ک ۲۷۲. ک ۲۷۳. ک ۲۷۴. ک ۲۷۵. ک ۲۷۶. ک ۲۷۷. ک ۲۷۸. ک ۲۷۹. ک ۲۸۰. ک ۲۸۱. ک ۲۸۲. ک ۲۸۳. ک ۲۸۴. ک ۲۸۵. ک ۲۸۶. ک ۲۸۷. ک ۲۸۸. ک ۲۸۹. ک ۲۹۰. ک ۲۹۱. ک ۲۹۲. ک ۲۹۳. ک ۲۹۴. ک ۲۹۵. ک ۲۹۶. ک ۲۹۷. ک ۲۹۸. ک ۲۹۹. ک ۳۰۰. ک ۳۰۱. ک ۳۰۲. ک ۳۰۳. ک ۳۰۴. ک ۳۰۵. ک ۳۰۶. ک ۳۰۷. ک ۳۰۸. ک ۳۰۹. ک ۳۱۰. ک ۳۱۱. ک ۳۱۲. ک ۳۱۳. ک ۳۱۴. ک ۳۱۵. ک ۳۱۶. ک ۳۱۷. ک ۳۱۸. ک ۳۱۹. ک ۳۲۰. ک ۳۲۱. ک ۳۲۲. ک ۳۲۳. ک ۳۲۴. ک ۳۲۵. ک ۳۲۶. ک ۳۲۷. ک ۳۲۸. ک ۳۲۹. ک ۳۳۰. ک ۳۳۱. ک ۳۳۲. ک ۳۳۳. ک ۳۳۴. ک ۳۳۵. ک ۳۳۶. ک ۳۳۷. ک ۳۳۸. ک ۳۳۹. ک ۳۴۰. ک ۳۴۱. ک ۳۴۲. ک ۳۴۳. ک ۳۴۴. ک ۳۴۵. ک ۳۴۶. ک ۳۴۷. ک ۳۴۸. ک ۳۴۹. ک ۳۵۰. ک ۳۵۱. ک ۳۵۲. ک ۳۵۳. ک ۳۵۴. ک ۳۵۵. ک ۳۵۶. ک ۳۵۷. ک ۳۵۸. ک ۳۵۹. ک ۳۶۰. ک ۳۶۱. ک ۳۶۲. ک ۳۶۳. ک ۳۶۴. ک ۳۶۵. ک ۳۶۶. ک ۳۶۷. ک ۳۶۸. ک ۳۶۹. ک ۳۷۰. ک ۳۷۱. ک ۳۷۲. ک ۳۷۳. ک ۳۷۴. ک ۳۷۵. ک ۳۷۶. ک ۳۷۷. ک ۳۷۸. ک ۳۷۹. ک ۳۸۰. ک ۳۸۱. ک ۳۸۲. ک ۳۸۳. ک ۳۸۴. ک ۳۸۵. ک ۳۸۶. ک ۳۸۷. ک ۳۸۸. ک ۳۸۹. ک ۳۹۰. ک ۳۹۱. ک ۳۹۲. ک ۳۹۳. ک ۳۹۴. ک ۳۹۵. ک ۳۹۶. ک ۳۹۷. ک ۳۹۸. ک ۳۹۹. ک ۴۰۰. ک ۴۰۱. ک ۴۰۲. ک ۴۰۳. ک ۴۰۴. ک ۴۰۵. ک ۴۰۶. ک ۴۰۷. ک ۴۰۸. ک ۴۰۹. ک ۴۱۰. ک ۴۱۱. ک ۴۱۲. ک ۴۱۳. ک ۴۱۴. ک ۴۱۵. ک ۴۱۶. ک ۴۱۷. ک ۴۱۸. ک ۴۱۹. ک ۴۲۰. ک ۴۲۱. ک ۴۲۲. ک ۴۲۳. ک ۴۲۴. ک ۴۲۵. ک ۴۲۶. ک ۴۲۷. ک ۴۲۸. ک ۴۲۹. ک ۴۳۰. ک ۴۳۱. ک ۴۳۲. ک ۴۳۳. ک ۴۳۴. ک ۴۳۵. ک ۴۳۶. ک ۴۳۷. ک ۴۳۸. ک ۴۳۹. ک ۴۴۰. ک ۴۴۱. ک ۴۴۲. ک ۴۴۳. ک ۴۴۴. ک ۴۴۵. ک ۴۴۶. ک ۴۴۷. ک ۴۴۸. ک ۴۴۹. ک ۴۵۰. ک ۴۵۱. ک ۴۵۲. ک ۴۵۳. ک ۴۵۴. ک ۴۵۵. ک ۴۵۶. ک ۴۵۷. ک ۴۵۸. ک ۴۵۹. ک ۴۶۰. ک ۴۶۱. ک ۴۶۲. ک ۴۶۳. ک ۴۶۴. ک ۴۶۵. ک ۴۶۶. ک ۴۶۷. ک ۴۶۸. ک ۴۶۹. ک ۴۷۰. ک ۴۷۱. ک ۴۷۲. ک ۴۷۳. ک ۴۷۴. ک ۴۷۵. ک ۴۷۶. ک ۴۷۷. ک ۴۷۸. ک ۴۷۹. ک ۴۸۰. ک ۴۸۱. ک ۴۸۲. ک ۴۸۳. ک ۴۸۴. ک ۴۸۵. ک ۴۸۶. ک ۴۸۷. ک ۴۸۸. ک ۴۸۹. ک ۴۹۰. ک ۴۹۱. ک ۴۹۲. ک ۴۹۳. ک ۴۹۴. ک ۴۹۵. ک ۴۹۶. ک ۴۹۷. ک ۴۹۸. ک ۴۹۹. ک ۵۰۰. ک ۵۰۱. ک ۵۰۲. ک ۵۰۳. ک ۵۰۴. ک ۵۰۵. ک ۵۰۶. ک ۵۰۷. ک ۵۰۸. ک ۵۰۹. ک ۵۱۰. ک ۵۱۱. ک ۵۱۲. ک ۵۱۳. ک ۵۱۴. ک ۵۱۵. ک ۵۱۶. ک ۵۱۷. ک ۵۱۸. ک ۵۱۹. ک ۵۲۰. ک ۵۲۱. ک ۵۲۲. ک ۵۲۳. ک ۵۲۴. ک ۵۲۵. ک ۵۲۶. ک ۵۲۷. ک ۵۲۸. ک ۵۲۹. ک ۵۳۰. ک ۵۳۱. ک ۵۳۲. ک ۵۳۳. ک ۵۳۴. ک ۵۳۵. ک ۵۳۶. ک ۵۳۷. ک ۵۳۸. ک ۵۳۹. ک ۵۴۰. ک ۵۴۱. ک ۵۴۲. ک ۵۴۳. ک ۵۴۴. ک ۵۴۵. ک ۵۴۶. ک ۵۴۷. ک ۵۴۸. ک ۵۴۹. ک ۵۵۰. ک ۵۵۱. ک ۵۵۲. ک ۵۵۳. ک ۵۵۴. ک ۵۵۵. ک ۵۵۶. ک ۵۵۷. ک ۵۵۸. ک ۵۵۹. ک ۵۶۰. ک ۵۶۱. ک ۵۶۲. ک ۵۶۳. ک ۵۶۴. ک ۵۶۵. ک ۵۶۶. ک ۵۶۷. ک ۵۶۸. ک ۵۶۹. ک ۵۷۰. ک ۵۷۱. ک ۵۷۲. ک ۵۷۳. ک ۵۷۴. ک ۵۷۵. ک ۵۷۶. ک ۵۷۷. ک ۵۷۸. ک ۵۷۹. ک ۵۸۰. ک ۵۸۱. ک ۵۸۲. ک ۵۸۳. ک ۵۸۴. ک ۵۸۵. ک ۵۸۶. ک ۵۸۷. ک ۵۸۸. ک ۵۸۹. ک ۵۹۰. ک ۵۹۱. ک ۵۹۲. ک ۵۹۳. ک ۵۹۴. ک ۵۹۵. ک ۵۹۶. ک ۵۹۷. ک ۵۹۸. ک ۵۹۹. ک ۶۰۰. ک ۶۰۱. ک ۶۰۲. ک ۶۰۳. ک ۶۰۴. ک ۶۰۵. ک ۶۰۶. ک ۶۰۷. ک ۶۰۸. ک ۶۰۹. ک ۶۱۰. ک ۶۱۱. ک ۶۱۲. ک ۶۱۳. ک ۶۱۴. ک ۶۱۵. ک ۶۱۶. ک ۶۱۷. ک ۶۱۸. ک ۶۱۹. ک ۶۲۰. ک ۶۲۱. ک ۶۲۲. ک ۶۲۳. ک ۶۲۴. ک ۶۲۵. ک ۶۲۶. ک ۶۲۷. ک ۶۲۸. ک ۶۲۹. ک ۶۳۰. ک ۶۳۱. ک ۶۳۲. ک ۶۳۳. ک ۶۳۴. ک ۶۳۵. ک ۶۳۶. ک ۶۳۷. ک ۶۳۸. ک ۶۳۹. ک ۶۴۰. ک ۶۴۱. ک ۶۴۲. ک ۶۴۳. ک ۶۴۴. ک ۶۴۵. ک ۶۴۶. ک ۶۴۷. ک ۶۴۸. ک ۶۴۹. ک ۶۵۰. ک ۶۵۱. ک ۶۵۲. ک ۶۵۳. ک ۶۵۴. ک ۶۵۵. ک ۶۵۶. ک ۶۵۷. ک ۶۵۸. ک ۶۵۹. ک ۶۶۰. ک ۶۶۱. ک ۶۶۲. ک ۶۶۳. ک ۶۶۴. ک ۶۶۵. ک ۶۶۶. ک ۶۶۷. ک ۶۶۸. ک ۶۶۹. ک ۶۷۰. ک ۶۷۱. ک ۶۷۲. ک ۶۷۳. ک ۶۷۴. ک ۶۷۵. ک ۶۷۶. ک ۶۷۷. ک ۶۷۸. ک ۶۷۹. ک ۶۸۰. ک ۶۸۱. ک ۶۸۲. ک ۶۸۳. ک ۶۸۴. ک ۶۸۵. ک ۶۸۶. ک ۶۸۷. ک ۶۸۸. ک ۶۸۹. ک ۶۹۰. ک ۶۹۱. ک ۶۹۲. ک ۶۹۳. ک ۶۹۴. ک ۶۹۵. ک ۶۹۶. ک ۶۹۷. ک ۶۹۸. ک ۶۹۹. ک ۷۰۰. ک ۷۰۱. ک ۷۰۲. ک ۷۰۳. ک ۷۰۴. ک ۷۰۵. ک ۷۰۶. ک ۷۰۷. ک ۷۰۸. ک ۷۰۹. ک ۷۱۰. ک ۷۱۱. ک ۷۱۲. ک ۷۱۳. ک ۷۱۴. ک ۷۱۵. ک ۷۱۶. ک ۷۱۷. ک ۷۱۸. ک ۷۱۹. ک ۷۲۰. ک ۷۲۱. ک ۷۲۲. ک ۷۲۳. ک ۷۲۴. ک ۷۲۵. ک ۷۲۶. ک ۷۲۷. ک ۷۲۸. ک ۷۲۹. ک ۷۳۰. ک ۷۳۱. ک ۷۳۲. ک ۷۳۳. ک ۷۳۴. ک ۷۳۵. ک ۷۳۶. ک ۷۳۷. ک ۷۳۸. ک ۷۳۹. ک ۷۴۰. ک ۷۴۱. ک ۷۴۲. ک ۷۴۳. ک ۷۴۴. ک ۷۴۵. ک ۷۴۶. ک ۷۴۷. ک ۷۴۸. ک ۷۴۹. ک ۷۵۰. ک ۷۵۱. ک ۷۵۲. ک ۷۵۳. ک ۷۵۴. ک ۷۵۵. ک ۷۵۶. ک ۷۵۷. ک ۷۵۸. ک ۷۵۹. ک ۷۶۰. ک ۷۶۱. ک ۷۶۲. ک ۷۶۳. ک ۷۶۴. ک ۷۶۵. ک ۷۶۶. ک ۷۶۷. ک ۷۶۸. ک ۷۶۹. ک ۷۷۰. ک ۷۷۱. ک ۷۷۲. ک ۷۷۳. ک ۷۷۴. ک ۷۷۵. ک ۷۷۶. ک ۷۷۷. ک ۷۷۸. ک ۷۷۹. ک ۷۸۰. ک ۷۸۱. ک ۷۸۲. ک ۷۸۳. ک ۷۸۴. ک ۷۸۵. ک ۷۸۶. ک ۷۸۷. ک ۷۸۸. ک ۷۸۹. ک ۷۹۰. ک ۷۹۱. ک ۷۹۲. ک ۷۹۳. ک ۷۹۴. ک ۷۹۵. ک ۷۹۶. ک ۷۹۷. ک ۷۹۸. ک ۷۹۹. ک ۸۰۰. ک ۸۰۱. ک ۸۰۲. ک ۸۰۳. ک ۸۰۴. ک ۸۰۵. ک ۸۰۶. ک ۸۰۷. ک ۸۰۸. ک ۸۰۹. ک ۸۱۰. ک ۸۱۱. ک ۸۱۲. ک ۸۱۳. ک ۸۱۴. ک ۸۱۵. ک ۸۱۶. ک ۸۱۷. ک ۸۱۸. ک ۸۱۹. ک ۸۲۰. ک ۸۲۱. ک ۸۲۲. ک ۸۲۳. ک ۸۲۴. ک ۸۲۵. ک ۸۲۶. ک ۸۲۷. ک ۸۲۸. ک ۸۲۹. ک ۸۳۰. ک ۸۳۱. ک ۸۳۲. ک ۸۳۳. ک ۸۳۴. ک ۸۳۵. ک ۸۳۶. ک ۸۳۷. ک ۸۳۸. ک ۸۳۹. ک ۸۴۰. ک ۸۴۱. ک ۸۴۲. ک ۸۴۳. ک ۸۴۴. ک ۸۴۵. ک ۸۴۶. ک ۸۴۷. ک ۸۴۸. ک ۸۴۹. ک ۸۵۰. ک ۸۵۱. ک ۸۵۲. ک ۸۵۳. ک ۸۵۴. ک ۸۵۵. ک ۸۵۶. ک ۸۵۷. ک ۸۵۸. ک ۸۵۹. ک ۸۶۰. ک ۸۶۱. ک ۸۶۲. ک ۸۶۳. ک ۸۶۴. ک ۸۶۵. ک ۸۶۶. ک ۸۶۷. ک ۸۶۸. ک ۸۶۹. ک ۸۷۰. ک ۸۷۱. ک ۸۷۲. ک ۸۷۳. ک ۸۷۴. ک ۸۷۵. ک ۸۷۶. ک ۸۷۷. ک ۸۷۸. ک ۸۷۹. ک ۸۸۰. ک ۸۸۱. ک ۸۸۲. ک ۸۸۳. ک ۸۸۴. ک ۸۸۵. ک ۸۸۶. ک ۸۸۷. ک ۸۸۸. ک ۸۸۹. ک ۸۹۰. ک ۸۹۱. ک ۸۹۲. ک ۸۹۳. ک ۸۹۴. ک ۸۹۵. ک ۸۹۶. ک ۸۹۷. ک ۸۹۸. ک ۸۹۹. ک ۹۰۰. ک ۹۰۱. ک ۹۰۲. ک ۹۰۳. ک ۹۰۴. ک ۹۰۵. ک ۹۰۶. ک ۹۰۷. ک ۹۰۸. ک ۹۰۹. ک ۹۱۰. ک ۹۱۱. ک ۹۱۲. ک ۹۱۳. ک ۹۱۴. ک ۹۱۵. ک ۹۱۶. ک ۹۱۷. ک ۹۱۸. ک ۹۱۹. ک ۹۲۰. ک ۹۲۱. ک ۹۲۲. ک ۹۲۳. ک ۹۲۴. ک ۹۲۵. ک ۹۲۶. ک ۹۲۷. ک ۹۲۸. ک ۹۲۹. ک ۹۳۰. ک ۹۳۱. ک ۹۳۲. ک ۹۳۳. ک ۹۳۴. ک ۹۳۵. ک ۹۳۶. ک ۹۳۷. ک ۹۳۸. ک ۹۳۹. ک ۹۴۰. ک ۹۴۱. ک ۹۴۲. ک ۹۴۳. ک ۹۴۴. ک ۹۴۵. ک ۹۴۶. ک ۹۴۷. ک ۹۴۸. ک ۹۴۹. ک ۹۵۰. ک ۹۵۱. ک ۹۵۲. ک ۹۵۳. ک ۹۵۴. ک ۹۵۵. ک ۹۵۶. ک ۹۵۷. ک ۹۵۸. ک ۹۵۹. ک ۹۶۰. ک ۹۶۱. ک ۹۶۲. ک ۹۶۳. ک ۹۶۴. ک ۹۶۵. ک ۹۶۶. ک ۹۶۷. ک ۹۶۸. ک ۹۶۹. ک ۹۷۰. ک ۹۷۱. ک ۹۷۲. ک ۹۷۳. ک ۹۷۴. ک ۹۷۵. ک ۹۷۶. ک ۹۷۷. ک ۹۷۸. ک ۹۷۹. ک ۹۸۰. ک ۹۸۱. ک ۹۸۲. ک ۹۸۳. ک ۹۸۴. ک ۹۸۵. ک ۹۸۶. ک ۹۸۷. ک ۹۸۸. ک ۹۸۹. ک ۹۹۰. ک ۹۹۱. ک ۹۹۲. ک ۹۹۳. ک ۹۹۴. ک ۹۹۵. ک ۹۹۶. ک ۹۹۷. ک ۹۹۸. ک ۹۹۹. ک ۱۰۰۰. ک ۱۰۰۱. ک ۱۰۰۲. ک ۱۰۰۳. ک ۱۰۰۴. ک ۱۰۰۵. ک ۱۰۰۶. ک ۱۰۰۷. ک ۱۰۰۸. ک ۱۰۰۹. ک ۱۰۱۰. ک ۱۰۱۱. ک ۱۰۱۲. ک ۱۰۱۳. ک ۱۰۱۴. ک ۱۰۱۵. ک ۱۰۱۶. ک ۱۰۱۷. ک ۱۰۱۸. ک ۱۰۱۹. ک ۱۰۲۰. ک ۱۰۲۱. ک ۱۰۲۲. ک ۱۰۲۳. ک ۱۰۲۴. ک ۱۰۲۵. ک ۱۰۲۶. ک ۱۰۲۷. ک ۱۰۲۸. ک ۱۰۲۹. ک ۱۰۳۰. ک ۱۰۳۱. ک ۱۰۳۲. ک ۱۰۳۳. ک ۱۰۳۴. ک ۱۰۳۵. ک ۱۰۳۶. ک ۱۰۳۷. ک ۱۰۳۸. ک ۱۰۳۹. ک ۱۰۴۰. ک ۱۰۴۱. ک ۱۰۴۲. ک ۱۰۴۳. ک ۱۰۴۴. ک ۱۰۴۵. ک ۱۰۴۶. ک ۱۰۴۷. ک ۱۰۴۸. ک ۱۰۴۹. ک ۱۰۵۰. ک ۱۰۵۱. ک ۱۰۵۲. ک ۱۰۵۳. ک ۱۰۵۴. ک ۱۰۵۵. ک ۱۰۵۶. ک ۱۰۵۷. ک ۱۰۵۸. ک ۱۰۵۹. ک ۱۰۶۰. ک ۱۰۶۱. ک ۱۰۶۲. ک ۱۰۶۳. ک ۱۰۶۴. ک ۱۰۶۵. ک ۱۰۶۶. ک ۱۰۶۷. ک ۱۰۶۸. ک ۱۰۶۹. ک ۱۰۷۰. ک ۱۰۷۱. ک ۱۰۷۲. ک ۱۰۷۳. ک ۱۰۷۴. ک ۱۰۷۵. ک ۱۰۷۶. ک ۱۰۷۷. ک ۱۰۷۸. ک ۱۰۷۹. ک ۱۰۸۰. ک ۱۰۸۱. ک ۱۰۸۲. ک ۱۰۸۳. ک ۱۰۸۴. ک ۱۰۸۵. ک ۱۰۸۶. ک ۱۰۸۷. ک ۱۰۸۸. ک ۱۰۸۹. ک ۱۰۹۰. ک ۱۰۹۱. ک ۱۰۹۲. ک ۱۰۹۳. ک ۱۰۹۴. ک ۱۰۹۵. ک ۱۰۹۶. ک ۱۰۹۷. ک ۱۰۹۸. ک ۱۰۹۹. ک ۱۱۰۰. ک ۱۱۰۱. ک ۱۱۰۲. ک ۱۱۰۳. ک ۱۱۰۴. ک ۱۱۰۵. ک ۱۱۰۶. ک ۱۱۰۷. ک ۱۱۰۸. ک ۱۱۰۹. ک ۱۱۱۰. ک ۱۱۱۱. ک ۱۱۱۲. ک ۱۱۱۳. ک ۱۱۱۴. ک ۱۱۱۵. ک ۱۱۱۶. ک ۱۱۱۷. ک ۱۱۱۸. ک ۱۱۱۹. ک ۱۱۲۰. ک ۱۱۲۱. ک ۱۱۲۲. ک ۱۱۲۳. ک ۱۱۲۴. ک ۱۱۲۵. ک ۱۱۲۶. ک ۱۱۲۷. ک ۱۱۲۸. ک ۱۱۲۹. ک ۱۱۳۰. ک ۱۱۳۱. ک ۱۱۳۲. ک ۱۱۳۳. ک ۱۱۳۴. ک ۱۱۳۵. ک ۱۱۳۶. ک ۱۱۳۷. ک ۱۱۳۸. ک ۱۱۳۹. ک ۱۱۴۰. ک ۱۱۴۱

ک ۲۸/۱۰۰ . ۹/۲۰۰

۳۳۳ یān ج yānān: تحفه، هدیه، پیشکش، نیکویی، موهبت. (نگ.)
 ۱۳۳ (yān = ۲۱/۲۲)

۳۳۳ jahūd/yahūd: یهود، یهودی. ک ۷/۶

۵ ۳۳۳ dānišn: دانش (اسم مصدر)
 ستار zan: / ابرانی کهن: dan / هندی کهن: jan (GNPE. 118)
 ک ۶۳/۲ . ۳۲-۲۶/۳

۳۳۳ gāušdā: گوشودای. نگ: ۳۳۳ و ۳۳۳ و ۳۳۳ ک ۲/۱۴

۱۰ ۳۳۳ dānag: دانه، گندم، در اینجا مقیاس وزنی است که در فارسی گندم گفته می شود "گندم از مقیاسهای قدیم وزن معادل $\frac{1}{4}$ نخود (هر نخود معادل $\frac{1}{16}$ مثقال است) دایره المعارف فارسی ج ۲.
 ستا: dānō[karša-] هندی کهن: dhānā- (GNPE. 118)
 ک ۱/۱۶

۱۵ ۳۳۳ dānišnigihā: از روی آگاهی، آگاهانه (قید است. نگ):
 ۳۳۳ و ۳۳۳ (ک ۲/۱۴)

۳۳۳ yār / jār: (فرهوشی: yāvar) بار، دفعه، وقت، زمان. ستا:
 -yār: جال؟ (AiWb. 1287) وغب: dušiyāra- خشکالی.
 (Kent. 192).
 ک ۴۸-۴۷-۴۶-۴۵-۴۰-۳۸-۳۲-۲۸-۲۴-۲۲-۲۲-۱۲-۹/۱۳

۲۰ ۳۳۳ gān: گان، گون، گونه، نوع. (نگ: ۱۳) (gōn: (برای توضیح در باره)

این واژه نگ: Tavadiā ŠnŠ. pp. 97-8-n ک ۷/۶.

۱۳۳ yān: یان، دهش، هدیه، موهبت.
 ستا: yāna- (AiWb. 1285) وغب: yāna- (Kent. 205)
 ک ۲/۲۲

۱۱۳۳۳ būdan: yHWWN, tñ: هر: بودن، شدن.
 ک ۲۷-۲۶/۲ . ۲۴-۲۳-۲۲/۲ . ۲۳/۸ . ۲۴/۹ . ۴/۱۰ . ۴/۱۱ . ۲/۱۱
 ۱۳-۱۱ ۳۳۳ būd: ... بودن. ک ۲/۱ . ۱۰۲-۷۴-۷۲-۱۰-۳/۲
 ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷ . ۱۱۹-۱۰۷
 ک ۵/۱۱ . ۲۹/۱۲ . ۵۱/۱۳ . ۶/۱۴
 ۳۳۳ būd hēnd: بودند. ک ۳/۱ . ۱۹-۱۰۲-۷۴/۲
 ک ۱۳/۸

۳۳۳ būd bavēd: بوده باشد. ک ۲۳/۸
 ۳۳۳ būd ēstēd: بوده است. ک ۱۰۷-۱۰/۲
 ۳۳۳ bavād: ... بود، باشد. مقدمه ک ۵/۱۴ . ۱۵
 ۳۰-۳۳۳ bavānd: ... باشند. ک ۵/۲۳ . ۳۲-۳۱-۳۰-۲۶-۲۴-۱۶-۲/۲۲ . ۴-۳-۱/۲۱ . ۶-۳/۱۹
 ۳۳۳ bavēnd: ... باشند. ک ۲۰-۱۳/۱۳
 ۳۰-۳۳۳ bavēh: ... باشید. ک ۱۰/۸
 ۳۳۳ ma bavēh: نباشی. ک ۱۰/۸
 ۳۳۳ bavēd: ... باشد، بود.
 ک ۱۵/۲-۱۶-۱۹ و ۱۲۶ بار دیگر.
 ۳۳۳ bavē(h): ... باشد. ک ۲/۲۰

۳۳۳ būdīh: yHWWN, tyh: بودن، شدن. ک ۱۸/۳

۱۴-۸/۸: bavišn: , šn: بودن، شدن. ک ۱۴-۸/۸

در متن: ۱۴-۸/۸ (نادرست):
 gōšōdāg: گوشودا. گاو مفید. واصطلاحاً "قسمتی از گوشت قربانی است که به ایزدان فدیہ می‌شود. ک ۱۱/۴-۵ یا چربی که بر روی درون قرار داده می‌شود. (K. J. Jamasp Asa, Čim ē Drōn, in ۲/۱۴: نک: gāuš hučā- : Hoshang Mem. V 201, II.9-10)

نک: واژه بالا. ک ۵/۱۱

جāvēdān: جاودان، همیشگی.
 (Mir. Man. j²yd²n: ۱۲۶۶ (AīWb. 1266) yavaētāt : ستا
 (Mir. Man. III, 64) y²wy²d²n : ۵۵، II پتر. ۲/۲۰)

سīzdah, 13: سیزده. ک ۱۴/۱۹

čahārdah, 14: چهارده. ک ۱۳/۱۰، ک ۷/۱۳، ک ۷/۲۱.
 14 pāy: ۱۴ پای ک ۷/۲۱. نک: رعد

pānzdah: پانزده. ک ۱۱/۳-۲۶-۲۷-۲۸-۳۳. ک ۹/۴

ک ۱۳/۱۰، ک ۱۰/۱۳، ک ۲/۵۰.
 pānzdahum: پانزدهم. ک ۲/۲۱

šānzdah, 16: شانزده. ک ۷/۱۳-۲۷. ک ۵/۱۶

۱۶۵۵۴: ۱۶۵۵۴. ک ۱۳/۵۰

nūzdah, 19: نوزده. ک ۲۰/۱۳

این واژه احتمالاً "شکل نادرست واژه‌ای دیگر است. ممکن است اصل

āvarēd: yHyTyN, yd: آورد باشد (نگ: ۱۴/۸)

و ممکن نیز هست که yHSN, yd: دارد. در هر دو صورت معنی کامل و گویایی در متن به دست نمیدهد. تاوادی صورت را درست دانسته است. (نگ: Tavadia ŠnŠ. p. 111. n.)

ک ۱۴/۸

āvardan: yHyTyWN, tñ: هر: آوردن.

ک ۱۰/۲-۷۹-۸۲-۸۴-۹۱-۹۲

āvarēm: , m: آورم. ک ۹۱-۹۰/۲

āvarēd: , yt: آورد.

ک ۲۵/۱۰، ک ۷۹/۲-۸۰-۸۱-۸۲-۹۳

be āvarēd: بیاورد. ک ۹۳/۲

āvarēnd: ... , nd: آورند. ک ۷/۸

be āvarēnd: بیاورند. ک ۷/۸

āvarād: , t: آورد، آورد. ک ۲۲/۲۲

avarišn: , šn: آوردن. ک ۹۲-۸۴-۸۳/۲

ک ۲۲/۱۰

be āvarišn: بیاوردن، آوردن. ک ۹۲/۲

dahišn: دهش، آفریده، آفرینش، مخلوق. (نگ: ۱۱/۱۳)

ک ۱۱/۲۰، ک ۱۴/۱: dahišnān: آفریده

مخلوقات. ک ۴/۱۳. (۲) دهش، بخشش

avizīdār dahišnān: تردیدکاران، آنان که با خلوص نیت دهش نمیکند

سهل انگاران در دهش. ک ۲۹/۱۰

dahišnīh: دهش کردن، بخشش کردن. ک ۲۹/۱۰

دایه: dāyag: دایه، موکل، نگهبان.
(نک: Bailey. TPS, 195, p.108.n.4 ک ۴/۱۵)
دایه: dāyag-ē: دایه‌ای، نگهبانی. ک ۴/۱۵

داهید: dahyubad: گوتوال dahibed: (ŠnŠ. p. 135)
حکمران. ستا: daiñhu-paiti- (AiWb. 681) غائر: dhybyd :
dahiwat, dāhwad, dahēwat (مینوی خرد). ک ۱۲/۱۲-
۴۲-۴۴. ک ۵/۱۹
داهیدان: dahyubadān: (تفضلی: dehbad, مینوی خرد)
دهیدان. ک ۴۵/۱۳

دار: dārišn: yHSNN, Šñ: (۱) داشتن، نگاهداشتن.
ک ۱۰۸/۲. ک ۷-۶/۳. ک ۱۳/۴. ک ۴/۱۰. ک ۱۱/۱۲-۱۲-۲۰. ک ۹/۱۳
(۲) انگاشتن، دانستن، تصور کردن. ک ۱۵/۳-۲۲-۲۳. ک ۱۲/۱۰. ک ۲۲/۱۲
ک ۱۳-۱۲/۲۰
(۳) پوشش، لباس، ملافه. ک ۳-۲-۱/۳
(۴) خواندن، گفتن، بجا آوردن.
gāhān guftan: گاهان را سوده (شکسته) نخوانند.
pad sūdāg nē dārišn.
ک ۶/۱۰

دارم: dārēm: yHSNN, m: دارم.
دارم: abāz dārēm: بازدارم، جلوگیری کنم مانع شوم
ک ۲۶/۱۰

داری: dārē(h): داری. ک ۲۸/۱۲
داری: dārē: داری. ک ۱/۱۵

دار: dārād:: داراد، بدارد، نگاهدارد. ک ۱۷/۲۲
دار: dārēd:: (۱) دارد. ک ۹۶-۲۲/۲. ک ۹/۳-
۳۲. ک ۶-۳/۴. ک ۱۴/۱۰. ک ۲/۱۲. ک ۲/۱۴
دار: abar dārēd: بردارد. ک ۳۲/۳
پیشکش کند، تقدیم کند، ببخشد. ک ۷/۲۰
(۲) پندارد، انگارد. ک ۲/۷

دارند: dārēnd: yHSNN, nd: (۱) دارند، نگاهدارند.
ک ۱۸/۱۰. ک ۲۴-۳/۱۲. ک ۶/۱۳. ک ۱/۱۵

دو: dō: ۲: دو.
ستا: dva- : dvā (Jackson. 10) غائر: dw (Mir. Man.
II, 50.) ک ۸-۷-۶/۴. ک ۵/۵. ک ۲/۶. ک ۸/۷. ک ۱۲-۸/۹. ک ۱۰/۱۰
ک ۱۴-۱۰-۳. ک ۲۳/۱۲ و ۲۰ بار دیگر.
دو: 2 bahr: دو بهر، دو بخش. ک ۸-۷/۲۱
دو پای (نک: دو پای): 2 pāy: ک ۲/۲۱

دوار: dvārēd: هجوم برد، حمله کند (از واژه‌های اهریمنی است نک. پورداود
بشاج ۱ ص ۲۲۳) ک ۱/۲

دو: 2 tōg: تو، دولایه. ک ۶/۴

دو: 2 srišūdag: ۲ سوم، ۲/۳
ستا: θrišva: یک سوم (AiWb. 812.) ک ۸/۹

دو هزار: dō hazār: ۲۰۰۰، دو هزار.

ستا: dva-hazanrōtama- : dvā sahasratamā-

براند : مهر : GBR³ : mard: مرد.

marta- : martiya- : maretan-, mareta- :
mrdwhm (GNPE. 217) mard : mártiya- ,
(Mir.Man. II, 60) ك ۶/۲-۸-۶۳-۶۵ و ۴۶ بار دیگر .

درست رسالت: mard bālāy: به بلندی مردی، به اندازه یک مرد.

ک ۲۷/۱۵. mard-ē: مردی، یک مرد. ک ۷۸-۷۱-۶۹-۸/۲.

• 29-19-16/125, 23-6-3/105

مرد : mard I ahraṇ: مرد پارا، مؤمن.

• ۸-۷-۵/۱۵۵ ۱۹-۱۲-۳/۱۳۵ . ۲۳/۱۲۵ . ۳۳/۳۵

مرد و دروند: mard i drvand: مرد دروند، مرد بی ایمان، ک ۱۵/۱۰

مردان: mardān: مردان. ک ۱۹/۱۰ ک ۳/۱۲

میرا (معص) بجای میری (معص) dvārist: حملہ کرد (نک: میری (معص))

ک. ۱۰/۲. در معجم بها و dvārist hēnd: حمل کردند، هجوم بردند.

• 4/105

۱۲/۱۹۵ . ۲۹-۴/۱۳۵ . یازده، ۱۱: yāzdah, 11: ۱۲

و (۱۳۴) : مز : t, yPLHWN, x^vast? : خواند، مطالعه کرد، از سر کرد (?)

کوتوال این واژه را از $\sqrt{\text{PLH}}$ 7 راسی = کار، کوشش و خدمت. و در زبانهای ایرانی سرشتن، آمیختن و کوشش کردن و گام زدن و نیز، کار، زحمت و آموختن و سرانجام خواندن و از بر کردن می داند (نک. *Kotwal. ŠnŠ. p. 183*). ک ۱/۱۵

دیبیر: dibIr: اشاره به کاتب یا نویسنده شایست نه شایست است و تنها کاتب

یا نویسند، این کتاب با این نام از خود یاد می‌کند.

Mir. Man. dbyr: پاتر (*Mir. Man.* II, 50) dbyr : فاطر

.(diwār : ٤ III, 53.) (مینوی خرد).

۰۴۴/۲۵

★

۱۹۲۵: yataāhū vairyōg: پناهو ویر یو، آواوشت پهلوی

huna. vairya : اوستایی است که : yaθā ahū vairyō

(پهلوی : ahunvar) نیز نامیده می‌شود که یکی از سه نماز بزرگ و کهن زرتشتیان

می‌باشد. مجموع وزنه‌های این نماز ۲۱ است که برابر با ۲۱ نسک اوستایی باشد.

• 15-14-1/195 1A/125

معصوم و معصومین : همان واژه بالا است.

52/125

۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ : نوشتار دیگری است از پناها و شیرین.

13/135

صورت: yatā: [اهوویرو] نوشتار کوتاه شده صورت‌های بالاست.

ک ۵/۵

فصل دوم: yatāiš: منظور واژه اول بند یکم از یسنای ۳۳ می باشد که به اوستایی

yaθāiš . ات

14/125

۱۴۳۷: datuš: دتوش، در گذشته منظور از آن یک تای برسم بوده که برابر با

نوشته‌های تیونگستان این تا یا شاخه برسم محکمتر و راست‌تر از سایر شاخه‌ها بوده است.

. ۹/۱۳۵ (Kotwal. ŠnŠ. p.102. n 17 p.136 :ک)

نیشینان: nišīnān: yTyBWN, ʔnʔ: "بجای نشستن" ظاهر
آمده. نشستن: nišīnān: HDWN, šn: ۱۳۱۳/۱۳۱۳
nišīnān kunišn: نشستن کنند، بنشینند. ک ۵/۱۰

نیشاست: nišast: yTyBWN, st: نشستن. (مصدر: ۱۳۱۳/۱۳۱۳)
(nišastan). فب و ستا از: had (AīWb. 1753)

ک ۲۴/۲. ک ۲۱-۱۶/۳. ک ۱/۱۵
نیشاست: nišast ēstēd: نشسته است.

ک ۲۴/۲

نیشینیش: nišīnišn:, šnʔ: (اسم مصدر) نشستن.
ک ۲۳-۱۴/۲

نیشینید: nišīnēd:, yt: نشیند.
ک ۱۷/۱۰. ک ۱۲/۴. ک ۲۸-۶-۳-۲/۳

نیشین: didīgar: ددیگر، دوم، پس.
ایرانی گون: *duvitīyam karam (GNPE. 132) غاثر: dwdyg
(Mir.Man. II, 50) ک ۱۰۲-۱۰۰/۲. ک ۹/۹. ک ۱۹/۱۳ (دومرتبه) -
ک ۴/۱۷. ک ۲۹

نیش: iz- نیز (نک: ۹) (ک ۴۳-۱۰-۱/۲) و بیش از ۱۰ جای دیگر کتاب.

نیش: gač: گچ.
ستا: vičiča- (AīWb. 1437) ک ۱۷-۱۴/۲

نیش: kāmēm: ySBHN, m: خواهم، مایلم

نیش: kāmīstan: ۱۱۳۱۳/۱۱۳۱۳ از: kām: کام آرزو خواست
ستا: kāmā- (GNPE. 186) غاثر: myšn, kʔmyst, kʔm: ۶/۵
Mir.Man. II, 57

نیش: kāmēm kardan: خواهم کردن، آرزوی انجام آن
دارم ک ۶/۵

نیش: kāmēd:, yt: هر:
ک ۸۶-۸۲/۲. ک ۲۲/۳. ک ۸/۷. ک ۷/۱۵-۹-۱۲-۱۴-۲۰-۲۵

نیش: gazišn? گزش (در اصل به معنی گزیدن کارگرفتن است) درایست
به معنی. آلودگی در اثر تماس پیدا کردن است. (نک: ŠnŠ. ۵۵/۲ p. n. 12.)

نیش: yazišn: یزش، نیایش، آئین دعا. ک ۲۸/۲. ک ۲/۷. ک ۲۲-۲۲/۸
ک ۸/۹-۵-۱۱-۱۲-۱۳. ک ۳۶-۳۴-۵-۲/۱۰. ک ۳۱/۱۲. ک ۲۵/۱۳. ک ۸/۱۵
ک ۶/۱۶. ک ۶-۵-۳/۱۷. ک ۸-۷/۱۹

نیش: yaziš... kardan: یزش کردن، نیایش کردن
ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹
yazišn fardāy fravard: یزش اردا فرورد، یعنی اجرای مراسم یسنا و درون که به نام اردا فرورد برگزار می شود
ک ۶-۵/۱۷. ک ۸/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹
yazišn ī srōš: یزش سروش، منظور شنومن سروش است که در سه روز اول پس از درگذشت کسی روز
درها و نگاه اجرا می شود که شامل برگزاری درون، یسنا و یسپرد و وندیداد است
ک ۶-۳/۱۷. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹. ک ۸-۷/۱۹
yazišn ī yazdān: یزش یزدان
ستایش پروردگار. ک ۶/۱۶. ک ۷/۱۹

نیش: dazišn: داغ کردن، داغ شدن (نک: ۱۸/۱۵)

نیش: gačkard: گچ کرده، گچین، جایی که با گچ ساخته شده. (نک: ۷/۱۵)

۱۴/۲۵

۱۴۹: yazēm: بزم، ستایش کنم. ک ۳/۱۵.

۱۵۰: dazēd: دازد (گذارد)، داغ شود. د dāz: بن مضارع است،
ماضی آن: dāy: ستا: daya-: هندی کهن: dāha-: dāghā-: [in] (GNPE 117). ک ۱۷/۱۵

۱۵۱: gačēn: گچین (صفت نسبی است از گچ '۲') gač: نک: همین):
گچی، از گچ ساخته شده. ک ۳۹/۲

۱۵۲: yašt: yzBHWN, t: هر: یاش: نیایش کرد، بزش کرد.
ک ۳۵/۱۰، ک ۲/۱۳، ک ۶/۱۷

۱۵۳: yazišn:....., šn: هر: یازیش: (نک: ۱۵۴)
ک ۲/۷، ک ۶/۸، ک ۳۴/۱۰

۱۵۴: yazēn:....., m: هر: یازن: بزم، فدیة دهم، پیشکش کنم (معنی با انجام
نذر و تقدیم فدیة و پیشکشی به ایزدی، ستایش کنم) ک ۸/۱۲-۹

۱۵۵: yazēnd:....., nd: هر: یازند: ستایند، نیایش کنند، تقدیس کنند.
ک ۱۳/۹، ک ۲۴/۱۲، ک ۶/۱۳، ک ۱/۱۴، ک ۳/۱۷

۱۵۶: yazēd:....., yt: هر: یازد: نیایش کند، بستاند، تقدیس کند.
ک ۱/۷-۲-۳-۵-۶، ک ۲۰/۸، ک ۶/۱۱، ک ۲/۱۴، فدیة دهد، پیشکش کند،
نذری دهد. ک ۹/۱۲

۱۵۷: gazdum: (۱) جانورگزنده. کژدم ک ۱۹/۸

(۲) برج عقرب، ک ۲/۲۱.

۱۵۸: yezī: که منظور: yezī. ayaθāiš: که دو واژه نخست بند ۱
ها ۴۸ می باشد است، این ها از یسنا دارای ۱۲ بند و هر بند شامل ۴ بیت است
ک ۳۳/۱۲

۱۵۹: šast, 60: ۶۰، شصت.

ستا: xšvašti-: L sasti- (Jackson. 106)

ک ۲/۱۱، ک ۲۶-۲۵/۳، ک ۵/۱۶

۱۶۰: šast ud šaš, 66: ۶۶، شصت و شش. ک ۵۱/۱۳

۱۶۱: dēbāg: دیبا "قماشی باشد از حریر الوان" برهان.

هندی کهن: dīpyatē, √dīp- (GNPE. 132) معرب آن دیباچ. ک ۴/۴

۱۶۲: dist: دشت، واحد اندازه گیری طول "به اندازه فاصله دو انگشت شست
و سبابه، هنینگ (نک: Henning, JRAS 1942, p. 235).
ستا: dišti-: هندی کهن: dištay- (AiWb. 748) ک ۴/۱۶

۱۶۳: sag: sa[n]g: سنگ (مقدار وزن) سنگینی.

ستا: asan- (AiWb. 207-208) در همین کتاب به شکل و ویر آمده
است. ک ۱۱۶/۲، ک ۲/۱۱ (در این بند سه بار دو و یک بار و و آمده
است)

۱۶۴: sēb: سیب (میوه) ک ۱۲۳/۲

۱۶۵: -ist: نشانه صفت عالی. ک ۲/۴، ک ۴/۱۲، ک ۱/۱۶

دشستار: yaštārān: یشتاران، اجرا کنندگان یشت، موبدان اجرا کننده
مراسم مذهبی. ک ۲۴-۲۶/۱۲

دشتان: daštān: دشتان، حیض.
ستا: (AiWb. 676) ¹daxšta- ک ۸/۲-۱۷-۶۱-۹۶-۹۸-۱/۳-
۲-۴-۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۲-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷-۲۹-
۳۰-۳۲-۳۳. ک ۱۲/۸. ک ۳۹/۱۰

دشستان: daštān: دشتستان، جای (نک: واژه زیر)
ک ۱۶/۳

دشتانستان: daštānistān: دشتانستان، محلی که معمولاً در خانه دورتر
از محل سکونت سایر افراد (پاک) برای زنان دشتان وجود داشت، که در مدت حیض
بودن می باید زن به دور از آب و آتش و مرد (اهرو) در آن سکونت کند تا پاک گردد
ک ۷۵/۲

دشست جامه: yašt jāmag: یشت جامه، لباس نماز، پوشش و لباس پاکیزه
مخصوصی که در مراسم و آئین های مذهبی می پوشند. ک ۴۴/۲

دشستن: yaštan: یشتن، نیایش کردن. (نک: دشستن)
ک ۳۲/۳. ک ۵/۵. ک ۴-۱/۷. ک ۳۱-۱/۱۲. ک ۴/۱۷. ک ۵/۲۰

دشست راست: dašn: راست (سمت راست).
ستا: (AiWb. 703) ¹dašina- فاطر: (Mir. Man. II, 51) dšn
پاتر: (Mir. Man. III, 54) dšn ک ۱۵/۱۰. ک ۴/۱۱

دشست زیوی: gašnag-zīvišnīh: زندگی کوتاه، کوتاه زیوی.
(نک: (Bailey, BSOAS, XXVI, 1963, pp. 70-71

ک ۳۲/۱۲

*

دشست: yak: یک.

در جاهای دیگر کتاب بجای این واژه دشست (نک: همین) آمده است. پا: k
(مینوی خرد) ک ۶/۲۱-۸ (دومرتبه) دشست: yak-ē: یکی. ک ۶/۲۱.
دشست: 3 yak: سه یک (یک سوم ثلث) ک ۸/۲۱.

دشست جگر: jagar: جگر.

ستا: -/yākar- yākarā هندوی کهن: (LWB. 1282) yākrt
ک ۴/۱۱

دشست ایستاد: yk^cymwn-²t: ایستاد، قرار داشت،
شد. ک ۱۰/۸. ک ۲۸/۱۵

دشست ایستاده: tk: ایستاده، ساکن.
دشست آب: āb i ēstādag: آب ساکن، (آبی که جریان ندارد)
ک ۷۸/۲

دشست ایستند: nd: ایستند (۱) ایستند (معتترف شوند قبول کنند)
ad ēn. čāstag ēstēnd: ایستند (۲) متوقف شوند. ک ۱۲/۹
ایستندگی کنند، مقاومت کنند. ک ۲۷/۱۵

دشست ایستاده شده: yh: ایستاده شده.
ad grān dāšt ēstēh: سخت شمرده شده، مشکل تلقی شده. ک ۲/۹

دراخت: *draxta-* (GNPE.121) پاتر: *drxt* (Arm. Gram.145) *daraxt* (Arm. Gram.145) *draxt*: (مینیوی خرد) ک ۵/۸

(۱) فعل معین برای ساختن ماضی بعید و نقلی ک ۱/۱ ک ۱/۲ ک ۱۶-۱۳/۲-۱۶

۱۹۹-۱۱۷-۱۱۶-۱۱۱-۱۰۹-۱۰۷-۱۰۶-۱۰۲-۱۰۱-۸۹-۸۸-۷۸-۷۳-۴۳-۳۸

ک ۷-۲/۳ ک ۲-۱/۴ و بیش از ۵۰ مورد دیگر.

(۲) قرار گیرد، بایستد ک ۱۰/۲ ک ۱۲-۱۸-۲۲-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵

۱۰۰-۵۷-۴۲ ک ۵/۳ ک ۱۱-۳۱-۳۴-۳۵

دراخت: *abāz*: بیفتد، قرار گیرد ک ۱۸/۲

دراخت: *abaz ēstēd*: متوقف شود باز ایستد ک ۳۴/۳

دراخت: *andar kār ēstēd*: مورد استفاده قرار گیرد.

ک ۴۲/۲

دراخت: *andar ō kār ēstēd*: به کار مشغول شود.

ک ۵/۳ (۳) باشد، بماند. ک ۶۱/۲

دراخت: *pāk*: پاک. *DKy^۳*

پاتر: *p^۳k* (Mir. Man. II, 63) پاتر: *pw^۳g* (Mir. Man. III, 6.

۱۰۶-۱۰۴-۱۰۱-۹۲-۶۲-۴۴-۴۲-۳۰-۲۲-۱۶-۱۵-۱۴/۲ ک ۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۰

ک ۲۷-۲۴-۱۲-۳/۱۲ ک ۲۰-۱۸-۱۶-۱۴-۵/۳ ک ۱۲۲-۱۱۳-۱۱۲-۱۰۸

۱۵/۱۵

دراخت: *pākīh*: پاکی، پاک بودن. ک ۱۸/۳

*

دراخت: *gar*: گر، کوه، قله کوه، گردنه.

دراخت: *gairi-* هندوی کهن- *girāy* (Aiwb. III, 513-14) ک ۱۲/۱۹

دراخت: *draxta*: درخت.

دراخت: *draxta* (GNPE.121) پاتر: *drxt* (Arm. Gram.145) *daraxt* (Arm. Gram.145) *draxt*: (مینیوی خرد) ک ۵/۸

ک ۷۳-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵/۲ ک ۵/۸

دراخت: *draxta*: درختی، یک درخت. ک ۲۵/۲

دراخت: *grān*: گران، سنگین، سخت.

ستار: *grav*: هندوی کهن: *gurav-* (Aiwb. 514) پاتر: *gr^۳n* (Mir. Man. III, 55.) *gr^۳n*: (مینیوی خرد) ک ۹۱-۷۵/۲ ک ۵/۵ ک ۱۴-۷/۸ ک ۲/۹

ک ۱۰/۱۲ ک ۲۹-۵/۱۰ ک ۱۰/۱۲

دراخت: *grānvināhtār*: بسیار تر گناه، کسی که گناهش گران تر

است. ک ۵/۱۰

دراخت: *drahnā(y)*: درازا

ستار: *drajah-* (Aiwb. 774) پاتر: *darānā* ک ۸۴/۲

دراخت: *drahnāg*: درازا (نک. واژه بالا) ک ۳/۱۴

دراخت: *drahnāy*: درازا (نک. واژه بالا) ک ۱۵-۱۶-۱۹-۱۹-۴۱-۴۴-۶۲-۱۱۸-۱۰۹ ک ۶-۵/۴ ک ۱۴/۱۹

دراخت: *grāntar*: گران تر، سخت تر. (نک. دراخت) ک ۵/۵

دراخت: *grānīh*: گرانی، سنگینی. (نک. دراخت) ک ۳/۹

دراخت: *drāyān javišnīh*: درایان جوشی. اصطلاحاً "یعنی خوردن همراهِ با حرف زدن که در شریعت زرتشت گناه شمرده شده، لکن با توجه به دستورهای دینی که در این کتاب (شایست نه شایست) آمده و نیز در سایر نوشته های دینی زرتشتی درایان جوشی یعنی خوردن بدون دعا و نیایش های دینی مربوط پیش از آغاز آن.

واژه دراخت به معنی سخن گفتن اهریمنی است (برای واژه های اهریمنی

نک: پورداود، یسناج ۱ ص ۲۳۲) ک ۹/۴. ک ۱/۵-۲-۳-۴-۵-۷.

ولیدو **grāgtar**: گران تر، سخت تر، دلیدو شکل دیگری است از
ولید (نک: همین واژه) ک ۲۵/۱۰.

ولیدو **drāyīd**: درآید. وراجی کرد، گفت (یکی از واژه های اهریمنی است)
برای این واژه نک: Benveniste, BSL, L11, 1956. p. 49
و: M. Schwartz, JRAS, 1966. p. 119. ک ۱/۸-۲-۳-۴.

ولید **dard**: درد، ناراحتی.
فاز: **drd** (Mir.Man. II, 51) پاتر: **drd** (Mir.Man. III, 53)
پا **dard**: (مینو خرد) ک ۱۷/۱۰ ک ۲۳/۱۵.

ولید **gardan**: گردن.
ستار: **gairi-** (AiWb. 513) فاز: **grdn** (Mir.Man. I, 36)
ک ۲۳/۲۰ ک ۵/۴ ک ۱۵/۱۰ ک ۴/۱۱.

ولید **gardan band**: گردن بند (آلت زینتی) ک ۴/۳.

ولید **garzišn**: گزیش، کفاره، اعتراف به گناه، توبه. ک ۲/۸.
ستا: **garəz-**: گله، شکایت، هندی کهن: **garhate** (AiWb. 516)
ک ۲/۸.

ولید **garzag**: گرز، موش "به فتح اول بروزن هرزه، نوعی از مار است و بعضی
گویند ماری باشد سر بزرگ و پر خط و خال و زهر او زیاده از مارهای دیگر است و هیچ
ترباقی بر زهر او مقاومت نکند و در بعضی از ولایات دارالمرز موش را گرز می گویند.
... برهان. ک ۳۴-۳۳/۲۰.

ولید **garzēd**: اعتراف کند (نک: ولید) ک ۲/۱۳.

ولید **garzidan**: اعتراف کردن، توبه کردن. (نک: واژه بالا) ک ۱۳.

ولید **ē sad, 100**: یکصد.

ستا: **sata-** (Jackson 106) **satā-** ک ۵۱/۱۳ ک ۶/۱۶.

ولید **ē sad ud panjāh, 150**: یکصد و پنجاه. ک ۱۲.

ولید **ē sad ud panjāh, 150**: یکصد و پنجاه. ک ۱۰/۱۵.

ولید **ē sad hazār, 100,000**: یکصد هزار.
ک ۶/۱۶.

ولید **ē sad ud haštād, 180**: یکصد و هشتاد. ک ۲/۱۱.
ک ۵/۱۶.

ولید **ē sad ud haštād, 180**: یکصد و هشتاد. ک ۱۸۰.

ولید **grih**: گره، گره زدن. ک ۱۱/۴.

ولید ؟ ظاهراً "شکل نادرست" است (نک: همین) ک ۲۴/۱۰.

ولید **dargāh**: درگاه، جای در، در ورودی.
ستا: **davar-**, **dvar-** ← **dar** (AiWb. 766) **gā av+**, **ātav-**,
gāh: جا محل (AiWb. 517-19) ک ۴۵/۲.

ولید **ē hazār, 1000**: یک هزار.

ستا : hazāra- (Jackson. 106) ک ۶۵/۲ ک ۳۱/۱۰-۳۳.
ک ۲۰/۱۲ ک ۶/۱۶.

dah hazār, 10,000: ده هزار ک ۶/۱۶.

ē hazār ud šānzdah, 1016: یک هزار و شانزده.
ک ۵۰/۱۳.

garm: گرم، داغ.

ستا : garəma- (AiWb. 515) فاطر (Mir. Man. I, 35) grm²g.
ک ۱۷/۱۳.

grōv, grav: گرو، تعهد، تعهد دادن، قول دادن (به کردن گرفتن، به عهده گرفتن)
ارستا : grīvā- (AiWb. 530) کردن، گردنه، گریوه.
هندی کهن : griva- پهلوی grīvāk: گریوه، سنج grīv pān
گربان، ارمنی : grapan (Arm. Gram 132) فاطر : gryw : خود
خویش : (Mir. Man. II, 49) پاطر : gryw (Mir. Man. III, 55)
ک ۸/۱۳.

drōd: درود، سلام، نوشتار هزوارشی این واژه ۶۳۳۳ SRM:
(نک: همین) است. فاطر : drwd (Mir. Man. II, 51) پاطر : drwd
(Mir. Man. III, 54) ک ۱۵/۱۷.

garōdmān: گرزمان، عرش، جایگاه روشنی، جای هورمزد خدای.
ستا : damāna- + (AiWb. 512) ⁵/gar garō. damāna-
nmāna- خانه : (AiWb. 1090) فاطر : gr²sm²n (Mir. Man. II, 49)
ک ۸/۱۳ ک ۴/۱۱ ک ۴/۶ grdm²n پاطر :

garōd mānīgih: گرزمانی بودن، عرشی بودن، ک ۴/۶.

druj, druz: دروج، دیو دروغ، دیو شرارت، دیو ناپاکی، دیوماده.
ستا : druĵ- (AiWb. 781) ک ۲۹/۳ ک ۸/۹ ک ۷/۱۰ ک ۱۰/۱۳-
ک ۲۳-۱۳ ک ۵/۱۹ ک ۱۱-۹/۲۰ ک ۲۸/۲۲ ماده دیو، ک ۱۸/۱۲.

druzān: دروجان، دیوهای دروغ، ماده دیوها.
ک ۴۶-۳۲/۱۳.

dranjēd: خواند، حفظ کند، تکرار (در خواندن دعا) کند.
نوشتار درست این واژه ۳۳۳۳ است (با یک Y) اما در بیشتر متون بازمانده
پهلوی با دو (Y) نوشته شده چنانکه در پهلوی یسنا فرگرد ۱۹ و در همین کتاب (نک:
ک ۲۶/۱۰).

drōzan: دروغزن، دروغگو. از ۳۳۳۳ drōg: که هزوارشان
است (نک: همین واژه) ستا : draoga-, draoga-
هندی کهن : drōgha- (AiWb. 768) پاطر : drwg (Mir. Man. III, 54)
(Mir. Man. II, 51) drwzn: ک ۱۸/۱۰.

drōzanih: دروغزنی، دروغگویی، ک ۱۴/۲۰.

drōn: (۱) درون، یک نوع نان مقدس است که از آرد گندم پخته می شود و
در روی آن ۹ خط برش ایجاد می شود و این ۹ نشانه برش که روی آن ایجاد می شود تمیز
دهنده آن با فرست است (چه فرست فاقد این ۹ خط برش می باشد)

ستا : draonah- (AiWb. 769) ک ۹-۸/۱۲ ک ۳-۲-۱/۱۴ ک ۲/۱۷.
(۲) نیایش کوتاهی است که از نام نان درون گرفته شده و برای تقدیس آن نان، که
در آئین های دینی به کار می رود خوانده می شود این دعا یا نیایش را پارسیان باج
می نامند، ک ۳۵-۳۲/۳ ک ۵/۵ ک ۲۰/۸ ک ۱۱/۹ ک ۲۵-۳۴/۱۰ ک ۱۱/۱۲.

کند هر نوشتار درست آن **uštur**: GML² است: **uštur**: شتر، اشتر.
 ستا: **uštra-** هندی کهن: **ustra-** (AiWb. 421) ک ۹۹/۲ ک ۱/۴.

کند **uštur pašm**: پشم شتر. ک ۹۹/۲ ک ۱/۴.

زمان: **zamān**: ۱۳۵

۵ فاطر: **zm²n** (Mir.Man. II, 514) پاتر: **jm²n** (Mir.Man. III, 56.)
 پهلوی کتیبه‌ای: **zm²n** ک ۴۲/۲-۴۴-۵۶-۵۷-۶۲-۶۳.
 ک ۸/۳ ک ۱۵/۹-۱۲-۲۰-۲۱-۲۲-۲۵.

زمان: **zamānig**: در زمان، فوراً ک ۴۳/۲.

زمستان: **zamistān**: ۱۳۶

۱۰ ستا: **zyam, zima, zim** (Kotwal. 186) فاطر: **dmyst²n**
 (Mir.Man. I. 37.) ک ۱۰/۱۵.

هر: **ymrrwn**: **gōv**: گو، بگو. (بن مضارع، مصدر آن **ymrrwn**:
guftan: گفتن، نوشتار غیر هزوارشی آن **ymrrwn** است. نک:
 همین واژه.) ک ۳۰/۱۵ ک ۲/۱۸.

۱۵ هر: **gōvēm**: گویم. ک ۱/۱۱ ک ۴/۱۵.

هر: **gōvišn**: (اسم مصدر) گوش، گفتن، حرف زدن.
 نوشتار غیر هزوارشی آن **gōvišn** (نک: همین) است.
 ک ۲۵-۹-۲/۳ ک ۵/۱۰ ک ۲۲-۱۸/۱۲.

هر: **gōvēd**: گوید، خواند.

ک ۱۲/۲ ک ۲۲-۲۴-۲۵ ک ۱۴/۴ و ۲۷ بار دیگر.

۱ ک ۶/۱۶ ک ۴/۱۷.

درون سه گانه [یابرسم هفت تاک]
 چیزی است که امروز موبدان پارسی آن را خوب پنج تایی می نامند. در این مراسم
 ششون سه بار خوانده می شود. در صورتیکه در سایر مراسم درون ها و باج ها خوشون یا
 ششون فقط دوبار خوانده می شود. ک ۱/۱۲.

درنگ: **drang**: طمانینه (در خواندن ادعیه و کتابهای مقدس)
 ستا: **drang-** (AiWb. 772) ونیزنک: **R.C. Zaehner, BSOS**
 IX, 1938 pp. 319 and 584 ک ۲۴/۱۲.

درود: **drōd**: سلام (نک: **drōd**) ک ۲۲/۲۲.

گلین، گلی (صفت نسبی است از: **gil**: گل). ک ۳۹/۲.

گریوه، گردنه [کوه]: **grīvag**: نک: **grīvag** ک ۱۹/۱۲.

گوتوال: **drivōšān** (گوتوال: **driguš**) درویشان، فقیران.
 ستا: **drigu-** (AiWb. 777) **daryōš**: (مینوی خرد).
 ک ۴/۱۱.

دروند: **druvand**: کافر، ملحد، مرتد.
 ستا: **drvant-** (AiWb. 783) فاطر: **drwnd** (Mir.Man. II, 51)
 ک ۱۴/۸ ک ۱۰/۱۵-۳۰ ک ۶/۲۰-۷-۱۴.

دروندان: **druvandān**: کافران. ک ۱۷/۱۵.

دروندی: **druvandih**: ارتداد، کفر. ک ۱۷/۲۰.

گویش: gōvišn: گوشت، گفتن، حرف زدن.

این واژه به شکل هزارشی 𐭪𐭫𐭮𐭥 (نک: همین واژه) نیز آمده است.

ک ۸/۸، ک ۷/۱۰-۲۴-۲۵-۲۵، ک ۲۱/۱۲، ک ۴/۱۳، ک ۵-۳-۱/۱۹.

گویش‌ها: gōvišnān: گفته‌ها. ک ۱۹/۱۲

گوشی: gōvišnīh: راست گویی. ک ۲۲/۱۲

راست گویی. ک ۲۲/۱۲

دُمب: du[m]bag: دُمب، دُمب، دم

ستا: -duma (AiWb. 749) ک ۴/۱۱

دول: dōl: دلو (ظرفی که با آن از جاه آب کشند، ظرف آب) عربی

دلو، سریانی: daulā (در دیگر دستنویسهای پهلوی 𐭪𐭫𐭮𐭥 بدون ر)

تاوادی: duwar: ظرف آب خوانده تک: n3 p. 77 Tavadia ŠnŠ.

ک ۱۲/۳

آتشدان (تاوادی): diwarak? و پروفسور وست: gōbarak ار:

gāw+bar? (نک: SBE. V p. 282) در متن باید چیزی باشد که

معنی آتشدان یا جای آتش را بدهد، شاید بتوان آن را "کواره [یا گواره] = ظرف

سفالین" چنانکه در جهانگیری آمده خواند و معنی آتشدان از آن اراده کرد.

ک ۲۷/۳

دُمبیزه: dubēzag: این واژه را کوتوال: du[m]bīzag

خوانده به معنی دُمبلیچه یا دم کوچک داخل دُمب گوسفند قربانی، دُمچه: dumče:

(Kotwal. ŠnŠ. p. 139. n. 334) ک ۴/۱۱

*

گفت: guft:

ک ۱/۱ ک ۶/۲-۱۱-۲۹-۴۴ و ۶۲ بار دیگر.

گفت: guft had: ک ۳۶۳

ک ۵۶/۲-۵۷-۶۴-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۱۱۵-۱۱۹.

گفته باشد: guft bavēd: ک ۶/۵

گفته است: guft ēstēd: ک ۳۶۳

ک ۱/۱ ک ۱۱۶/۲ ک ۳/۹ ک ۸/۱۰-۱۹-۲۲-۲۷/۱۳ ک ۶/۱۶ ک ۱/۱۸

ک ۱/۲۰

گفته است: guft-ē: ک ۳۶۳/۳۷۴ ک ۱۰۷-۷۴-۳۹/۲ ک ۱۰۷-۷۴-۳۹/۲

ک ۱۲/۲ ک ۶/۵ ک ۴/۶ ک ۱۷/۱۳/۸

گفتار: guftār: ک ۳۶۳

راست گفتار: rāst guftār: ک ۲۳/۱۲

دوپیکر: dōpaykar: (برج جوزا که برج سوم از ۱۲ برج است)

"دوپیکر برج جوزا است و نشانه نجومی آن از جمله دوازده برج فلکی و خانه عطارد"

برهان. خاتر: dwphykr (Mir.Man. I, 37) ک ۲/۲۱

گفتن: guftan: ک ۱۱۳۵۳

ک ۹-۸/۳ ک ۷-۵-۲/۵ ک ۶-۱۰/۵ ک ۲۲-۶/۱۰ ک ۲۹/۱۳ ک ۲/۱۹

*

جد، جدا، سوا: jud: نوشتار دیگر این واژه است. ستاز: vita- نک:

وندیداد ۱۱

خاتر: jwd: پاتر: gwd: (Mir.Man. III, 64) ک ۴/۱۳

جوید، جویده: jūd: ک ۳۶۳

جویده است: jūd ēstēd: ک ۳۶۳

خورده است. ک ۱۰۶/۲

دوغداو، دوغدو، نام مادر زرتشت بهامبراست. (متن ۳۶۳)

Duγdāv: ک ۳۶۳

که درست نیست) ست: *duḡdō. vā-* هندی کهن *duḡdā-*
(*AiWb.* 748) ک ۱۱/۱۲

jūdan: جودن، جویدن، خوردن. ک ۲۵/۱۰

*

gōz: گوز، گردو. ک ۱۲۰-۱۲۱/۲

ganj: گنج. (۳)

خاطر: *gnz* (*Mir. Man.* II, 49) ک ۴/۸

duz: دزد، دزد. ک ۲۲/۱۵ (۳)

ست: *duž-dā(y)-?* هندی کهن *duž-dā(y)-?* (*AiWb.* 757) *durdhī-*, *dūdhā-*
ک ۲۲/۱۵

duzd: دزد (نک. واژه بالا) ک ۳/۱۰

duzdih: دزدی. (۳)

duzdih kardan: دزدی کردن. ک ۳/۱۰

dužvār: دشوار، سخت.

ست: *duž-āθra-* فن؛ دشخوار (*AiWb.* 756) ک ۲۹/۱۰

duzd: دزد (نک: *duzd* و *duzd*) ک ۲۶/۱۵ (۳)

duzdīdag: دزدیده، سرقت شده (نک: *duzd*) ک ۱۲/۱۵ (۳)

duzdīdag ud appurdag: دزدیده و به بغا

رفته. ک ۱۲/۱۵

ganjenag: گنجینه، انبار (نک: *ganj*) ک ۴۵/۲

duzdīd: دزدید، به سرقت برد (نک: *duzd*)

be duzdīd: به سرقت برد. ک ۴/۱۸

*

gōspand: گوسپند، گوسفند.

ست: *gaospeñta-* (*GNPE.* 210) ک ۱۰۹-۷۳-۵۸/۲ ک ۲۹/۳

ک ۱۸-۹-۸/۱۰ ک ۴/۱۱ ک ۲۹/۱۲ ک ۲۱-۱۴/۱۳ ک ۲۴-۱۱-۹-۵/۱۵ ک ۵/۱۷ ک ۱۱/۱۹

gōspandān: گوسپندان. ک ۱۸-۸/۱۰

gōspand sardagān: از جنس گوسفندان. ک ۱۰۹/۲

gōspand ī hudāg: گوسفند مفید.

gōspand ī gōšn: گوسفند نر. ک ۱۱-۹/۱۵ ک ۱۱/۱۹

dōst: دوست، یار.

این واژه ترجمه پهلوی واژه اوستایی *urvaθa-* است (*AiWb.* 1537) خاطر: *dwst* (*Mir.* *dwt*: *Man.* II, 50) ک ۷-۶/۲۰

jūyēd: جوده (نک: *jud*: جود) ک ۱۰۵/۲

dusrav: بد نام، بی آبرو.

ستار: *dēuś. sravah-* (*AiWb.* 741) *dusrūb*: (مینوی خرد) ک ۲۶/۱۰

stadan: yNSBWN, tñ: هر: ستدن، گرفتن، پس گرفتن.

ک ۴۹-۸۶/۲

stad: . . . t: . . . ستد، گرفت. ک ۴۳/۲.

stānēnd:, nd: ستانند، گیرند، پس بگیرند

ک ۱۰/۱۰ ک ۱۰/۲۰

stānišn: yNSBWN, šn: ستانیدن، گرفتن. ک ۲۴/۲.

ک ۱۰/۱۰ ک ۱۴/۱۷

stānēh: yNSBWN, yh: ستانند. (بجای ی NSBWN)

آمده است) ک ۱۱/۲ ک ۳۳/۱۰

*

gōš: (gōšurvan) ایزد "گئوش اوروا" که "گوش" هم خوانده می شود.

ستا : Gōuš urvā- "اصل" به معنی "روان گاو"، نام ایزد نگهبان چهار-

پایان مفید است. (نک. یشت ها ج ۱ ص ۳۱۷، استادپورد/ود). و نیز نام روز چهاردهم

از هر ماه و ایزد مربوط به این روز است که : drvāspā نیز نامیده می شود.

(فرهنگ پهلوی، فره وشی). ک ۲/۲۳

dōš: دوش، دیشب، شب پیش.

daošastara-, daošātara- هندی کهن: (Aiwb. dosā-

672.) ک ۷۲/۲

-duš: بد، زشت، سخت. (معمولا در ترکیب یا واژه های دیگر است. نک:

واژه های زیر). ستا، فب: -duš, -duž, -duš: بد.

ک ۱۳/۹ ک ۲۳/۱۵

duš āgāh: دش آگاه. تفسیر این واژه در پهلوی vattar:

dānišn یعنی کسیکه به کارهای اهریمنی و بد آگاه است (نک: Phl. ۲

32, 4. و به طور کلی به معنی نادان است. (نک: ی NSBWN)

ک ۷-۶/۲۰

dušax: دوزخ، جهنم، زندگی بد (نک: ی NSBWN) فاطر:

dwšwx: (Mir. Man. II, 50) ک ۶-۲/۶ ک ۵-۸/۱۳ ک ۴-۱۲/۱۲

ک ۲۸ ک ۱۹/۱۳ ک ۸/۱۷

duš xvārīh: دشواری، دشواری، ناراحتی، سختی (نک

ی NSBWN) فاطر: (Mir. Man. III, 54) dyjw'r

ک ۱۳/۹ ک ۲۳/۱۵

gōšurvan: گشورون. ایزد نگهبان چهارپایان و نام روز چهاردهم

هرماه (نک: ی NSBWN) ک ۱۴/۲۲

gōšurvan amahraspand: گشورون امشاسپند،

ایزد گشورون. ک ۱۴/۲۲

gōšt: گوشت، نوشتار هزوارشی آن (نک. همین) است

ک ۴۸-۳/۲

Gušasp: گشسب، نام یکی از پیشوایان بزرگ مذهبی زرتشتی که درست

آن باید : gušn-asp (یعنی دارنده اسب نر) باشد. ک ۳/۱

dušman: دشمن، بد اندیش.

نک: + man ستا : -manah اندیشه، منش، فکر از: ✓ man:

اندیشیدن. کلا، ستا: -dušmanah: (Aiwb. 753) durmanas

فاطر: (Mir. Man. II, 50) dwšmyn پاتر: (Mir. Man. III, 54)

ک ۷-۶/۲۰ ک ۷/۱۳

duš mēnišn: دش منش، بد اندیشه، بد منش (نک: واژه بالا)

ک ۱۴/۸

گوشتوار، گوشتواره. *gōšvār* :

ستا *gaošāvara-* از *bāra-* *gaoša+*ā-vara-* (AiWb. 486) ک ۴/۳

گشن، نر، مذکر. (بیشتر برای چهارپایان به کار می‌رود) *gušn* :

ستا *varšnī-* هندی کهن *ursnāy-* (AiWb. 1381) ک ۱۱۰/۲ ک ۷/۱۷ ک ۱۱/۱۹

گشنی، نری، مردی. (نک. واژه بالا) *gušnīh* :

یوژداهر: *yōždahr* : پاک، طاهر، و در اصطلاح مذهب زرتشتی منظور اجرای

مراسم دینی است که ریمنی و ناپاکی را از شخص ناپاک می‌زداید (مراسم برش‌نوم) که هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی شخص را تطهیر می‌کند

ستا *yaoždāra-* (AiWb. 1235)

یوژداهران: *yōždahrān* : پاکان. ک ۲۲/۱۲

یوژداهرگار: *yōždahrgar* : پاک‌کننده، تطهیردهنده و در اینجا منظور موبدی

است که به طرز اجرای آئین برش‌نوم آگاهی دارد. ک ۲۵-۲۳/۱۲

یوژداهرگاری: *yōždahrgarīh* : پاکیزه‌سازی، طهارت‌دهندگی.

ک ۲۴-۲۳/۱۲

یوژداهری: *yōždahrīh* : پاکی، طهارت. ک ۱۷/۱۲

دوشند: *dōšēnd* : دوشند (شیر دوشند)

هندی کهن از *dōh-* *dōgdhi* (GNPE 129) بن ماضی آن *dōxt* :

دوشیده است. ک ۱۶/۱۵

گواهی: *gugāhīh* :

هندی کهن: *kāc* ✓ *vi+* (GNPE. 210) فاطر: *gwḡyy* (Man. Stud. 63) پاتر: *wyḡh* (Mir. Man. III, 63) ک ۲/۱۲

(مینوی خرد). زبور پهلوی: *gwḡdyhy* (PS. 372) ک ۲/۱۲

گوارد: *gugārd* : گوارد، هضم کرد. ک ۱۱۱/۲

گوارد است: *gugārd ēstēd* : هضم کرده است. ک ۱۱۱/۲

گوان: *gugān* ? مفصل، به تفصیل؟ جداگانه، جز به جز؟ (نک. H. W. Bailey, BSOS, VII, 1935. ک ۱/۱۱)

گوگرد: *gōgird / gōgard* : گوگرد، این واژه به نظر ناوادی مشکوک آمده

و حدس زده شاید منظور کوکرن *gōkaran* باشد لکن وست و داور آنرا گوگرد دانسته‌اند

و ظاهراً "صحیح هم همین است." (نک. *Tavardia. ŠnŠ. p. 133. n. 4*) ک ۱۶/۱۰

دغدای: *Duḡdāv* : دغدا، نام مادر زرتشت پیامبر است.

ستا *duḡdō.vā* (AiWb. 748) ک ۴/۱۰

*

دول: *dōl* : دول، دلو، برج دلو " که برج یازدهم باشد از دوازده برج فلکی " برهان. ک ۲/۲۱

دور: *dūr* :

ستا *dūra-* [هندی کهن. : *dūrāt - dūrē-* (AiWb. 750) فاطر: *dwr* (Mir. Man. II, 50) ک ۸۶/۲ ک ۶/۱۷ ک ۴-۵/۲۰ ک ۱۷/۲۲

دورد: *jōrdāq* : دانه، غله.

از واژه اوستایی *yava-* (نک: *Henning BSOS. IX, 90*) پاتر

zōrdāe (Hennig, List, 90) yw²rd²w: (مینوی خرد)

۱۲۲-۱۲۲-۱۱۹-۳۴/۲ ک ۹/۱۹ (سه بار)

jōrdāg kištan: غله کاشتن. ک ۹/۱۹.

jōrdāg: غله، دانه (نوشتار دیگری است از واژه بالا) ک ۳۴/۲. ک ۱۳/۱۳

۱۹. ک ۱۰/۱۵

gurdag: گرده، قلو (کلبه حیوان)

vərəḡka- هندی کهن: vrkkáu- (AiWb. 1420) ک ۴/۱۱.

gursag: گرسنه، نوشتار دیگر آن در پهلوی گورس: gursag: است.

dōlmānag? پوستی، چرمی؟ "دولمیان، کیسه و خریطه‌ای که از پوست

وامثال آن دوزند "برهان.

این واژه را توادیا با تردید: garmānak خوانده و در زیر نویس مربوط گفته

شاید منظور: dūrmānak باشد و شاید: garmsūt به معنی جامه سیلک و

ابریشمی یا کتانی؟ (نک: Šnš. Tavadia. p. 87) ک ۶/۴.

druvāsp: دروا سپ، ایزد حامی جانوران.

drvāspā- از: drva + aspā- (AiWb. 783) ک ۴/۱۱.

rōz: yWM روز.

raoča- (AiWb. 1490) فب: raucah- : raocas-

(Kent. 205.) فاطر: rwž, rwc (Mir. Man. II, 67)

پاتر: rwž, rwc (Mir. Man. III, 61) ک ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸

۶/۷ (دو بار) ک ۸-۱/۹. ک ۳۱-۲۸-۱۷-۱۶-۱۳/۱۰. ک ۲۱-۱۲/۱۲. ک ۲۰-۱۲

۹/۱۵. ک ۵-۳/۱۷ (دو بار) ک ۶-۱/۲۰. ک ۸-۵/۲۱. ک ۴۱-۲۱/۲۲.

rōz šabān: روز شبان، شبانه روز. ک ۱۸/۳. ک ۱/۹

rōz-ē: روزی، یک روز. ک ۱۳/۱۰.

gumārēnd: گمارند، بگمارند (از بن مضارع) gumār ماضی آن

gumāšt ایرانی کهن باید باشد: *vi+√mar و *vi+√smar: سا

(GNPE. 208). ک ۱۸/۱۰. ک ۱۴/۱۲

gumān: گمان، شک، تردید.

*vimananh-، باید: ک ۱۲/۱۲.

gumānīg: گمانی، در گمان بودن، مشکوک بودن. ک ۲۴/۳.

gumbad: گنبد. ک ۴۶/۲.

jumbēnēnd: جنبانند، تکان دهند. ک ۶۵/۲.

jumbēnēd: جنباند، حرکت دهد. ک ۶۳/۲-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹

jumbēnēd hē: جنبانیده است. ک ۷۰-۷۱-۹۰. ک ۱۲/۱۰.

جنبانیده است. ک ۷۰/۲.

ēn: ZNH هن: این.

yn (Mir. Man. II, 63) فاطر: iñ (مینو خرد). ک ۴-۱/۱.

۲/۲-۲۸ و ۱۱۸ بار دیگر.

ēn hēnd: اینها هستند. از این

قرارند. ک ۱/۱۱. ēn-iz: این نیز. ک ۱۵-۱۲/۱۰. ک ۳۲-۱۵

۱۵-۲۳/۱۵. ک ۳۰-۱۱-۸-۱/۱۷. ک ۱۲-۱۱-۸-۱/۱۷. ک ۳-۲-۲/۲۰. ک ۱۴-۱۲-۱۱-۱۰-۸-۶-۴-۳-۲/۲۰

۱۸-۱۶-۱۵

gumēz : آمیخت، مخلوط شد. (بن ماضی است مضارع آن: gumēz
است = آمیز) ستا: (Pahl.Y. 2vi) vi+√miks: s vi+√myas: (Glos. p. 203)
gwmyz - , gwmyxt : فاطر. (Mir.Man. II, 491 و Verbum. 178, 14, 15) ک ۷۳/۲.
gumēxt ēstēd: آمیخته است. ک ۷۳/۲.

gōmēz: گومیز (gō + mēz) ادرار گاو و منظور ادرار تقدیس شده
گاو که برای تطهیر در مراسم مذهبی بکار می رود می باشد.
ستا: gaomaēza- (ار gao: گاو + maēz هندی کهن: meha-
(AiWb. 483.) ک ۶۷/۲-۹۸-۹۲-۱۰۴-۱۱۲-۱۱۳ ک ۱۱۳-۲۱-۱۲/۳-۲۲-۲۵
ک ۲۹/۱۰-۲۷-۲۴/۱۲-۵/۲۰.

gōmēz āb: گومیز آب، نیرنگ مخصوص است که در مراسم
برش نوم و سایر آیین های طهارت بکار برده میشود. ک ۶۷/۲-۱۳/۳-۲۲-۱۰
ک ۲۹-۵/۲۰.

gomēzag: گومیخته، آمیخته (نک: گومیز) ک ۷/۶.

gumēzag dād: ناپاک آفریده، کسیکه آفرینش آن آمیختگی
دارد. ک ۷/۶.

gumēzišnīh: آمیزش یافتگی، اختلاط.

hamgumēzišnīh: همبستری کردن، هم خوابگی کردن.
ک ۱۹/۱۰

*

gōn: گون، رنگ. ۱۴ ۲۰

gaona- / افغانی: gūna (AiWb. 483) ک ۱۹/۳

gan(n) āg mēnōg: گناگ مینو، روح پلید، اهریمن. این واژه

ترجمه واژه اوستائی: - apramainyu است. برای آگاهی درباره این
و معانی و ریشه هایی که برای آن پیشنهاد شده نک: دین ایرانی بر پایه متن های
یونانی از بنونیست ترجمه بهمن سرگارتی، چاپ دانشگاه تبریز ص ۷۲.
ک ۲۳/۸-۷/۱۲-۲۴/۱۲-۲۸-۲۶.

gōvizār: گزارش، توضیح، روشنگری.

gaovazār: پازند (نک: *ŠGV* VIII, 28, MX. XII.16)
پروفسور هنینگ حدس می زند که این واژه باید همان gwz²r مانوی باشد
(نک: *ŠnŠ. Kotwal. p. 148*) ک ۶/۱۲.

drust: درست، کامل.

dryst: ظنر (Mir.Man. II, 51) پاتن: drwst
(III, 54.) ک ۲/۴: durust/durēst (مینوی خرد) ک ۲/۴.

drustīh: درستی، سلامتی (نک: واژه بالا)، مقدمه س ۲.

gōnag: گونه، گون. (نک: ۱۴) ک ۲/۲۱.

gund: گند، خایه، بیضه.

(برای این واژه نک: West. SBE. V. p. 336, n. 10) ک ۴/۱۱.

gung: گگ، لال.

ar: guñj, guñjāti (GNPE. 209) ک ۷/۵-۱/۶.

dandān friš: دندان پریش، خلال دندان، مسواک.

۲۰/۱۰: dandān friš pōst: پوست خلال دندان.

ک ۱۰/۱۰.

دندان پریش: dandān frišn: نوشتار دیگری است از واژه بالا

ک ۱۲/۱۲

دندان پریش: dandān frišn: گونه دیگری است از واژه بالا

ک ۲۰/۱۰

جد: jud: جدا، جز.

ستار: vīta- دروندیداد ۹ بند ۱۱ (Kotwal. ŠnŠ. p. 151)

فاتر: jwd- پاتر: (Mir. Man. III, 64) ywd ک ۱/۱۰-۳/۲

۲-۵۱-۷۴ ک ۳۱/۳۰-۸/۷۰-۱۳-۲/۸۰-۲/۹۰-۱۹/۱۰۰-۶-۵/۱۴

ک ۱۰/۱۵-۳/۱۶

jud az: بجز، غیر از. ک ۲/۸۰-۱۹/۱۰۰-۵/۱۴

ک ۱۰/۱۵-۶-

jud jud: جدا جدا، جداگانه. ک ۶/۲-۷/۸

ک ۴/۱۳-۱۳

judāg: جدا.

ک ۴/۱۱-۱۰/۱۵-۲/۱۸-۱۵/۱۹

judāg kardan: جدا کردن، سوا کردن.

ک ۱۵/۱۹

jud kardag: جدا از هم، غیر پیوسته.

ک ۱۰۱-۸۷-۸۶-۳۷-۳۶-۱۶/۲

judtar: دیگر، گونه گون، مختلف.

فاتر: jwdr, jwtr پاتر: (Kotwal. ŠnŠ. p. 151) ywdr

ک ۳/۱۶

jud rastagān: ناهمجنسان، آنها که از یک گروه نیستند متفاوت (سج: همسته، همسته) ک ۸/۷

jud dēv dād: جد دیو داد، همان که به غلط و ندیداد گفته و خوانده شده، ترکیب در اصل معنای "قانون ضد دیو" دارد یعنی قانون ضد آئین دیو یسان که نام کتاب معروف دینی زردشتی است و نوشته اند که کتاب نوزدهم اوستای بزرگ بوده است که شامل ۲۲ فرگرد (بخش) می شده، آنچه امروز در دست است ظاهراً تمام کتاب جد دیو داد نمی باشد.

ست: vī-dāevō-dāta- ک ۱/۱۰-۱۲-۱/۲-۱۹/۱۰-۳۲/۱۰-۷/۱۳

jud dādīstān: ناهمداستان، مخالف (سج: هم داستان همداستان) ک ۳/۱۰-۲/۲-۱۱۹-۷۴-۲/۹

jud dādīstānīh: ناهمداستانی، مخالفت. ک ۱۱۹/۲

jud dēp dād: جد دیو داد (وندیداد)

ک: ۳۱-۵/۱۰

جوش: javišn:

ک ۲۹-۲۵/۱۰-۲۹-۲۵/۱۰

gandagīh: گندگی، تعفن، بدبویی.

فاتر: gngyy پاتر: (Mir. Man. I, 36) gandgyft پ: gandai (مینوی خرد) ک ۳۴/۱۰

drahm: ZWZN درهم، درم، یونانی: draxma: سکه نقره.

"درهم" بالکسر و فتح ها و کسر آن. درم و هو فارسی معرب و وزن آن شش دانگ است و دانگ دو قیراط و دو طسوج و طسوج دو جو میانه، و ده درم شرعی دو مثقال

باشد. " منتهی‌الارب، ۱۳۷۰ (واژه‌های معرب صراح، دکتر کیا ص ۱۵) این واژه
ترجمه واژه/وستائی: aspərənā- است. (AīWb. 218)
فاتر: drhm: (Mir. Man. II, 51) ک ۱/۱ ک ۱/۲ ک ۰۲۴/۱۰ ک ۰۲/۱۱ ک
ک ۰۵-۳-۲-۱/۱۶

۵ **گوگوشب** Gōgušasp: گوگوشب، نام یکی از موبدان زرتشتی است که در کتاب
به گفته‌های او استناد شده است. ک ۰۱۱۹-۸۲-۷۴/۲ *

آسان تر	۳۰/۹	آوردن	۳۰۵/۷
آسانی	۳۰/۸	آورش (آوردن)	۳۰۵/۱۷
آسمان	۲۳/۱۴-۱۶	آورم	۳۰۵/۱۰
آسین خرد	۳۴/۱۴	آورند	۳۰۵/۱۴
آشکارگی	۳۶/۳	آهن	۷/۱۳-۳۴/۱۶
آفرین	۲۳/۸-۲۴/۱۷	آهنجشن	۷/۲
آفرین تر	۲۳/۱۵	آهنجیدن	۶۴/۱۰
آفرین کنید	۲۳/۱۲	آهن دل	۷/۱۶-۳۴/۲۰
آگاه	۲۸/۵	آهن گداخته	۳۴/۲۱
آگاه تر	۳۸/۱۰	آهنین	۳۵/۲
آگاهی	۳۸/۱۲	آهو (عیب)	۵۶/۹
آگریفت	۸۸/۱۶	آباد	۲۹۶/۱۲
آگوست	۳۹/۹	آید	۲۹۶/۱۹
آمار	۴۸/۵	آیفت	۸۴/۱
آمد	۲۹۶/۱۴	آیند	۲۹۶/۱۸
آمدند	۲۹۶/۱۶		
آمرزش	۵۲/۱۶		
آمرزش خواهند	۱۱۱/۱۶	ابر	۱۱/۷
آموختن	۵۲/۴	ابرآمون	۱۱/۱۰
آموختاری	۵۲/۲	ابریشم	۲۳/۳-۵
آموزد	۵۲/۱۰	ابریشمین	۲۳/۴
آمون	۶/۷	ایرگ (نام خاص)	۲۲/۱۸
آن	۵۵/۱-۱۷۰/۱	آناوخشیا	۲۷/۱۲
	-۱۶۳/۱۱	اختر	۲/۲۱
آنگون	۸۲/۹	ارتشتار	۴۱/۱۴
آوراد	۳۰۵/۱۶	ارتشتاران	۴۱/۱۸
آورد	۳۰۵/۲	ارد	۴۱/۱
آورد	۳۰۵/۱۱	اردا	۴۱/۶

آب	۱۲/۸-۲۵۱/۸	آتش بهرام	۲۷/۶
آباد	۱۲/۱۹	آتش واریشت	۲۷/۸
آبادتر	۱۳/۶	آتش هرمزد	۲۷/۲
آبادانی	۱۲/۲۲	آثرون	۳۲/۱۳-۱۵
آباده	۱۳/۹	آخیزند	۲۲۰/۱۰
آبادهیری	۱۳/۷	آذر	۲۷/۱۹
آبان	۱۴/۱۴-۱۹	آذرباد زرتشتان	۲۸/۹
آب ایستاده	۲۵۱/۲۳	آذرباد مار سپندان	۲۸/۴
آب چاه	۲۵۱/۱۸-۱۹	آذر فرنیغ	۲۸/۱۵
آبس (آبستن)	۲۴/۲	آذر فرنیغ نرسه	۲۸/۱۱
آبستن	۲۰/۶-۲۴/۷	آذر هرمزد	۲۸/۲
آبستنی	۲۰/۹	آراید	۴۰/۱
آبگینه	۲۰/۱۱	آرد	۴۱/۲۰-۲۱۰/۱
آب و گومیز	۲۵۱/۱۶	آرزو	۴۲/۱۲
آب وه	۲۵۱/۲۰	آرواره	۸۹/۶
آتش	۲۶/۱۶	آز	۲۹/۳
آتشان	۲۶/۲۲	آسان	۳۰/۶

۱۵/۱۷	اندر باید	۲۲۸/۱۳	افگند
۸۰/۱۹	اندرز	۲۲۸/۶	افگندن
۸۱/۲	اندرز گفتن	۲۲۸/۱۱	افگند
۱۸۸/۱۵	اندر زمان	۲۱۸/۱۷	اکنون
۸۱/۳	اندروا	۲۶/۸	اگر
۸۱/۹-۱۱	اندرون	۲۶/۱۲	اگرش
۸۰/۹	اندک	۵۲/۲۰	امرداد
۸۱/۱۴	اندودن	۶۱/۸	امرود
۸۱/۱۷	اندوزی	۲۳۵/۱۹	امروز
۸۰/۱۱	انفران	۵۱/۳-۵	امشاسپند
۸۰/۱۴	انفران انوشه	۵۱/۸	امشاسپندان
۷۹/۱۸	انگشت	۴۸/۱۴	امهرسپند
۸۲/۱	انگشت	۴۸/۲۱	امهرسپندان
۷۹/۲۰	انگشت افسرده	۷۴/۱۷	امید
۷۵/۱۶	انوشه	۵۹/۳	انار
۶۰/۱	انیران	۶۰/۱۷	انبار
۶۵/۸	اوزرین گاه	۶۱/۱	انبان
۱۶۳/۱۵	اوزدن	۶۳/۱۴	انجمن
۱۶۴/۱	اوزند	۷۶/۲۱-۷۷/۱	اند
۱۶۴/۴	اوزنند	۷۷/۷	انداخت
۱۹/۱۸	اوستا	۷۷/۱۲	انداز
۱۹/۲۲	اوستا زند	۷۷/۱۵	اندازه
۲۰/۱۶	اوش (اورا)	۷۷/۱۶	اندام
۲۵۰/۲	اوشمارند	۵۹/۱۰	اندچند
۷۴/۱۳	اومند / مند	۷۸/۳	اندر
۲۸۱/۵	اوی	۸۰/۱۶	
۷۶/۸	اوی ریشت	۱۸۸/۵	
۹۴/۵		۶۲/۱۲	اندر افتد

۴۱/۹	اردافروهر	۲۵/۱۲	اشتاد
۴۵/۱۷	اردوش	۲۵/۱۷	اشتر (تازیانه)
۴۶/۵	اردویسور	۲۲۵/۱	اشتر
۶۳/۲	اردیبهشت	۲۲۵/۳	اشتر پشم
۴۲/۱	ارز / ارج	۶۷/۱۳	اشتود
۲۷۷/۱۸	ارز (ارزش)	۶۷/۱۰	اشتودگاه
۴۲/۸	ارزانیان	۲۶/۱۲	اشکم
۴۲/۴	ارزمند / ارجمند	۲۶/۱۰	اشکوب
۴۲/۶	ارزندی / ارجمندی	۲۶/۱۷	اشم
۴۲/۱۹	ارزور	۶۸/۱۵	اشمارش
۴۳/۲	ارشونگ	۶۸	اشمردن
۴۳/۶	ارشونگ هزیر	۲۶/۱۸-۳۷/۲	اشم و هو
۴۴/۱۳	ارشت	۳۷/۱۳	اشنود / شنود
۱۲/۱-۲۴۷/۱۶	ار	۳۷/۱۵	اشنودن
۲۱/۱	ارش	۲۷۶/۱۴	اشنوش (شنوایی)
۱۸/۱۳	ازدها	۶۲/۸	افتد
۱۹۱/۲۱	اسپ	۲۶/۱	افدم
۱۹۲/۳	اسپ کارزاری	۲۱/۲۱	افروختن
۳۱/۹	است (استخوان)	۲۲/۶	افروزش
۶۶/۹	استاد	۲۲/۹	افروزند
۱۹/۲۳	استام	۱۷/۱۰	افزار
۳۱/۱۰	استوان	۱۸/۱	افزاید
۳۱/۱۴	استوان بودن	۱۷/۱۳	افزایش
۳۱/۱۶	استوانی	۱۷/۱۵	افزودن
۳۰/۲۰	استومند	۱۷/۱۹	افزون
۳۱/۳	استه / هسته	۱۸/۱۹	افسان
۶۶/۱۲	اسوفرید	۱۹/۲	افسایند
۳۷/۵	اشاوهیشت	۲۰/۳	افسرد

۱۸۵/۱۴	برد	۹۹/۱	بامداد	۱۲/۱۳	باختر	۴/۳	اهرایی
۱۰۸/۱۳	بردار	۹۹/۳	بامی	۲۵۹/۱۲	باد	۴/۱۸	اهرمن
۲۷۹/۱۴	بردگی	۹۹/۵	بامی‌تر	۲۵۹/۱۸	باد اردای	۴/۹	اهرموگ
۱۰۸/۱۶	بردن	۹۹/۱۵	بان/بام	۲۵۹/۱۹	بادرنگ	۴/۱۳	اهرموگی
۱۸۵/۱۸		۲۶۳/۱۲	بانگ	۱۱۶/۱۶	بادروز	۵/۲	اهرو
۱۰۸/۷	برز	۲۵۸/۲۱	باوری	۹۸/۲	بار	۴/۲۱	اهروان
۲۳۴/۵	برسد	۲۵۹/۴	باورنگان	۲۶۱/۱۳	باران	۵/۱۲	اهروتر
۱۰۳/۱	برسم	۱۵/۱۰	باید	۲۶۱/۱۸	بارد	۵/۱۶	اهروداد
۱۰۳/۷	برسمدان	۱۵/۲۳	باید دادن	۲۲۳/۲۰	باز	۵/۱۴	اهروی
۱۰۳/۱۱	برسم هفت تای	۱۹/۲۱	باید شدن	۹۷/۶	بازا/بازای	۷/۱۸	اهور/اهونور
۱۰۸/۲۰	برش	۱۵/۲۴	باید کردن	۲۲۰/۱۱	بازا خیزند	۸/۶	اهونودگاه
۱۲۴/۱۰		۱۵/۲۶	بایست	۹/۸	بازا خیزند	۹/۱۰	اهیان
۱۰۳/۱۶	برشته	۲۷۰/۵	بچه	۲۹۶/۲۱	بازاید	۹/۱۵	ای (یعنی)
۱۰۳/۲۲	برشنوم	۹۷/۱۰-۱۱	بخت	۳۱۸/۸	بازایستد	۸۶/۹	ایچ/هیچ
۲۸۱/۱۲	برگ	۱۰۵/۲۳	بخت	۳۳/۱۰	بازبندد	۸۷/۸	ایدون
۲۳۸/۱	برماده شدن	۹۶/۵	بختاری	۳۰۶/۱۹	بازدارم	۲۹۴/۲۲	ایزد
۲۲/۲	برنا	۹۷/۱۴	بخت آفرید	۲۳۳/۱۵	بازریزد	۳۱۷/۹	ایستاد
۴/۱۳-۱۴-۱۵		۱۰۶/۵	بختن	۲۲۴/۱	باز شدن	۳۱۷/۱۲	ایستاده (ساکن)
۲۲/۵	برنایان	۹۷/۱۹	بخشش	۲۲۳/۲۳	بازکن	۳۱۸/۱	ایستد
۱۸۶/۴	برند	۲۶۸/۱۳	بدتر	۵۷/۲۰	بازنهد	۳۱۷/۱۴	ایستند
۵۷/۲۱	برنهد	۲۶۸/۱۶	بدتران	۹۶/۱۳	بازو	۳۰/۴	ایشان
۱۰۲/۲۱	برومند	۲۶۸/۴	بدست (وجب)	۳۰۳/۱۷	باشند	۳۳۷/۱۴	این
۱۰۲/۲۲	برومندتر	۲۱/۱۱	بر (حرف اضافه)	۳۰۳/۲۰	بائی	۹۰/۲۰	ایوارگاه
۱۷۳/۱۴	بروند	۱۰۱/۲۱		۹۸/۸	بالا	۹۰/۱۵	ایواز
۲۸۰/۶	بره	۲۵۳/۲۰		۹۸/۱۰	بالش	۶۵/۵	اوزرین
۱۲۴/۷	برید	۱۰۱/۱۹	بر (میوه)	۹۸/۱۳	بالین		
۱۰۵/۷	بریدن	۵۲/۱۴	برآموزد/بیاآموزد	۹۸/۱۶	بالینگاه		
۱۲۴/۱۲		۱۰۲/۹	براد/برادر	۹۸/۲۸	بام	۲۳۰/۱	با

۱۲۴/۹	بریده است	۱۱۱/۱	بو (عطر)
۱۰۷/۱۱	بز	۳۰۳/۱۵	بود
۱۰۷/۱۴	بزیشم	۱۰۶/۱۰	بوب
۲۲۵/۲	بزرگ	۳۰۳/۲۲	بود/باشد
۲۷۰/۶		۱۰۶/۱۶-۳۰۳/۸	بود
۲۲۵/۵	بزرگان	۱۰۷/۸-۳۰۳/۵	بودن
۲۱۰/۱۲	بس	۳۰۴/۱	بودن، شدن
۱۹/۱۳	بسیار	۱۰۶/۲۰	بودند
۱۹/۱۴	بسیارند	۱۰۸/۵	بوشاسب
۱۹/۹	بسیردن	۱۰۹/۸	بوم
۱۰۰/۱۳	بست	۳۰۳/۱۸	بوند
۲۷۳/۲۴	بستر	۱۱۰/۱۱	بوندک
۱۰۰/۲۰	بسته	۱۱۰/۱۶	بوندکی
۲۷۴/۴	بسدین		بوی (یکی از مینوهای تن)
۱۰۱/۱۲	بغ	۱۱۱/۶	
۱۰۱/۶	بغان	۱۱۱/۱۷	به (میوه)
۱۰۱/۱۶	بغ بخت	۱۰۵/۱۰	به
۹۹/۱۸	بغ یسن	۱۹۸/۱۲	به (خوب)
۱۰۴/۱۰	بلند	۲۸۵/۲۳	
۱۰۹/۴		۲۸۵/۲۳	
۱۰۹/۶	بلندتر	۲۵۷/۷	بهار
۱۰۴/۱۶	بلندگر	۱۹۸/۱۷	بهان
۱۰۹/۲۰	بن	۲۵۸/۱	بهانه
۱۱۰/۱۸	بند	۱۹۸/۱۹	بهتر
۳۳/۶	بندد	۲۸۶/۷	به دانشان
۳۲/۲۰	بندش	۲۸۶/۸	به دین
۳۳/۳	بندند	۲۸۶/۹	به دینان
۱۱۰/۷	بن کرده	۲۸۶/۱۰	به دینی

۹۶/۹	بهر	۳۲/۵	ببند
۲۵۷/۱۰	بهرام	۲۹۱/۱۶	
۲۶۰/۲۱	بهشت	۳۲/۱	ببیم
۲۶۱/۸	بهشت بامی		
۲۵۷/۱۵	بهمن		
۲۶۳/۱	بهمن	۲۳۴/۲۰	پا
۲۶۳/۵	بهمن مرغ	۱۱۸/۱۰-۱۳	پا/پای
۱۹۸/۲۰	بسی	۱۱۶/۱۲	پادافراء
۲۴/۱۸	بی (حرف نفی)	۱۱۵/۱۷	پادشاه
۲۳/۱۸	بی آب	۱۱۵/۲۰	پادشاهی
۱۵/۱۵	بیاید	۱۳/۱۱	پادیاب
۲۵/۲	بی بیم	۱۱۶/۴	
۲۹۵/۵	بی داد	۱۱۶/۱۰	پادیاب دان
۲۵/۱۷	بیراهه	۱۱۷/۱۶	پاره
۱۱۲/۱۳	بیرون	۱۱۷/۱۷	پاره (لقمه)
۲۲۱/۵	بیست (۲۰)	۱۳۷/۱	پارون
۲۸۷/۸	بیستم	۱۱۷/۱	پاسبان
۲۲۱/۱۱	بیست و پنج (۲۵)	۱۲۴/۳	پاسخ
۲۲۱/۱۰	بیست و دو (۲۲)	۱۱۷/۶	پاک
۲۸۷/۱۰	بیش	۳۱۸/۱۳	
۲۸۷/۱۸	بیشه	۱۱۷/۱۰	پاکان
۶۲/۱۱	بیمقتد	۱۱۷/۱۲	پاکتر
۲۰/۱۲	بی گمان	۱۱۷/۱۴	پاکی
۱۱۲/۱۶	بیم	۳۱۸/۱۸	
۱۱۲/۲۰	بیم مند	۱۱۸/۲	پانزده
۲۵/۱۸	بی موزه	۳۰۴/۱۴	
۲۹۱/۱	بینا	۱۱۸/۴	پانزده ساله
۲۹۱/۱۲	بینش	۱۷۴/۱۰	

۲۶۸/۲۱	پروند (کستی)	۱۳۴/۱	پایاد
۲۶۹/۲	پری	۱۳۹/۱۹	پایش (پادن)
۲۳۵/۴	پریان	۱۳۵/۱۵	پای مرشی
۱۱۸/۱۶-۱۸	پزد	۱۲۳/۳	پایه
۱۱۹/۱	پذیره	۱۲۲/۱۵	
۱۱۹/۵	پس	۳/۱۱-۲۰	پایه ها
۱۱۹/۱۰	پس/پسر	۱۰۹/۱۱	پتیاره
۱۲۲/۴		۱۳۸/۱۵	پتیت
۱۲۲/۱۱	پسران	۱۰۹/۱۵	پتیت پذیر
۱۳۷/۴	پسری (فرزندی)	۱۳۸/۱۹	پخته
۱۱/۱۲	پسین	۱۲۵/۴	پد (پدر)
۱۱/۱۶	پشت	۱۳۹/۵	
۱۲۳/۵	پشم	۱۲۳/۹	پدام
۲۴۴/۲۱	پشمین	۱۲۳/۱۳	پذیرش
۲۴۴/۷	پشنجش	۱۲۳/۱۵	پذیرفتن
۱۳۹/۱۲	پشنگه	۱۲۳/۱۷	پیر
۱۲۵/۱۳	پشوتن	۱۴۳/۲۳	پیر
۱۲۵/۱۹	پشیمانی	۱۲۳/۲۰	پراهوم
۱۳۴/۱۵	پل/پهر	۱۳۷/۶	پردازد
۱۳۴/۶	پلکان	۱۲۹/۲۱	پردازند
۱۲۸/۴	پنبه گین	۱۳۶/۲	پرستش
۱۲۸/۹	پنج	۱۰/۱۱	پرستو
۱۴۱/۱۵		۷۳/۱۶	پریش
۱۴۱/۱۰		۱۳۷/۱۶	پرسید
۱۴۱/۱۴	پنجاه و سه (۵۳)	۱۸۲/۹	پرسیدار
۱۳۴/۸	پنجم	۱۳۸/۴	پرنیان
۱۳۱/۱۸	پنجه	۱۳۷/۲۱	پروانه (راهنما)
۱۳۳/۱۹	پنجهزار و پانصد و شصت و هفت	۱۰/۱۶	پرورند

۱۴۱/۲۰	پنیر	۱۴۳/۲	پیش و پس
۱۳۷/۱۳	پوده	۱۴۳/۴	پیشه
۱۳۸/۲۰	پوست	۱۲۰/۱۶-۱۲۱/۲	پیمان/پیمانه
۱۳۹/۳	پوستین	۱۲۱/۴	پیموخت
۱۳۹/۱۶	پولادین	۱۲۱/۹	پیموزن
۱۴۰/۱	پورپوتکش	۱۲۱/۱۴	پیوست
۱۴۰/۷	پورپوتکشان	۱۲۲/۱	پیوست
۱۴۰/۱۰	پورپوتکشی	۱۲۱/۱۷	پیوند
۱۰۷/۱۸	پوزش	۱۲۱/۱۹	پیوندان
۱۳۸/۱	پوزه		
۱۱۴/۱۵	پهریز/پرهیز		
۱۱۵/۱۲	پهریزند	۱۴۶/۲۰	تای/تا
۱۱۴/۳	پهلو	۲۸۵/۱۴	
۱۱۴/۷	پهلوم	۱۴۵/۸	تابان
۱۱۵/۱۴	پهنا	۱۴۶/۱۰	تاریک
۱۱۷/۱۹		۱۴۶/۱۴	تاریکی
۱۴۲/۲	پیچید	۱۴۵/۳	تارانه/تازیانه
۱۴۳/۶	پیخک	۲۸۵/۱۹	تاش (تاورا)
۱۴۳/۱۸	پیخک شناس	۱۴۶/۵	تاشش (تراشیدن)
۱۴۲/۵	پیدا	۱۴۶/۸	تاک (شاخه)
۱۴۴/۷	پیروز	۲۸۵/۲۱	تامان (تامارا)
۱۴۴/۱۱	پیروزگر	۱۴۵/۷	تاوان
۱۴۲/۱۶	پیش	۱۴۶/۱۵	تاورت
۲۳۲/۱۵		۱۴۶/۱۸	تاورت هات
۲۳۲/۲۲	پیشتر	۱۴۷/۱۳	تباد
۳۰۷/۵	پیش دارد - پیشکش	۱۵۳/۱۷	تیش
	کند	۱۴۵/۱۲	تخت
۱۴۲/۲۱	پیش رسد	۱۵۰/۷	تخشا

۱۵۹/۱۳	جری	۳۳۷/۱۵	جنبانند
۹۳/۱۱	چشم	۳۳۵/۳	جودن/جویدن
۱۵۸/۶		۳۴۱/۱۵	جوش
۱۵۸/۱۵	چشمه	۳۲۹/۲۵	جوید
۱۵۸/۱۳	چکر	۳۳۱/۱۷	جویده/جوده
۱۵۹/۱۷	چمبر	۱۸۸/۲۳	جیو
۱۶۱/۱۷	چون		
۲۴۶/۱۹	چه		
۴۵/۵	چهار	۱۵۶/۹	چایک تر
۸۴/۱۵		۱۵۷/۸	چار/چاره
۱۵۵/۱۱	چهار	۱۵۷/۱۴	چارو (ساروج)
۱۵۵/۱۳	چهارپایان	۱۵۷/۱۱	چاره
۳۵۴/۱۲	چهارده	۱۵۷/۱۳	چاره کردن
۱۵۶/۴	چهاردهم	۱۵۶/۱۷	چاشت (سحرگاه)
۱۵۶/۱	چهارم	۱۵۶/۱۹	چاشت (آموخت)
۱۶۵/۱۳	چهر	۱۵۶/۱۳-۱۷	چاشته (آموخته)
۱۶۵/۱۷	چهراب	۱۵۷/۱	
۱۷۲/۱	چهل (۴۵)	۱۵۷/۴	چاشنی
۱۷۵/۲	چهل و یک (۴۱)	۱۵۷/۶	چاشنی کردن
۱۶۱/۲	چیترا داد	۱۵۹/۱۹	چامش
۱۵۷/۱۷	چیز	۱۵۵/۴	چاه
۲۵۵/۷		۱۵۶/۸	چاه آب
۱۵۸/۳	چیزان/چیزها	۱۵۶/۷	چاهی
۱۶۱/۱۱	چیم	۱۵۹/۱۴	چرا
۱۶۱/۱۴	چینش	۱۵۹/۳	چرب
۱۹۴/۲	چینی	۱۵۹/۶	چرب تر
		۱۵۹/۹	چرب روده
		۱۵۹/۱۱	چربش

۱۴۷/۱	تهی	۱۵۵/۹	خشاثر
۱۵۱/۳-۱۵		۱۵۵/۱۵	خشامرد
۱۵۳/۸		۱۵۵/۱۱	خشد
۱۵۱/۹	تهیگی	۱۵۵/۱۳	خشیدن
۱۵۴/۱۱	تیز	۱۵۵/۱۸	غم
۱۵۳/۱۵	تیز	۱۵۱/۱	غمه
۱۵۳/۱۶	تیزتر	۱۴۷/۱۷	ده
۱۵۴/۲	تیشتر	۱۴۸/۹	
۱۵۳/۹	تیغ	۱۴۸/۱۱	رازو (برج میزان)
۱۵۳/۱۴	تیغ تیز	۱۴۸/۱۸	رسا
		۱۴۹/۳	رمنشی
		۱۴۸/۴	سوم (چهارم)
۲۹۶/۹	جادوان	۱۵۲/۱۲	ن
۳۵۱/۶	جام	۱۴۹/۱۸	ناپوهر/تافور
۳۵۵/۱۳	جاماسب	۱۵۳/۲	ندرستی
۳۵۱/۳	جامه	۱۲۵/۸	ن پسن
۳۵/۹-۳۵۱/۱۳	جان	۱۵۲/۲۵	
۸۳/۱۸		۱۵۲/۱۷	ن تخم
۳۵۴/۸	جاودان	۱۵۲/۱۹	ن مردمان
۳۲۹/۱۷-۳۴۵/۵	جد/جدا	۱۵۳/۱	نشا
۳۴۵/۱۴	جدا	۱۵۲/۱۸	ن مسای
۳۴۵/۱۲	جدا جدا	۱۵۲/۷	نو/توک (لا-لایه)
۲۸۵/۹-	جد دیو داد	۲۲۷/۱۴	نو
۳۴۱/۳-۱۳		۱۵۱/۱۱	نوان (قدرت)
۳۴۵/۱۶	جداکردن	۱۵۲/۱	نوانگر
۳۱۴/۱	جست	۱۵۲/۲	نوانگری
۳۱۷/۶	جگر	۲۴۴/۱۱	نوبه پذیر
۳۳۷/۱۱	جنباند	۱۵۲/۴	نوزش

خاک	۲۱/۱۶	خوان (سفره)	۵۹/۲۱
خایه	۹/۱۲	خواند	۳۰۸/۱۷
خدای	۶۲/۲۱	خوانند	۲۱۴/۲۰
خرداد	۷۶/۱۲	خانه	۷/۱۰
خرد	۴۰/۱۶	خانی	۸/۱۱
خرد گوهر	۴۰/۲۲	خانی روشن	۸/۱۶
خرده	۶۹/۱۸-۲۰	خواهش	۵۸/۶
خرفستر	۴۰/۹	خواهش خواستن	۵۸/۹
خرفستران	۴۰/۱۳	خواهند	۱۱۱/۱۴
خرگوش	۴۵/۲۱	خوب	۶۱/۱۷
خرما	۱۵۳/۶	خوبتر	۶۲/۱
خروس	۴۴/۱۸	خوبی	۶۲/۳
خسبد	۴۴/۱۰	خود	۱۰۶/۱۲
خسبند	۴۴/۵	خودوده	۷۸/۸
خسروی	۶۶/۱۸	خور	۶۹/۷-۱۱
خشت	۳۶/۱	خوردن	۲۷۵/۱۲
خشک	۶۸/۲	خورسندی	۷۵/۱۳
خشم	۸۷/۱۳	خورش	۷۰/۸
خفگی	۱۱/۱۰	خورشید	۲۷۶/۱
خفه	۲۱/۸	خورشیدنگرش	۷۱/۶
خعب	۷۳/۶	خورشید پشت	۷۱/۳
خوابند	۴۴/۴	خورگ (اخگر)	۶۹/۱۶
خوار (آسانی)	۵۹/۵	خوش	۱۰۱/۲
خواست	۶۶/۴	خوشر	۱۰۱/۴
خواستن	۱۱۱/۸	خوشه	۶۷/۲۱
خواسته	۵۸/۳	خوک	۲۹/۱۱
		خوبش	۷۹/۹

خویش	۲۶۷/۴	داری	۳۰۶/۲۱-۲۲
خویش تر	۷۹/۱۶	داشت	۲۹۸/۱۷
خویشتن	۲۶۷/۱۳	داشتارتر	۲۹۸/۲۳
خویشکار	۷۹/۲۲	داشتن	۲۹۹/۱
خویشکاری	۸۰/۲	دام	۳۰۰/۶
خویشی	۲۶۷/۱۲	دام داد نسک	۳۰۱/۱۰
خیم	۸۹/۹	دان	۳۰۱/۱۷
		دانا	۳۰۱/۱۹
		داناتر	۳۰۱/۲۲
داد (قانون)	۲۹۵/۲	دانایان	۳۰۱/۲۲
داد	۲۹۴/۳	داند	۷۸/۲۲
دادار	۲۹۵/۶	دانست	۷۹/۴
دادارهرمزد	۲۹۵/۱۳	دانستن	۷۸/۱۵
دادستان	۱۸۹/۶	دانستند	۷۹/۶
	۲۹۵/۱۸	دانش	۳۰۲/۵
دادستان اومندی	۲۹۵/۲۰	دانگ	۲۳۶/۳
دادن	۲۹۳/۱۵		۲۲۳/۱۵
دادور	۲۹۶/۲	دانم	۷۸/۱۹
دادوران	۲۹۶/۷	دانه	۳۰۲/۹
دادورتر	۲۹۶/۸	دانی	۷۸/۲۱
دادور دروغزن	۲۹۶/۵	دایه	۳۰۶/۱
دار (درخت)	۲۹۹/۱۴	دهیر	۳۰۸/۲۱
داراد، بدارد	۳۰۷/۱	دتوش	۳۰۹/۱۹
دارد	۳۰۷/۲	دخت/دختر	۱۰۷/۴
دارش (داشتن)	۳۰۶/۱۰	دخت (دوشید)	۳۲۶/۱۲
دارم	۳۰۶/۱۸	ددیگر	۳۱۰/۱۳
دارند (نگاهداری)	۳۰۷/۷	در	۱۰۰/۲-۹

دراز	۳۱۹/۹-۱۱-۱۳	درهم / درم	۳۴۱/۱۹
درایان جوشی	۳۱۹/۱۶	دزد	۳۳۰/۷-۱۰-۱۵
درایید	۳۲۰/۴	دزدی	۳۳۰/۱۱
درخت	۳۱۸/۲۱	دزدی کردن	۳۳۰/۱۲
درد	۳۲۰/۷	دزدید	۳۳۱/۲
در دوزخ	۱۰۰/۸	دزدیده	۳۳۰/۱۶
در زمان	۳۲۵/۸	دست	۱۸۷/۱۱
درست	۳۳۹/۹	دست شبی	۱۸۷/۱۶
درستی	۳۳۹/۱۲	دست شستن	۱۸۷/۱۸
در شاهگاه	۱۰۰/۶	دست شوی	۱۸۷/۱۹
در شهر	۱۰۰/۷	دستور	۳۱۴/۵
درگاه	۳۲۱/۱۴	دستوران	۳۱۴/۸
درنگ	۱۸۵/۹-۳۲۴/۶	دستوری	۳۱۴/۱۰
درنگ زمان	۱۸۵/۱۱	دش آگاه	۳۳۲/۱۹
در واسپ	۳۳۶/۱۵	دشخواری	۳۳۳/۴
دروج	۳۲۳/۲	دشت	۳۱۵/۱۰
دروجان	۳۲۳/۵	دشتان	۳۱۶/۳
درود	۲۰۳/۸-۳۲۲/۱۵	دشتانستان	۳۱۶/۹
	۳۲۴/۱۹-	دشمن	۳۳۳/۱۵
دروغ	۲۲۰/۳	دش منش	۳۳۳/۲۰
دروغزن	۳۲۳/۱۱	دشوار	۳۳۰/۱۳
دروغزنی	۳۲۳/۱۵	دغداو	۳۳۵/۱۳
درون	۳۲۳/۱۶	دل	۲۲۵/۶
دروند	۳۲۴/۱۵	دمبه	۳۲۸/۷
در وندان	۳۲۴/۱۸	دمبزه	۳۲۸/۱۸
در وندی	۳۲۴/۱۹	دندان	۲۱۲/۶
درون سه گانه	۳۲۴/۲	دندان پریش	۳۳۹/۱۸-
درویشان	۳۲۴/۱۲		۳۴۰/۱-۳

دو	۱۴۹/۱۳-۳۰۷/۹	دهبدان	۲۴۲/۱۶
د وارد	۳۲۷/۲۰		۳۰۶/۹
دوارست	۳۲۷/۲۱	دهد	۲۹۴/۱۰
دوارشی	۳۲۷/۱۸	دهش	۲۹۴/۱۵-۲۹۹/۵
دوازده	۲۹۲/۷-۳۲۶/۱۶		۳۰۵/۲۰-
دواسروچید نسک	۳۲۷/۱۱	دهش ها (آفریده ها)	
دوانوس	۳۲۷/۸		۳۰۵/۲۱
دوبهر	۳۰۷/۱۳	دهش مند	۲۹۹/۷
دوبیکر	۳۲۹/۱۲	دهلیز	۲۹۳/۲
دوتو	۳۰۷/۱۷	دهم	۲۹۴/۹
دور	۳۳۵/۱۷	دهمان آفرین	۲۹۳/۳
دوزخ	۳۳۳/۱	ده هزار	۳۲۲/۳
دوست	۳۳۱/۱۴	دی	۱۹۳/۴
دوش (دیشب)	۳۳۲/۱۳	دیبا	۳۱۳/۹
دوشند	۳۳۴/۱۸	دی به مهر	۱۹۳/۹
دوغداو	۳۲۹/۲۲	دید	۳۱/۱۸
دول / دلو	۳۳۵/۱۵-۳۲۸/۹		۱۷۷/۱۰
دوهزار	۳۰۷/۲۰	دی دادارهرمزد	۱۹۳/۱۲
دویست	۴۲/۱۵	دیدن	۱۸۱/۱
دویست و هفتاد و هشت		دیر	۱۸۲/۱۳
	۴۲/۱۷	دیرزمان	۱۸۳/۱۳
ده / دیه	۲۴۲/۱۰	دیرزیواد	۱۸۳/۱۵
ده (۱۰)	۲۹۲/۴	دیرزیوشی	۱۸۳/۱۷
ده (بده)	۲۹۳/۲۰	دین (کیش)	۱۸۸/۱۷
دهاد	۲۹۳/۲۱		۱۹۲/۱۸
دهان	۱۴۰/۱۲	دین (نام روز ۲۴ هرماه)	
دهبد	۲۴۲/۱۴		۱۸۸/۲۰
	۳۰۶/۴	دین آگاه	۱۸۹/۲۳

دین اهرموگی	۱۹۳/۷	رہتوین	۲۲۵/۱۶
دین بردار	۱۰۸/۱۴	رتوشا شیتی	۲۲۶/۶
	۱۹۰/۷	رد	۲۲۶/۲
دین بنده	۱۹۰/۹	ردان	۲۲۶/۴
دین ردان	۱۹۳/۱۱	ردی	۲۲۶/۵
دینوران	۱۹۰/۵	رزمیان	۲۲۶/۱۲
دینی	۱۹۳/۱۴	رس	۲۰۰/۱۵
دیو	۱۹۶/۱-۲۰۵/۵	رستگان (رسته‌ها طبقات)	
دیوار	۱۹۰/۲		۲۲۶/۱۷
دیوان	۱۹۶/۵	رشد	۲۲۴/۳
دیو یزکی	۱۹۶/۷		۳۰۰/۱۹
		رسن	۲۲۷/۳
		رسند	۳۰۰/۱۸
را	۲۲۴/۱۱	رسیدن	۳۰۰/۱۷
راد	۲۲۱/۱۳	رشن	۲۲۷/۵
رادتر	۲۲۲/۲	رشن اشداد	۲۲۷/۱۰
رادی	۲۲۲/۳	رفتار	۲۲۵/۱۲
راز	۲۲۲/۴	رمه	۲۲۸/۴
راست	۲۲۲/۱۲	روا	۲۲۸/۱۶
راست تر	۲۲۲/۱۸	روا تر	۲۲۸/۱۹
راست گفتار	۳۲۹/۱۱	روان (روح)	۲۲۹/۱
راست گوشنی	۲۲۲/۱۶	روانی	۲۲۹/۶
راست گویی	۳۲۸/۵	روباه	۲۲۹/۹
راستی	۲۲۲/۱۹	رود	۱۷۳/۱۶
رام ایزد	۲۲۳/۷	رود (روده، تراشیده)	
رامش	۲۲۳/۱۴		۲۲۹/۱۷
ران	۲۲۴/۵	رود (رودخانه)	۲۲۹/۱۲
راه	۲۲۲/۹	روز	۲۳۰/۸-۲۳۶/۱۷

روز شبان	۲۳۰/۱۱	زام ایزد	۱۶۶/۱۷
روزگار	۲۳۰/۱۳	زاید	۱۶۵/۶
روستا	۲۳۰/۱۶	زایش	۱۶۵/۱
روشن (نام خاص)	۲۳۱/۷	زایند	۱۶۵/۵
روشن	۲۳۱/۱۰	زائید	۱۶۴/۱۹
	۲۲۹/۷	زبان	۶۵/۹
روشنی	۲۳۱/۱۳	زهر	۱۶/۴
روشنی آتش	۲۳۱/۱۵	زد	۲۴۱/۷
روغن	۲۲۹/۱	زداری	۱۶۳/۴
رون (سو، جانب)	۲۳۲/۷	زر	۱۶۲/۱۱
روند	۱۷۳/۱۲-۲۲۵/۱۹	زرتشت	۱۶۵/۱۰
روی (چهره)	۲۳۲/۹	زرتشتان	۱۶۵/۷
رہچال	۲۳۳/۵	زمان	۱۶۶/۱۰
ریختن	۲۳۳/۱		۲۹۰/۱۷-۳۲۵/۴
ریدک (کودک، غلام)	۲۳۳/۱۹	زمانی	۱۶۶/۱۴
ریزد	۲۳۳/۱۴	زمستان	۳۲۵/۹
ریزش	۲۳۳/۱۲	زمی/زمین	۱۶۷/۱-۳۲۶/۸
ریزند	۲۳۳/۱۶	زن	۱۶۷/۱۰
ریش (جراحی)	۲۳۴/۱۲		۲۸۸/۴
ریشگی	۲۳۴/۱۶	زن آبستن	۲۸۸/۱۳
ریشه	۲۳۴/۱۸	زن خواستن	۱۱۱/۱۲
ریعن	۲۳۵/۱۰		۲۸۸/۱۱
ریعنی	۲۳۵/۱۳	زن دشتان	۲۸۸/۱۶
		زن زاده (زائو)	۲۸۸/۱۵
		زنان	۲۸۸/۱۹
زادن	۱۶۴/۱۴	زند	۲۴۱/۱۰
زادند	۱۶۴/۲۰	زند (تفسیر)	۱۶۹/۸
زاده	۱۶۳/۲	زند (قبیله)	۱۶۹/۱۰

زنده	۱۶۹/۱۲	ساریگر	۱۷۴/۱۳
زندگی	۱۷۱/۳	سازم	۱۷۳/۲۱
زنده	۱۷۱/۲	ساستار	۱۷۴/۱
زندیک (زندیق)	۱۶۹/۱۵	سال	۲۰۲/۱۴
زنش (زندن)	۱۶۹/۱	ساله	۱۷۴/۶
زنی (همسری)	۱۶۷/۲۴	سایه	۱۷۴/۲۰
زنی	۲۸۸/۲۰	سپاس	۱۷۵/۳
زوت	۱۶۸/۱۳	سپرز	۱۷۶/۳
زور	۱۶۷/۱۵	سپرم / اسپرغم	۱۷۵/۱۵
زور (نیرو)	۱۶۹/۴	سینا	۱۷۵/۱۷
زورمندتر	۱۶۹/۷	سینا مینو	۱۷۵/۱۷
زه (نم تراوش)	۱۵۵/۸	سپند	۱۷۶/۷
زه (تراوش)	۱۶۹/۱۸	سپندارمد	۱۷۶/۱۶
زبان	۱۷۰/۶		۱۸۱/۲۱
زبر	۲۵/۹	سپندمد	۱۷۶/۹
زین افزار	۱۷۰/۱۱	سپندمدگاه	۱۷۶/۱۴
زیواد	۱۷۰/۱۷	سپوزد	۱۷۵/۲۱
زیونده	۱۷۱/۴	سپهر	۱۷۶/۱۹
ژرف	۱۶۸/۲	سپهتمان	۱۷۷/۱
ژرف روستا	۱۶۸/۶	ستانند	۳۳۲/۲-۶
ژرفرا (ژرفا)	۱۶۸/۹	ستانیدن	۳۳۲/۴
ژوژه (جوجه تیغی)	۱۶۸/۱۰	ستاماد	۱۷۸/۶
		ستایش	۱۷۸/۱۲
		ستائیدار	۱۷۷/۱۷
ساخت	۱۷۲/۸	ستبرق	۱۷۸/۱۴
ساخته	۱۷۲/۱۱	ستد	۳۳۲/۱
	۱۷۳/۱۰	ستدن	۳۳۱/۲۲
سار	۱۷۴/۴	ستم	۱۷۸/۱

ستونگر	۱۸۰/۵	سرودن	۱۸۴/۱۹
ستوت یسن	۱۷۹/۲۰	سروش	۱۸۴/۸
ستور (چهارپا)	۱۸۰/۱۷	سروش اهره	۱۸۴/۱۵
ستور (قیم)	۱۸۰/۲۰	سروش چرنام	۱۸۴/۲۱-۱۸۵/۴
ستیر / استیر	۱۷۸/۱۷	سریط (اترط)	۱۸۶/۲۰
	۱۸۱/۱۹	سزد (سیری شود)	۱۸۲/۱
سخت	۱۷۳/۶	سست	۱۹۱/۱۸
سخت تر	۱۷۳/۸	سست تر	۱۹۱/۲۰
سدوش	۱۸۰/۱۰	شش (شش، ربه)	۱۹۲/۵
سدویس	۱۸۱/۴	سفت (دوش، کتف)	۱۹۰/۱۲
سدیگر	۱۸۱/۱۵	سکاتوم	۱۸۲/۶
سر	۲۳۰/۱۸	سک	۲۱۲/۱۸
سر (اول)	۱۸۲/۱۰	سک دید	۲۱۲/۲۱-۲۱۳/۵
سراسر	۲۳۱/۳	سک نمودن	۲۱۳/۱۲
سرایش	۱۸۳/۲	سنگ	۱۹۳/۱۵
سربرند	۲۳۰/۲۱		۳۱۳/۱۴
سربریدن	۲۳۰/۲۰	سنه (نفرین)	۱۸۹/۹
سربین	۱۸۳/۷	سود	۱۹۰/۱۶
	۱۸۴/۶	سودگی	۱۹۱/۵
سرداران	۱۹۳/۱۸	سودن	۱۹۱/۷
سردگان	۱۸۳/۱۲	سوده	۱۹۰/۱۹
سرده	۱۸۳/۹	سوراخ	۱۹۲/۱۵
سرشک	۱۸۳/۱۹	سوزد	۱۹۱/۱۴
سرگون (سرکین)	۱۸۷/۳	سوشیانس	۱۹۲/۷-۱۳
سرما	۱۸۴/۱	سه (۳)	۱۰/۳
سرمای سخت	۱۸۴/۵		۱۴۸/۱۳
سرو (شاخ)	۱۸۵/۱۲		۱۷۲/۴
سرود	۱۸۴/۱۷	سهگانه	۱۰/۹

سه گانه	۱۷۲/۵	شب	۲۳۵/۶
سهمگین	۱۷۴/۱۷	شبان (شبه)	۱۹۷/۱۷
سه یک	۱۰/۸	شب پره (خفاش)	۱۲۵/۱۸-۲۰۳/۱۳
سه یکی	۱۰/۱۰	شبه/شوه (نوعی سنگ)	
سی (۳۰)	۲۲۷/۲۰		۱۹۷/۲۰
سی ام	۲۲۸/۳	شبی	۱۹۸/۶
سیاه	۱۷۲/۶	شب بار	۱۹۸/۱
سیب	۳۱۳/۱۸	شدن	۲۷۱/۱۴
سیج	۳۱۴/۱۸	شرم	۲۰۰/۱۹
سیری	۳۱۴/۲۱	شرمگاه	۲۰۰/۲۱
سیزده	۳۰۴/۱۰	شت	۴۳/۲۰
سی سه (۳۳)	۲۲۸/۲		۲۰۲/۱۷
سیصد	۸۸/۲۰	شتن	۴۳/۱۰-۱۸
	۱۵۴/۱۳		۲۰۳/۱
سیم	۳۴/۸	شش (۶)	۱۰/۱۷
سی و سه (۳۳)	۲۲۸/۱		۱۹۹/۲
		شش پا و دو بهر	۱۰/۲۳
		شصت (۶۰)	۳۱۳/۵
شادروان	۱۹۶/۹	شصت و شش	۳۱۳/۸
شادی	۱۹۶/۱۱	شکست	۱۴۷/۴-۹
شاگرد	۲۰۰/۱۵		۲۰۰/۶
شام	۱۹۶/۱۵	شکند	۱۴۷/۷
شانزده	۳۰۴/۱۷	شگفت	۲۰۰/۱۱
شاهگاه	۱۹۵/۱۵	شناس	۲۰۲/۳
شاید	۱۹۶/۱۹	شنوشت/شنوسه	۲۰۳/۱۴
شاید کردن	۱۹۷/۲	شنومن	۲۰۳/۱۵
شایست	۱۹۷/۷	شوند	۲۰۳/۲۰
شب	۱۹۷/۱۲	شنوی	۲۰۴/۳

شود	۲۷۱/۲۱	فرجامی	۱۲۷/۱۶
شوی	۲۰۴/۷	فرجفت	۱۲۸/۲
شوی (شوهر)	۲۰۴/۶	فرخ	۱۲۷/۲
شوید	۴۳/۱۲-۲۰۴/۱۸	فردا	۱۲۷/۹
شویش	۴۳/۱۴	فردم	۱۲۷/۱۱
شویش (شتن)	۲۰۴/۹	فرزند	۱۴۲/۱-۱۳۸/۶
شویند	۴۳/۱۶-۴۵/۱۳	فرزند چکر	۱۳۸/۱۰
	-۲۰۴/۱۹	فرزند زایی	۱۳۸/۱۳
شهر	۱۹۹/۱۰	فرزندگی	۱۰۹/۱۷
شهرستان	۱۹۹/۱۵	فرست	۱۲۸/۱۲
شهریور	۱۹۹/۵-۱۹	فرسنگ	۱۲۹/۱
شیر (برج اسد)	۲۰۶/۵	فرگرد	۱۳۵/۱۸
شیر (نوشیدنی)	۲۰۶/۷	فرمان	۱۳۰/۳
شیرین	۲۰۶/۱۰	فرمان (دستور امر)	۱۳۰/۱۴
شیوا	۲۰۵/۱	فرمانبردار	۱۳۰/۱۷
		فرمانبرداری	۱۳۰/۱۸
		فرمایش	۱۳۱/۲
فرارون	۱۲۶/۱۸	فرماید	۱۳۰/۱۹
فرارون کنش	۱۲۶/۲۰	فرمایند	۱۳۱/۱
فرارون منش	۱۲۶/۲۱	فرمود	۱۳۱/۴
فرارونی	۱۲۶/۲۳	فرمودن	۱۳۱/۶
فراز	۱۳۶/۴	فرنامش	۱۳۱/۱۴
فرازبرد	۱۳۶/۱۳	فرنیغ	۱۳۱/۲۰
فرازبردن	۱۳۶/۱۴	فروبرد	۱۳۲/۱۷
فراز شود	۱۳۶/۲۲	فروخسبند	۴۴/۸
فراز کند	۱۳۶/۲۱	فروود	۱۳۲/۸
فراز گفت	۱۳۶/۱۶	فروکشیدن	۱۳۲/۱۵
فراگام	۱۲۶/۱۰	فروورانه	۱۳۳/۲

فروردیگان	۱۳۳/۸-۱۴۱/۱۶	کت (که ترا)	۲۴۹/۱۳
فروردین	۱۳۳/۱۴	کدام	۲۱۱/۱
فروهر	۱۳۱/۸	کر (ناشنا)	۲۱۲/۱۶
فره	۱۸۷/۲۱	کرچنگ (خرچنگ)	۲۱۴/۶
فره گر	۱۸۸/۴	کرد	۲۱۷/۴-۲۶۵/۲۳
فره روی	۱۸۸/۳	کردن	۲۱۷/۱۶
فره شهر	۱۸۸/۲	کرده (بخش، فصل)	۲۱۷/۲
فرهنگ	۱۲۶/۱	کرده	۲۱۷/۱-۲۱۳/۲۲
فریادار	۱۲۹/۹	کرفگی	۲۱۶/۱۷
فریدون	۱۳۵/۶	کرفه	۲۱۶/۱۱
		کرفه اندوزی	۸۱/۱۹
		کری	۲۱۴/۸
کار	۲۰۸/۱۳	کرکس	۲۱۴/۹
کارد	۲۰۹/۸	کر/کژ	۲۱۱/۱۳
کاردپولادین	۲۰۹/۱۱	کژدم	۳۱۲/۱۹
کارند	۱۶۶/۸	کس (کسی)	۲۹/۱۷
کارزار	۲۰۹/۱۴	کسان	۳۰/۱
کارزاری	۲۰۹/۱۷	کت	۲۱۷/۱۹
کاسکینه	۲۰۸/۹	کستی	۲۱۸/۱
کافند/کاوند	۲۰۸/۶	کش (که اورا)	۲۴۹/۱۵
کام	۲۰۹/۱۸	کشت	۲۱۸/۵
کامد	۲۱۰/۵-۳۱۱/۶	کشت	۲۷۷/۱۴
کامم (خواهم)	۳۱۰/۲۱	کشتار	۲۱۸/۹
کامیست (میل کرد)	۲۱۰/۸	کشتن	۲۷۷/۱۷
گاه	۱۴۷/۱۲	کشتن	۲۲۰/۶
گاهد	۲۰۸/۱	کشد	۲۱۸/۴
گاهش	۲۰۸/۵	کشتی	۲۱۱/۱۸
کبی	۲۱۰/۱۵	کشیدن	۲۱۲/۱

کلاهیجه	۲۱۸/۱۳	گان	۳۰۲/۲۰
کم	۲۱۵/۱۰-۲۲۰/۸	گانه	۲۱۰/۹
کنار	۲۱۶/۵	گاه (زمان)	۲۹۷/۴
کند	۲۲/۱۱	گاه (جا)	۲۹۷/۶
کند	۲۶۶/۱۲	گاه (سرود)	۲۹۷/۱۰
کنش	۲۱۹/۱	گاهان	۲۹۷/۱۹
	۲۶۶/۷	گاهان بن	۲۹۷/۲۱
کنم	۲۶۶/۵	گاهانی	۲۹۸/۱۱
کنند	۲۲/۱۴	گاهنبار	۲۹۸/۱
کنند	۲۱۹/۱۴	گج	۳۱۰/۱۸
کنید	۲۱۹/۱۰-۲۶۶/۱۷	گج کرده	۳۱۱/۲۳
کو/که	۸۷/۱۷	گچین	۳۱۲/۶
کودک	۲۱۶/۱۸	گداخته	۲۶۷/۲۰
کور	۲۱۸/۱۰	گر	۳۱۸/۱۹
کون	۲۱۸/۲۱	گران	۳۱۹/۲
کون مرز	۲۱۹/۱۲	گران تر	۳۱۹/۱۴
کوه	۲۱۶/۸	گران گناخته	۲۸۳/۳
که	۲۴۹/۳	گرانی	۳۱۹/۱۵
که (کوچک)	۲۱۱/۱۵	گرداند	۲۸۰/۱
کهان	۲۱۱/۱۷	گردانیدن	۲۸۰/۲
کهریا	۲۰۹/۷	گردد	۲۷۹/۲۰
کهست	۲۱۹/۱۷	گردش	۲۷۹/۱۷
کی آذرپوزید	۲۱۹/۱۵	گردن	۳۲۰/۱۰
کیان	۲۱۹/۱۹	گردن بند	۳۲۰/۱۳
کیان فره	۲۲۰/۱	گرده	۳۳۶/۶
		گزش	۳۲۰/۱۴
		گرزمان	۳۲۲/۱۸
کام	۳۰۰/۹	گرزمانی بودن	۳۲۳/۱

۳۲۷/۶	گمان	۳۲۰/۱۷	گرزه
۳۲۷/۸	گمانی	۳۲۶/۸	گرسنه
۲۸۲/۱۳	گناه	۲۶۵/۷	گرفت
۲۸۳/۶	گناهکار	۲۶۵/۱	گرفتن
۲۸۳/۸	گناهکاران	۳۲۲/۶	گرم
۲۸۳/۱۰	گناهکاری	۳۲۲/۹	گرو
۲۸۲/۱۸	گناه گزاردن	۳۲۱/۱۲	گره
۳۳۷/۹	گنبد	۳۲۴/۱۱	گریوه
۳۳۰/۵	گنج	۲۶۹/۱۱	گزارد
۳۳۱/۱	گنجینه	۲۶۹/۱۷	گزاردن
۳۳۹/۱۵	گند (خایه)	۲۶۹/۱۸	گزارش
۳۴۱/۱۶	گندگی	۳۱۱/۸	گزش
۳۳۹/۱۶	گنگ	۲۷۰/۱۶	گریدار
۳۲۵/۱۲	گو	۲۷۲/۱۷	گریزش
۳۳۵/۵	گوارد	۲۷۵/۳	گشادگی
۳۳۵/۱	گواهی	۲۷۴/۱۹	گشاده دوازشی
۳۳۰/۲	گوز (گردو)	۲۷۵/۵	گشادگی
۳۳۱/۴	گوسپند	۲۷۵/۸	گشای
۳۳۱/۸	گوسپندان	۲۷۶/۳	گشتن
۳۳۱/۱۱	گوسپند مفید	۳۳۳/۱۳	گشسب
۳۳۱/۱۲	گوسپند نر	۳۳۴/۴	گشن
۳۳۲/۸	گوش	۳۳۴/۷	گشنی
۱۰۰/۲۱-۳۳۳/۱۱	گوشت	۳۲۸/۲۱	گفت
۳۳۴/۱	گوشتوار	۳۲۹/۱۰	گفتار
۳۰۴/۴	گوشتو دا	۳۲۹/۱۵	گفتن
۳۳۳/۷	گوشورون	۹/۲۰	گفته
۳۳۳/۹	گوشورون امثالسپند	۳۲۴/۱۰	گلین
۳۳۵/۹	گوگرد	۳۳۷/۳	گمارند

۳۳۷/۱۹	ماده	۳۴۲/۵	گوگوشب
۲۷۸/۲		۳۳۸/۱۴	گومیخته/آمیخته
۲۳۸/۳	مادهور	۳۳۸/۶	گومیز
۲۳۹/۴	مار	۳۳۸/۱۱	گومیز آب
۲۴۰/۸	مارسپند	۳۳۸/۲۰	گون
۲۳۹/۱۳	مارپک	۳۳۸/۲۲	گناک مینو
۲۳۸/۸	مارن	۳۳۹/۱۳	گونه
۲۳۸/۹	مازنان دیوان	۳۲۶/۱۸	گوهر
۲۳۹/۱۱	مالش	۳۲۵/۱۹	گوید
۲۳۹/۲۰	مان (خانه)	۳۲۵/۱۶-۳۲۸/۱	گوش
۲۴۰/۴	مانبد	۳۲۸/۴	گوش ها
۲۴۰/۱۱	مانشر	۳۲۵/۱۵	گویم
۲۴۰/۱۳	مانشر پرسیدار	۳۲۶/۱	گویند
۲۱۱/۷	ماند	۳۲۶/۲۲	گهواره
۲۴۰/۱۵	مانسرپند	۱۷۷/۱۴	گیتی
۱۱۳/۱-۲۳۶/۵	ماه	۱۸۱/۱۳	
۲۴۰/۱۷	ماه رپند	۱۷۹/۷	گیتی خرید
۲۳۷/۱۳	ماهی (برج حوت)	۱۷۹/۱۸-۱۸۰/۸	گیتو خرید/گیتی خرید
۲۳۶/۱۰	ماه پشت	۱۷۹/۱۸	گیتو فرید
۲۵۳/۱	مدیو ماه	۱۸۲/۱۶	گیراد
۲۴۴/۲۳	مر	۲۶۵/۵	گرد
۳۰۸/۲	مرد	۱۷۲/۱۲	گمبان
۳۰۸/۱۲	مردان		
۳۰۸/۹	مرداهرو		
۲۴۵/۲	مردبود	۲۳۲/۳	ما
۳۰۸/۱۱	مرد دروند	۴۷/۵	ماد/مادر
۶۸/۱۹-۲۴۵/۴	مردم	۵۳/۱۱-۲۳۸/۶	مادر
۶۹/۳-۲۴۵/۷	مردمان	۵۳/۱۵-۲۳۸/۷	مادران

مرد	۲۴۸/۱۱	مهان	۲۴۴/۳
مرزد	۲۴۵/۱۰	مهر	۲۴۴/۶
مرغ	۲۴۸/۲۰-۲۴۹/۱	مهر	۲۴۲/۱۸
مرگ ارزان	۲۴۶/۱-۸	مهر (نام روز)	۲۴۲/۲۳
مرگ ارزنانان	۲۴۶/۶	مهران دروج	۲۴۳/۹
مرگ ارزان گناه	۲۴۶/۱۱	مهرست	۲۴۱/۱۵
مرگ ارزانی	۲۴۶/۱۳	مهمان	۲۳/۱
مرگی	۲۴۶/۱۵	مهمان تر	۲۳۷/۵
مروارید	۲۴۵/۱۵	مهمانی	۲۳۹/۱۴
مزدیست	۲۴۱/۱۷	می (شراب)	۲۹/۱۴
مزدیستان	۲۴۱/۲۰	میان	۲۳۷/۷-۲۵۲/۱۳
مزه	۲۵۳/۶	میانه	۲۳۷/۱۲
مسای	۲۴۳/۴	میرد	۲۳۶/۴
مطر	۲۴۳/۱۸	میرش	۲۳۶/۲
مگس	۲۳۸/۱۶	میزد	۲۳۸/۱۳-۲۵۱/۲۴
مگس پر	۱۲۵/۱۶-۲۳۸/۱۹		۲۵۳/۱۰
من	۲۲۱/۱	مینو	۲۵۵/۱
منش	۲۵۴/۱۷	مینوگان	۲۵۵/۹
منگ	۲۴۸/۲	مینوی آب	۲۵۵/۷
منوچهر	۲۴۰/۲۰	میوه	۲۵۴/۱۴
مور	۲۴۸/۴	میهن	۲۵۲/۱۷
مورآشیانه	۲۴۸/۹	میهن هرمزد	۲۵۲/۲۰
مورچه	۲۴۸/۱۰		
مورستان	۲۴۸/۱۸		
موزه	۲۴۷/۲۴	ناتسانی	۵۸/۱۱
موی	۲۴۹/۲۲-۲۴	ناتگاهی	۵۸/۱۳
موشین	۲۵۰/۲۳	ناخن	۲۵۸/۳
مه	۲۴۳/۲۱	نارکی	۲۵۹/۶

ناف/نافه	۲۵۸/۱۳	نشیند	۳۱۰/۱۱
نام	۲۰۱/۱۸	نگرش (توجه)	۲۷۸/۵
نامگانی	۲۶۲/۲	نم/نعب	۲۸۲/۲
نان	۲۲۳/۱۱	نعایش	۲۸۱/۲۰
ناوتاک	۲۵۷/۱۸	نعاپند	۲۸۲/۱
ناور	۲۵۸/۱۶	نعد	۲۸۲/۵
ناهمدادستان	۳۴۱/۱۰	نمک	۲۸۲/۷
نیاید	۱۵/۱۹	نمود	۲۸۲/۸
نیینم	۳۲/۲	نمودن	۲۸۲/۱۱
نخجیر	۲۵۹/۸	نو	۲۸۴/۳
نخت	۲۶۲/۱۶	نود	۳۳/۱۱-۱۸۲/۴
ندید	۳۱/۲۱		-۳۱۵/۹
نر	۱۶۴/۱۰	نورده	۳۰۴/۱۹
نرسد	۲۳۴/۴	نوشت	۲۶۶/۲۱
نرسه برز مهر	۲۸۳/۱۴	نوناور	۲۸۴/۶
نریوسنگ	۲۹۰/۴	نویسم	۱۶۴/۸
نزار	۲۷۱/۱۱	نه (حرف نفی)	۲۲۱/۷
نزد	۲۷۲/۸	نه (۹)	۱۱/۲-۱۴۸/۱
نزدیک	۲۷۲/۱۳	نهایتوم	۲۵۶/۱۰
نسا (مرده، لاشه)	۲۷۲/۲۰	نهاد	۵۷/۵
نسروشت	۲۷۴/۱۵	نهادن	۵۷/۳
نسک	۲۷۴/۱۲	نهاده	۲۵۶/۴
نسک داد	۲۸۶/۱۳	نهان	۲۷۷/۷
نشان	۲۸۷/۱۶	نهد	۵۷/۱۵
نشاید	۱۹۷/۵	نهیقت	۲۶۲/۱۰
نشایست	۱۹۷/۸	نهیفته	۲۶۲/۱۵
نشست	۲۷۶/۴-۳۱۰/۴	نهیفتد	۲۸۶/۳
نشویند	۴۳/۱۷	نهم	۲۶۲/۱۹

۱۹۷/۹	هفت	۲۸۶/۱۸	ویدان
۳۱۵/۸	هفتاد و سه	۲۸۷/۱	ویدرد
۱۶/۱۱	هفت امشاسهند	۲۸۶/۱	ویش/بیش
۱۶/۱۳	هفت کشور	۲۵/۴	ویژه
۱۷/۳	هفتورنگ	۲۵/۷	ویژه داد
۳۹/۵	هگز (هگز)		
۲۰۵/۱۶	هل (بگذار)		
۲۰۵/۲۰	هلد	۲/۵	هات
۲۰۶/۱	هلشن (گذاردن)	۲/۱۳	هادخت
۲۰۵/۲۲	هلند	۲/۱۹	هادختی
۴۶/۱۴-۲۷/۱	هم	۵/۲۰	هام/هم
۴۷/۱۸	همادین	۶/۱۲	هامین
۴۷/۹	هماگ/همه	۷/۷	هاویش
۷۲/۲۱	همانا	۷/۹	هاویشان
۴۹/۱	هماوندی	۷/۲۱	هاوند
۵۰/۱	همبرگی	۸/۴	هاوندی
۵۰/۱۷	همچون	۲۱۵/۱۸	هر
۵۳/۷	همداستان	۲۱۶/۱	هردو
۵۱/۲۲	همریت	۲۱۶/۲	هرروز
۵۰/۲۰	همزوری	۵۹/۱۴	هرمزد
۵۳/۱۶	همستاری	۵۹/۱۷	هرمزدخدای
۵۱/۱۳	همکرگی	۵۹/۱۹	هرمزد داد
۵۱/۱۱	همکرزه	۶۴/۱-۲۰	هزیر
۹۰/۶	هموین	۸۶/۱۴	هست، هت
۴۷/۷-۴۹/۷	همی	۸۴/۱۶-۱۵۲/۹	هشت (۸)
۴۹/۱۳	همی افزاید	۲۰۵/۱۸	هشت
۵۴/۱	همیشه	۲۰۵/۸	هشتن
۵۳/۲۰	همستان	۱۶/۷-۸۴/۱۴	هفت

۵۷/۲۲	وای ایزد	۲۶۳/۱۹	نهند
۱۱/۵	وای وه	۲۶۳/۲۳	نه هزار و نه صد و نه
۲۵۶/۱۵-۲۵۷/۶	وچدست	۲۷۰/۱۹	نیاز
۲۵۸/۶	وچر	۲۷۱/۵	نیایش
۲۹۰/۲	ور (پرده)	۲۲۵/۱۰-۲۷۸/۱۵	نیرنگ
۲۸۹/۲۲	ور/بر (سینه)	۲۷۸/۱۸	نیرو
۲۸۶/۱۲	ور (آزمایش)	۲۷۸/۲۰	نیزه
۲۳۲/۱۲	ورجاوند	۲۸۰/۵	نپست
۱۹۱/۵	ورز	۲۸۰/۳	نپک
۲۹۱/۱۱	ورزید	۲۸۰/۱۱	نپکی
۲۹۰/۷	ورس (مو)	۲۸۰/۱۳	نیم
۲۹۰/۱۰	ورگرم	۲۷۸/۲۲	نیم با
۲۹۰/۱۴	وزغ	۲۷۲/۶	نیمروز
۲۹۰/۱۲	وشی	۲۷۶/۱۶	نیمسب
۲۹۰/۱۳	وندیداد	۲۸۵/۵-۸	نیمه
۲۹۱/۱۷	ویند	۲۸۴/۱۰	نیو دل تر
۲۹۱/۱۰	وهوخشر	۲۶۲/۵	نیوشند
۲۹۱/۱۴	وهوخشرگاه	۲۶۲/۸	نیوشیدار
۲۹۱/۱۵	وهونزگ	۲۶۳/۹	نیوشیدارتر
۲۹۱/۹	وهیشواپشت گاه	۲۶۴/۱۱	نیوشیدن
	ویدودات	۲۸۵/۱۳	
	ویر	۲۸۸/۲۱	
۲۵۶/۱	ویراست	۲۸۹/۱۳	و
۲۵۸/۸	ویراستن	۲۸۹/۱۸	واج
۲۶۰/۱	ویراسته	۲۸۹/۵	وازیشت
۲۵۸/۱۲	ویرایند	۲۸۹/۲۰	واژه
۲۶۰/۷	ویس	۲۸۶/۱۵	واستریوش
۱۴/۸	ویسد	۲۷۳/۱۶	وام

۴۹/۱۴	بات	۲۹۵/۱۰	می کاهد
۵۴/۳	بار	۸۵/۴	می عال
۵۴/۹	بارمندی	۸۵/۹	می عالان
۷۶/۳	باری	۸۵/۱۱	شیر
۷۷/۱۹	بازده	۳۰۸/۱۶	نگام
۷۸/۲	بازدهم	۲۹۴/۲۰	نگامی
۵۶/۲۲	باکند/باقوت	۲۹۹/۹	وخت
۷۶/۵	بان	۳۰۳/۲	ورشت
۷۱/۱۵	بنا	۳۰۹/۱۴	ورشیدر
۷۱/۸	بنا هوو بریو	۳۰۹/۵	ورشیدر ماه
۶۵/۱۸	بزد	۳۱۲/۱۶	وسپارم
۶۶/۲۱	بزدان	۲۹۳/۹-۲۹۵/۲۲	وش
۶۷/۲	بزدان باری	۲۹۳/۱۳	وشبام
۷۲/۹	بزش	۳۱۱/۱۱-۳۱۲/۱۰	م
۷۲/۱۶	بزش اردا فرورد	۳۱۱/۱۵	ماست
۷۳/۳	بزش سروش	۳۱۱/۱۸	ای
۷۵/۳	بزش کردن	۳۱۱/۱۴	م ایزد
۷۴/۲۴	بزش بزدان	۳۱۱/۲۰	م درون
۷۳/۹	بزم	۳۱۲/۲-۱۲	مت
۷۵/۲	بزند	۳۱۲/۱۴	منش
۸۴/۷	بسن	۳۱۵/۳	شیر
۸۸/۵	بشت	۳۱۲/۸-۳۱۵/۱۲	ربد
۸۸/۹	بشتاران	۳۱۶/۱	ربدان
۸۸/۱۰	بشت جامه	۳۱۶/۱۳	ربدزاد
۸۸/۱۴	بشت که	۳۱۵/۱۷	ربدستان
	بشتن	۳۱۶/۱۵	
	بشت ناور	۳۱۵/۲۱	
۹۱/۴	یک	۹۱/۱۸-۳۱۷/۲	ایا

۹۲/۱-۹۳/۲۰	یک بار
۳۲۱/۳	یکصد
۳۲۱/۵-۶	یکصد و پنجاه
۳۲۱/۹-۱	یکصد و هشتاد
۳۲۱/۷	یکصد هزار
۳۲۱/۱۷	یکهزار
۳۲۲/۴	یکهزار و شانزده

mātsya- 237/14
 mādhyā- 252/15
 mānas- 254/18
 māṛka- 246/16
 māś 113/2
 mēhati 253/4
 mitra- 242/18
 mithus- 237/2
 miyedha- 238/15-253/11
 mriyātē 248/13

Y

yajatā- 294/23
 yajñā- 315/4
 yākr̥t 317/7
 yātāv- 296/10
 yāsati, yāsyati(?) 314/2

R

rathēsthā- 41/16
 rathyā- 222/10
 rām- 223/16
 rāhas- 222/5
 reṣat-, reṣāyati- 234/14
 rōcas- 330/9-336/18
 rōha- 232/10
 rinākti 233/2
 rudh- 224/8

r̥ta- 4/5
 r̥tāv- 226/3

V

vartatē 275/5
 vasar- 257/8
 vājra- 225/3-270/7
 vāta- 259/13
 vār- 261/14
 vālśa- 280/14
 vāsyas- 198/13
 vāhiṣṭha- 260/3-261/1
 vitirati 268/10
 vinākti, -vivēkti 272/18
 vināṇa- 282/13
 vindāti 36/8
 visati 221/6
 viṣā- 287/10
 viśpātay- 273/18
 vītastay- 268/5
 viś- 286/16
 viśva- 273/13
 vrkkāu- 336/7
 vrksā- 287/19

Ç

çaktā- 173/7
 çamyā 34/10

çōçati 191/16
 çīras- 231/4
 çūndhati 203/2

S

sakthi- 2/11
 satā- 321/4
 saptā 16/8-84/15
 san-46/5
 sandhāy 59/11-77/17
 sam 6/3
 sama 47/10
 sarva- 45/3
 ṣaṣti 313/6
 sāti. 2/6
 sāstār- 174/2
 somā- 72/14
 śīraz- 182/11
 suktā- 57/1
 śupti 190/14
 sumatā- 73/10
 sūkara- 29/12
 sūnāra- 76/3
 śūska- 68/3
 stāumi 178/8
 stōtas- 229/13
 stfbhih 179/2
 spās 175/4

smṛtāh-, smārati- 68/1
 svatah 106/13
 svar- 69/7
 svādati 111/10
 svānati-svan- 66/6

H

hānti 169/2
 hāsta- 187/12
 hotrā 168/20
 hīranya- 162/12
 huva- 79/11
 hr̥d 225/7

tamisra- 146/11
 tápati 153/20
 tápti 145/9
 táruna- 149/8
 tókman- 150/19
 tistráh/tráyah- 10/5
 tuáksas- 150/14
 tučča- 151/6
 tucchyá- 151/4
 tubh, tuph 147/14
 túrya- 156/2
 tvám 227/15
 traitāná- 135/9
 trisāt- 227/21
 triśatá 88/21
 tṛṭīya- 148/15

D

daitika, dātā- 212/8
 dadvāh 193/5
 dadhāti 293/17
 dātar 295/14
 dātrá- 298/13
 dārav-, drav- 299/15
 dāśa- 292/4
 dāsyu- 242/12
 dosā- 332/14
 dōgdhi 334/19

dištay- 313/13
 dīpyatē, 313/10
 dīrgha- 182/14
 dughdā- 330/1
 dūrāt-durē- 335/18
 durmanas 333/17
 dus 332/17
 dúdhā- 330/8
 dúrah-/dvārau 100/3
 dvā- 149/14-307/10
 dvādaśa- 292/7-326/17
 dvā sahasratamā- 307/21
 drōgha- 220/4-323/13
 dhar-, dhārāyati(?)

P 298/19

pakśman- 123/10
 patiś 142/16
 parná- 125/14
 paçčāt, paçčā 125/6
 pātay 137/14
 pāda- 118/11-235/1
 pānca 137/17
 pañcadaśa 118/3
 pāvaka- 117/8
 pitār 11/17
 pilār 11/13
 putrá- 109/12-138/16
 purú- 139/14

pratidhāna- 123/7
 pratimāna 120/17
 prāyah 126/7
 prstāy 139/7
 plāvayati 131/17

B

bandh- 110/19
 bandha, badhāti 100/15
 barhīs 98/11
 bāhāv 96/14
 bōdha- 111/2
 bōdhay- 61/11
 budhnā 110/1
 bhar 108/17
 bhāga- 101/9
 bhāma- 67/4-98/19
 bhāyate 112/17
 bhārti, bhārati 185/19
 bhūmis, bhūmī 109/9
 bhūray 110/12
 bhrājate 102/18
 bhrātār- 102/10
 bhrīnānti 105/8-109/1
 bhrjījāti 103/17

F

fravatā- 132/9

N

nakhā- 258/4
 nambh-nabh- 282/3
 navati-33/11-182/5
 navamā- 262/20
 nāman- 201/19
 nāva 11/3-284/4
 nābh- 258/14
 nāvā 148/2
 nār 164/11
 nārī- 264/20
 nēdīyah- 272/9
 nēma- 290/8
 ni sādati- 276/5
 nū, nū 218/18

M

maññān- 243/18
 madā 29/14
 manā 221/2
 maya- 237/17
 marga- 245/21
 marta- 308/3
 martiya-mārta- 68/20
 mah 243/22
 mā 39/17
 māksikā- 238/17
 mātar 53/12

فهرست واژه‌های سنسکرت

- A**
 aghá 38/2
 ayriyá- 37/19
 abhi-čāna 18/22
 ábhūvan, ábhūt 106/17
 abhrá 11/8
 apara- 15/2
 aṅgústha- 82/2
 antár 80/17-188/7
 ayam- 235/18
 aryamán 89/4
 aṣman 33/18
 aṣtá- 84/18-152/11
 asthi, asthan 31/4
 asmāka- 232/4
- Ā**
 ākar 265/24
- akāśya-kāśate- 38/6-58/14**
 āgemat 243/3
 āpas/apás 12/9-10
 āpah/apā 251/10
 āngārā 79/19
 āviškāra- 36/3
 ārya- 60/2
 āsura- 59/15
 āśva- 192/1
 etāvant- 87/9
- I**
 imá- 235/17
 istakā 36/1

- U**
 upara-kṣāuma-
 upāri 253/21
 urvárā 72/2
 ursnāy- 334/5
 ustra- 325/2
- K**
 katará- 210/18
 karná- 212/17
 karṣati-/karṣāyati 212/3
 kahrkāśa- 214/10
 kāra- 209/15
 kās 29/18
 kumbhá 73/7
 kuṣṇāti 218/6
 krátav- 40/17
 kṛṣṭáy 220/7
 kṣatra- 199/11
 kṣayati 196/20
 kṣīrá- 206/8
 kṣudrá- 203/6
 khan 8/12
 khara- 46/1
- G**
 garhate 320/15
 gātu- 189/16
- gāthā- 297/14**
 gāv- 100/22
 giráy- 318/20
 guñjāti- 339/17
 gurav- 319/3
 griva- 322/11
 ghóssti 46/2
- Č**
 čaturdasí 156/5
 čatvār- 84/12
 čatvārah 40/6
 čatvārisāt 172/2
 čáksus- 158/7
 čit 246/20
 čhāyá 174/21
- J**
 jantáv- 169/11
 jāta 167/12
 jāti- 164/16
 jihvā- 65/11
 jñā- 202/4
- T**
 takṣ- 146/6
 tanóti, tan 147/19
 tanú 152/13

xšap 197/13

xšnā- 202/4

G

gāθu- 189/16

Č

čaθ 155/5

čāpu-ka(?) 156/10

čass 148/5

čiça 160/14

čiš-čiy 250/8

T

taumā- 150/19

tigra 153/11

θ

θakata 173/19

D

dāta-, adād- 295/3

dāraya, dārayāmiy- 298/19

dasta- 187/12

dahyu 242/11

duvar 100/3

duvitiyam karam 310/14

duš-, duž- 332/17

dušiyāra- 302/17

N

naiba- 291/6

naiy 221/8

nāf- 258/14

nidāna-(?) 277/8

ni-pišta 267/1

P

patiyaxšayaiy 115/19

patiš 142/17-232/20

patyāka- 142/6

paru 139/14

pasā, pasāva 125/5

pitar- 11/8

puça- 109/12

F

framāna 130/15

fravat- 132/9

B

baga- 101/9

band 110/19

bardhanya- 98/14

būmī- 109/9

brātā 102/10

M

mātar 53/12

manā 221/2

martiya- 69/1-308/3

māršti 245/11

miθra- 242/18

y

yāna- 303/3

R

raucah- 230/9-336/18

rauta- 229/13

V

vaināhiy 291/2

vazraka- 225/3-270/7

viyatarayāma 268/9

H

hauma- 72/14

hauv- 281/5

hakaramčiy 39/6

hačā 12/3

hangama 77/20

ham 6/3-46/15

hama 47/10

haruva- 45/3

huva- 79/11

hvarǝ- 69/7

hvarǝšta-/hvaršta- 76/6

hv-āpah 61/18

فهرست واژه های فارسی باستان

Ā

aiva- 90/12

aǝanam 163/5

āǝamiyā 243/3

ātar/āǝr 27/18

adadā- 293/16

aniya- 94/1

antar 188/7

a[n]tar- 80/17

antarvāyu 81/4

apaiy 24/19

apara- 15/2

āp/āpi 12/9-251/9

amāxam- 232/4

amariyatā 248/12

ariya- 60/3

arta- 4/5

artāvan 5/5

asa- 192/1

ahura-mazdāh

I

ima- 235/17

U

uta 256/2

upariy 253/21

uvaipasiva- 267/6

uška 68/3

K

kan 8/13

X

xšaipa- 205/2

vərəθrayna- 257/12	sata- 321/4
vərəḍka- 336/7	satavaēsa- 181/12
vohu. mana- 263/2	sadayanha- 75/13
vičiča- 310/19	sava- 190/17
vi-čira- 64/15	sarah- 182/11-231/4
vita- 340/6	sarəta- 20/4-184/4
vi taxti- 267/21	sarəḍa- 174/8-183/11
vitārētō- 268/9	sārō.dāra- 193/19
vi-daēvō-dāta- 285/13	sāstār- 174/2
vīndenti 36/7	simā-/simōiθrā- 34/9
vīmananh-(?) 337/7	supti- 190/14
vis- 286/16	suwrā 192/16
viš.haurva- 287/14	suš- 192/6
vī.tastay- 268/5	skapta- 200/12
vīra- 288/21	staora- 180/18
vīsaiti 221/6	staxma- 178/3
vīsastōma- 287/9	star- 179/2
vīspa- 273/13	stamba- 177/19
vīspe.ratavō- 287/6	spaka- 212/18
vīs.paiti- 273/17-286/19	spānta- 175/18
vīša- 287/10	spānta. armaiti- 176/11
vuhuman 263/1	spānta. mainyō 176/17
	spərəzan- 176/5
S	spitāma- 177/3
saočayānti 191/15	snaḡa- 189/14
saōšyant- 192/12	syāva- 172/7
sairi-gaona- 187/4	sraota- 184/20
sak- 173/20	sraoša- 184/13

sraošāvarəza 185/7
sraōšō-čaranā- 185/3
sraska- 183/20
srva-/srū 183/8-185/8

Š

šāiti- 196/12
šāma- 196/16

H

haēḡahya- 187/9
haēm-, haya 89/10
haēz- xaēzeñuha- 9/6
haodāy- 61/11
haoma- 72/14
haoya-/hāvōya- 76/20
haosravah 66/19
haurva- 45/3-215/19
haurvatāti 76/14
ha-γdanhəm- 315/1
haxt- 2/11
hača- 12/3-247/17
hadaoxta- 2/17
hapta- 16/8-84/15
haptō-iringa- 17/6
hafta būmi 16/14
ha-nuharəna 89/7
hañtāčay- 77/8

handāma- 59/11
handāman- 77/17
han-draxt 88/2
ham- 6/3-46/15
hama 47/10
hamaēstār 53/18
hama-gaona- 54/16
ham-ərəθa- 54/4
hamō-gaona 54/16-90/7
hami/hamina- 6/13
ham-raēḡwa- 51/18
havišta- 7/8
hazapra- 322/1
hāu- 281/5
hāt. 2/6
hāḡra- 3/6
hixra- 84/8
hizū- 65/10
huxta- 57/1
hu-čigra- 64/2
hudāḡh-, hudāḡh 77/1
hunara- 76/3
hu-mata- 73/10
humatanām 73/15
humāyā- 73/5
huška- 65/15-68/3
hū 29/12
hvañta- 8/1

- barəšnūm- 104/5
 bāma- 67/4
 bāma-, bāmya- 98/19
 bāzū/bāzav 96/14
 bāzu.jata- 97/8
 bāzuš. aojah 97/3
 bərəzant- 104/11
 būna- 110/1
 būmī- 109/9
 būray- 110/12
 buza- 107/12
 brātar- 102/10
 brāz- 102/18
 brīnenti, 109/1

M
 maēθana- 252/18
 maēθman- 237/2
 maēzant- 253/4
 maidyāna- 237/10-252/14
 mainyav- 255/2
 mainyuš 241/1
 mairya- 239/6
 maōiri- 248/5
 maxši- 238/17
 mada-mađa 29/14
 manah-254/18
 manā- 221/2
 maraka-/mahrka- 246/16
 marəza- 245/11
 maretan-, marəta- 308/3
 marezaiti- 239/12
 maz-, mas- masan-masah
 243/22
 mazga- 243/18
 mazdayasna- 241/18
 mašya-/marəta- 68/20
 mā 39/16
 mātar 53/12
 māra- 239/5
 māsya- 237/14
 māzainya- 238/11
 mäh- 113/2
 marəja- 245/20
 maθra- 240/12
 miθra- 242/19
 miθrō-drug 243/12
 mǝ 254/12
 myazda- 238/15-253/1

Y

- yaoždāθra- 334/11
 yaθā ahū vairyo 309/6
 yaθāiš 309/17
 yava- 335/21
 yavaētāt 304/9

- yasna- 315/4
 yazata- 294/23
 yazata maθra. spānta-
 240/16
 yāta- 295/11
 yātū- 296/10
 yāna- 303/3
 yāma- 301/7
 yesi. yaθāiš 313/2
 yākar- 317/ 7

R

- raəčayat- 233/2
 raēša- 234/13
 raoyna- 239/3
 raoxšna- 231/12
 raodya- 230/17
 raočah- 230/9-336/18
 raoda- 232/10
 raopiš {?} 229/10
 ratu- 226/3
 raθaē- štar- 41/15
 raθaē- štā- 41/15
 rapiθwina- 225/18
 rasman- 226/13
 rašnu- 227/8
 razah- 222/5
 rādaiti 40/2

- rāiti- 222/1
 rāman- 223/16
 rāsta- 222/13

V

- vaēnāmi 291/2
 vaēsaēpan- 45/4
 vačastašti 270/19-297
 vaḡhār- 257/8
 vayu- 263/22
 varəka- 281/13
 varəcahvant 280/6
 varəta- 279/15
 varəsa- 280/14
 varəša- 287/19
 varšni- 334/5
 vazaya- 272/7
 vazra- 255/3-270/7
 vahišta- 261/1
 vahištōišti 261/10
 vahu. xšaθrā- 262/7
 vahyah- 198/13
 vāta- 259/13
 vār-/vāra- 98/3-261/14
 vārəngan 279/11
²vāstra- 260/6
 vāstryōfšuya- 260/10
 vāzišta- 260/3

duž-dā(y)-? 330/8
 dva- 307/10
 dva- 149/14
 dvadasa- 292/7-326/17
 dvar- 100/3
 dva-hazanrōtəma- 307/21
 drauga-/draoγa- 220/4-
 323/12
 draonah- 323/19
 draxta-(?) 318/20
 drang- 324/7
 drav-, dārav- 299/15
 drājah- 319/10
 driγu- 324/13
 druǰ- 323/3
 druvāspā- 336/16
 drvant- 324/16
 dhānā- 302/12

N

naēma- 290/8
 napta- 282/3
 nava- 11/3-148/2-284/4
 navaiti- 33/11-182/5
 nava-xšapara- 284/1
 nava-pixa- 143/16
 navama- 262/20
 nar 164/11

nasu- 272/21
 nazdyō 272/8
 nāirī- 264/20
 nāfah- 258/14
 nāna- 224/6
 nāna.āγairyat(?) 262/3
 nāman- 201/19
 nāvaya- 257/20
 nəmata- 282/6
 nōit 221/8
 nōit.asti 232/13
 nishidaiti- 276/6
 nižbərəti- 104/9
 nū 218/18
 nmāna- 239/21
 nmāno.paiti 24/5

P

paēman- 141/21-144/15
 paoiryō-tkaēša- 140/3
 paikāra- 120/7
 paity-āpəm 116/6
 paity-āra- 119/11
 pati.dāna- 123/7
 paititi 122/5
 paitifrasa- 116/13
 paiti.raēθwa 142/15
 paitisahva- 124/4

paitiš 142/16
 paitiš-x^var 119/20
 pairi.aojastara- 144/8
 pairīkā 135/16
 paθana- 115/15
 pañča- 10/14-73/18-137/17
 pañčadasa 118/3
 parahaoma- 125/23
 parəna 125/14
 pasa-/pasava- 3/13
 pasuš.haurva- 124/19
 paskāt, pasča 125/5
 pašti- 139/7
 pašman- 123/10
 pād- 118/11-235/1
 pāθra- 118/6
 pərəna- 139/13
 pərəsu- 114/4
 pəšav/pərətu 137/7
 pāitišmuxta- 247/25
 pəsta 139/1
 pixa- 143/16
 pitar- 11/13-17
 piəwā 123/19
 pištra- 41/22-143/5
 puθra- 109/12-138/16
 pūtay- 137/14
 pratuāka-pratyānč- 142/6

F

fraēšta 127/8
 frakərəti- 135/19
 fratəma 127/12
 fra-mairyeite 248/13
 fravarānē 133/7
 fravahr/fravaši 131/1
 frastūyē 132/22
 fraspərəγa- 177/7
 frazainti- 138/7
 frāyah- 126/7
 fšarəma- 200/20

B

baēšaza- 112/5
 baoxtar- 96/7
 baod/baoda 111/2
 бага- 101/9
 bayō.baxta 101/12
 baxədra- 96/10
 baxta- 97/12
 baxš- 98/1
 band 100/19
 bay-112/17
 barəsmān- 103/5
 barəz- 98/9
 barəziš 98/11
 barəšnū-barəšnav- 9

gātu- 297/7
 gāθā- 297/14
 gāθw-/gātav 189/16
 gāman- 300/10
 gānā- 288/5
 gāuš. urvā- 332/9
 grivā- 322/10

Č

čat 161/9
 čaθwar- 40/6-84/12
 čaθwarəsāt 172/2
 čaθrəma 148/5
 čaθrudasa- 156/5
 čaθrušutak 158/1
 čaṇra-ṇhak- 159/15
 čarāiti 159/1
 čašan- 156/15
 čašman- 93/15-158/7
 čāt- 155/5
 čārā- 157/9
 čit/čiš 246/20
 čiθa 152/5
 čiθra- 160/14
 čvant 160/2

J

jainti 163/5

jafra- 168/4

Z

zaēna 170/13
 zaoθra- 168/20
 zafar-zafan- 140/13
 zantu- 169/11
 zantu-patay 169/13
 zayata 164/15
 zaraθuštra- 165/14
 zaraθuštrōtəma- 165/20
 zaranya- 162/12
 zasta- 187/12
 zāvar- 169/5
 zərəd- 225/7
 zəm, zam 167/2
 zim, zima-, zyam 325/10
 zufāy 168/1
 zyānay- 170/8

T

taoxman- 150/19
 taoš- 151/4
 tauruna- 149/8
 taxma- 154/18
 tanū- 152/13
 tanu. parəna- 150/1
 tara- 226/11

tarē-matay 149/5
 taša- 146/6
 tāpayciti 145/9
 tā.wə.urvāta 146/15
 taθra- 146/11
 tiyrā 153/11
 tišarō sata 154/14
 tištrya- 154/8
 tuiya- 156/2
 tūm/tvəm 227/15

θ

θwaxša- 150/14
 θraētaona- 135/9
 θrāyō- 183/2
 θri 10/5
 θritya- 148/15-181/16
 θrisat- 227/21
 θrī-sata- 88/21
 θrišva- 187/2-307/19

D

daēnā- 188/18
 daēva- 196/2
 daošastara-, daošātara- 332/14
 daiṇhu-paiti- 306/5
 daxšta- 299/4-316/4

dadāiti- 293/16
 daḍuah- 193/5
 dantan- 212/8
 darəja-/darga- 182/14
 185/10
 dasa- 292/4
 dašina 316/18
 dahyu-daiṇhu- 242/11
 dāta- 295/3
 dātar- 295/14
 dātō.bara- 296/3
 dāθra- 298/13
 dānō[karša-] 302/12
 dāman- 300/7
 dāšta- 298/17
 dēuš.sravah 331/19
 dastvam 314/6
 dišti- 313/13
 dūra- 335/18
 duḡdar-, duḡadar- 107
 326/13
 duḡdō-vā- 330/1
 duma- 328/8
 du ye saite- 42/16
 duš- 332/17
 dušmanah- 333/17
 dužaka 68/12
 duž-āθra- 336/14

ātar/ātarš 26/19
 ātar/āθr 27/19
 āttāwaxšyā 27/12
 āθravan 32/16
 āp- 12/9
 ā-pāta- 12/20
 āyapta- 84/2
 ā-sna 34/13
 ā-hapc 7/3

I

iθyajah-, iθyejah 314/19
 irixta- 227/1
 irista- 226/16
 ištya- 36/1

U

uxšyat-ərəta- 71/18
 uxšyat-namah 71/14
 utā 256/2
 upairi 253/21
 uruθwasča 36/14
 urvaθa- 331/15
 urvan-229/2
 urvarā- 72/2
 urvāsman- 71/20
 usθ-fritay 66/14
 uzayeirina- 65/6

uš- 66/22
 ušah- 67/3
 uštavaitī 67/12
 uštā ahmāi 67/16
 uštra 325/2

O

ōjyānay- 170/8

K

katāra- 210/18
 katəma- 211/2
 kat. mōi. urvā 211/9-10
 kaufa-/kaofa- 216/9
 [kal]-mərəda- 231/7
 kamna 215/11
 karana- 216/6
 karəta- 209/9
 karəna- 212/17
 karšta- 220/7
 karšyən 212/2
 kasav- 211/16
 kas[čit] 29/17
 kahrkāsa- 214/10
 kāma- 311/2
 kāma- 209/19
 kāraya- 166/9
 kutaka- 216/19

kušaiti 218/6
 khan- 7/11

X

xanya- 8/12
 xara- 46/1
 xumba- 73/7
 xraosya- 44/21
 xratu- 40/17
 xrafstra- 40/10
 xšaθra- 199/11
 xšaθra. vairyā- 199/7
 xšapan-/xšapar 197/13
 xšīra-? 206/8
 xšudra- 203/6
 xšnāvayeiti 202/7
 xšnāsa-, xšnā 202/4
 xšnūmaine- 203/18
 xšmaiby 37/4
 xšvaēwa- 205/2
 xšvaš- 10/21
 xšvašti- 313/6
 xšvaš. māhya- 37/9

X^v

x^va-/hva-hava- 79/10
 x^vaepaiθya- 267/5
 x^vaētumant- 78/7

x^vaētvadaθa 78/12
 x^vaini 59/22
 x^vato 106/13
 x^va-dāta- 62/22
 x^vafta-x^vafsta 62/15
 x^varaiti 70/9
 x^varənah- 127/3-187/2
 x^var-xšaēta- 70/19
 x^vastanām 175/7
 x^vāθra- 59/6
 x^vāpara- 56/12

G

gaēθanām 173/1
 gaēθā- 177/15
 gaona- 338/21
 gaomaēza- 338/8
 gaospeñta- 331/5
 gaoš 46/2
 gaōšāvara- 334/2
 gaiti- 318/20
 gairi- 320/11
 gaya- 301/14
 garab- 319/3
 garəma- 322/7
 garəz- 320/15
 garō. dāmāna- 322/19
 gāuš hudā-

فهرست واژه‌های اوستایی

A

aētavant 87/9
 aēθrapaiti 88/8
 aēm-235/17
 aēva- 82/17-90/12
 aēsma- 35/4
 aēšma- 87/14
 aipī savayat- 17/16
 aiwi gama- 77/20
 aiwizāvāyeiti 17/16
 aiwyāhana- 85/18-86/5
 airya- 60/2
 airyaman- 89/2-4
 aojah- 63/20
 aya- 38/2
 ayrya- 37/18
 aqramainyu- 339/1
 ada 94/17

adairi-25/9
 awra/avra 11/8
 apa+id 24/19
 apaiy-vi-manah- 20/13
 apatəma, apəma 26/2
 apara- 15/2
 apāxədra- 12/14
 apāxtara- 12/14
 a-pərənāyu 22/3
 api-čāra-/api-zāvar
 17/11
 apī/āp 251/9
 apuθra 20/7
 apuθra. tanu- 24/4
 afri-vana- 23/9
 aprō-mainyava- 4/19
 apu-ahu- 6/17

فهرست واژه‌های اوستایی

anaōšaṇh 75/18
 an-ayra- 80/13
 aniya- 94/1
 an-usāvant- 191/4
 angušta- 82/2
 antara- 80/17
 antarə 188/7
 aṇtarevayu 81/4
 amāka- 232/4
 amāvant-/əmavant 49/2
 amərətātāt, -amərətāt-
 53/3
 aməša-spənta- 48/15
 ayaoxšusta-, yaxšusta-
 93/6
 ayaṇh- 7/14
 ayaṇha- 34/18
 ayaṇhaēna- 35/3
 avaoirišta- 76/11
 avastāta- 66/10
 aviškāra- 36/3
 arəjah- 42/2
 arəta-ərəta- 41/5
 arəta frawarta- 41/12
 arətay-ašay 41/7
 arəduš 45/19
 arədvī sūra- 46/9
 arəzūra- 42/20

armaē-štā- 44/14
 arštāt 35/15
 asan- 193/16-313/15
 a-saya- 174/21
 ast- 31/4
 astvat-/astvant 31/1
 aspa- 192/1
 a-spərənah- 66/2
 aspərənā- 342/2
 asman 33/16
 aša-/arəta- 4/5
 aša-maōya 4/11
 aša.vahišta- 37/7-63/9
 ašāvan- 5/5
 ašəmvoḥu 36/19
 aši vaṇuhi 43/5
 ašta- 84/18-152/11
 aštrā- 35/18
 ažišdahākō 18/14
 ah 73/20
 ahunavaitī-gāga 8/10
 ahura- 59/15
 ahū-/aṇhu- 56/9
 ahyā-yāsā 9/11

Ā

ā-gərəfta- 88/18
 āxš 3/9

swd 190/17
swst 191/19

Š

š²dyh 196/12
šb 197/14
šgr 206/6
šhr 199/11
škmb 36/14
šw, šwdan 204/1
šwst 43/21
šyryn 206/10

T

t²ryg 146/12
tr 226/11
tswm 148/6
tw 227/15
twhm 150/20
twhyg 151/7
twxšyst, twxš 150/15
tylyst, tyryst 154/14
tys 250/8

W

w²d 259/13
w²hm²n 257/16
w²n 263/17

w²ng 263/13
w²r 261/15
w²wrydn 259/2
wcydn, wcyd 64/16
wdyr 268/10
wh²ng 258/2
wh²r 257/9
why 198/14
whyšt 261/2
wndyh 36/9
wrdg 279/15
wrđyšn 279/18
wrg 280/17
wrwyšn 90/3
wrz, wrč 280/8
wtr 268/14
wyc²ryšn 269/20
wyn 291/2
wyn²h 282/14
wyr²sy-/wyr²st 289/14
wysbyd 273/18-286/16
wysp 273/14
wyš 287/11
wyš-wyš²y 288/2
wyšwb/wšwb 277/2
wzrg 270/8

X

xrd 40/19
xw²br 56/12
xw²r 59/6
xw²stg 58/4
xw²stn 111/10
xwb 61/18
xwd 106/13
xwd²y 62/22
xwr 69/8
xwrdn 275/13
xwyš/xwybš 79/13-267/6
xyr 157/18
xyšm 87/14
xyz 9/9

Y

yzd²n 294/24

Z

z²yšn 164/16
zm²n 166/11-290/18-325/5
zmyg 167/2-326/9
zn 167/12-288/5
zwr 169/5
zy²n 170/9
zyw 170/19

kmb 215/11
kn³rgwmnd 216/7
kwr 218/11
kwš/kwšt 218/7-277/15
kyrd 265/25

M

m³ 39/17
m³d 53/12
m³h 113/2
m³hyg 237/15
m³n 239/21-252/18
m³nbyd 240/5
m³yg 237/20-278/3
md, mdn
mhystg 241/16
mnyšn 254/19
mrdwhm 69/1-308/4
mrg 246/17
mrzyšn 245/13
my 29/15
my³n 237/10-252/16
myh 243/23
myhr 242/19
mynwg 255/2
myw 254/15
mwrđg 248/14
mwrw 245/20

mzn 238/11

N

n³f 258/15
n³m 201/19
n³zwg 259/6
nb³st 200/2
nbys, nbyšt 267/2
nhwpt 262/12
nmwdn 281/21
nr 164/12
ns³h 272/21
nšst 276/6
nwg 284/4
nwwm 262/21
nxwst, nxwstyn 262/17
ny³bg 257/4
ny³z 257
nyk, nyw 291/6
nyrwg 289/23
nyst 232/13

P

p³dypr³h 116/13
p³dyxš³yy 115/21
p³k 117/8-318/14
p³sb³n 117/2
p³y 269/1

pdyr[lyftn] 122/17
phlwm 114/9
phryz 115/1
phyk³r 120/8
pnz 10/14-73/18-137/17
pr 125/14
prm³n 130/15
prm³y 130/20
prm³yšn 131/3
prng³n 134/9
prtwm 127/12
prw³ng 131/19
prwd 132/10
prwxyh 127/3
pry³d 129/12
pryg 135/16
prz³ft 128/2
przynd 138/7
pswx 124/4
pwsydn 141/11
pws/pwsr 138/16
pwst 139/1
pyd³g 142/7
pydr 11/18
pymwxt 121/4
pyrwz 144/9
pyš 142/17-232/20
pywn 121/18

pywst 121/15

Q

q³m 209/19
qwf 216/9

R

r³dy 222/1
r³st 222/13
r³z 222/5
rm 228/5
rs 300/16
rw³n 229/2
rwšn 231/12
rwy 232/10
rwz/rwc 220/10-336/19
rwzg 230/15

S

s³r 174/8
s³r³r 193/19
s³yg 174/21
sh 10/6-148/15-250/6
shmyn 174/19
spyr 176/20
sr 231/5
sryn 163/1
st³rg 179/2

br³z³g 102/19
 bwdn 106/18-107/9
 bwn 110/2
 bwrđn 108/17-185/20
 bwrz 104/14
 bwxt³r 96/7
 bwxtn 106/6
 bwy 111/3
 bwzyšn 107/20
 by 101/9

Č

č³wn 161/19
 čšmg 158/11
 čyhr 160/15

D

d³ 284/15
 d³dn 293/17
 d³dyst³n 295/19
 d³m 300/7
 d³n³g 301/20
 d³nyst 79/5
 d³nystn 78/16
 d³rwg 299/16
 d³stn 298/20
 d³ywr 296/3

dbyr 309/2
 dh 292/5
 dhybyđ 304/5
 dmyst³n 325/10
 dr 100/4
 drđ 320/8
 drhm 342/3
 drwd 203/9-322/16
 drwnd 324/16
 drwzn 323/14
 dryst 339/10
 dst 187/13
 dšn 316/18
 dw 307/10
 dwdyg 310/14
 dwphykr 329/14
 dwr 335/19
 dwst 331/15
 dwšmyn 333/18
 dwšwx 333/2
 dwxt 326/13
 dydn 31/18
 dyl 225/7
 dyn 188/18
 dynwr 190/6
 dyw 196/2
 dyw³r 190/3

F

fr³y 126/8
 frh 187/22
 frystr 40/10

G

g³h 297/7
 g³m 300/10
 ghwd/ghwdg 277/5
 gngyy 341/17
 gr³n 319/3
 gr³sm³n 322/20
 grd 279/21
 grđn 320/11
 grm³g 322/7
 gryft 265/3
 gryw 322/12
 gryw bwrzyst 104/17
 gwg³yy 335/2
 gwhr 326/19
 gwmyxt 338/3
 gy³g 189/17
 gy³n 301/14
 gyrzng 214/7
 gytyg 177/15
 gyy³n 35/10

H

h³myn 6/13
 hm 46/16
 hm³g 47/10
 hmb³r 60/19
 hmgwng 54/16
 hmwc 52/11
 hmwxtn 52/5
 hmyw 49/8
 hn³m 59/11
 hnzm
 hpt 16/8
 hrwysp 45/5
 hwmbwy 61/15
 hwnsnd 75/14
 hwsrwg 66/19
 hwstyg³n 66/16
 hwšg 67/21
 hy³r 85/6

J

J³mg 301/4
 J³yd³n 304/9
 Jwd 329/19-340/7
 Jwdr, Jwtr 340/21

K

k³m, k³myst 311/2

واژه‌های فارسی میانه ترفانی

د

ᵀdwr 27/20
ᵀᵀgwst 39/11
ᵀᵀstwᵀn 31/11
ᵀᵀwn 82/11
ᵀᵀy 296/13
ᵀᵀz 29/4
ᵀ

ᵀb 12/10-251/10
ᵀbᵀc 223/21
ᵀbᵀg 13/19-230/2
ᵀbᵀmyh 14/9
ᵀbᵀn 14/16
ᵀbᵀryg 15/3
ᵀbᵀyd 15/11
ᵀbdwm 26/3
ᵀbgn 228/7
ᵀbr 21/13-254/1

ᵀbrwc 22/1
ᵀbrwxt 22/1
ᵀbyᵀwš 66/22
ᵀbycg 25/5
ᵀbyspᵀr 19/15
ᵀbystnyy 20/10-24/8
ᵀbzᵀy 18/2
ᵀbzwn 17/20
ᵀfryn 23/10
ᵀgᵀ 38/7
ᵀgr 26/8
ᵀmᵀh 232/5
ᵀmhrᵀspnd 48/20
ᵀmwrz 52/18
ᵀn 46/12
ᵀnᵀgyh 58/17
ᵀndr 80/18

واژه‌های فارسی میانه ترفانی

ᵀndrwn 81/11
ᵀndrxt 88/2
ᵀndrz 81/1
ᵀngwšydg 82/5
ᵀnwh 149/16
ᵀny 94/1
ᵀpr 14/3
ᵀpwrđ 24/10
ᵀpyr 25/12
ᵀrdᵀy 41/7
ᵀrzᵀn 42/9
ᵀst 31/5
ᵀsym 34/10
ᵀškn- 200/8
ᵀšmᵀr-ᵀšmyr 250/3
ᵀšnw 37/14-204/4
ᵀw 281/15
ᵀwmnd 74/14
ᵀwrwᵀhmyy 71/20
ᵀwrwr 72/3
ᵀwrzwg 42/12
ᵀwš 20/17
ᵀwšybᵀm 67/4
ᵀwy 82/18
ᵀwystᵀd 66/10
ᵀwyš 61/6
ᵀwyšᵀn/ᵀwy 281/5
ᵀwyštᵀb

ᵀwzdn 163/16
ᵀwzn/ᵀwzdn 18/9
ᵀyᵀb 91/5
ᵀyᵀd 85/2
ᵀyd 55/11
ᵀyd rᵀy 59/1
ᵀyg 94/16
ᵀywyng 94/11
ᵀz 247/17

C

ᵀsprhmyᵀn 175/16
ᵀspwr 30/17-66/2
ᵀstᵀy 178/9
ᵀstmbg 177/19
ᵀstw 179/15
ᵀyg/ᵀy 292/2
ᵀyn 337/15
ᵀyw 96/3-12
ᵀywyz 90/16
ᵀzwᵀn 65/11

B

bᵀ 105/12
bhr 96/10
bnd 110/20
bnyšn 32/21
brᵀd 102/11

yazēd 312/16
 yazēm 312/2-12
 yazēnd 312/14
 yazišn 311/11-312/10
 yazišn ī ardāy fravard
 311/15
 yazišn ī srōš 311/17
 yaziš ī yazdān 311/20
 yazišn kardan 311/14
 yōždahr 334/8
 yōždahrān 334/12
 yōždahrgar 212/14-334/13
 yōždahrgarīh 334/15
 yōždahrīh 334/17

Z

zād 164/19
 zādag 163/2
 zādan 164/14
 zād hēnd 164/20
 zām-yazad 166/17
 zāyēd 165/6
 zāyēnd 165/5
 zāyišn 165/1
 zāyišnīh 165/3
 zad 241/7-9
 zadārīh 163/4
 zahāg 162/1-4-10

zamān 166/10-290/17-325/4
 zamānīg 166/14-325/8
 zamīg 167/1-326/8
 zamīgēn 167/8
 zamistān 325/9
 zan 167/10-288/4
 zanān 167/14-288/18
 zand 169/8-10
 zandbad 169/12
 zandbadān 169/14
 zandīg 169/15
 zanēd 241/6-10
 zan ī āpustan 288/13
 zan ī daštān 288/16
 zanīh 167/24-288/20
 zan ī zādag 288/15
 zanišn 169/1
 zan XVāstan 111/12-288/11
 zar[r] 162/11
 zartušt 165/10
 zartuštān 165/17
 zartuštōgtum 166/6
 zartuštōtum 165/19
 zartuštōtumān 166/2
 zartuštōtumīh 166/4
 zaspān 163/7
 zēfān(?) 163/8
 zēh 155/8-169/18

zēnafzār 170/11
 zīndagīh 171/3
 zīvād 170/17
 zīvandag 171/2-4
 zīvēh 171/1
 zīvišnīh 170/21
 ziyān 170/7
 ziyānag 170/10
 zōhr 167/15
 zōr 169/4
 zōrmandtar 169/7
 zōt 168/13
 zōtīh 168/22
 zūzag 168/10
 zufr 168/2
 zufrāy 168/9

X

xāk 21/16
 xānag 7/10
 xānīg 8/11
 xānīgān 8/15
 xānīg ī rōšn 8/16
 xāyag 9/12
 xafag/xapag 21/8
 xapagīh 21/10
 xargōš 45/22
 xašm 87/15
 xēm 89/9
 xēšm/ēšm 87/13
 xīr/hēr 157/17
 xišt 36/1
 xōrdād/xurdad 76/12
 xōšag 67/21
 xrad 40/16
 xradgōhr 40/22
 xrafstar 40/9
 xrafstarān 40/13-44/16
 xrafstar ī ābīg 40/14
 xrōs 44/18
 xšvašmāngug 37/8-10
 xūb/xvab 61/17
 xūbīh 62/3
 xūbīhā 62/6
 xūbīh hištan 62/4

xūb kardan 61/21

xūbtar 62/1

xūk 29/11

xūmb 73/6

xušk 68/2

xuškar 68/6

X^v

xvābar/xvāpar 56/11

xvābar ōhrmazd 56/15

xvābēnd 44/4

xvāh 58/6

xvāhēnd 111/14

xvāhišn 58/6

xvāhiš xvāstan 58/9

xvān 59/21

xvānēnd 214/20

xvār 59/5

xvārtar 59/8

xvāstag 58/3

xvāstan 111/8

xvad 106/12

xvadāy 62/21

xvafsēd 44/10

xvafsēnd 44/5

xvaftišn 62/13

xvar 69/7

xvarād 275/17

x^vard 275/18

xvardag 69/18-20

x^vard bavēd 275/19

xwardan 275/12

xvardīg 70/1

xvardīg kardag 70/3

x^varē 275/16x^varēd 275/21x^varg 69/16x^varišn 70/8-214/18-276/1x^varišn andāzag 70/12x^varišnīg 70/14x^varšēd 70/16x^varšēdar 71/15x^varšēdar mäh 71/8x^varšēd nigīršn 71/6-278/9x^varšēd yašt 71/3x^varšēd yaštan 71/4x^vast 66/4-308/17x^vaš 101/2x^vaštar 101/4x^vēdōgdah 78/8x^vēdōgdat 78/14x^vēš 79/9-267/4x^vēšīh 267/12x^vēškār 79/22x^vēškārīh 80/2-6x^vēškārīhā 80/4x^vēs šāhgah 79/15x^vēštan 267/13x^vēštar 79/16x^vet[ul]man 78/5

Y

yākand 299/9

yān 303/2

yānān 302/2

yār/jār 302/16

yāt 295/10

yāzdah 308/16

yāzdahum 294/20

yak/ēvak 91/18-317

yasn 315/3

yašt 312/8-315/12

yaštārān 316/1

yaštan 316/15

yašt ī kēh 315/17

yašt ī nāvar 315/2

yašt ī virāstag 28

yašt jāmag 316/13

yatā 309/14

yatāhū vairyōg 30

yatāiš 309/16

yazad 293/9-294/22

yazdān 293/9-295/2

yazdān ayyārīh 293

varōmand 279/6	vēnāg 291/1
varōmandīh 279/10	vēnēd 32/5-291/16
varōmand kardan 279/8	vēnēm 32/1
varm 280/18	vēnīhēd 32/3
varm kardan 281/2	vēnišn 291/12
vars 280/13	vēš 286/1-287/10
var ud gōmēz 278/17	vēšag 287/18
varz 209/2-280/3	vēšist 287/21
varzāvandtar 28/5	vēzišn 272/17
varzēd 280/12	vīdadafš 16/16
varzīd 280/11	vīr 288/21
varzišnīh 280/10	vīrāst 289/13
vas 210/12	vīrāstag 289/5
vašnēn 276/16	vīrāstan 289/10-18
vašt 275/5	vīrāst ēstēd 289/16
vaštan 276/3	vīrāyēnd 289/20
vaxš[ēd] 260/18	vīst 221/5
vazay 272/6	vīst ud dō 221/10
vēh 198/12-285/23	vīst ud panj 221/11
vēhān 198/17	vīstum 287/8
vēhdahišnān 286/7	vičēr 271/5
vēh dēn 286/8	vidardag 268/17
vēh dēnān 286/9	vidardagān 268/19
vēhdēnīh 286/10	vidast 268/4
vēhīg 199/1	vidaštān 268/8
vēhīh 198/20	vidāxtag 267/20
vēhtar 198/19	vidīrān 269/7
vēn 290/16	vidīrēd 269/9

vināh 282/13	višayēd 201/10
vināhīdan 283/12	višēd 288/1
vināh kār 283/6	višhvar 287/13
vināh kārān 283/8	viškar 276/10
vināh kārīh 283/10	višōbēd 277/1
vinah kārtar 283/9	visōbēnd 280/5
vinahtar 283/3	Vištāsp 275/9
vināhtārīh 283/1	višūdagān 277/4
vināhtan 283/5	vizārd 129/14-269/11
vināh vizārdan 282/19	vizārdan 129/19-269/1
vināh vizārišn 282/20	vizārd bavēd 269/15
vindād 284/16	vizārd ēstēd 129/15
vindād kāmāg 284/17	vizārē(h) 270/1
vindēh 36/6	vizārēd 270/3
Vind Ōhrmazd 284/18	vizārišn 269/18
virravēd 89/21	vizīdār 270/16
vis 286/15	vizīdārtar 270/17
visbad 273/16	vizīnēnd 271/10
visbedān 286/18	vizīnišnīh 271/8
visp 273/12	vīāy 279/11
vispān 273/15	vrāy ī siyāh 279/13
visprađ 287/1	vuhuman murvag 263/5
vissadēn 274/4	vuhunzag 263/9
vistard 273/20	vuhuxšatr 262/5
vistard ēstēd 273/23	vuhuxšatr-gāh 262/8
vistarg 273/24	vuzurg 225/2-270/6
višādagīh 275/3	vuzurgān 225/5
višād dvārišnīh 274/19	vuzurg vizīnišnīh 27

U

casum 148/4	ud 256/1
cavān 151/11	ul 222/20
cavāngarīh 152/2	ul gōvišn 223/5
cavāngartar 152/1	ul kašīdan 212/4-222/22
taxt 145/12	ul mađ 223/3
tēx 153/9	ul šavēd 223/2
tēz 153/15	u-m 23/16
tēztar 153/16	u-mān 23/17
tīr 154/11	urvāhm 71/19
tis/čiš 250/7	urvar 72/1
tištār 154/2	urvarān 72/6
tō 227/14	u-š 20/16-195/3
tōb 152/3	u-šān 20/19
tōg 152/7	ušmār 68/11
tōxm 150/18	ušmurēnd 68/14-250/2
tōxmag 151/1	ušmurišnīh 68/15
tōzišn 152/4-150/5	uštavad gāh 67/10-19
trāzōg 148/11	uštavat 67/13
trīsat 154/13	uštur 325/1
tuhīg 147/1-151/3-10-153/8	uštur pašm 325/3
tuhīgīh 151/9	ustād 66/9
tuxšāg 150/7	usōfrīd/ustōfrīd 66/12-68/16
tuxšāg mard 150/10	uzdēhīgīh 64/5
tuxšāg tar 150/9	uzēnag 64/21
tuxšēd 150/11	uzērin 65/5
tuxšīdan 150/13	uzērin gāh 65/8
tuxt 150/4	

uzvān/huzvān 65/9

V

vād 259/12	vačadast drahñay 271/
vād ī ardāy 259/18	vačag/vaččag 270/5
vādrang 259/19	vad 186/15
vāj/vāz 258/8	vadtar 186/16-268/13
vāk 261/11	vadtarān 186/17-268/
vānīdār 263/16	vadtarīh 186/19
vāng 263/12	vadtum 268/1
vāng kardan 263/14	vahān 258/1
vārān 261/13	vahār 257/7
vārēd 261/18	vahišt 260/21
vāsag 260/11	vahišt ī bāmīg 261/6
vāstr 260/5	vahištōišt 261/8-264/
vāstravaxšān 260/7	vahištōištī- 264/14
vāstryōš 260/9	vahmān 257/15
vāvarīg 258/21	vahrām 257/10
vāvarīgān 259/4	vanand 284/10
vāy 263/19	vanand star 284/15
vāy ī vēh 263/23	vandīdād 285/8
vāy yazad 264/6	var 225/10-278/15-17
vāžag 258/12	20
vāzišt 260/1	var[r]ag 280/16
va[d]tar dād 268/20	vardagīh 279/14
vahīg 264/15	vardēd 279/20
vi[r]āt(?) 289/1	vardēnēd 280/1
vačadast 270/19	vardēnīdan 280/2
	vardīšn 279/17
	varg 281/12
	var ī garm 278/21

sūlāk/sūrāk 192/15	šarm 200/19
suft 190/12	šarmgāh? 200/21
suš 192/5	šast 313/5
sust 191/18	šast ud šaš 313/8
susttar 191/20	šaš 10/18-199/2
Š	šavād 272/2
š- 195/1	šavēd 271/21
šadarvān 196/9	šavēm 271/19
šādīh 196/11	šavēnd 203/20-272/3
šāgird 200/15	šavišn 272/4
šāh gāh 195/15	šēbāg 205/1
šām 196/15	šēr/šagr 206/5
-šān 196/17	šērēn 201/12
šānzdah 304/17	šīr 206/7
šāyast 197/7	šīrēn 206/10
šāyēd 196/19	šīrēnīh 206/11
šāyēd kardan 197/2	škāft 200/11
šab 197/12-235/6	škāfttum 200/15
šabag 197/18-20	škanēd 147/7
šabāgpar 203/13	škast 147/4-9-200/6
šabān 197/17	-šn 201/22-303/11
šabyār 198/1	šnās 202/3
sabīg 198/6	šnavē 204/3
šabīgīh 198/10	šnāyēnēd 202/8
šahr 199/10	šnāyēnēnd 202/12
šahrēvar 199/5	šnāyēnīdan 202/10
šahristān 199/15	šnāyēnišn 202/6
	šnōšag 203/14

šnōšag ārāyēd 40/4	tāšišn 146/5
šnūman 203/15	tāštīg 146/1
šōy 204/6-7	tā-tān 284/18
šōyēd 204/18	tāvān 145/7
šōyēm 204/19	tāvart 146/15
šōyēd 43/12	tāvart hāt 146/18
šōyēnd 43/16-45/13	tāy 146/20
šōyišn 43/14-204/9	tāzānag 145/3
šōzag 202/13	tabāh 147/13
šud 271/16	tadag 147/17
šudan 271/14	tagīg 154/17
šud be nihādag 57/26	tagīgtar 154/20
šud hēnd 271/17	tan 152/12
šusr 203/5	tanāpuhr 149/18
šust 43/20-202/17	tandrustiḥ 153/2
šustan 43/9-18-203/1	tanīhā 153/1
T	tan masāy 152/18
t 145/1	tan pasēn 125/8
tā 285/14	tan tōxm 152/17
tābišnīg 145/8	tapišn 153/17
tābišnīgtar 145/11	-tar 148/9-226/9
tāg 146/8	taranag 149/6
tā mān 285/21	tarmēnišnīh 149/3
tārik 146/10	tarsāg 148/18
tārikīh 146/14	tarsāgāh 149/1
tā-š 195/13-285/19	tarsāgāhīhā 148/20
tā-šān 285/20	tarsgāy 149/1
	tarun 149/10

rūd ēstēd 229/20

S

sāl 202/14

sālag 174/6-202/16

sāligān 174/11

sār 174/4

sārīgar 174/13

sāstār 174/1

Sāxt 172/8

sāxtag 172/11-173/10

sāxt ēstēd 172/10

sāyag 174/20

sāzišnīg 173/18

sāzum 173/21

sadvēs 181/4

sag 212/18

sag dīd 212/21-213/5

sag nimāyišn 213/10

sag nimūdan 213/12

sahēh 250/4

sahmgēn/sahmgōn 174/17

sakātūm 182/6

samād 187/7

sang 193/15-313/14

sar 182/10-230/18

sar ā sar 231/3

sar brīdan 230/20

sar burrend 230/21

sardag 183/9

sardagān 183/12

sardārān 193/18

sargōn 187/3

sargōn ādūristar 187/5

sarīh? 30/11

sarmāg 184/1

savah 16/15

saxt 173/6

saxttar 173/9

sazēd 182/1

sēb 313/18

sēj 314/18

sēnīg 194/2

sēnīzag(?) 274/13

sērīh 314/21

sēzad 88/20

sīh 227/20

sīzdah 304/11

si 10/3-148/13-172/4

sidīgar 181/15

sidōš 180/10

sidōš rōzagīhā 18/12

si ēvak 10/8

sigānag 10/9-172/5

siyā(h) 172/6

si yak-ē 10/10

snēh 189/9

sōšyans 192/7-13

sōzēd 191/15

srišūdag 307/18-187/1

spand 176/7

spandarmad 176/16-181/21

spandmad 176/9

spandmad gāh 176/14

span[n]āg 175/17

spannāg mēnōg 175/19

sparm 175/15

spās 175/3

spēg 177/6

spīhr 176/19

spitāmān 177/1

spitāmān zartušt

177/4

spōzēd 175/21

spurz 176/3

srašg 183/19

srāyišn 183/2

srīt 186/20

srōš 184/8

srōš ahrav 184/15

srōščarnām 184/21

srōšōčarnām 185/4

srubēn 183/7-184/6

srūd 184/17

srūdan 184/19

srūv 185/12

-stān 178/4

stānēnd 332/2

stāyād 178/6

stāyīdār 177/17

stāyišn 178/12

stabray/stavrak 178

stad 332/1

stadan 331/22

stahmag 178/2

stahmb 178/1

stahmbag 177/18

stahmbagān 177/21

stanēh 332/6

stanišn 332/4

star 179/1

stav/stōv 179/12

stēr 178/17-181/19

stōtān yasn 179/20

stōtgar 180/5

stōr 180/17

stōr ī gōšn 180/19

stūr 180/20

sūd 190/16

sūdag 190/19

sūdagiḥ 191/15

sūdan 191/7

pēstar 232/22
 pēš ud pas 143/2
 pētrēt 142/14
 pēxak 143/6
 pēxak šnās 143/18
 pid 11/12
 pidar 11/16
 pihan/pihn 123/18
 pōlāpdēn 139/16
 pōryōtkēš 140/1
 pōryōtkēšan 140/7
 pōryōtkēših 140/10
 pōst 138/20
 pōstēn 139/3
 pōzag 138/1
 prastišn 128/4
 prastūg 128/9
 pūdag 137/13
 puhl 137/6
 puhl ī ravān 137/10
 pur 139/12
 purgyāndādīha 139/20
 purih 139/19
 pursid 141/10
 pursidār 141/14
 pursišn 141/15
 pus 109/11-138/15
 pusarān 109/15

pusarih 109/17
 pusih 138/19
 pušt 139/5-10
 puxtag 137/4

R

rād 221/12
 rādih 222/3
 rādtar 222/2
 rāh 222/9
 rām 223/7
 rāmišn 223/14
 rāmišnigtar 223/19
 rām xVābar xVadāy 223/9
 rān 224/5
 rānēnēnd 224/7
 rāst 222/12
 rāst gōvišnih 222/16-328/5
 rāst grav 222/17
 rāst guftār 329/11
 rāstih 222/19
 rāsttar 222/18
 rātuštāitih 226/6
 rāy 224/11
 rāyēnēd 224/23
 rāyēnīdan 225/1
 rāz 222/4

rad 226/2	rēmanih 235/13
radān 226/4	rēš 234/12
radih 226/5	rēšag 234/18
raftār 225/12	rēštagih 234/16
ramag 228/4	rēxtan 233/1
rapitvin 225/16	rēzēd 233/14
ras 300/15	rēzēnd 233/16
rasad 300/19	rēzihēd 233/10
rasan 227/3	rēzišn 233/12
rasēd 234/3	riftag(?) 226/19
rasēnd 300/18	rist 226/15-234/2
rasīdan 234/8-300/17	rōbāh 229/9
rašišnih 234/9	rōd 229/12
rašn 227/5	rōkunig/rōknig(?) 231/
rašn-aštād 227/10	rō n 239/1
rastagān 226/17	rōnǰ 232/7
ravāg 228/16	Rōšan/rōšn 231/8
ravāg kunēh 228/18	rōšn/rōšan 231/11
ravāgtar 228/19	rōšnig 231/18
ravān 229/1	rōšnih 231/14
ravānig 229/6	rōstāg 230/16
ravēd 173/16	rōy 62/18-232/9
ravēnd 173/12-225/19	rōz 230/8-336/17
ravišn 229/7	rōzag 230/12
razmīgān 226/12	rōzagihā 230/14
rēčār 233/5	rōz šabān 230/11-337/1
rēdag 233/19	rōzgār 230/13
rēman 235/10	rūd/rūt 229/17

pārag 117/16-17	pahikārēd 120/9
pāsbān 117/1	pahikārišn 120/6
pāsbāntar 117/4	pahlūg 114/3
pāy 118/10-13-234/20	pahlum ax ^v 114/11
pāyād 268/21	pahlum čiš 114/14
pāyag 118/16-8-119/1	pahnāy 115/14-117/19
pāyagīhā 119/5	pahrēz 114/15
pāyēm 269/5	pahrēzēnd 115/12
pāyēnd 269/6	pahrēzihā 115/10
pāyišn 269/2	pahrēzišn 115/8
pāy mēzišnīh 235/4	pahrēz kunēd 115/4
pāzūn 137/1	pahrēz ōmand 115/6
pa → pad 114/1	palum 114/7
pad 119/7-140/17	pambagēn 136/2
padām 123/5	panīr 141/20
padīr 244/10	panj 10/11-73/16-137/16
padīrag 122/15	panjag 137/21
padīrēd 244/17	panj ēvak 137/20
padīrēh 244/19	panjum 138/4
padīrēnd 244/14	panzūdag 138/2
padīrift 244/12	parāhōm 125/19
padīriftan 244/7	parand 134/1
padīrišn 244/21	pardāzād 134/11
pad-iš 119/16-195/16	pardāzēd 134/15-21
padišxvar 119/18	pardāzēnd 135/4
padix ^v īh 120/4	parēnag 135/20
pad/payvāšag 121/12	parīgān 135/15
padsār 119/13	parnīgān 134/8

par[r] 125/13	paykōft/pahikōft 120
par[r]akān/pal[l]akān 129/21	paymān 120/16-121/2
parvānag 131/18	paymōxt 121/4
parvand 134/2	paymōxt ēstēd 121/7
parvarēnd 133/19	paymōzan 121/9
pas 3/11-20	payvand 121/17
pasax ^v 124/3	payvandān 121/19
pasēn 125/4	payvandīd 122/1
pas-iz 3/18-4/1	payvandīd ēstēd 122/1
pasuš-hvar 124/18	payvast 121/14
pašanjišn 123/15	payvast ēstēd 121/16
pašēmānīh 123/20	pazāmišn 123/1
pašm 123/9	pazāvišn 122/18
pašmēn 123/13	pazēd 123/3
pašm ī ēvkardag 123/12	pēčīd 142/2
patēt 122/4	pēčīd ēstēd 142/3
patētīgīh 122/9	pēm 144/14
patētīgīh padīr 244/11	pēm ī gāw 144/16
patētīgīh padīr 122/11	pērōz 144/7
patētīh 122/7	pērōzgar 144/11-212/1
patiyārag 120/2	pērōzgartar 144/12
patūgīh 16/22	pērōzgartum 144/13
patyārag 119/10	pēš 142/16-232/15
paydāg/pēdāg 142/5	pēšag 143/4
paydāgēnīd 142/11	pēš dārēd 307/5
paydāgīhēd 142/10	pēšēnkār 143/21
paykōfēd/pahikōfēd 120/14	pēšōtan 143/23
	pēšrasēd 142/21

nēm 290/7	nihādan 57/3
nēmag 290/13	nihād ēstēd 57/6
nēmasp 290/12	nihātum 256/10
nēm pāy 290/10	nihēd 57/15
nē nihišn 57/10	nihēnd 57/22
nērōg 289/22	nihišn 57/8
Nēryōsang 290/5	nihufēnd 286/3
Nēryōšang 290/4	nihuft 262/10
nēst 232/12	nihuftag 262/15
nēvak 291/5	nimāyišn 281/20-282/1
nēvakīh 291/11	nimūd 282/8
nēvdiltar 291/17	nimūdan 282/11
nēzag 286/12	nimūd ēstēd 282/9
nīrang 290/2	nišān 287/16
nibayēd 199/21	nišast 276/4-310/4
nibēsēm 164/8	nišast ēstēd 310/7
nibēsum 164/5	nišīnān 310/1
nibišt 266/21	nišīnēd 310/11
nigān 277/7	nišīnišn 310/9
nigānīh 277/11	nivēdēnišn(?) 285/5
nigān kirbag 277/10	niyābag 257/3
nigīrišn 278/5	niyāyišn 258/6
nigīrišn mānāg 278/7	niyāz 256/15-257/6
nigīrišntar 278/10	niyōgšēnd 291/10
nigīrišnīg 278/12	niyōgšīšn 291/9
nigīrišnīgtar 278/14	niyōšīdār 291/14
nihād 57/5	niyōšīdārtar 291/15
nihādag 57/24-256/4	nizār 271/11

nizēd(?) 270/13
 nōg 284/3
 nōgnāvar 284/6
 nuh 11/2
 nuhum 262/10
 nūn 218/17
 nūzdah 304/19
 nivīt-zādīh 284/21

ō

ō 56/4-75/7-207/1-281/14
 ō abāyēd 15/16
 ōbastan 267/14
 ōbastan 267/18
 ō bavēd 281/18
 ōbaxt 60/11
 ōbun 207/5-281/17
 ōftēd 62/8
 ōgōn/āngōn 82/9
 ōhrmazd 59/14
 ōhrmazd dād 59/19
 ōhrmazd xʷadāy 59/17
 -ōmand 74/13
 ōmēd 74/17
 ō nihišn 57/13
 ōrōn 72/7
 ōspūrig 66/1
 ōstīgānīhā 66/15

ōy 281/5
 ōy-iz 207/8
 ōyrišt/ōvrišt 76/8
 ōz 63/19
 ōzadan 163/15
 ōzan 164/3
 ōzanēd 164/1
 ōzanēnd 164/4
 ōzanīhēd 18/6

P

pādafrāh 116/12
 pādixšā 115/17-116/6
 201/6
 pādixšāyīh 115/20
 pādrōz 116/16
 pādyāb 116/4
 pādyāb dān 116/10
 pādyābīh 116/8
 pāk 117/6-318/13
 pākān 117/10
 pākīh 117/14-318/1
 pāktar 117/12
 pānag 118/5
 pānagīh 117/8
 pānzdah 118/2-304/
 pānzdah sālag 118/
 pānzdahum 304/16

mahmānīh 239/14	mazdist 241/17
Mahraspand/Māraspand 240/8	mazdistān 241/20
maḡōg 254/11	mazg 243/18
man 221/1	Mēdōgmāh 253/1
mang 248/2	mēhan 252/17
man-iz 233/4	mēnišn 254/17
manūyščīhr 240/20	mēnišnīg 254/24
ma ōzan 39/21	mēnišnīhā 254/22
mar 244/23	mēnōg 255/1
mard 308/2	mēnōgān 255/9
mardān 308/12	mēnōg ī āb 255/7
mard bālāy 308/6	mēnōgihā 255/10
Mard būd 245/2	mēš 253/14
mard ī ahrav 308/9	mēs mēš(?) 253/13
mard ī druvand 308/11	mēvag 254/14
mardōm 68/19-245/4	mēxag(?) 252/2
mardōmān 69/3-245/7	mēzēd 253/7
margarzān 246/1-8	mēzēnd 257/9
margarzānān 246/6	mēzišnīh 253/3
margarzānīg 246/13	mīrēd 326/4
margarzān vināh 246/11	mīrišn 326/2
margīh 246/15	mih 243/21
marzēd 245/10	mihān 244/3
masāy/masāg 244/4	mihr 242/18-23
maxš 238/16	mihrāndrōz 243/9
maxš par 125/18-238/19	mihrāndrōzih 243/10
may 29/14	mihtar 244/6
	miyān 237/7-252/13

miyānag 237/12	nāxun 258/3
mizag 253/6	nāyriḡ 264/19
mōg 248/1	nāyriḡ zan 264/24
mōr 248/4	nāzūkīh 259/6
mōr āšyānag 248/8	namad 282/5
mōrčag 248/10	namak 282/7
mōristān 248/18	namb 282/2
mōy 249/22-24	nar 164/10
mōyēn 250/22	Narsēh Burzmihr 283
mōyīh 250/21	nasāy/nasā 272/20
mōzag 247/24	nasāy nigānīh 273/5
murdag 248/11	277/12
murdagān 248/15	nasāy x ^v ardan 273/7
murdag pus 248/16	nask 274/8
murv 248/20	naskdād 286/13
murvag 245/19-249/1	nasrōšt 244/15
murvag-iz 249/2	nasuš 274/16
murvārit 245/15	navad 33/11-182/4-3
myazd 238/13-251/24-253/10	nawšābar(?) 283/17
N	naxčīr 259/8
nām 201/18	naxčīrih 259/11
nāmčišt 261/19	naxēziḡ 264/7
nāmčištīg 261/24	nax ^v ist 262/16
nāmgiānīh 262/2	nazd 272/8
nān 223/11	nazdīk 272/13
nāvar 258/16	nazdīk šud 272/15
nāvtāg 257/18	nazdīktar 272/14
	nē 221/7

kanēd 22/11-14-16	kē-šān 249/18
kanēnd 22/11-14	kē-t 249/13
kapīg 210/15	kih 211/15
karčang 214/6	kihān 211/17
kard 217/4-265/23	kihīst 219/17
kardārtar 213/18	kim 220/8
kardag 213/19-22-217/1-2	kimist 220/9
kardag kardag 213/24	kirfag 216/11
kardan 217/16	kirfag handōzīh 81/19-216/14
kard bavēd 266/2	kirfagīh 216/17
kard ēstēd 266/3	kirfag kardan 216/16
kark 214/8	kirfag kunišnīh 216/15
karkis/karkas 214/9	kištan 220/6
kas 29/17	kōdak 216/18
kasān 30/1	kōf 216/8
kas-iz 30/3	kōr 218/10
ka-š 50/8-195/5	kōxšīšn 216/3
ka-šān 50/10	kr[r] 212/16
kašīdan 212/1	kūn 218/21
kaštīg 211/18	kūn marz 219/12
katmōrvak 211/9	ku 87/16
Kay Ādūr Bōzēd 219/15	kulāfag 218/13
kayān 219/19	kulčag 214/2
kayān xVarrah 220/1	ku-m 87/20-236/2
kay/kaǰ 211/13	ku-mān 87/21
kē 249/3	kunēd 266/12
kē-rāy 249/20	kunēh 219/10-266/17
kē-š 195/12-249/15	

kunēm 266/5	māhmān 237/1
kunēnd 219/14-266/9	māhmāntar 237/5
kunīhēd 266/6	māhraspand 240/17
kunišn 219/1-266/7	māh yašt 236/10
kunišnān 219/7	mālišn 239/11
kunišnīh 219/9	-mān 230/16-20
kust 217/19	mānād 211/4
kustag 217/22	mānbad 240/4
kustīg 218/1	mānbadān 240/7
ku-š 87/17-195/6	māndag 241/3
kušād 218/4	māndag garzīdan 241/3
ku-šān 87/18	mānēd 211/7
kušt 218/5-277/14	mānēnd 211/6
kuštār 218/9	mān ī ātašān 240/2
kuštan 277/17	mānsr 240/11
	mānsraspand 240/15
M	mānsr pursīdār 240/15
-m 236/1	mār 239/4
mād 47/5	mārīg 239/13
mādag 278/2-237/19	mār ī šēbāg 239/9
mādagvar 238/3	māzan 238/8
mādar 53/11-238/6	māzanān dēvān 238/9
mādarān 53/15-238/7	ma 39/16
mādiyānag 237/16	mad 242/1-296/14
mā ē nihēnd 57/23	madan 241/2
māh 113/1-236/5	mad ēstēd 242/3
māhgān 236/11	mad hēnd 296/16
māhīg 237/14	mahist 241/15

hilišn 206/1	husānēd 65/14
hišt 205/18	huspāram 65/18
hištan 205/8	husravih 66/18
hištan abāyēd 205/14	huš/uš-bām 67/2
hixr 84/7	hu-xēmē 60/6-89/12
hōm 72/9	hūxt 56/22
hōmāst 72/16	hu-zahāg 65/1
hōm-drōn 74/24	hu-zahāgtar 65/3-162/9
hōš 66/21	hvaršt 76/5
hōy 76/19	
hu-55/5	I
hu-āfrīn-tar 56/17	i 170/1
hu-bōy 61/10	-ih 292/9
hu-bōyišn 61/14	-ihā 292/12
hu-bōytar 61/13	im 170/4
hu-čihhr 64/1-20	im dēn 170/6
hu-čihrtar 64/4	iš 170/2
hu-dāg 77/10	im-235/16
hu-dānāgān 80/7	imrōz 235/19
hu-kunišn 69/5	-ist 313/19
humānāg 72/21	
hu-mat 73/9	J
hu-matanām 73/12	jādūgān 296/9
humāy 73/3	Jāmāsp 300/13
hu-mēnišn 75/2	jāmag ⁽¹⁾ 301/3
hunar 76/2	jāmag ⁽²⁾ 301/6
hunsandih 75/12	jān/gyān 35/10-83/18-
hu-rastagiāhtar 70/6	301/13

jāvēdān 304/8	kāhēd 208/1
jagar 317/6	kāhišn 208/5
jahūd/yahūd 302/4	kām 209/18
jast 314/1	kāmād 209/21
javišn 341/15	kāmag 210/3
jiv 188/23	kām akāmāy 39/1
jōrdāg 335/20-336/4	kāmēd 210/5 311/6
jōrdāg kištan 336/3	kāmēm 310/20
jūd 329/20	kāmēm kardan 311/4
jūdan 330/3	kāmist 210/8
jūyēd 331/17	kāmistan 311/1
jud 329/17-340/5	kār 208/13
judāg 340/14	kārd 209/8
judāg kardan 340/16	kārēnd 166/8
jud dādistan 341/10	kārih 209/13
jud dādistanih 341/12	kārzār 209/14
jud dēv dād 285/9-341/3	kārzārīg 209/17
jud dēp dād 341/13	kāskēnag 208/9
jud jud 340/12	ka/kad 50/3
jud kardag 340/18	kadām 211/1
jud rastagān 341/1	kadār 210/17
judtar 340/20	kahrubāy 209/7
jumbēnēd 337/11	ka-iz 50/12
jumbēnēnd 337/10	ka-iz-iš 50/15
	kalēndēnd(?) 215/3
K	kam 215/10
kāfēnd 208/6	kamist 215/15
kāh 147/12	kanār 216/5

gugān 335/7	hāt 2/5
gugārd 335/5	hāvandīh 8/4
gugārd ēstēd 335/6	hāvand/hāvind 7/21
gumān 337/6	hāvišt 7/7
gumānīg 337/8	hāvištān 7/9
gumārēnd 337/3	haft 16/7-84/14-197/9
gumāšt 337/4	haftād ud sē(h) 315/8
gumbad 337/9	haft amšāspand 16/11
gumēxt 338/1	haft kišvar 16/13
gumēzag dād 338/15	haftōyrang 17/3
gumēzišnīh 338/18	hagirz 39/5
gund 339/15	ham/hām 5/20
gung 339/16	ham 46/14
gurdag 336/6	hamāg 47/9
gursag 336/8	hamāg dēn 47/18
gursnag 336/8	hamāg hannām 47/16
Gušasp 333/13	hamāvandīh/amā.... 49/1
gušn 334/4	hambudīgān 49/16
gušnīh 334/7	hām-bun-iz 6/4-49/22
gyāg 189/15	ham-čōn 50/17

H

h 73/20	hamdādistān 53/7
hād 74/9	hamē 47/4-49/7-10
hāduxt 2/13	hamē kahēd 49/14
hāduxtīg 2/19	hemē afzāyēd 49/13
hāmīn 6/12	hamēmāl 54/3
hāsar/hāsr 3/3	hamēmālān 54/9
	hamēstagān 53/20
	hamēstārīh 53/16

hamēšag 54/1	har bār 98/6
ham-giyāg 54/20	har ēvak 92/2
ham-gōnag 54/15	harvēn 45/15
ham-gumēzišnīh 54/13	harvisp 45/2
ham-kār 51/10	harvisp āgāh 45/7
ham-karzag 51/11	harvist 45/10
ham-karzagīh 51/13	hast 74/3
hammis 210/11	hašt 84/17-152/9
hamōgēn/hamōyēn 90/6	havāsēnd 60/16
ham-pursagīh 50/1	havāsīdag 60/15
ham-rēt 51/17	havāsišn 60/14
ham-zamān 54/11	haxt 2/10
ham-zōrīh 50/20	haxt i dašn 2/12
ham-zōrīhā 51/1	hayyār/hayār 85/4
handām 77/16	hayyārīh 85/11
handarg guftan 81/2	hayyārōmandīh 85/9
handarz/handarg 80/19	hē 74/2-83/10
handāxt 77/7	hēc/ēč 86/9
handāz 77/12	hēc kē 86/13
handāzag 77/15	hēd 74/6
handāzišn 77/13	hēm 73/21-74/4
handōzīh 81/17	hēnd 74/8-76/21
hangām 77/19	hēt 86/14
hangām-ē 78/2	hēxt 64/11
hanjaman 63/14	hil 205/16
hanjēd 64/10	hilēd 205/20
han(n)ām 59/10	hilēnd 205/22
har 215/18	hilīd 205/21

fravahr 131/8	gāhānīg 298/11
fravarānē 133/2	gām 300/9
fravardīgān 133/8-141/16	gān 302/20
fravardīn 133/14	gānag 210/9
fravastag 132/20	gāušdā 302/8
fravaš 133/1	gač 310/18
frayādār 129/9	gačēn 312/6
frazand 138/6-142/1	gač kard 311/23
frazand ī cīkar 138/10	gandagīh 341/16
frazandīh 109/17	ganj 330/5
frazand zāyišnīh 138/13	ganjēnag 331/1
Frēdōn 135/6	gan[n]āg mēnōg 338/22
frēg 135/11	gar 318/19
frēh/frāy 129/5	-gar/kar 212/10
frēzvānīg 134/13	gardan 320/10
frōd 132/8	gardan band 320/13
frōd barēd 132/17	garm 322/6
frōd kasīdan 132/15	garōdmānīgīh 323/1
frōd vardēd 132/19	garzag 320/17
frōd x ^v afsēnd 44/8	garzēd 321/1

G

gāh ⁽¹⁾ 297/4	garzīdan 321/2
gāh ⁽²⁾ 297/6	garzišn 320/14
gāh ⁽³⁾ 297/10	gašnag-zīvišnīh 316/20
gāhān 297/19	gavārag 326/22
gāhānbār 298/1	gazdum 312/19
gāhān bun 297/21	gazišn 311/8
	gēhān 172/12
	gētē 181/13

gētī[g] 177/14	gōšt ī brištāg 103/2
gētōfrīd 179/18	gōšurvan 333/7
gētōg xriđ 180/8	gōšurvan amahraspand
gētō xriđ 179/7	gōšvār 334/1
gīrād 182/16-265/5	gōv 325/12
gīrānd 182/20	gōvēd 325/19
gīrēd 265/17	gōvēm 325/15
gīrēm 265/13	gōvēnd 326/1
gīrišn 265/15	gōvišn 325/16-328/1
gilēn 324/10	gōvišnān 328/4
gōgird sūdan 191/8-335/9	gōvišnīh 328/5
Gōgušasp 342/5	gōvizār 339/5
gōharīdan 327/2	gōz 330/4
gōhr 326/18	grāgtar 320/2
gōhrīg 327/4	grān 319/2
gōmēz 338/6	grānīh 319/15
gōmēz āb 338/11	grāntar 319/14
gōmēzag 338/14	grān vināhtar 319/7
gōn 338/20	grīvag 324/11
gōnag 339/13	grift 265/7
gōspand 331/4	griftan 265/1
gōspandān 331/8	grih 321/12
gōspand ī gōšn 331/12	grōdmān 322/18
gōspand ī hudāg 331/11	grōv, grav 322/9
gōspand sardagān 331/9	guft 328/21
gōš 332/8	guftār 329/10
gōšōdāg 304/4	guftan 329/15
gōšt 100/21-333/11	gugāhīh 335/1

dvārēd 307/15-327/20	ē rāy 224/20
dvārist 308/13-327/21	ērbad 88/5
dvārišnīh 327/18	ērbadān 88/9
dvāzdah 292/7-326/16	ērbadistān 88/14
Ē	ērbad-zād 88/10
ē 55/17-82/16-83/1-96/1	ērmān 89/1
ē → hē 9/19	ērmānīh 89/3
ēd 9/17-55/9-56/1-83/6	ērvārag 89/6
ēd-iz 55/13	ē sad 321/3
ēdōn 87/8	ē sad hazār 321/7
ēdōn čēgōn 87/11	ē sad ud haštād 321/9-11
ēdōn ku 87/22	ē sad ud panjāh 321/5-6
ēd rāy 55/16-58/20	ēstādāg 317/12
ēg 94/15	ēstēd 317/9-318/1
ēg-im 95/3	ēstēh 317/19
ēg-iš 94/23-195/7	ēstēnd 317/14
ēg-išān 95/2	ē-šān/avēšān 30/4
ēg-iz 94/20	ē-tāy 82/20
ē hazār 321/17	ēv 90/11
ē hazār ud šānzdah 322/4	ēvārag-gāh 90/20
ēmar 89/13	ēvāz 90/15
ēmēd 74/22	ēvak 93/18
ē-mōg 89/15	ēvak bār 92/1-93/20
ē-mōg dvārišnīh 89/16	ēvak bar 92/7
ēn 337/14	ēvak barān 92/12
ēn-iz 337/18	ēvak ēvak 91/20
ēraxt 87/23	ēvak-iz 93/3
	ēvak radag 92/18

ēvar 93/10	frāz barišn 136/14
ēvbār 91/2	frāz burd 136/13
ēvenag 94/7-10	frāz guft 136/16
ēvgad/ēbgad 85/22	frāz rasišnīh 136/18
ēvirišt 94/5	frāz ravēd 136/11
ēvkardag 92/14	frāz šavēd 136/22
ēvkardagīh 92/22	frāz vaxšēd 136/20
ēvkardagīhā 93/1	fradāg 127/9
ēvkardagtar 92/21	fradadafš 16/16
ēvtōg 91/8	fradum 127/11
ēvtum 91/10	fragard 135/18
ēy/ē 9/15	frahang 126/1
ēzm/esm 33/13-35/4	frajaft 128/2
ēzmdān 34/2	frajāmēnīd 127/19
F	frajāmēnīd hēm 127/2
farnbaḡ/farnbay 131/20	frajāmīg 127/16
farrah/x ^v arrah 187/21	frajāmīgtar 127/17
farrōx/farrax ^v 127/2	frajāmišn 127/14
frāgām 126/10	framān 130/3-14
frārōn 126/18	framān burdārīh 130/
frārōnīh 126/23	framāyēd 130/19
frārōn kunišnān 126/20	framāyēnd 131/1
frārōn mēnišn 126/21	framāyišn 131/2
frāy 126/6	framūd 131/4
frāyist 127/7	framūdan 131/6
frāz 136/4-8	franāmišn 131/14
frāz bandišn 33/2	frasang 129/1
	frasast 128/12

dandān frišn 340/1-3	dēbāg 313/9
dandān friš pōst 339/19	dēh/dih 242/10
dar 100/2-9	dēn 192/18
dard 320/7	dēn 188/17
dar ī dušax ^v 100/8	dēnāgāh 189/23
dargāh 321/14	dēn ahramōgīh 193/7
dar ī šāhgāh 100/6	dēn bandag 190/9
dar ī šahr 100/7	dēnbarān 190/5
dast 187/11	dēn burdār 108/14-190/7
dastōr 314/5	dēnīh 193/14
dastōrān 314/8	dēn radān 193/11
dastōrīh 314/10	dēr 182/13
dastōrīhā 314/14	dērang 185/9
dast šōy 187/19	dēr-zamān 183/13
dast šabīg 187/16	dēr zivād 183/15
dast šustan 187/18	dēr zivišnīh 183/17
dašn 316/17	dēv 196/1-205/5
dašt 315/10	dēvān 196/5
daštān 316/3	dēvār 190/2
daštānistān 316/9	dēvār(?) 233/17
datuš 309/19	dēv yazagīh 196/7
daxmag 29/8	dīd 31/18-177/10
daxšag 299/3	dīdan 181/1
day 193/4	dibīr 308/21
day-ba-mihr 193/9	did 153/4
day dādār ōhrmazd 193/12	didīgar 310/13
dazēd 312/3	dihbad 242/14
dazišn 311/22	dihbadān 242/16

dil 225/6	drust 339/9
dišt 313/11	drustīh 339/12
dō 149/13-307/9	druvāsp 336/15
dōān 327/6	druvand 324/15
dō hazār 307/20	druvandān 324/18
dōl 328/9-335/15	druvandīh 324/19
dōlmānag(?) 336/10	druj/druz 323/2
dōpaykar 329/12	druzān 323/5
dōsad 42/15	dūr 335/17
dōst 331/14	dubēzag 328/18
sōš 332/13	Duḡdāv 329/22-335/1
dōšēnd 334/18	du[m]bag 328/7
dōxt 334/19	dustrav 331/18
drāyān javišnīh 319/16	-duš 332/16
drāyīd 320/4	duš agah 332/19
drahm 341/19	dušax ^v 331/1
drahnāg 319/11-12	dušman 333/15
drahnā(y) 319/9	duš x ^v ārīh 333/4
drang 324/6	duvāsrūjīd 327/11
dranjēd 323/7	duxt 107/4
draxt 318/21	duz 330/7
driyōšān 324/12	duzd 330/10-15
drōd 203/8-322/15	duzdīd 331/2
drōg/drōḡ 220/3	duzdīdag 330/16
drōn 323/16	duzdīh 330/11
drōn ī sigānag 324/2	duzdīh kardan 330/1
drōzan 323/11	dužvār 330/13
drōzanīh 323/15	dvān[u]s 327/8

čašniḡ 157/4
 čašniḡ kardan 157/6
 čašt 156/19
 čaštag 156/13-157/1
 čahār 40/5-48/10-155/11
 cahārdah 304/12
 cahārdahum 156/4
 čahār pāyān 155/13
 čahārum 156/1
 čakar[zan] 158/13
 čambar 159/17
 čamišn 159/19
 čand 160/1
 čandēnēd 160/12
 čand-iš 195/11
 caraitiḡ 158/22
 čarag 159/14
 čarb 159/3
 čarbiḡ 159/13
 čarbišn 159/11
 čarbrūdiḡ 159/9
 čarbtar 159/6
 čašm 93/11-158/6
 čašmag 158/10
 čašm ī dašn 93/17
 čašm ī hōy 93/16
 čatrušūtak 158/1
 čē 246/19
 čēgōn/čiyōn 161/12
 čē gōvēd 247/15
 čē-hād 247/9
 čē-hēt 87/1
 čē-mān 247/13
 čē-mān handāxt 247/13
 čē-š 247/10
 cihr 62/19-160/13
 čihrāb 160/17
 čihrag(?) 160/20
 čikām-čē 161/8
 čim 161/11
 čimiḡtar 161/13
 cinišn 161/14
 čišān 158/3
 čiš-iz 250/13-19
 čitr-dād 161/2
D
 dād 294/3-295/0-6
 dād 295/2
 dādār 295/13
 dādārtar 295/17
 dādār ōhrmazd 295/16
 dādan 293/15
 dād ēstēd 294/4-7
 dādīh 297/2
 dādīhā 297/3

dādistan 189/6-295/18
 dādistan ōmandīh 295/20
 dādvar 296/2
 dādvarān 296/7
 dādvar ī drōzan 296/5
 dādvaratar 296/8
 dām 300/6
 dām dād 301/10
 -dān 301/17
 dānāḡ 301/19-302/9
 dānāḡān 301/21
 dānāḡtar 301/22
 dānē 78/21
 dānēd 78/22
 dānēm 78/19
 dānist 79/4
 dānistān 78/15
 dānist hēnd 79/6
 dānišn 302/5
 dānišnīḡīhā 302/14
 dāng 236/3-243/15-251/2
 dār 299/14
 dārād 307/1
 dārē 306/21-22
 dārēd 307/2
 dārēm 306/18
 dārēnd 307/7
 dārišn 299/18-306/10
 dārišnīh 299/20
 dāsr/dāsar 298/12
 dāsrān 298/16
 dāšt 298/17
 dāstan 299/1
 dāštārtar 298/23
 dāšt ēstēd 298/22
 dāyag 306/1
 dah 292/4
 dah 293/20
 dahād 293/21
 dahān 140/12
 dahēd 294/10
 dahēm 294/9
 dahēnd 294/13
 dah hazār 322/3
 dahīhist 294/19
 dahišn 294/15-299/5-305/20
 dahišnān 305/21
 dahišnīh 305/25
 dahišn ōmand 299/7
 dahlēz 293/2
 dahmān āfrīn 293/3
 dahyubad 306/4
 dahyubadān 306/8
 dandān 212/6
 dandān friš 339/18

bāzāy 97/4	bavandagih 110/16
bahr 96/9	bavandagtar 110/14
baḡ/bag/bay 101/7	bavēd 303/22
bayān 101/6	bavēh 303/20
baḡ baxt 101/16	bavēnd 303/18
baḡ yasn 99/18	bavišn 304/1
band 110/18	baxšišn 97/19
bandēd 33/6	baxt 97/10-11
bandēnd 33/4	Baxt Afrīd 97/14
bandišn 32/20	baxtārīh 96/5
bar 101/19-20	bē/be 105/10
barēd 186/6-10	bēd 111/19
barēnd 186/4	bēh 111/17
barišn 186/1	bē ka 105/18
barišnīh 104/6	bē kē 105/22
barōmand 102/21	bē mān 105/21
barōmandtar 102/22	bērōn 112/13
barsam/barsum 103/1	bē-š 105/20-195/8
barsum dān 103/7	bēšāz 112/4
barsum ī apādyāb 103/9	bēšāzīh 112/7
barsum ī 7 tīg 103/11	bēšāzišn 112/9
bast 100/8	bēšāzišnīh 112/11
bastag 100/20	bētōm 112/1
bastan 100/14	bīm 112/16
bast ēstēd 100/17	bīm ōmand 112/20
bavād 303/15	bōb 106/10
bavānd 303/17	bōtzētīh 107/1
bavandag 110/11	bōxt 105/23

bōxtan 106/5	bulandtar 109/6
bōxtēd 106/8	bun 109/20
bōxtišn 106/2	bun-iš 110/9-195/9
bōy 111/1-6	bun kardag 110/7
bōy ī pāk 111/5	burd 185/14
bōzēh 107/13	burdan 108/16
bōzišn 107/18	burdār 108/13
bōzišnīgtar 108/2	burīd 124/7
brād 102/9	burīdan 124/12
brašnūm 103/22	burīd ēstēd 124/9
brāzyāg 102/13	burrēd 124/16
brāzyāgtar 102/20	burrēnd 124/15
brēh/brāh 102/3	burrišn 108/20-124/
brēhēnēh 105/1	burz 108/7
brēhēnīd 105/3	burzēd 108/11
brēhēnīdan 104/19	buz 107/11
brēhēnīd ēstēd 105/5	buz-pāsm 107/14
brīdan 105/7	
brištāg 103/16	
būd 106/16-303/8	
būdan 107/8-303/4	
būd bavēd 303/13	
būd hēnd 106/20-303/11	
būdīh 303/25	
būm 109/8	
būšāsp 108/5	
buland 104/10-109/4	
buland gar 104/16	

č

čābuktar 156/9
čāh 155/4
čāhīg 156/7
čār 157/8
čārag 157/11
čārag kardan 157/13
čārūg 157/14
čāšīdag 157/3
čāšīšnīh 157/7

anōh/anōd 149/15	aršišvang 43/2
anōšag 75/16	aršišvang ī hucihhr 43/6
a-pādixšā 13/2	artēštār 41/14
a-pādixšā-tar 13/4	artēštārān 41/18
a-pādyāb 13/11	arz 277/18
apār/appār 14/2	arz 42/1
a-patētīh 17/8	arzānīgān 42/8
a-patūg 16/20	arzōmandīh 42/6
appar bavēd 14/7	arzōmandtar 42/4
appurd 24/9	arzūr 42/19
appurdag 24/12	asēm 34/8
appurdan 191/11	a-sēj 314/20-34/5
appurd ēstēd 24/11	asp 191/21
appured 191/10	aspur 30/16
aprēšam 23/3	asrōšdār 32/10
aprēšamēn 23/4	asrōšt 32/10
aprēšum 23/5	ast 30/20-31/3-9
ard 41/1	astag 31/3
ardavahišt 63/2	ast-ōmand 30/20
ardavahišt ī hučihhr 63/11	aš/axš 3/7
ardāy 41/6	ašavahišt 37/5
ardāy fravard 41/9	ašem 36/17
arduš 45/17	ašemvohūg 36/18-37/2
ardvisūr 46/5	aškōb 36/10
arm 44/1	aškumb 36/12
armāv/xarmā[v] 153/6	ašnavēd 37/13
arm ī dašn 44/2	ašnavišn 276/14
armišt 44/13	aštād 35/12

aštar 35/17	ayāb/ayā 91/4
aštar burdan 35/19	ayādēnišn 84/20
a-tarsāgāh 27/14	a-yōšdāhr/a-yōždāhr
a-tavānīg 27/17	a-yōšdāhrīh 91/17
avām 14/8	ayōxšust 93/5
avāmihā 14/12	az 12/1-247/16
a-vēnāg 81/13	azān 29/6
a-vēnēd 82/14	azabar 16/4
a-vēnišn 82/7	a-zarmān 21/19
avēzag dād 25/7	azēr 25/9
a-vināh 75/8	az-iš 21/1
a-vināhīh 75/11	ažidahāg 18/13
avistāg/abistāg 19/18	
avistāg zand 19/22	B
aviš 61/3	b 96/1
avištāb 67/7	bālāy 98/8
a-vizīdār 64/13	bālēn 98/13
a-vizīdār dahišn 305/23	bālēngāh 98/16
a-vizīdār dahišnān 64/18	bālišn 98/10
axš 93/13	bām 98/18
axtar 2/21	bāmdād 99/1
axtarīg 3/1	bāmīg 99/3
ax ^v 6/15	bāmīgtar 99/5
ax ^v ān 6/22	bān 99/15
a-x ^v ēškārīh 8/19	bār 98/2
a-x ^v ēškārīh 9/1	bāzā 97/6
a-x ^v ēškārīhā 9/3	bāzāg 96/13
ax ^v ī astōmand 6/19	bāzāgōztar 97/1

abō-bīm 25/2	afganēd 228/13
abō-dād 18/16-20/12	afganēnd 228/11
abō-gumān 20/12	afganišn 228/15
abō-mōzag 25/18	afrōxtan 21/21
abēr 25/12	afrōzēnd 22/9
abē-rāhīh 25/17	afrōzišn 22/6
abērtar 25/15	afsān 18/19
abē-vināh 26/5	afsāyēnd 19/2
abē-vināhīh 26/7	afsard 20/3
abēzag/avēzag 25/4	afsihēnīdārtar 19/5
abgandan/afgandan 228/6	afšēd/apšēd 21/5
abispārd 19/13	afšēd ēstēd 21/7
abispārdan 19/9	afzār/abzār 17/10
abispārēnd 19/14	afzāyēd 18/1
abistān/avistān 19/23	afzāyišn 17/13
abr/avr 11/7	afzōnīgīhā 18/4
abrāmōn 11/10	afzūn 17/19
abāb 23/18	agar 26/8
aburnāy 24/13	agar-š 26/12
aburnāyag 22/2	agar-šān 26/14
aburnāyagān 22/5	a-griftār 88/11
aburnāyīg 24/14-16	ahrāyīh/ahlāyīh 4/3
abzūdan/afzūdan 17/15	ahramōgīh 4/13
a-dād 84/3	ahrav/ahlav 5/2
a-dādīhā 84/5	ahravān 4/21
afarg/aparg 22/18	ahravdād/ahlavdād 5/16
afdum/abdum 26/1	ahravēn/ahlavēn 5/9
afgand ēstēd 228/10	ahravīh/ahlavīh 5/14

ahravtar/ahlavtar 5/12	an-āhōg 56/8
ahriman/ahrman 4/17	anār 59/3
ahrmōg 4/9	an-āsānīh 58/11
ahunvad/ahuvēd gāh 8/6	an-afsūdag 56/20
ahuvar/ahunavar 7/18	anayrān 80/11
ahyās 9/10	anbān 61/1
aivyāhanīh 85/14	anbār 60/17
aivyāng 86/5	anbrōd/t 61/8
akāmāy 38/18	and 77/1
akāmagīhā 39/3	and. .čand 77/3-78/
akār 38/14	andak 80/9
akārēnīdan 38/16	andar 188/5
aṛyāk 37/17	andar abāyēd 15/17
am 46/10	andarg 80/16
amāh/amāg 232/3	andar kār ēstēd 318
amāh hēm 74/5	andar ōftēd 62/12
amahraspand 48/14	andarōn 81/9-12
amahraspandān 48/21	andarvāy 81/3
a-mān 48/11	andar zamān 188/15
a-marg 51/15	andbālāy 77/6
amāvand x ^v āstan 49/5	andūdan 81/14
amihraspand 51/6	anē/ēnyā 93/21
amihraspandān 51/8	an-ēmēd 60/9
amšāspand 51/3	an-ērān 60/1
amurdād 52/20	angišt 79/18
an-āgāhīh 58/13	angiš ī afsard 79/
anāgīh 58/16	angōšīdag 82/4
anāgīh dēnīh 58/19	angust 82/1

āgāhīh 38/13	āpus 24/2
āgāh-tar 38/10	āpus bavēd 24/5
āgrift 88/16	āpustan 24/7
āgust 39/9	ān-iz 63/22
āgust ēstēd 39/14	ārāyēd 40/1
āhan/āhēn 7/13-34/17	ārd 210/1
āhandil 7/16	ārdag 41/20
āhanjīdan 64/10	ārzōg 42/12
āhanjišn 7/2	ārzōg ōmand tar 42/14
āhēnēn 35/2	āsān 30/6
āhēn ī dil 34/20	āsānīh 30/7-58/12
āhēn ī vidāxtag 34/21	āsāntar 30/9
āhēxt 64/11	āstarēd/āstarbrēd(?) 87/2
āhōg 56/9	āsarvan/āsrōn 32/15-18
ā-iz 12/6	āsarvaxšān(?) 260/14
āk/āy 38/1	āsmān 33/14-16
āk-dēn 38/3	āsnīt 34/12
āmār 48/5	āsnīt xrad 34/14
āmārēnēd 48/10	āsrōg 32/13
āmōn 6/7	āstvān 31/10
āmōxtārīh 52/2	āstvān būdan 31/14
āmōxtan 52/4	āstvānīh 31/16
āmōxtēd 52/8	ā-š 195/4
āmōzēd 52/10	āškārag 36/3
āmurzišn 52/16	āškāragīhā 36/5
āmurzišn x ^v āhēnd 111/16	ātašān 26/22
ān 55/1-163/11	ātaš ī ōhrmazd 27/2
-ān 75/4	ātaš ī vāzišt 27/8

ātaš ī vahrām 27/6	abāyišnīg 16/2
ātaxš/ātaš 26/16	abāz 223/20
āvarād 305/16	abāz āxēzēnd 220/11
āvardan 305/7	abāz āxēzēnēnd 9/8
āvarēd 225/13-305/2-13	abāz āyēnd 296/21
āvarēm 305/10	abāz bandēd 33/10
āvarēnd 305/14	abāz dārēm 306/19
āvārišn 305/17	abāz dārišnīh 224/2
āxēzēnd 220/10	299/21
āxēzēnēnd 9/5	abāz ēstēd 318/7
āyād 296/12	abāz kāhēd 208/4
āyaft 84/1	abāz kun 223/23
āyēnd 296/19	abāz nihēd 57/20
āyišn 297/1	abāz rēzēd 233/15
āz 29/3	abāz šudan 224/1
āzarak 23/1	abar 21/11-253/20

A

abāg 230/1	abar āmōzēd 52/14
abāgīh 13/18	abar barēd 186/14
abārīg 15/1	abar burd 185/16
abāxtar 12/13	abar dārišnīh 300/1
abāxtar rōn 232/8	abar kašīdan 212/5
abāyēd 15/10	abar mādag šudan 238
abāyēd dādan 15/23	abar mad 242/8
abāyēd kardan 15/24	abar nē yazišn 21/14
abāyēd šudan 15/21	abar nihēd 57/21
abāyist 15/26	abar ravēnd 226/1
	a-baxšīh 13/14
	abē- 24/19

Ā

ā 83/8	ābustanih 20/9
āb 12/9-251/8-252/22	āb zēh 155/9
ābād 12/19	āb zōhr 251/21
ābādānih 12/22	ādur/atur 27/19
ābādag 13/9	ādurbād i mārispand 28/7
ābād-tar 13/6	ādurbād i mārispandān
ābād-xīrih/hērih 13/7	28/4
ābān ⁽¹⁾ 14/14	ādurbād i zarduštān 28/9
ābān ⁽²⁾ 14/19	ādur farnbay 28/15
ābgēnag 20/11	ādur farnbay narsē 28/11
āb i cāh 251/18-19	ādur i burz 108/9
āb i ēstādag 251/23	āduristar 28/13
āb i vēh 251/20	ādur ōhrmazd 28/2
ābistan 20/6	āfrīn 23/8-24/17
āb ud gōmēz 251/16	āfrīn kunēh 23/12
ābus/āpus 24/2	āfrīn-tar 23/15
ābustan 24/7	āgāh 38/5-14